شاپا: ۲۶۴۱-۲۰۰۸

۴۶ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی - دوره دوازدهم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۹
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

پاندمی کرونا به‌مثابهٔ یک جنگ آشکار ـ نادیدنی
عباس منوچهری

بحران کرونا و بازاندیشی فرهنگی در ایران
نعمت‌اله فاضلی

فهم واقعیات و پیامدهای اجتماعی بحران کووید-۱۹ بر مبنای نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان
محسن شفیعی سیف‌آبادی، علی باقری دولت‌آبادی

فرهنگ دیجیتال و مطالعات بصری: نوستالژی و خیال‌بافی در رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران
حامد طاهری کیا

تعلیق، هراس و بازاندیشی: برداشت جوانان از زندگی اجتماعی در شرایط کرونایی
حسین افراسیابی، مریم بهارلوئی

غریبه‌های قریب: بررسی تجربه زیستهٔ دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا
سعیده سعیدی

آینده‌پژوهی تأثیرات بحران کووید-۱۹ بر آموزش عالی
غلامرضا ذاکرصالحی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بسم الله الرحمن الرحیم

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی | دوره دوازدهم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۹
امتیاز: ۳/۱۱/۱۴۵۲ کمیسیون نشریات وزارت عتف
۱۳۸۸/۰۹/۰۳

هیئت تحریریه

حسین ابراهیم‌آبادی، دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ **غلامعلی افروز**، استاد روانشناسی دانشگاه تهران؛ **اکارت اهلرز**، استاد جغرافیا دانشگاه بن؛ **مرتضی بحرانی**، دانشیار اندیشه سیاسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ **حسن حنفی**، استاد فلسفه دانشگاه قاهره؛ **هادی خانیکی**، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی؛ **داریوش رحمانیان**، دانشیار تاریخ دانشگاه تهران؛ **فرامرز رفیع‌پور**، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ **محمدتقی رهنمایی**، استاد جغرافیا دانشگاه تهران؛ **مقصود فراستخواه**، استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ **مایکل کوك**، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه پرینستون؛ **رضا ماحوزی**، دانشیار فلسفه علم پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ **فتح‌الله مجتبایی**، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران؛ **مصطفی محقق داماد**، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ **محمدعلی مظاهری**، استاد روانشناسی دانشگاه شهیدبهشتی؛ **حسین میرزایی**، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران؛ **محمدهادی زاهدی‌وفا**، دانشیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)؛ **عباس منوچهری**، استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

داوران این شماره

حسین ابراهیم‌آبادی، دانشیار علوم تربیتی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ **حسن بشیر**، استاد جامعه‌شناسی ارتباطات بین‌الملل، دانشگاه امام صادق؛ **علی خورسندی طاسکوه**، استادیار برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی؛ **رضا صمیم**، استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ **سیدمحسن علوی‌پور**، استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس؛ **نعمت‌اله فاضلی**، استاد انسان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ **مقصود فراستخواه**، استاد آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ **مصطفی مهرآئین**، استادیار جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، **حسین میرزایی**، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

کارشناس فصلنامه: مهناز شاه‌علی‌زاده
ویراستار فارسی: سمیه صالح‌نیا
صفحه‌آرا: سعید عباسی
ویراستار انگلیسی: اعظم کهنی

مقالات منتشرشده در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان آن است و ضرورتاً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

دریافت مقاله صرفاً از طریق سایت (www.isih.ir) امکان‌پذیر است.

پایگاه‌های نمایه‌کننده

ISC | SID | magiran | Noor Specialized Magazines Website noormags | CIVILICA
DOAJ DIRECTORY OF OPEN ACCESS JOURNALS | Academic Resource Index ResearchBib | COPE Committee on Publication Ethics | ResearchGate | Google Scholar

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن‌نژاد (گلستان یکم) شماره ۱۲۴
تلفن: ۲۲۵۷۰۷۱۹ / پست الکترونیکی: info@isih.ir / وبگاه: www.isih.ir

قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مدیر مسئول
حسین میرزایی

سردبیر
محمود مهرمحمدی

سردبیر میهمان
نعمت‌الله فاضلی

شیوه‌نامه نگارش و شرایط پذیرش مقاله

۱. مقاله، میان‌رشته‌ای و دارای ویژگی‌های پژوهشی باشد و میان‌رشتگی، در چکیده و متن مقاله به‌خوبی تبیین و توضیح داده شود؛

۲. در راستای اولویت‌های پژوهشی فصلنامه باشد و پیش‌تر در نشریه‌های داخلی و خارجی یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده یا به‌طور همزمان برای انتشار به جایی دیگر واگذار نشده باشند؛

۳. نثر مقاله و شیوایی نگارش از جمله معیارهای مهم داوری مقاله است.

۴. چکیده فارسی و انگلیسی مقاله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه باشد که در آن خلاصه‌ای از موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین یافته‌های مقاله قید شود.

۵. کل مقاله بین ۶هزار تا ۹ هزار کلمه باشد و دارای نوآوری باشد.

۶. مشخصات نویسندگان به این ترتیب ذکر شود: مرتبه علمی، رشته تحصیلی، گروه، دانشکده، دانشگاه و یا سازمان (پژوهشکده، پژوهشگاه) و پست الکترونیکی آکادمیک.

۷. معادل غیرفارسی اسامی و مفاهیم مهم در پاورقی هر صفحه آورده شود.

۸. ارجاعات درون متنی به صورت (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) نگارش شود. برای مثال: (علوی و عبداللهزاده، ۲۰۰۳، ۲۵).

۹. تهیه چکیده گسترده به زبان انگلیسی برای مقاله‌های پذیرفته شده ضروری است.

۱۰. مقاله دارای فهرست منابع و مأخذ مستند و کامل و اطلاعات کتاب‌شناختی معتبر باشند و به سبک APA نگارش شود؛ برخی موارد در ذیل آمده است. برای دریافت کامل شیوه‌نامه به سایت مراجعه نمایید.

کتاب	الگوی کلی: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار). *عنوان کتاب* (شماره چاپ). محل انتشار: نام انتشارات.
	آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی* (چاپ اول). تهران: انتشارات علمی _ فرهنگی. Morreale, S. P., Spitzberg, B. H., & Barge, J. K. (2007). Human communication: Motivation, knowledge and skills (2nd ed). Belmont, CA: Thonson Wadsworth.
مقاله در نشریه	الگوی کلی: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. *نام نشریه*. دوره یا سال (شماره)، صفحه.
	ایمان، محمدتقی (۱۳۸۰). نقد روش‌های کمی و لزوم توجه به روش‌های کیفی در پژوهش رسانه‌ها در ایران. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۶(۲)، ۱۴۷-۱۳۱. Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. *International Journal of Epidemiology*, 35, 1119-1122.
مقاله در کنفرانس	الگوی کلی: نام‌خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. نام و نام‌خانوادگی (ویراستار)، *نام اثری که مقاله در آن چاپ شده است*. مقاله منتشر شده در عنوان کنفرانس، محل برگزاری (صفحه آغاز - صفحه پایان). محل نشر: نام ناشر.
	جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰). تولید علم ایران. در محمدصادق حسینی (ویراستار)، *مجموعه مقالات علم در ایران*. مقاله منتشرشده در کنفرانس علوم اجتماعی ایران، تالار قدس (صص۲۸-۲۵). تهران: انجمن جیحون. Rowling, L. (1993, September). Schools and grief: how does Australia compare to the United States. In Wandarna coowar: Hidden grief. paper presented at the proeedings of the 8th National Conference of the National Association for Loss and Grief (Australia). Yeppoon, Queensland (pp. 196-201). Turramurra, NSW: National Association for Loss and Grief.
پایان نامه	الگوی کلی: نام‌خانوادگی نویسنده، نام (تاریخ). عنوان پایان‌نامه (پایان‌نامه منتشرنشده ...). دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور.
	جهانگشای رضایی، مصطفی (۱۳۸۴). *طراحی و بکارگیری نرم افزار ارزیابی عملکرد واحدهای خودروسازی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران، ایران. Kassover, A. (1987). Treatment of abusive males: Voluntary vs. court-mandated referrals (Unpublished doctoral dissertation). Nova University, Fort Lauderdale, FL.

۱۰. دریافت مقاله به صورت الکترونیکی و از طریق سایت www.isih.ir می‌باشد.

۱۱. مقاله‌های ارسالی مورد ارزیابی داوران تعیین‌شده از طرف هیئت تحریریه قرار خواهند گرفت و پذیرش نهایی آنها منوط به تأیید هیئت تحریریه است؛

۱۲. مسئولیت مطالب، نظریات و اطلاعات ارائه شده در مقاله‌ها و صحت و سقم آنها برعهده مؤلف یا مؤلفان است.

فهرست مقالات

یادداشت سردبیر / ۱

پیش‌گفتار سردبیر میهمان: کرونا، مسئله‌ای میان‌رشته‌ای / ۳

پاندمی کرونا به‌مثابهٔ یک جنگ آشکار ــ نادیدنی
عباس منوچهری / ۹

بحران کرونا و بازاندیشی فرهنگی در ایران
نعمت‌اله فاضلی / ۲۷

فهم واقعیات و پیامدهای اجتماعی بحران کووید-۱۹ بر مبنای نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان
محسن شفیعی سیف‌آبادی، علی باقری دولت‌آبادی / ۵۵

فرهنگ دیجیتال و مطالعات بصری: نوستالژی و خیال‌بافی در رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران
حامد طاهری‌کیا / ۹۱

تعلیق، هراس و بازاندیشی: برداشت جوانان از زندگی اجتماعی در شرایط کرونایی
حسین افراسیابی، مریم بهارلوئی / ۱۲۳

غریبه‌های قریب: بررسی تجربه زیستهٔ دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا
سعیده سعیدی / ۱۴۵

آینده‌پژوهی تأثیرات بحران کووید-۱۹ بر آموزش عالی
غلامرضا ذاکرصالحی / ۱۸۱

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۲-۱، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۹). یادداشت سردبیر. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۲(۲)، ۲-۱. doi: 10.22035/ISIH.2020.344

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_344.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.344

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

یادداشت سردبیر

محمود مهرمحمدی

شاید در چند دهه اخیر، جهان اتفاقی تلخ‌تر، دلهره‌آورتر و مرگ‌بارتر از شیوع ویروس کرونا (کووید-۱۹) را تجربه نکرده باشد. این پدیدهٔ پاندمیک، از سوی دیگر، آثار مثبتی را نیز در زندگی انسان‌ها از خود به‌جای گذاشته است؛ بنابراین نباید آن را به‌طور کامل تهدید، ضایعه و فاجعه ارزیابی کرد. همین‌که این دو روی پدیده مورد تصدیق قرار گرفت، پای واکاوی‌های دانش‌پژوهانه به عرصهٔ باز می‌شود. کلان‌پرسشی که در این نظرورزی‌ها باید در کانون توجه قرار گیرد این است که کووید-۱۹ چه آثار مخرب و چه آثار سازنده‌ای را برای بشر به‌همراه داشته است یا چگونه زیست بشر را در این دو جهت تحت‌تأثیر قرار داده و خواهد داد.

از سوی دیگر، دامنه تأثیرگذاری این پدیده چنان وسیع است که متفکران و صاحبان اندیشه در طیف وسیعی از حوزه‌های معرفتی را به خود مشغول کرده و در ادامه هم خواهد کرد. به دیگر سخن، کلان‌پرسش مورد اشاره باید به پرسش‌های خاص و موردی در حوزه‌های معرفتی گوناگون ترجمه شود تا به کنش‌های مطالعاتی آن حوزه جهت دهد. وقتی سخن از حوزه‌های دانشی متنوع به میان می‌آید که ربطی میان آنها و پدیدهٔ پاندمی کرونا برقرار است، در درجهٔ نخست رشته‌هایی مانند آموزش (اعم از عمومی و عالی)، اقتصاد و روان‌شناسی و سلامت روان ممکن است به ذهن خطور کند. اما قطعاً دامنه ربط بسیار وسیع‌تر و جدی‌تر است و از جمله حوزه‌های الهیات، فلسفه، جامعه‌شناسی، حقوق و حتی سیاست و روابط بین‌الملل را دربرمی‌گیرد. جالب این که شمارهٔ بهار ۱۳۹۹ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای، یعنی اولین شماره از دو شماره مستقلی است که به این موضوع اختصاص داده شده است، زمانی

۱. استاد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
mehrmohammadimahmoud@gmail.com

به چاپ می‌رسد که جهان شاهد التهابات سیاسی در ایالات متحدهٔ امریکا در پیوند با انتخابات ریاست‌جمهوری است. برای نمونه، از ربط پاندمی کرونا به عرصهٔ سیاسی اگر بخواهیم مثالی بزنیم، بهترین و تازه‌ترین و شاید مهم‌ترین آن در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا نمایان باشد. شکست ترامپ و پایین کشیده‌شدن او از اریکه قدرت به عقیدهٔ بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران تحت تأثیر نوع مواجهه او با مدیریت پدیده کرونا نیز بوده است. به عبارت دیگر، مدیریت موفق و منجر به مرگ‌ومیر کمتر این پدیده می‌توانست شانس او برای انتخاب مجدد را به شکل قابل‌توجهی افزایش دهد. رقبای سیاسی او بر این طبل با صدای هرچه بلندتر کوبیدند و شاید ضعف او را در مدیریت این شرایط بیش از آنچه بود هم جلوه دادند و میوهٔ آن را که دستیابی به قدرت بود نیز چیدند.

در عرصهٔ روابط بین‌الملل هم شرایط حادث شده در اثر شیوع کرونا فرضیه‌های گوناگونی اعم از فراهم آمدن بستری برای اتفاقات مثبت، همدلانه و عدالت‌خواهانه از یک‌سو یا اتفاقات از نوع سلطه و تهدید کننده مقاصد صلح‌طلبانه از سوی دیگر را به ذهن متبادر می کند که همه آنها مستحق عطف توجه پژوهشی توسط پژوهشگران این عرصه است.

به هر روی، باید اذعان کنم پاندمی کرونا برای فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فرصت و موقعیت مسئله‌دار نابی را فراهم ساخت تا صاحبان اندیشه در عرصه های مختلف معرفتی را به تأمل و نگارش مقاله در این زمینه بکر و البته میان رشته ای دعوت کنیم. همچنان که اشاره شد ما با اختصاص دو شماره ویژه به این مقوله مجله را به یکی از بسترهایی در کشور تبدیل کردیم که به اندازه وسع و توان می کوشید میزبان تلاش های اندیشه ورزانه در جهت پاسخگویی به یکی از نیازهای مبرم جامعه باشد. خوشبختانه این تصمیم با استقبال قابل توجه جامعه علمی مواجه شد و بدین ترتیب منابع در خور اعتنایی فراهم آمد که پیشکش مخاطبان فرهیخته مجله شده است. این دستاورد در درجه نخست مرهون سیاست های بخردانه ای بود که هیات تحریریه فصلنامه اتخاذ کرد. سپس باید از استاد گرامی جناب آقای دکتر نعمت الله فاضلی تشکر کرد که دعوت هیات تحریریه برای پذیرش مسئولیت سردبیر میهمان این شماره ها را پذیرفت و با کفایت و کارایی کار را به سرمنزل مقصود رساند. امید است این مجموعه بتواند به سهم خود ذخائر دانایی کشور را به نظام سیاستگذاری و تصمیم گیری در سطوح مختلف نیز مرتبط ساخته و به افزایش عیار عقلانی و اثربخشی آن ها یاری رساند.

دوره ۱۲، شماره ۲
بهار ۱۳۹۹
پیاپی ۴۶

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۷-۳، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۹). کرونا، مسئله‌ای میان‌رشته‌ای [پیش‌گفتار سردبیر]. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۲(۲)، ۷-۳. doi: 10.22035/isih.2020.343

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_343.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.343

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

پیش‌گفتار سردبیر میهمان:

کرونا مسئله‌ای میان‌رشته‌ای

نعمت‌اله فاضلی[۱]

بحران کرونا از اواخر بهمن ۱۳۹۸ وارد ایران شد و در آن روزها گمان می‌رفت که این ویروس نمی‌تواند ماندگار باشد و به زودی یا دارو و واکسن آن ساخته می‌شود یا به هر طریقی دوام نمی‌یابد. اما اکنون وضعیت تغییر کرده است و کم‌کم از این سخن می‌رود که باید بیاموزیم که چگونه با جهان ویروسی‌شده زندگی کنیم. جهان چندین دهه است که درگیر ویروس‌هاست؛ حداقل از سال‌های ۱۹۸۰ که ایدز در جهان ظاهر شد و سپس در سال‌های ۲۰۰۰ و بعد از آن که ویروس‌های سارس، ابولا و زیکا آمدند، همواره این هشدار به ساکنان زمین داده می‌شد که توازن روابط میان انسان و طبیعت برهم خورده است و یکی از پیامدهای این وضعیت، ویروسی‌شدن جهان انسانی است (کِک، ۲۰۲۰). اکنون هم می‌توان انتظار داشت که حتی درصورت ساخته‌شدن دارو و واکسن کووید-۱۹، همچنان ویروس‌های دیگر ظاهر شوند. در چنین وضعیتی بشر برای زیست‌پذیر کردن حیات چیزی جز به خدمت گرفتن علم در اختیار ندارد. این علم نه تنها علوم پزشکی، علوم طبیعی و مهندسی، بلکه شامل علوم انسانی و اجتماعی نیز می‌شود. اما این نکته امری بدیهی نیست و پذیرفتن آن نیز برای همگان آسان نمی‌باشد.

در جای دیگری برای توضیح جایگاه علم انسانی و اجتماعی در موقعیت‌های بحران مانند بحران کرونا توضیح داده‌ام که «با شیوع بیماری عالم‌گیر ویروس کرونا، یک بار دیگر اهمیت علم‌وفنّاوری در کانون توجه انسان قرار گرفت. همه دیده‌ها و امیدها اکنون متوجه تحقیقات علوم طبیعی، زیست‌شناسی، مطالعات داروی و پزشکی است تا داروی مبارزه با ویروس کووید-۱۹ شناخته و ساخته شود. همچنین همه گوش‌ها

۱. استاد انسان‌شناسی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

n.fazeli@ihcs.ac.ir

آماده شنیدن فرمان‌های بهداشتی و پزشکی متخصصان و نهادهای بهداشتی و پزشکی است. در این موقعیت علم انسانی و اجتماعی چه جایگاهی دارد؟ آیا چشم‌ها و گوش‌ها به متخصصان علم انسانی و اجتماعی هم توجه می‌کنند؟ جوامع گوناگون چه نگرشی به علم انسانی و اجتماعی دارند و از این دانش‌ها چه انتظاری می‌توان داشت؟ پاسخ این پرسش‌ها ساده و سر راست نیست. ما محققان انسانی و اجتماعی راه طولانی داریم تا به جامعه نشان دهیم که علوم انسانی واقعا انسانی هستند و برای بهبود وضعیت انسان شکل گرفته‌اند. بحران کرونا فرصتی شد تا در ایران محققان علوم انسانی و اجتماعی به کمک جامعه بیایند و هم به صورت کنشگران اجتماعی در مدیریت بحران کوشش کنند و هم از طریق خلق و ترویج دانش، امکانی برای فهم‌پذیرکردن این بحران در موقعیت ایران فراهم سازند و در گفت‌وگوهای اجتماعی فعالانه شرکت کنند (فاضلی ۱۳۹۹). شرح این تحولات نیازمند مطالعه‌ای مستقل است و در اینجا صرفاً به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌کنم.

بحران کرونا ضرورت مشارکت بیشتر دانشگاهیان و علم برای سامان بخشیدن و بهبود وضعیت و مدیریت بحران‌ها را ایجاد کرد. این ضرورت را دانشگاهیان ایران نیز درک کردند و در کتاب «جستارهایی در آموزش عالی, علم و بحران کرونا در ایران» (میرزایی، ۱۳۹۹) که در تیر ماه ۱۳۹۹ منتشر شد بیان کرده و به آن اذعان نمودند.

در کمتر از چهار ماه بعد از شروع بحران، اهمیت اجتماعی و مسئولت علم و دانشگاه بیش از گذشته برای ما آشکار گردید. این اهمیت و مسئولیت نه تنها در زمینه علوم پزشکی و اپیدمولوژی بلکه شامل علوم انسانی و اجتماعی نیز می‌شد. در نتیجه، محققان علوم انسانی و اجتماعی در این ماه ها تعداد پرشماری کتاب‌ها و مقالات نوشته و منتشر کردند (سلگی و همکاران ۱۳۹۹؛ همایون و همکاران ۱۳۹۹). درعین‌حال، تعداد پرشماری از دانشگاهیان از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام مشغول گفت‌وگوی جمعی بودند و فضای فکری و فرهنگی جامعه ایران به کمک همین گفت‌وگوها تاب‌آوری دربرابر بحران را تجربه می‌کرد. در این فضای مجازی، شکلی از علوم انسانی و اجتماعی دیجیتال ظاهر شد که تولید و کاربست دانش را به‌طور همزمان می‌شد مشاهد کرد. این که دانشگاهیان چه میزان گردش اطلاعات و با چه کیفیتی گفت‌وگوهای جمعی که در موقعیت کرونایی را انجام و سامان دادند موضوعی است که هنوز مطالعه نشده و شاید تا پایان بحران باید منتظر باشیم و ببینیم که پایان کار چه خواهد شد، اما چیزی که تا این لحظه آشکار است، دانشجویان و استادان در دانش‌های انسانی و اجتماعی توانسته‌اند نشان دهند که این دانش‌ها می‌توانند در بحران‌ها و موقعیت‌های بحرانی نیروی مهم و ضروری باشند.

یکی از نتایج مشارکت دانشگاهیان در مدیریت بحران کرونا این بود که این بحران همچون مسئله ای میان/فارشته‌ای خود را آشکار کرد. کم‌وبیش تمام رشته‌ها و شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی از فلسفه، ادبیات و تاریخ گرفته تا جامعه‌شناسی، علوم

دوره ۱۲، شماره ۲
بهار ۱۳۹۹
پیاپی ۴۶

سیاسی، اقتصاد، مدیریت، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم تربیتی، مطالعات آموزش و برنامه درسی، جغرافیا، ارتباطات، زبان‌شناسی و جمعیت‌شناسی و دیگر رشته‌ها فعالانه در زمینه بحران کرونا به خلق و ترویج دانش پرداختند. تا جایی که می‌دانم و اطلاع دارم محققان علوم انسانی و اجتماعی ایران در هیچ‌یک از بحران ها به این گستردگی و سرعت مشارکت نکرده‌اند.

فارغ از این که بخواهیم به ستایش عملکرد دانشگاهیان بپردازیم، نکته مهم این است که مروری بر گفتمان شکل گرفته حول این بحران، آشکار شدن اهمیت و معنای رویکرد میان/فرارشته‌ای در جامعه ماست. آلن ریکو در کتاب «پژوهش میان‌رشته‌ای» در تعریف این رویکرد می‌نویسد: «مطالعات میان‌رشته‌ای عبارت است از فرایند پاسخگویی به یک پرسش، حل مسئله، یا مواجهه با یک موضوع که آنقدر گسترده و یا پیچیده است که رشته علمی یا متخصص واحد نمی‌تواند به‌تنهایی با آن مواجه شود و در نتیجه از رشته‌های علمی متعدد کمک گرفته می‌شود و دیدگاه‌های رشته‌های مختلف را از طریق تشکیل یک دیدگاه جامع‌تر تلفیق می‌کند» (ریکو، ۱۳۹۴، ۲۷). بحران کرونا تمامی ویژگی‌های بیان شده در این تعریف را دارد. مدیریت این بحران نیازمند اقتصاددان، جامعه‌شناس، مورخ، انسان‌شناس، متخصص مطالعات آموزش، زبان‌شناس و دیگر تخصص‌های علوم انسانی و اجتماعی در کنار متخصصین پزشکی، بهداشتی و اپیدمولوژی است.

پیدایش گسترش تفکر و پژوهش میان‌رشته‌ای در جهان نیز محصول همین بحران‌هایی است که از نیمه قرن بیستم جامعه انسانی با آن روبرو شد و دانش‌های رشته‌ای از عهده مواجهه با آنها برنیامدند. همان‌طور که یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: «در اواخر دهه ۱۹۶۰ و طی دهه هفتاد، در فضای مجادلات درباره گسل‌های فناوری، پیش بینی فناوری و حفاظت از محیط زیست، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی گفت‌وگوی جدیدی را درباره میان رشتگی پیش کشید» (وینگارت، ۱۳۹۸، ۵۳).

با در نظر گرفتن این واقعیت، «فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی» تصمیم گرفت که شماره‌ای را به موضوع بحران کرونا در ایران اختصاص دهد. با توجه به این که در دوران کرونا به‌طور فعال در این زمینه می‌نوشتم و از طریق فضاهای مجازی و وبینارها و مطبوعات و رسانه‌ها نوشته‌های کرونایی‌ام را منتشر می‌کردم، مسئولان این فصلنامه از من دعوت کردند که به‌عنوان دبیر ویژهٔ این شماره فعالیت کنم. در تیر ماه که این پیشنهاد مطرح شد تردید داشتم که تحقیقات تجربی و نظام‌مند کافی و ارزشمند برای تهیه یک شماره فصلنامه علمی-پژوهشی مهیّا شود. اما خوشبختانه مجموعهٔ ارزشمندی از مقالات از بسیاری از رشته‌ها به فصلنامه وصول شد و توانستیم با مشارکت فعال و صمیمانه داوران، این مقالات را ارزیابی کنیم. تعداد مقالات رسیده به مجله و پذیرفته‌شده بیشتر از یک شماره شد و در نتیجه در دو شماره فصلنامه چاپ می‌شوند. این مجموعه مقالات نه‌تنها هر مقاله به تنهایی بیان‌کننده ماهیت میان‌رشته‌ای بحران کروناست، بلکه مجموعه آنها در کنار هم نیز توضیح روشنی

از اهمیت و جایگاه رویکرد میان‌رشته‌ای در زمینه فهم‌پذیر کردن و کاربرد گسترده آن در مواجهه با بحران ها و مسئله‌های در حال ظهور و پیچیده زمانه اکنون ما.

دستاوردهای گسترش رویکرد میان‌رشته‌ای به بحران کرونا می‌تواند پرسش مهمی برای جامعه ما باشد. بسیاری ممکن است همچنان خلق و انتشار متن‌ها و مقالات دانشگاهی و علمی در هر زمینه‌ای از جمله بحران کرونا را کاری بیهوده یا فاقد ارزش عینی و عملی بدانند، زیرا اغلب این نگاه انتقادی و بدبینانه در جامعه ما نسبت به فعالیت‌های پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی وجود دارد. اما آیا می‌توان پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را نیز مانند دیگر پژوهش‌ها فاقد ارزش عینی و عملی دانست؟ واقعیت تلخ این است که میزان و ضریب اثربخشی دانش در جامعه ما ناچیز است. ازاین‌رو، گمان نمی‌کنم تا تغییر فضا و فرهنگ حاکم بر نظام حکمرانی کشور بتوان امیدوار این پژوهش‌ها بتوانند مستقیماً و فوری در نظام حکمرانی کشور اثر واقعی و تعیین‌کننده بگذارد.

درعین‌حال، این داستان را می‌توان از منظر دیگری نیز نگریست. پژوهش‌های میان/فرارشته‌ای مسئله محور می‌توانند بر فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها اثرگذار باشند، زیرا این پژوهش‌ها چشم‌اندازهای تازه‌ای از نظر ایفای مسئولیت علم‌ودانشگاه ایجاد می‌کنند و می‌توانند نشان دهند که چگونه دانش قابلیت درگیرشدن با مسئله‌های جدی و واقعیت‌های پردردسر جامعه را دارد. مقالات این شماره فصلنامه افق‌های تازه‌ای برای فهم‌پذیرکردن ابعاد فرهنگی و اجتماعی مسئله کرونا در جامعه ایران را ارائه می‌کنند. این افق‌های تازه دلالت‌هایی برای حوزه عمومی، فضای فکری و هم نظام حکمرانی و مدیریت بحران دارد.

نکته مهم دیگر درباره اثربخشی این فعالیت‌های پژوهشی میان‌رشته‌ای، زبان‌بخشی و معنادار ساختن بحران کرونا در فضای زیسته جامعه ایران است. بحران کرونا، بحران جهانی است که همه کشورها کم‌وبیش درگیر آن هستند، اما شیوه مواجهه با این بحران و پیامدها و اثرات آن بر کشورها مشابه هم نیست و هر کشوری متناسب با ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود، این بحران را به‌گونه خاص تجربه می‌کند. مقالات این شماره فصلنامه روایتی از تجربه ایرانی کروناست. این روایت نه تنها می‌تواند یا ممکن است سهمی در مدیریت بحران ایفا کند، بلکه می‌تواند سندی تاریخی از این بحران در ایران باشد که در دهه‌ها و سده‌های آینده بخشی از حافظه فرهنگی ما در موقعیت‌های بحران باشد.

نویسندگان این مقالات و به‌طورکلی همه کسانی که تلاش کرده و می‌کنند تا راوی این بحران باشند، تجربه جامعه ایران را مکتوب و مستند می‌سازند و از طریق تحلیل‌ها و توصیف‌هایشان زبان ویژه‌ای برای توضیح و توصیف جامعه ایران و ذهنیت جمعی ما در موقعیت بحران خلق می‌کنند. از آنجا که این روایت‌ها و زبان به کمک و در پرتو زبان دانشگاهی شکل گرفته است، تا حدودی از اعتبار و استدلال‌های محکم و ماندگارتری برخوردارند. ما به کمک این زبان می‌توانیم اکنون گفت‌وگوی جمعی بهتری را ممکن سازیم و در عین‌حال نسل‌های آینده نیز می‌توانند از تجربه‌های روایت و تحلیل شده امروز ما برخوردار شوند.

دوره ۱۲، شماره ۲
بهار ۱۳۹۹
پیاپی ۴۶

البته ارتقاء اثربخشی همه دانش‌ها بستگی به عوامل متعددی دارد که موضوع سخن من در اینجا نیست؛ تنها چیزی که شایسته است آن را یادآوری کنیم این است که اگر دانشگاهیان مسئولیت اجتماعی خود برای مشارکت در مدیریت بحران‌ها را پذیرفته‌اند و در خلق و انتشار پژوهش‌ها نیروی خود را صرف کرده‌اند، لازم است برای ترویج دانش و کمک به افزودن بهره‌وری‌های آن نیز بکوشند. نقد و معرفی پژوهش‌ها و مقالات یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدام‌ها برای ارتقاء اثربخشی دانش است.

امیدوارم مجموعه مقالات حاضر و دیگر متون در زمینه بحران کرونا توجه محققان و فرهیختگان دانشگاهی را معطوف به خود سازد و آنها را به خواندن و نقد این متون ترغیب نماید. مقالات این شماره حاوی ایده‌هایی است که می‌تواند هم در حوزه عمومی، هم در نظام حکمرانی سودمند باشد. شاید ما دانشگاهیان لازم باشد که این ایده‌ها را برای سازمان‌ها و نهادهای درگیر در مدیریت بحران نیز معرفی و بازگو کنیم.

در پایان بدون این که بخواهم مطابق عرف مرسوم تعارف کرده باشم باید قدردانی و تشکر صمیمانه کنم از همه محققانی که با احساس تعهد و دلسوزی مقاله نوشتند و همه داوران عزیز که با سرعت مقالات را ارزیابی کردند. همه می‌دانیم که در موقعیت دشوار کرونا هستیم و انجام پژوهش و نوشتن و اندیشیدن، کاری بسیار سخت است. از این رو، ارزش فعالیت‌های همکاران دانشگاهی که در این فصلنامه مشارکت کردند بسیار ستودنی است.

منابع

رپکو، آلن (۱۳۹۴). *پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و عمل* (مترجم: محسن علوی‌پور، مجید کرمی، هدایت‌الله اعتمادی‌زاده دریکوندی و علی‌اکبر نورعلیوند). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

وینگارت، پیتر (۱۳۹۸). تاریخچه شکل‌گیری دانش (مترجم: مرتضی بحرانی و مینا جزایری). در قاسم درزی، *دستنامه میان‌رشتگی آکسفورد*. رابرت فرودمن، جولی تامپسون کلاین و کارل میچام. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

میرزایی، حسین (۱۳۹۹). *جستارهای در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سلگی، محمد؛ مطلبی، داریوش؛ و اسماعیل غلامی‌پور (۱۳۹۹). کرونا و جامعه ایران: سویه‌های فرهنگی و اجتماعی (مجموعه مقالات). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۹). *فرهنگ و فاجعه: جستارهای انسان‌شناختی درباره مصائب جمعی در ایران*. تهران: انتشارات فرهامه و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همایون، محمدهادی، رضا بنی‌اسد و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹). *آزمون کرونا، دیدگاه‌ها و راهبردها*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

کک، فردریک (۲۰۲۰). خفاش‌ها و آدم‌ها: سیاست‌های همه‌گیری و ویروس جدید کرونا. مصاحبه با فردریک کک. رادیو زمانه. ۱۹ فروردین ۱۳۹۹. https://www.radiozamaneh.com/497855

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۲۶-۹، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

منوچهری، عباس (۱۳۹۹). پاندمی کرونا به‌مثابهٔ یک جنگ آشکار ـ نادیدنی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۲۶-۹. doi: 10.22035/ISIH.2020.4070.4147

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_337.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.4070.4147

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

پاندمی کرونا به‌مثابهٔ یک جنگ آشکار ـ نادیدنی*

عباس منوچهری[۱]

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۱؛ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

با سرعت انتشار بی‌سابقه و تداوم غیرقابل‌تصور در به‌چالش‌کشیدن تعاملات کوچک و کلان انسانی، ویروس کوید-۱۹ اکنون به دغدغه‌ای مهم برای متخصصان و همچنین مردم عادی در سراسر جهان تبدیل شده است. ویروس کرونا نه‌تنها سلامت انسان‌ها را به خطر انداخته، بلکه حتی زیست‌جهان انسانی را مختل کرده است. فواصل زمانی وقوع پاندمی‌ها در حال کاهش است و درعین‌حال، هر بار بر شدت و قدرت ویرانگری هر پاندمی جدید افزوده می‌شود. این بدان معناست که عالم بشری تنها از طریق ویروسی مشخص تهدید نمی‌شود، بلکه در حال تجربهٔ روند ویرانگر پاندمی‌های تشدیدشونده است. این مقاله تلاش دارد تا با این پدیده از منظری میان‌رشته‌ای مواجه شود. آنچه در اینجا ادعا شده این است که پرسش‌ها فقط زمانی پاسخ‌های مقتضی را خواهند گرفت که به واقعیات مربوط به منشأ این ویروس توجه شود. ویروس کرونا معلول علت یا علل معینی نیست، بلکه در بطن عالم زندگانی بشر، که شامل «طبیعت» هم می‌شود، نشانه‌ای است که بر اختلالی قابل‌توجه، اما اغلب نادیده‌گرفته‌شده، در عالم انسانی دلالت دارد. در عالمیت تکنیکی‌شدهٔ دوران مدرن جنگ‌افزار تکنولوژیکی منشأ پاندمی‌ها و ویروس‌هاست. به عبارت‌دیگر، در جهان تکنولوژیکی هم طبیعت و هم زیست‌جهان انسانی به‌نحوی نظام‌مند تخریب و مختل شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، پاندمی، پدیدارشناسی، تفکر محاسبه‌ای، دیستوپیا، هایدگر، هوسرل، هربرت مارکوزه

---

* اصل این مقاله به زبان انگلیسی نوشته شده است که در همین مجله به‌طور همزمان با ترجمه فارسی چاپ می‌شود. ترجمه مقاله به فارسی با همکاری خانم دکتر الهام حبیبی انجام شده است که نگارنده از ایشان سپاسگزار است.

۱. استاد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

✉ manoocha@modares.ac.ir

۱. مقدمه

پرسش‌هایی که دربارهٔ ویروس کرونا مطرح می‌شوند چهار نوع است: نوع اول، «ماهیت» این ویروس و «چیستی» آن را در نظر می‌گیرد؛ نوع دوم، «از منشأ» آن می‌پرسد. نوع سوم، تأثیرات منفی این همه‌گیری را مورد توجه قرار می‌دهد. نوع چهارم، این پرسش قدیمی است که دائماً در تاریخ تکرار می‌شود: «چه باید کرد؟». برای پرسش‌های نوع اول و دوم، دانشمندان و پژوهشگران علوم پزشکی، شیمی، زیست‌شناسی و زیست‌محیطی پاسخ‌هایی ارائه کرده‌اند. دربارهٔ تأثیرات منفی این ویروس، علوم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناسی و دیگر رشته‌ها به‌طور روزافزون درگیر تحلیل و پیش‌بینی می‌شوند. ادبیات «دیستوپیی» و آینده‌پژوهی تصوری از دنیای پاندمیک نداشته‌اند. در مورد پرسش «چه باید کرد؟»، آینده‌پژوهان، که تاکنون پاندمی‌ها را در سناریوها و پیش‌نگری‌هایشان برای آینده در نظر نداشتند، اکنون آنها را به‌طورجدی مورد توجه قرار داده‌اند.

۲. چرخهٔ زندگی پاندمی

در مقاله‌ای در روزنامه گاردین که در ماه ژوئن سال ۲۰۲۰ به چاپ رسید، پیتر دَژک[1]، رئیس «اتحاد اقلیم‌سلامت[2]»، اظهار داشت که «تعیین مبادی ظهور پاندمی، امری بغرنج و دشوار است». به قول وی، اظهارات مبنی بر دست‌ساختهٔ انسان‌بودن کوید۱۹، چیزی به‌جز اطلاعات نادرست و انگشت اتهام به سوی کسی دراز کردن نیست (Daszak, 2020).

پیش از دَژک، مایکل ام. پترسن[3] در مقاله‌ای که در ماه نوامبر سال ۲۰۰۵ در «فصلنامه بین‌المللی بیماری‌های عفونی» منتشر شد، این ایده را مطرح کرده بود که «هرگاه که همه‌گیری آنفولانزایی جدیدی رخ دهد، درس‌های یادگرفته‌شده در نتیجهٔ پاندمی ۱۹۱۷-۱۹۱۸ می‌تواند به‌کار آید» (Patterson, 2005, 498-500). ده سال پس از این گفتهٔ پترسن، الن جی.پی. راس[4] و همکارانش در همان فصلنامه علمی هشدار دادند که شیوع ویروس ابولا از وقوع پاندمی دیگری در آینده‌ای نزدیک خبر می‌دهد:

1. Peter Daszak
2. Eco-Health Alliance
3. Michael M. Patterson
4. Allen G.P. Ross

> درحالی‌که همه‌گیری ویروس ابولا کاهش می‌یابد، ... باید بیندیشیم که چگونه می‌توانیم برای پاندمی بعدی بهتر آماده شویم. آنچه که بسیار اهمیت دارد، فراوانی پاندمی‌هایی است که در طول چند دههٔ اخیر رخ داده‌اند (Ross, 2015, 89-94).

در همین رابطه، در سرمقالهٔ همان فصلنامه آمده است که ظهور یا بازظهور بیماری‌های همه‌گیر عفونی را می‌توان در هر دهه مشاهده کرد. اما به‌طور نگران‌کننده‌ای، همان‌طورکه با بروز سندروم تنفسی حاد (سارس) در سال ۲۰۰۳، آنفولانزای A و H1N5 (آنفولانزای پرنده) در سال ۲۰۰۷، آنفولانزای H1N1 (آنفولانزای خوکی) در ۲۰۰۹، سندروم تنفسی حاد خاورمیانه در سال ۲۰۱۲، و بیماری ابولا در سال ۲۰۱۴ روشن می‌شود، به نظر می‌رسد که درحال‌حاضر فاصلهٔ وقوع پاندمی‌ها کوتاه‌تر شده است (همان).

۳. مواجهه‌ای پدیدارشناسانه

در آغاز شیوع پاندمی کوید-۱۹، از قبل به‌طور علمی ثابت شده بود که پاندمی‌ها از «طبیعت» (حیات وحش، محیط زیست، تغییرات آب‌وهوایی) نشئت می‌گیرند. همچنین معلوم شده است که از نظر علمی این «طبیعت» به‌نحوی نظام‌مند توسط جنگ‌افزارهای تکنولوژیکی ساخته‌شده، براساس دانش‌های مدرن نابود شده، و عملاً به تکوین ویروس‌ها به بیماری‌های عفونی همه‌گیر منجر شده است.

در دههٔ دوم قرن بیستم، هنگامی‌که تمام جهان در پیامدهای ویرانگر جنگ جهانی اول گرفتار آمده بود، ادموند هوسرل و مارتین هایدگر، که در این زمانهٔ بسیار پرآشوب می‌زیستند، بشریت را «محتاج جهت‌گیری معنوی جدیدی دیدند که پیشرفت‌های علمی مدرنیته به‌نوعی مانع آن شده بود» (Van Mazijk, 2019, 519-541). این دو متفکر هر دو از منتقدان علم مدرن پوزیتیویستی بودند، یعنی منتقد آن معرفتی که تفوّق انسان بر طبیعت را از طریق دوگانه‌انگاری معرفت‌شناختی که در آن سوژه شناسا همه‌چیز را به‌عنوان ابژه برای خودش در اختیار دارد، فرض می‌کرد. در تلاش برای شناسایی تهدید جامعهٔ غربی، هوسرل منشأ این بحران را دنبال کرد و درمانی نیز برای آن پیشنهاد داد. در این رابطه، هوسرل تلاش کرد تا رابطه‌ای جدید میان تجربه انسانی و جهان «بیرونی» برقرار کند. این رویکرد نهایتاً با

مفهوم «زیست‌جهان»، تقدمِ از پیش‌دادگی عالم زندگی را نشان می‌دهد. داده‌شدگی زیست‌جهان، رویکرد علمی را در درون جهت‌گیری زیست‌جهانی رابطه با خودِ آدمی قرار می‌دهد (Gander, 2017).

با نگرشی مشابه، اما رادیکال‌تر، هایدگر دلیل نقش ناکافی و بازدارندهٔ علوم طبیعی را غفلت آن از تقدم «عالمیت»[1] دانست:

> «عالمیت» به معنی ساختار وجه قوام بخش در-عالم -بودن است[2]. این را ما به‌عنوان تعریف زیستمانی (انسان) زیستنده می‌شناسیم. بنابراین عالمیت خود یک زیستمانیت[3] است. مفهوم «عالمیت» پیشینی بودن عالم را نشان می‌دهد (Heidegger, 1927, 87).

به‌این‌معنا، «عالمیت» همانا یک دنیای زندگی است که مشحون از شبکه‌های معنائی، یعنی دلالت‌ها، نشانه‌ها، و سمبل‌هاست. به قول هایدگر، «دلالت و کلیت دال‌ها به هر معنائی برسازنده عالمیت هستند» (همان). در هر عالمی همه‌چیز به شیوه‌ای خاص نمایان می‌شود«به شیوه‌ای که برای بیشتر نسل‌های قبلی انسان‌ها شناخته نشده بود» (Van Mazijk, 2019, 519-541). بدین‌ترتیب، به‌جای آگاهی طبقاتی مارکس، پرسپکتیو شخصی نیچه، جهان‌بینی دیلتای، و زیست‌جهان هوسرل، هایدگر از «عالمیت» به‌عنوان شبکه معنائی که زیستندگان در آن زیست می‌کنند و همیشه برای هر زیستنده‌ای از پیش داده است، استفاده می‌کند. «عالمیت» به‌معنای هرمنوتیکی (معنا-بنیادی) بودن عالم است، چون عالم زندگی عالم معانی است. بدین ترتیب، «در-عالم-بودگی» برای انسان، تعبیری که با مفهوم «دازاین» توسط هایدگر بیان شده است، به معنی در شبکه معنائی-نشانه‌ها، ارجاعات، سمبل‌ها، پیش‌فهم‌ها قرار داشتن است. این «عالمیت» بر هر زندگی شخصی تقدم هستی‌شناسی دارد، یعنی پیش از هر کسی هست؛ و هرکس در عالم معنائی از پیش‌داده‌شده، که وی در ساختن آن هیچ نقشی نداشته است، زندگی می‌کند. در بطن چنین عالمی است که هر کس از هر چیزی فهمی دارد، یعنی هر چه که با آن مواجه می‌شود چونان چیزی[4] برای آن معنائی

1. weltlichkeit/worldhood/worldliness
2. in–der-Welt-sein/being-in-the-world
3. Existenzial
4. als etwas

از پیش دارد و بر آن اساس با همه و هر چیزی ارتباط برقرار می‌کند، چه به‌صورت ابزار کـار خود چه به‌صورت ابژه ادراک خود[1].

بدین ترتیب، می‌توان گفت که در مواجهه با پدیـده‌ای همچـون «طبیعـتِ بحـران‌زده»، بایستی واقعیت بنیادین «عالمیت» در نظر گرفته شود. بدین‌ترتیب، «طبیعت در بحران»، یـا جنگ تکنولوژیکی ویرانگر که این بحران را سبب شده، یا پاندمی‌هـایی کـه تهدیـدی بـرای زندگی طبیعی-مدنی هستند، و نیز رابطه اینها با یکدیگر، همگی در زمینه معینـی قابـل‌فهم هستند. عالمیتی که هایدگر آن را «قفسه تکنیکی[2]» می‌نامد.

۴. عالمیت تکنیکی‌شده

در مصاحبه‌ای با روزنامهٔ «فرانکفورتر روندشاو[3]» در ماه ژوئن ۲۰۲۰، یورگن هابرماس این نکته را تأیید می‌کند که «جوامع پیچیده معاصر به‌طور مداوم با تردیدهـای بسـیاری روبـه‌رو هسـتند». او تأکیـد دارد کـه بـا انتشـار کـرونـا ویـروس، «یـک عـدم قطعیـت زیسـتمانی (اگزیستانسیال) در سطح جهان در حال گسترش است». هابرماس باور دارد که این تردید، فقط به خطر پاندمی کرونـا مربـوط نیسـت، بلکـه در حقیقـت در اثـر عواقـب اقتصـادی و اجتماعی غیرقابل پیش‌بینی است که برای خیلی از افراد بسیار هراس‌انگیز شده است:

> در این‌باره، تا این حد می‌توان دانست، چیزی متفاوت از ویروس وجـود دارد کـه فعـلاً هـیچ متخصصی نبوده که با اطمینان قادر به ارزیابی این پیامدهـا باشـد. متخصصـان اقتصـادی و اجتماعی باید از پیش‌بینی‌های نسنجیده اجتناب ورزند. این نکته می‌تواند گفته شود که: هرگز این همه دانش دربارهٔ غفلت و اجبار ما به کنش و زندگی در بلاتکلیفی وجود نداشته است.

دغدغه‌ای شبیه به این نگرانی هابرماس دربارهٔ جهل و بی‌اطمینانی را مارتین هایـدگر در سال ۱۹۵۵ میلادی ابراز کـرد. وقتـی‌کـه ده‌سـال پـس از وقـوع فاجعـهٔ اتمـی هیروشـیما و ناکازاکی، برندگان جایزهٔ نوبل اعلام کردند که: «علم [و یعنـی علـم طبیعـی مـدرن] راهـی

۱. قابل‌ذکر است که چهار «نوع ناب» (Ideel Typus) وبری هم به همین صورت هستند. یعنی معنای چهارگانـه: «عـاطفی»، «سنتی»، «عقلانیت ابزاری»، و «عقلانیت ارزشی»، متعلق به هیچ کنشگری نیسـتند بلکـه انـواع معـانی تثبیت‌شـده در عـالم زندگی هستند که هر فردی در ارتباط با عالم بیرون به‌نحوی از آنها تبعیت می‌کند.

2. Gestell-Enframing

3. Frankfurter Rundschau

به‌سوی زندگی انسانی شادتر است». هایدگر، قاطعانه این سؤال را مطرح کرد که آیا چنین گفته‌ای «از تأمل نشئت می‌گیرد»؛ آیا «در معنای عصر اتمی» توجه و تأملی بوده است؟ پاسخ خود هایدگر این است که این نوع اظهارات متکی بر «تفکر محاسبه‌ای»[1] است. وی تأکید می‌کند که این تفکر از نوعی ویژه است، نوعی تفکر که از طریق آن «ما همیشه با شرایطی که داده شده، به محاسبه می‌پردازیم. ... تفکر محاسبه‌گر محاسبه می‌کند. این تفکر، احتمالاتِ همواره جدید، نویدبخش‌تر و هم‌زمان مقرون‌به‌صرفه را محاسبه می‌کند. تفکر محاسبه‌گر از ایده‌ای به سوی ایدهٔ دیگر می‌دود. تفکر محاسبه‌گر هیچ‌گاه نمی‌ایستد و هرگز خودش را مدون نمی‌کند» (همان).

۵. تفکر محاسبه‌ای، تکنولوژی، و جنگ علیه طبیعت

به تعبیر هایدگر، تفکر محاسبه‌گر بر سازنده عالمیت معاصر است که در آن تکنولوژی نقشی مهم بر عهده دارد. بدین‌معنا، وی «عالم عقلانیت محاسبه‌گر» را همراه با چیرگی تکنولوژیکی و «خواست قدرت» پروبلماتیزه می‌کند و به شیوه‌ای آسیب‌شناسانه تکنولوژی مدرن را از «تکنه[2]» یونانی متمایز کرده و آن را به آلمانی «Gestell» به معنی «قفسه تکنیکی» می‌نامد[3]. در تعبیر هایدگر، درحالی‌که تکنه/تخنه برای یونانیان روش دانستن یا «فوت‌وفن» بود، «قفسه تکنیکی» به رابطهٔ ابزاری یا فعالیت کارکردی مرتبط است. همچنین، درحالی‌که غایت[4] تخنه همانا «تحقق سرشت» هر چیز است، «گشتل» «در کار تولید است، حتی تولیدِ انسان». بدین‌ترتیب، تخنه «بیشتر شبیه نوعی اجازه‌دادن خلاقانه به چیزی است تا خودش را آشکار کند، نوعی فرا آوردن[5]» است؛ اما تکنولوژی بر نوعی تعرض به چیزها و به‌کارگیری آنها برای هدفی خاص دلالت دارد» (همان). در توضیح

1. Rechnende Denken
آشکار است که «عقل محاسبه‌گر» در اینجا همان «عقل ابزاری» (Zweckrationalität) در جامعه‌شناسی تفهمی ماکس وبر است.

2. Techne

۳. مفهوم Gestell هایدگر نیز یادآور مفهوم قفس آهنین (Stahlhartes Gehäuse (steel-hard casing/Iron Cage وبر که برای بوروکراسی مدرن به‌کار برده بوداست.

4. telos

5. Her-vor-bringen

مفهوم «قفسه تکنیکی»، اندرو فینبرگ می‌گوید که «هنگامی‌کـه ایـن سیسـتم خـودگردان و غیرقابل‌توقف به‌نظر می‌رسد، دغدغه معنای چیزها از میان مـی‌رود» (Feenberg, 2005, 3). بنابراین:

> انکشافی که بر تکنولوژی مدرن حاکم است، ویژگی در افتادن، به‌معنای تعرض را دارد. ایـن تعرض این‌طور رخ می‌دهد که انرژی پنهان‌شده در طبیعت گشوده می‌شود، آنچه که گشوده می‌شود، دگرگون می‌شود، آنچه که دگرگون می‌شود، ذخیره می‌شود، آنچه که ذخیـره شـده، به‌نوبهٔ خود توزیع مـی‌شـود و آنچـه کـه توزیـع شـده اسـت، بیشـتر تغییـر داده مـی‌شـود. (Heidegger, 1970, 322).

بدین‌ترتیب، «ذات تکنولوژی» تکنولوژیکی‌بـودن یـا شـیوه‌هـای صـرفاً تکنیکـی اندیشـه نیست، بلکه در تحلیل نهایی، شیوهٔ انکشاف کلیت موجودات است؛ یعنی نـوعی معنابخشـی به هر چیز. این معنا بخشی است که عالمیت معنـائی را برمی‌سـازد و کنش‌هـا و انتخاب‌هـا و مناسبات آدمیان و نیز رابطه با طبیعت را شکل داده است. همان‌طور که دی اف کِرِل[1] توضـیح می‌دهد، این «انکشاف»، «انسان و موجودات را به «منبع لایزال» یا ذخیره‌ای در خـدمت و در اختیار اهداف تکنولوژیکی» تقلیل می‌دهد. بزرگترین خطری که در این شیوهٔ انکشـاف نهفتـه است «در به‌نظم در آوردن، یا در افتادن تکنولوژی هم با طبیعت و هـم انسـان اسـت؛ تعـرض ستیزگرای موجوداتی که سلطهٔ انحصاری و کاملی را هدف گرفتـه‌انـد». ذات ایـن قفسـه‌بندی تکنولوژیکی، «گسترش‌طلب است و تنها از طریق تقلیل می‌تواند آشکار شود».

بنابراین، همانطور که هایـدگر پدیـدارشناسـانه آن را روشـن کـرده، نگـرش یونـانی بـه طبیعت، غایت‌گرایانه بود و در این معنا، ذاتیات را نه‌تنها به مصنوعات بلکه به طبیعـت هـم نسبت داد. پس «ذات» تکنولوژی، به به‌کارگیری تکنولوژیکی اشاره ندارد، بلکه به افق کلـی درکی ارجاع دارد که غالب شده است و خود را بر همهٔ چیزها، تعاملات ما با آنهـا، و تفکـر ما دربارهٔ آنها تحمیل می‌کند. با چنین دیدگاهی است که هایدگر بر آن است کـه ایـن بمـب اتم نبوده است که «تکنولوژی را خطرناکترین پدیده کـرده اسـت» (Krell, 1993, 308-310). این تعابیر درباره «ذات تکنولوژی» اکنون با یافته‌های علمی نیـز تأییـد شـده اسـت. مـارک

1. D.F Kerell

لالآنیلا در همین رابطه در مقاله‌ای با عنوان «اثر جنگ بر محیط طبیعی» به تاریخ نابودی طبیعت توسط جنگ پرداخته است. به گفته وی:

> از آن زمان که نخستین سنگ توسط نخستین غارنشین پرتاب شد، محیط زیست طبیعی عامل استراتژیک جنگ محسوب شده است. سپاهیان آشور و رم باستان برای اطمینان از تسلیم دشمنانشان به زمین‌های زراعی آنها نمک می‌پاشیدند تا خاک را برای کشاورزی‌کردن غیرقابل‌استفاده کنند. این یکی از اولین استفاده‌ها از جنگ بیولوژیکی، به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین تأثیرات محیط‌زیستی جنگ به‌حساب می‌آید (Lallanilla, 2020).

لالآنیلا می‌افزاید: شاید «پخش سم‌های گیاه‌کش مثل سم موسوم به عامل نارنجی[1] توسط نیروهای امریکایی در جنگ ویتنام مشهودترین ویرانی طبیعت است» (همان). در همین رابطه، آرتور اچ. وستینگ[2] در مقاله‌ای در «دانشنامهٔ سیستم‌های پیشتیبانی زندگی[3]» دربارهٔ استفاده از آلاینده‌های سمی و شیمیایی علیه طبیعت توضیح می‌دهد که چقدر پیامدهای زیست‌محیطی مواد شیمیایی تعمداً زیان‌بار بوده‌اند:

> تخریب عامدانه محیط زیست می‌تواند مخصوصاً به‌منظور اجتناب از استتار و اختفاء نیروی دشمن یا منابع بومی انجام گیرد. انتشار عناصر خطرناک ناشی از حمله به آب‌بندها، کارخانه‌های شیمیایی، یا تسلیحات هسته‌ای (که اغلب «جنگ زیست محیطی» نامیده می‌شوند) می‌توانند منجر به تخریب شدیداً گسترده و بلند مدت طبیعت شوند (Westing, 2009, 363-373).

در همین رابطه، مطالعات دیگر نشان می‌دهند که پاندمی‌ها ریشه در بیوتکنولوژی دارند. براساس گفته‌های دیوید پی. کلارک[4] و نَانِت جی. پاژدرنیک[5]، استفادهٔ موجودات زنده از مواد سمی، واردشدن در نوعی جنگ بیولوژیکی است:

> واژهٔ جنگ بیولوژیک به‌طور ویژه تصاویر جنگجویان قرون وسطایی، که احشام مرده را از دیوارهای شهر می‌آویختند، یا مأموران سرّی حکومتی، که مخفیانه میکروب‌هایی مرموز را در قلمرو دشمن پخش می‌کردند را در ذهن مجسم می‌سازد (Clark, 2016, 687–719).

1. Agent Orange
2. Arthur H. Westing
3. Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS)
4. David P. Clark
5. Nanette J. Pazdernik

بنابراین، بر اساس شواهد ارائه‌شده می‌توان گفت که در حقیقت «طبیعت» با مقاصد «استراتژیک» فقط آلوده نشده است، بلکه، اگر مقوله «ارتباط تحریف‌شده به‌نحو نظام‌مند»[1] یورگن هابرماس را به‌کار ببریم، به‌خاطر اهداف استراتژیک، طبیعت به‌نحوی نظام‌مند نابوده شده است و ویروس‌ها با عواقب بیماری‌های همه‌گیر پرورش یافته‌اند. درواقع، شباهت میان این دو نوع تخریب، یعنی تخریب زیست‌جهان انسانی و تخریب طبیعت، جالب‌توجه است؛ چرا که نشانگر نقش دغدغه‌های «استراتژیک» در نابودی زندگی روی زمین است. بنابراین، می‌توان گفت، تکنولوژی مدرن نه‌تنها بر افزایش کارایی، بلکه درواقع بر تولید نوعی خشونت نسبت به طبیعت و انسان نیز دلالت دارد، خشونتی که هرگز در تاریخ در این عمق و وسعت تجربه نشده است:

> گاهی اوقات به‌نظر می‌رسد که گویی بشریت مدرن سراسیمه به‌سوی این هدف می‌شتابد: جایی‌که می‌خواهد به‌طور تکنولوژیکی خودش را تولید کند یا بسازد. اگر این موفقیت حاصل شود، آدمی خودش را منفجر کرده است، یعنی، ذاتش به‌عنوان ذهنیت خودش را در ناکجا آباد منفجر می‌کند، در جایی‌که بی‌معنایی مطلق، تنها «معنا» محسوب می‌شود و جایی‌که حفظ این معنا، شکل «سلطه» انسانی بر جهان را می‌گیرد. ... و بعد از این، ما به دورترین نقطه در مقابل طبیعت یا هستی می‌رسیم (Heidegger, in Dallmayr, 2011, 131).

۶. جنگ و عالمیت سلطه

جنگ بیست‌سالهٔ ویتنام، جنگ نیابتی دوران جنگ سرد از ماه نوامبر سال ۱۹۵۵ آغاز شد، همان سالی که برندگان جایزهٔ نوبل بیانیه‌ای دربارهٔ یوتوپیای علمی‌اشان صادر کرده بودند و هایدگر هم آنان را به چالش کشیده بود. البته این تصویر آرمان‌شهری علمی قبلاً توسط فرانسیس بیکن در قرن ۱۷ بیان شده بود. اما در محیط پسا جنگ ویتنام، هربرت مارکوزه، نسخهٔ جدیدی از نقد جهانِ مورد نظر بیکن و برندگان جایزهٔ نوبل اشاعه داد. اگرچه که مارکوزه مارکسیست بود، اما نقدش را با دیدگاهی وبری دربارهٔ عقلانیت ابزاری مدرن ادامه داد. بر اساس نظر مارکوزه:

1. systematisch verzerrte Kommunikation

مفهوم «عقل فنی» شاید ایدئولوژیکی باشد. نه‌تنها به‌کارگیری تکنولوژی، بلکه خود تکنولوژی، سلطه است؛ کنترلی روشمند، علمی، حساب‌شده، و حسابگر. اهداف و منافع علمی این سلطه و چیرگی از خارج به تکنولوژی تحمیل نمی‌شوند؛ اینها در خود ساخت دستگاه تکنیکی وارد می‌شوند (Marcuse, 1968, 167).

مارکوزه با چنین چشم‌اندازی، به شیوه‌ای اشاره می‌کند که اصول علم مدرن به‌عنوان ابزاری مفهومی برای کنترلی مولد به خدمت گرفته شده است:

متد علمی که به سلطهٔ هر چه مؤثرتر بر طبیعت منجر شد، مفاهیمی محض و نیز ابزارهایی برای چیرگی هر چه اثربخش‌تر بر انسان توسط انسان از طریق سلطه بر طبیعت ارائه کرده است. عقل نظری، که محض و خالص و خنثی باقی مانده، به خدمت عقل عملی درآمد. این پیوند برای هر دو سودمند بود. امروزه، سلطه و چیرگی، نه‌تنها از طریق تکنولوژی، بلکه به‌عنوان تکنولوژی خود را تداوم و گسترش می‌بخشد (همان).

به تعبیر مارکوزه سلطه به‌عنوان تکنولوژی «مشروعیت بسیار زیادی از قدرت سیاسی روبه‌گسترش را تأمین می‌کند که همهٔ حوزه‌های فرهنگ را فرا می‌گیرد». همچنین، تکنولوژی در این جهان «تا حد زیادی عقلایی‌سازیِ ناآزادی انسان را فراهم می‌آورد و امکان‌ناپذیری «تکنیکی» مستقل‌بودن و تعیین مسیر زندگی خویشتن را نشان می‌دهد». بنابراین، به‌جای لغوکردن مشروعیت سلطه، عقلانیت تکنیکی «از آن محافظت می‌کند و بدین‌سان افق ابزارگرایانهٔ عقل بر جامعهٔ استبدادی عقلایی گشوده می‌شود» (همان).

۷. «قفسه تکنیکی» به مثابه «ویران‌شهر»

عبور از ایده «آرمان‌شهر علمی» بیکن و برندگان جایزه نوبل در سال ۱۹۵۵ از اوایل قرن بیستم با شکوفایی ژانر ادبی که درحال‌حاضر به‌عنوان «ویران‌شهری[1]» شناخته می‌شود آغاز شده بود. تصویر ویران‌شهری از آینده در واقع، از اواخر قرن نوزدهم ظاهر شده بود؛ یعنی زمانی‌که پیشرفت فنی شور و حرارت قبلی را از دست داده بود. در سال‌های ابتدایی قرن بیستم، ژانر ادبی مستقل ویران‌شهری ظاهر شد و نتایج اجتماعی منفی به‌کارگیری دستاوردهای تکنولوژیکی را نشان داد.

1. Dystopia

آثار ادبی ویران‌شهری بازتاب ترس‌ها و تشویش‌ها دربارهٔ آینده است و بدین‌سان، همانطور که آدام استاک[1] ادعا کرده است، این آثار از «رابطه‌ای به‌طور غیرمعمول قدرتمند و سازنده میان ژانر فرهنگی و زندگی سیاسی حکایت دارند» (Stock, 2018).

این رابطه به‌نحوی متفاوت در آثار مختلف دیستوپیایی نشان داده شده است. در داستان کوتاه علمی‌ـتخیلی تحت‌عنوان ماشین می‌ایستد، که در سال ۱۹۰۹ توسط ای.ام فورستر نوشته شد، آینده‌ای دور به تصویر کشیده می‌شود که در آن «ماشین همه‌چیز را اداره می‌کند و زندگی افراد در تک‌اتاقشان سپری می‌شود، جایی‌که آنها می‌توانند با هزاران نفر دیگر صحبت کنند، اما هیچ‌گاه قادر به ملاقات رودررو با آنها نیستند». در اثری مشابه، یوگنی ایوانویچ زامیاتین[2]، رمان‌نویس روسی، در رمانش با عنوان ما (۱۹۲۱) نگهبانانی را به تصویر می‌کشد که مداوم در حال نظارت و بازرسی‌اند، و هر آنچه که چشم انسانی قادر به دیدن آن نباشد، از طریق میکروفون‌هایی که در همه‌جا تعبیه شده، شنیده خواهد شد. ده سال بعد از این رمان، اثر دنیای قشنگ نو (۱۹۳۲) از آلدوس هاکسلی این موضوع را به تصویر می‌کشد که چگونه «شرطی‌سازی» و تولید مثل انسانی توسعه‌یافته، مقررات انضباطی را تضمین می‌کنند. همچنین در رمان دیگری با عنوان بوزینه و ذات (۱۹۴۸) از هاکسلی، افزایش جنگ‌ورزی در سطح گسترده در قرن بیستم به‌نحوی طنزآمیز به تصویر کشیده شده، و چشم‌اندازی بدبینانه از سیاست‌های «نابودی حتمی طرفین» ارائه شده است. بعدتر در رمان ۱۹۸۴ که در سال ۱۹۴۹ منتشر شد، جورج اورول روایت می‌کند که چگونه صاحبان قدرت دقیقاً نوعی از روشنفکران هستند که توسط دنیای بی‌ثمر صنایع انحصارگر و حکومت متمرکز شکل گرفته و گرد هم آمده‌اند. در این رمان، اورول، «در بازنمایی تنزل علمی تکنولوژیکی انسان به بیشترین درجه رسید». همچنین در کتاب ۴۵۱ درجهٔ فارنهایت (۱۹۵۳) به گفته ری بردبری، «تثلیث علم، تکنولوژی و نقصان اخلاقی، مادهٔ اشتعال‌زای ویرانگری را ایجاد می‌کند» (Kádára, 2013, 53-60). بدین‌ترتیب:

1. Adam Stock
2. Zam

نقد تکنولوژی به نقد انسان‌ها و جوامعی تبدیل می‌شود کـه ابزارهـای تکنولـوژیکی را در مقیاسی گسترده به‌کار می‌گیرند، و فراموش‌کردن سنت‌ها و سبک‌های زندگی قبلی‌اشـان، آنها را به وضعیت نامساعد، یا همانطور که برخی می‌گویند مستقیماً بـه خـود ویرانگـری رهنمون می‌سازد (Fitzpatrick, 2019,1).

اگرچه در سبک‌های ادبی دیستوپیایی اثری از پاندمیک‌ـدیستوپیا نیست، اما، ژانر ادبـی اکوـدیستوپیا، که ویرانی محیط زیست را به تصویر می‌کشد از همه دیگر آثار دیستوپیائی به عالمی که امروزه گرفتار پاندمی‌هاست نزدیک‌تر است. درخصوص خطر پانـدمی ویـروس کرونا، «اکوـدیستوپیا» روایت‌گر این است که چگونه در گفتمان‌هـای غالـب معاصـر، واژۀ «طبیعت» به‌نادرستی به‌کار گرفته شده، فاسد و منحط شده، و در خدمت نیروهای سیاسـی و اقتصادی ویرانگر و تحریف‌شدۀ جهان ما درآمده است:

واژۀ «طبیعت» به هر آنچه که انسانی نیست و از فعالیت بشر متمایز اسـت ارجـاع دارد؛ ایده‌ای است که از طریق آن آنچه را که برایمان «دیگری» است .... گیج‌کننـده‌تـر اینکـه، [واژۀ طبیعت] می‌تواند برای ارجاع به «ساختارها، روندها، و قدرت‌های علّی که به‌طـور مداوم در جهان فیزیکی اثرگذارند ... طبیعتی که همیشـه تـابع قـوانینش هسـتیم، حتـی هنگامی‌که آنها را برای مقاصد انسانی تحت کنترل خود در می‌آوریم، و از رونـدهـای آن نه می‌توانیم فرار و نه رها شویم» به‌کار رود. و همچنان مفهوم دیگـری وجـود دارد کـه در آن «طبیعت»، «قلمرو پدیدارهای نمایان و انواع بلاواسـطه عینـی ... قلمـرو تجربـی یـا زیست‌محیط «سطحی» (طبیعت به‌عنوان منظرۀ طبیعی، حیات وحش، زندگی گیـاهی و حیوانی) است (Hughes and Wheeler, 2013, 1-6).

۵. آیندۀ محتمل

آینده‌پژوهی نیز مانند ادبیات دیستوپیائی تا کنون نسبت به پاندمی‌ها بی‌توجه بوده است. اما اخیراً در مقاله‌ای در فصلنامۀ «مطالعات آینده‌پژوهی»، سهیل عنایت‌الله[1] و اِد روپر[2] چهـار آیندۀ محتمل برای دوران پساکرونایی پیش‌نگری کرده‌اند. در ایـن میـان، دو سـناریو، یعنـی «آخرالزمان زامبی یا غازهـای مهـاجر» و «ناامیـدی بـزرگ بـه هشـدار طوفـان» تصـویری دیستوپیایی یا ویران شهری را در نتیجه کرونا ترسیم می‌کنند:

1 Sohail Inayatullah
2 Ed Roper

دنیایی که خطر همه‌جا در کمین است. نظام‌ها دچار فروپاشی می‌شوند و اطمینان به پایین‌ترین سطح کاهش می‌یابد. هیچ‌کس کاملاً نمی‌داند که چه کسی خطرناک است. تبعیض امری عادی است». ... این پاندمی به ناامیدی بزرگ منجر می‌شود. تولید واکسن ناکام می‌ماند و دسترسی به مداوا و معالجه محقق نمی‌شود. دنیا به کاخ‌ها و دیوارها تقسیم می‌شود. شرکت‌کنندگان در این آینده تمرکزی بر اینکه چگونه از بروز چنین موقعیتی جلوگیری کنند، نداشتند، بلکه توجه‌شان معطوف به ایجاد نظام‌های ساختاری برای پیش‌بینی و خلق بهترین شیوه‌ها در این محیط دشوار بوده است (Inayatullah & Roper, 2020, 1).

در سناریوی دیگری، تحت عنوان «آرام شو تا سرعت بگیری» نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که کمتر کردن فعالیت، منجر به افزایش سرعت می‌شود:

ما امسال روند فعالیت‌های معمول کسب‌وکار را کاهش دادیم؛ مدیتیشن یا مراقبه، خواب، زمان سپری‌شده در کنار خانواده، ارتباطات، بهزیستی. اما سال بعدی به نرمال قدیم باز خواهیم گشت. پس از پیدا شدن واکسن، واقعاً چیزی تغییر نمی‌کند ...انعطاف‌پذیری اساسی می‌شود. این مهمترین آموزه در طول دوران قرنطینه بود (همان).

در نهایت، در سناریوی «توقف موردنیاز برای بهزیستی» تصویر دیگری ارائه می‌شود:

پیش‌بینی می‌شود که این آهستگی به بیداری منجر شود. بیشتر تغییرات باقی می‌مانند. زمان آرام‌تر، ارتباط بیشتر، کنفرانس‌های مجازی، و زمینی پاک‌تر. گفته شد که در این درنگی که تغییر می‌دهد، بهزیستی اول خواهد بود (همان، ۲).

البته، آینده‌پژوهان، به‌رغم بصیرتشان، با فرض حفظ و استمرار شیوهٔ فعلی زندگی بشر با شرایط سیاسی و اقتصادی موجود در کره خاکی، همچنان در افق فعلی و در زمان حال باقی می‌مانند و آینده را صورتی از زمان حال می‌بینند؛ بدون اینکه امکان عالم و آدمی دیگر را به ضرورت یا مطلوبیت - یا هر دو باهم - متصور باشند.

۶. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که پرسش‌ها دربارهٔ شیوه‌ها و رویکردهای ممکن برای جلوگیری یا حل‌کردن معمای پاندمی‌ها به چیزی فراتر از آنچه که «دانش» متفرق و محدود عصر حاضر می‌تواند ارائه کند، نیاز دارد.

در کتاب تقسیم کار در جامعه، امیل دورکیم به‌نحوی اثبات‌گرایانه، عالم مدرن را با «تراکم اخلاقی» توصیف کرد. این بدان‌معنا بود که زندگی مدرن از تعاملات انسانی متکثری تشکیل شده. به قول وی، «پیشرفت نیروی کار در نسبت مستقیم با تراکم اخلاقی یا دینامیک جامعه قرار دارد» (Durkheim, 1984, 20-205).

جهان مورد توصیف دورکیم، همزمان جهانِ تفکر محاسبه‌گر و بیشتر جهانِ «قفسه‌شدگی تکنیکی» و جنگ‌افزارهای تکنولوژیکی ویرانگر نیز بوده است. ویروس کرونا که منتج از جنگ‌افزارهای تکنولوژیکی، که در عالم جدید به مدد علم مدرن تولید شده‌اند، چنین تراکمی را به‌شدت نابود می‌کند و آن را به امری ناممکن نزدیک می‌سازد. با ویروس کرونا، که نتیجهٔ جنگ بیوتکنولوژیکی مبتنی بر تفکر محاسبه‌گر و ابزار تکنیکی است، درحال حاضر جنگ عظیم نامرئی علیه زندگی مدنی مدرن به راه افتاده است. به نظر می‌رسد که این تناقض و ستیز دو سویه، مشخصه یا منش بشریت مدرن است و تأثیری دیستوپیایی برای آن داشته است. به عبارت دیگر، بحران کرونا نشانهٔ پدیدار شدن بحرانِ جهانی و هستی‌شناسانهٔ بنیادین در گرایشِ خود ـ ویرانگر و خود ـ نفی‌کنندهٔ زندگی مدرن است.

بنابراین «کرونا»، به‌عنوان یک پدیده، آن چیزی است که خود را به‌عنوان آشکارکنندهٔ «جهانی در بحران» نشان می‌دهد. کرونا نشانهٔ عالمیتی بحران‌زده است که به‌عنوان دلیلی برای ترس‌ها و تشویش‌های وجودی، در شیوهٔ تکنیکی‌شدهٔ هستی پرورش یافته و به‌طور کشنده‌ای قدرت‌نمایی و مبارزه‌طلبی می‌کند. بنابراین، در این صورت ما نمی‌توانیم به‌دنبال چارچوب «علت و معلولی» برای توضیح و پاسخگویی به «چرایی» ویروس کرونا باشیم. زیرا کرونا پیامد پدیدار و آشکارکننده‌ای است که در خود علت نهفته است. کشندگی کرونا از قبل مشخصهٔ جنگی مهلک بوده است. کرونا، ذات یا ظهور حقیقت جنگ‌افزارهای تکنولوژیکی است که برای تحقق اهداف از پیش محاسبه‌شده به‌کار گرفته شده‌اند. بنابراین، برخلاف مشاهدات اخیر که ورود کرونا به جهان انسانی را نشان می‌دهند، رویکرد پدیدارشناسانه این حقیقت را آشکار می‌کند که خاستگاه آغازین کرونا درواقع ساختار افق و جهان بینی و عالمیت، یعنی ضروریات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همان جهانی بوده است که از طریق ساخت و به‌کارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی و هسته‌ای ویرانگر آشکار شده است. به‌عبارت دیگر، زیست‌جهان

انسانی مقصد نهایی کرونا نیست، بلکه در واقع نقطهٔ شروع آن هم بوده است. به دیگر بیان، خود کرونا آشکارکنندهٔ این حقیقت است که به‌هم‌ریختگی زندگی «مدنی» در سطح جهانی، گویای وجود اختلالی پیشینی است که در شیوهٔ زندگی که تداوم آن ناممکن است، نهفته است. خطر کرونا، نشانه مخاطره به‌کارگیری تکنولوژیکی و نظام‌مند منابع انسانی و طبیعی به‌مثابهٔ ابزار توسط استدلال ابزاری غالبی است که برای تحقق منافع اقتصادی و مطلوبیت کلی قدرت‌های برتر بر روی زمینی آسیب‌دیده پرورش داده می‌شود. نابودی محیط زیست، اِعمال خشونت به «طبیعت» است. خشونت به طبیعت، خودویرانگری آدمی از طریق طبیعت آلوده‌ای است که به‌بار آورنده چالشی علیه زندگی انسانی است.

به نظر می‌رسد که پرسش دربارهٔ شیوه‌ها و رویکردها برای جلوگیری یا حل‌کردن معمای پاندمی‌ها به چیزی فراتر از آنچه که «دانش» محدود و متفرق دوران مدرنیتهٔ اخیر می‌تواند ارائه کند، نیاز دارد. پس بدین‌سان، رهایی از خطر پاندمی‌ها در خود خطر، یعنی شیوهٔ هستی که به جهان پاندمی‌زده منجر شده است، قرار دارد[1]. بنابراین، جلوگیری یا احتراز از پاندمی‌ها و دفاع از مدنیت زندگی انسانی به این معناست که ما به «وجود داشتن» و «زیستن» در عالمیتی متفاوت از آنچه که در گشتل حاکم است، نیاز داریم.

اگرچه این حقیقت دارد که پاندمی‌ها، مردم مناطق جغرافیایی گسترده‌ای را دربرگرفته‌اند، اما این‌بار یک ویروس همه‌گیر نشان داده که از پتانسیل بالایی برای مختل‌کردن سیستم‌های پزشکی نرمال و نیز بسیار مجهز و تبدیل تعاملات انسانی به امری ناممکن برخوردار است. بدین‌ترتیب، دانش علمی، به‌عنوان بُعدی از عالمیت که با اراده به قدرت اعلام شده توسط سوژهٔ مدرن فلسفهٔ دکارت و علم مدرن اشباع شده، به نظر نمی‌رسد که قادر به برنده‌بودن در جنگی باشد که در ابتدا توسط خودش بر پا شد. به‌طور خلاصه، پاندمی‌ها به همان اندازهٔ میل و انگیزش شدید سوبژکتیو برای سلطه یافتن بر افق زیست جهان/عالمیت معاصر وجود دارد، در همین افق حضور دارند. اما این شیوهٔ هستی و نگرش، همان‌طور که در مسیرش به سمت یوتوپیا در پایان تاریخ به پیش می‌رود، به‌طور مداوم و هر بار عمیق‌تر خطری را برای هستی‌اش بازتولید کرده است.

۱. این گزاره در واقع بازگویی آن چیزی است که هایدگر دربارهٔ خطر گشتل گفته است.

منابع

Clark, D. P., & Pazdernik, N. J. (2016). Biological warfare: Infectious disease and boterrorism. *Biotechnology*, 687–719. doi: 10.1016/B978-0-12-385015-7.00022-3

Daszak, P. (July, 2020). We are entering an era of pandemics – it will end only when we protect the rainforest. *The Guardian*, Rederived from https://www.theguardian.com/commentisfree/2020/jul/28/pandemic-era-rainforest-deforestation-exploitation-wildlife-disease

Durkheim, E. (1984). *The division of labour in society*. Introduction by Lewis Coser (W. D. Halls. Trans.). Macmillan Press.

Dallmayr, F. (2011). *Return to nature? An ecological counterhistory*. The University Press of Kentucky. Lexington.

Feenberg, A. (2005). *Heidegger and Marcuse: The Catastrophe and Redemption of History*. Routledge. doi: 0.4324/9780203489000

Fitzpatrick, C. (2019). *The Machine Stops by EM Forster*. https://www.fantasybookreview.co.uk/EM-Forster/The-Machine-Stops.html

Gander, H. H. (2017). *Self-understanding and lifeworld*. Indiana University Press.

Heidegger, M. (1927). *Sein und Zeit*. Max Niemeyer. Tübingen.

Heidegger, M. (1953). Question concerning technology. In *Basic Writings* (pp. 308-341). Harper San Francisco.

Heidegger, M. (1966). Discourse on thinking: A translation of *Gelassenheit. New York:* Harper Torchbooks.

Husserl, E. (1970). The crisis of European sciences and transcendental phenomenology: An introduction to phenomenological philosophy (D. Carr, Trans.). Northwestern University Press.

Inayatullah, S., & Ed Roper. (2020). lets get flexible: Brisbane Grammar School Navigates the Covid-19 Crises. *Journal of Future Studies*, Rederived from https://jfsdigital.org/2020/07/21/brisbane-grammar-school

Kádára, Z., & Tóthb, J.I. (2013). The critique of technology in 20th century philosophy and dystopias. *Social and Behavioral Sciences*, 71, 53–60.

Krell, D.F. (1970). Inroduction. In M. Heidegger, *Basic Writings*. Harper Sanfrancis Co.

Lallanilla, M. (Feb. 11, 2019). The effects of war on the environment. *Thought Co*, Rederived from https://www.thoughtco.com/the-effects-of-war-on-environment-1708787

Marcuse, H. (1968). Negations; Essays critical theory. London: Allen Lane, Penguin Press.

Patterson, M. M. (2005). The coming Influenza pandemic: Lessons from the past for the future. *The Journal of the American Osteopathic Association*, 105, 498-500.

Rowland, H., & Wheeler, P. (2013). Introduction: Eco-dystopias: Nature and the dystopian imagination. *Critical Survey*, 25(2), 1.

Schwering, M. (Sep. 15, 2020). Jürgen Habermas über Corona: So viel Wissen über unser Nichtwissen gab es noch nie“. *Frankforter Rundschau.* Reterived from https://www.fr.de/kultur/gesellschaft/juergen-habermas-coronavirus-krise-covid19-interview-13642491.html

Stock, A. (2018). Modern dystopian fiction and political thought: Narratives of world politics (1st edition). London: Routledge.

UNESCO (May, 29, 2020). Futurists on the Covid-19 pandemic shock: “Designing a Covid-19 resilience strategy [Webinar]. Rederived from https://en.unesco.org/events/transforming-future-seminar-8-futurists-covid-19-pandemic-shock-designing-covid-19-resilience

Van Mazijk, C. (2019). Heidegger and Husserl on the technological-scientific worldview. *Human Studies*, 42, 519–541.

Westing, A. H. (2009). Environmental and ecological consequences of War. 2, 363-373.

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۵۳-۲۷، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۹). بحران کرونا و بازاندیشی فرهنگی در ایران. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۵۳-۲۷. doI: 10.22035/ISIH.2020.3854.3982

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_338.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.3854.3982

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC_BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

بحران کرونا و بازاندیشی فرهنگی در ایران

نعمت‌اله فاضلی[۱]

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

چکیده

این مقاله تحلیلی فرهنگی از پیامدها و تأثیرات فرهنگی بحران ویروس کرونا در ایران است. در ماه‌هایی که بحران ویروس کرونا شکل گرفته است این پرسش در کانون توجه جامعه و اندیشمندان ایران بوده است که این بحران چه دلالت‌هایی برای شیوهٔ زندگی و فرهنگ در ایران دارد؟ نگارنده در پی ارزیابی این پرسش است. در قسمت مقدمهٔ مقاله هدف و چگونگی و پرسش‌های اصلی مقاله را توضیح داده می‌شود. در قسمت دوم مقاله به تحلیلی از مسئله‌مندی فرهنگ در ایران امروز پرداخته می‌شود و این‌که چگونه ذهنیت جمعی مردم ایران متأثر از بحران ویروس کرونا هوشیار و حساس و شده و به پرسشگری از امور بدیهی و طبیعی فرهنگ می‌پردازد. سپس سه دیدگاه دربارهٔ نحوهٔ صورت‌بندی‌کردن این پرسشگری ارائه می‌شود: ۱) گفتمان تداوم؛ ۲) گفتمان گسست؛ و ۳) گفتمان بازاندیشی انتقادی. در قسمت سوم مقاله این گفتمان‌ها شرح داده می‌شود. رویکرد نگارنده به موقعیت کرونایی همسو با گفتمان بازاندیشی است. از این‌رو بخش مهم مقاله را به ویژگی‌ها و ابعاد این بازاندیشی انتقادی اختصاص داده شده است. نگارنده استدلال می‌کند که انفجار اطلاعات و دانش، آشنایی‌زدایی، بازاندیشی در نظام اولویت‌ها، دیجیتالی‌شدن مضاعف، افزایش توانش تطبیقی، افزایش تقاضای اجتماعی برای دانش، و در نهایت افزایش سوژگی و عاملیت، مجموعه عواملی هستند که گفتمان بازاندیشی را شکل می‌دهند. روش نگارنده در این مقاله تحلیل دیدگاه‌های شکل گرفته دربارهٔ پیامدهای فرهنگی بحران کرونا در ایران است. درعین‌حال، از تجربه‌های زیسته و درک‌های شهودی‌ام نیز کمک گرفته‌ام. تجزیه‌وتحلیل نظری مفاهیم و دیدگاه‌ها یکی از راهبردها برای فهم روایت‌های شکل‌گرفته از پیامدهای بحران کروناست.

کلیدواژه‌ها: بحران کرونا، پیامدهای فرهنگی، گفتمان تداوم و گسست، بازاندیشی انتقادی، فرهنگ درحال‌ظهور

---

۱. استاد انسان‌شناسی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

✉ n.fazeli@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه

هم اکنون که مشغول نوشتن هستم گزارشی را ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران) منتشر کرده است که نشان می‌دهد بحران کرونا چه تأثیری بر نگرش مردم ایران به دین داشته است[۱]. این نظر سنجی که در سطح ملی انجام شده است نشان می‌دهد۴۸/۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند در این ایام که ویروس کرونا شیوع پیدا کرده است، اهمیت دین و خداوند برای آنها نسبت به قبل تغییری نکرده است. ۴۷درصد مردم گفته‌اند در ایام کرونا، اهمیت دین و خداوند برای آنها نسبت به قبل بیشتر شده است. فقط ۳/۵ درصد گفته‌اند این اهمیت نسبت به گذشته کمتر شده است. ۱/۱درصد هم به این سؤال پاسخ ندادند.

فارغ از محتوی و دلالت‌های این گزارش، نکتهٔ مهمی را در این گزارش می‌توان دید: این که جامعه و نظام سیاسی ایران در بحران کرونا نسبت به تأثیر بحران کرونا بر اعتقادات و جهت‌گیری‌های دینی مردم حساسیت دارند. مناقشات دربارهٔ ابعاد دینی این بحران را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگوی شهروندان در فضای مجازی نیز مشاهده کرد. همچنین دامنهٔ این مسئله، قلمرو علم را نیز فراگرفت و مناقشه‌ای بر سر طب دینی و پزشکی مدرن نیز شکل گرفت. به‌علاوه، با گسترش بحران، فضاهای بازنمایی در تمام رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و موبایلی و مطبوعات نیز درگیر بحران شد و در نتیجه، بحران کرونا از وضعیت ویروسی به وضعیت نمادینی انتقال یافت که ساختار احساسات و باورهای جامعه و شهروندان را دربرگرفت. شیوهٔ زندگی روزمرهٔ مردم نیز متأثر از فاصله‌گذاری فیزیکی و قرنطینهٔ کامل درگیر بحران کرونا شد. با در نظر گرفتن این ابعاد اجتماعی و فرهنگی، این پرسش وجود دارد که بحران کرونا چه نسبتی با شیوهٔ زندگی، باورها، ساختار احساسات، هویت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مردم ایران دارد؟ آیا این بحران ممکن است گسستی در تاریخ ما باشد یا صرفاً وقفه‌ای کوتاه‌مدت است؟ قصد دارم در این مقاله این موضوع را تحلیل کرده و اهمیت آن را در جامعه نشان دهم.

۱. این نظرسنجی به‌صورت تلفنی و با جامعه آماری افراد بزرگسال (بالای ۱۸ سال) در سطح ملی و حجم نمونه ۱۵۶۳ در تاریخ ۲۴ تا ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ اجرا شده است.

فارغ از این که بتوانیم پاسخ قطعی به این پرسش دهیم، توجه به اهمیت این موضوع روشن‌کنندهٔ برخی از ویژگی‌ها و حساسیت‌های جامعه ایران است. بنابراین، ابتدا اهمیت این مسئله را شرح می‌دهم. استدلال من این است که بحران کرونا فرهنگ جامعهٔ ما را مسئله‌مند ساخته است. سه دیدگاه دربارهٔ مسئله‌مندی فرهنگ امروز ایران تحت‌تأثیر بحران کرونا را از هم متمایز کرده و آنها شرح می‌دهم. این سه دیدگاه عبارت‌اند از: ۱) دیدگاه تداوم گرایان که معتقدند بحران ویروس کرونا هیچ تأثیر پایداری بر فرهنگ در جامعه ایران نمی‌گذارد؛ ۲) دیدگاه گسست‌گرایان که معتقدند فرهنگ در جامعهٔ ایران با تغییرات ساختاری مواجه خواهد شد؛ ۳) دیدگاه بازاندیشی انتقادی که بر این باورند که در دورهٔ پساکرونا لاجرم سیاست‌های فرهنگی و کنش‌های روزمره و باورهای جمعی در زمینهٔ گوناگون با چالش و نقد روبه‌رو شده و دیگر امور مانند سابق نخواهد بود.

البته این بازاندیشی لزوماً به معنای تغییرات ساختاری نیست، اما زمینهٔ معنایی کنش‌ها و باورهای جمعی در دراز مدت تغییر خواهد کرد. اکنون که می‌نویسم جهان و جامعه ما درگیر بحران است و بشر در میانهٔ کارزار کروناست. قطعاً نمی‌توان به‌طور روشن و دقیق پیامدهای این بحران را توضیح داد و به قول هابرماس «درحال‌حاضر هیچ متخصصی وجود ندارد که بتواند با اطمینان پیامدها را به شکل کامل پیش‌بینی کند. کارشناسان علوم اقتصادی و اجتماعی باید از پیش‌بینی‌های غیردقیق و نادرست خودداری کنند. در حال حاضر، تنها می‌توان گفت: «هیچ‌گاه تا به امروز چنین آگاهی نسبت به جهل و اجبارمان در شرایط زندگی تحت شرایط نامعلوم نداشته‌ایم» (هابرماس، ۱۳۹۹). من هم در اینجا نمی‌خواهم چیزی را به‌طور دقیق پیش‌بینی کنم ولی می‌توان براساس شواهد و مشاهدات تاریخی و تجربی موجود حدس‌های معقولی ارائه کرد و چشم‌اندازی از پویایی‌های فرهنگی جامعه ایران در پرتو این همه‌گیری شکل داد. همه‌گیری‌ها مقوله‌ای از بیماری‌ها هستند که آینه‌ای در برابر نوع بشر قرار داده و به آن‌ها نشان می‌دهند که واقعاً کیست‌اند.

پیش‌فرض بنیادی من در این مقاله این سخن فرانک اسنودن مورخ پزشکی و مؤلف کتاب همه‌گیری‌ها و جامعه: از طاعون سیاه تا زمان حال (۲۰۲۰) است که می‌گوید: «بیماری‌های همه‌گیر به رابطهٔ ما با فناپذیری، مرگ، و زندگی مربوط می‌شوند. آن‌ها هم‌چنین بازتاب روابط ما

با محیط‌اند ــ محیط مصنوعی که خلق می‌کنیم و محیط طبیعی که واکنش نشان می‌دهد. آن‌ها نشان‌دهندهٔ روابط اخلاقی ما با سایر انسان‌ها هستند، امری که امروزه کاملاً مشهود است[1]».

۲. کرونا و مسئله‌مندی مضاعف فرهنگ

از دوران بسیار دور همواره این نظریه مطرح بوده است که فجایع و مصیبت‌های جمعی از جمله عوامل پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی هستند. ابن‌خلدون در کتاب مشهور خود با عنوان مقدمه بر این باور بود که «بلایا مؤلفه جدایی‌ناپذیر فروپاشی تمدن‌ها بودند» (به نقل از هارپر، ۱۳۹۹). این نظریه را پیتریم سورکین مبنای مطالعه‌ای دقیق و تجربی قرار داد. پیتریم سورکین نظریه‌پرداز و جامعه‌شناس کلاسیک در کتاب انسان و جامعه در فاجعه با مطالعهٔ گستردهٔ تجربه بشر در طول تاریخ می‌نویسد: «در میان بلایا و فجایع متعدد و متنوعی که برای بشر اتفاق افتاده‌اند، چهار فاجعه از میان آنها، که احتمالا بیشترین تکرار را داشته‌اند و به شکلی، مخرب‌ترین، وحشتناک‌ترین و هم‌زمان، آموزنده‌ترین و درخور توجه‌ترین بوده‌اند عبارت‌اند از: جنگ، انقلاب، قحطی و طاعون» (سورکین، ۱۳۹۶، ۱۴). منظور سورکین از طاعون همهٔ انواع اپیدمی‌هاست. او می‌نویسد: «طاعون، تیفوس، تب، آنفلونزا، آبله و دیگر بیماری‌های سخت، عواطف، هیجانات و احساسات قربانیان خود را تغییر می‌دهند و این نیازی به اثبات ندارد» (همان، ۲۲). سورکین در انتهای مطالعهٔ تاریخی و جامعه‌شناختی سترگش به این نتیجه می‌رسد که «فاجعه بر کل زندگی اجتماعی‌ـفرهنگی» اثر می‌گذارد (همان، ۱۶۳). سورکین استدلال می‌کند که «فاجعه کل یک فرهنگ را در قالب تصویر خود در می‌آورد». او معتقد است وقتی فاجعه رخ می‌دهد «به نقطهٔ کانونی توجه در علم و هنر، دین و اخلاق و زمینه‌های دیگر تبدیل می‌شود» (همان). سوروکین استدلال می‌کند که «فاجعه در همهٔ زمینه‌های فرهنگ ویرانگر است و در جنبه‌های دیگر، نیرویی تحریک‌کننده و سازنده را برای ساختن یک رنسانس فرهنگی اثبات می‌کند» (همان، ۱۶۶).

---

۱. چوتنر، ایزاک (۱۳۹۹) مصاحبه با فرانک اسنودن با عنوان «بیماری‌های دنیاگیر چگونه تاریخ را تغییر می‌دهند». ترجمه هامون نیشابوری. سایت آسو. ۲۵ اسفند ۱۳۹۸

سورکین مطالعاتش را در سال ۱۹۴۲ انجام داد و تمام مثال‌های او تاریخی و متعلق به قرون گذشته است. آلفرد کروبر انسان‌شناس کلاسیک نیز در مطالعات بزرگ و مشهورش با عنوان ترتیبات رشد فرهنگ که در ۱۹۴۴ منتشر کرد نشان می‌دهد که فاجعه‌ها و مصائب جمعی نقش مهمی در خلاقیت‌های علمی، فناورانه و تحوّلات سیاسی و اجتماعی در تاریخ داشته‌اند. اما پرسش مهمی در اینجا وجود دارد: آیا در بستر کنونی جامعهٔ انسانی نیز فاجعه‌ها می‌توانند نیروی محرکه و مولّد تحوّلات بزرگ به‌ویژه تحوّلات فرهنگی باشند یا خیر؟ باید در نظر گرفت که امروزه ما در زمانهٔ امپراتور ژوستینین و ساسانیان قرار نداریم که طاعون دو قرن شیوع پیدا کند و زمینه سقوط امپراتوری بیزانس را فراهم سازد. یا در دوران طاعون سیاه در نیمه قرن چهاردهم میلادی قرار نداریم که طاعون دو قرن بر سرنوشت بشر مستولی شود و عاقبت زمینهٔ زوال شیوهٔ زندگی فئودالی در اروپا را مهیا کند. موقعیت جهان حتی با سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ که آنفلوانزای اسپانیا بیش از پنجاه میلیون را کشت نیز کاملاً متفاوت است. همان‌طور که کایل هارپر[1] مورخ اپیدمی‌ها می‌نویسد:

> عالم‌گیری‌های دوران پیشامدرن از این روی ویرانگر بودند که جوامع پیشامدرن در برابر بحران‌های مرگ‌ومیر و تأثیرات جمعیتی‌اش آسیب‌پذیر بودند. جوامع پیشاصنعتی عموماً فقیر بودند. مردمانی که با حداقل معیشت زندگی می‌کنند بیشتر مستعد ابتلا به بیماریهای عفونی هستند علاوه برعدم شناخت میکرب‌ها، این جوامع، از پاسخ‌های مفید یا دانش معالجه بیماری‌های عفونی برخوردار نبودند (هارپر، ۱۳۹۹).

ما در دوره‌ای هستیم که با پیشرفت‌های چشم‌گیر علمی بشر می‌تواند ویروس‌ها بشناسد، وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی و رسانه به‌سرعت جهان را آگاه می‌سازد. نهادهای ملی و بین‌المللی قدرتمند در جهان شکل گرفته‌اند و میلیون‌ها انسان دانش‌آموخته وجود دارد. طبیعتاً در چنین جهانی نمی‌توان تصور کرد که اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها همان تأثیرات را در جامعه بشری برجای بگذارند که در طول تاریخ گذشته برجای گذاشته‌اند. درعین‌حال نمی‌توان پذیرفت که پاندمی کرونا با توجه به ابعاد گستردهٔ جهانی و ملی که

1. Kyle Haper

تاکنون داشته است فاقد پیامدهای مشخص برای ملت‌ها باشد. کایل هارپر با تکیه بر مطالعات گسترده تاریخی‌اش در زمینه اپیدمی‌ها دربارهٔ پیامدهای کووید-۱۹ می‌نویسد:

> این بیماری، که منجر به مرگ‌ومیر بسیار کمتری نسبت به بیماری‌های عادی تاریخ خواهد شد، بازتاب‌های زیادی خواهد داشت. تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و احتمالاً ژئوپلیتیکی کووید-۱۹، شیوع آنفولانزای بسیار خطرناک سال ۱۹۱۸ را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. این بیماری جدید به قلب نظم جهانی ما ضربه وارد می‌کند و عرصه‌های تازه‌ای را خواهد گشود. این نخستین بیماری همه‌گیر جهانی در عصر رسانه‌های اجتماعی و عصر قطب‌بندی فرهنگی و سیاسی ما است و زیبایی‌شناسی و احساس خاص خود را دارد (هارپر، ۱۳۹۹).

بر این اساس می‌توان پرسید آیا پاندمی کرونا هم مانند جنگ، انقلاب، قحطی و طاعون می‌تواند احساسات و افکار بشری را تغییر دهد؟ به‌طور قطع، پیامدهای کرونا هم جنبه‌های جهانی دارد هم جنبه‌های ملی و محلی. عوامل ملی و محلی همواره نقش مهمی در کیفیت و چگونگی برساخت‌شدن پدیده‌ها ایفا می‌کنند. برخی محققان از «کرونای ایرانی» سخن می‌گویند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۹). با توجه به ابعاد گستردهٔ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این پاندمی این پرسش وجود دارد که کرونا در شیوهٔ زندگی و الگوهای فرهنگی ایرانیان تغییری ایجاد می‌کند؟ آیا فرهنگ ایرانی با گسست تاریخی مواجه می‌شود؟

این پرسشی است که توجه بسیاری از اندیشمندان و نخبگان ایرانی را معطوف به خود کرده است. به نظر می‌رسد که ویروس کرونا نه‌تنها جسم فردی بلکه روح و روان جمعی ما را هم در معرض تهدید قرار داده است. فرهنگ در جامعهٔ امروز ما با «موقعیت مسئله‌مندی مضاعف» روبه‌رو شده است. منظور از «مسئله‌مندی مضاعف» این است که تا پیش از بروز و ظهور ویروس کرونا و بحران آن، جامعهٔ ایران درگیر پرسش‌های جدی دربارهٔ الگوهای فرهنگی و شیوهٔ زندگی خود بود و نه‌تنها اندیشمندان بلکه مردم عادی نیز در گفت‌وگوهای روزمرهٔ فردی و جمعی خود بسیاری از باورهای دینی، آئینی و فرهنگی‌شان را در معرض چون‌وچرا قرار داده بودند؛ اما با ظهور بحران کرونا موقعیتی شکل گرفته است که این پرسشگری شدت و عمومیت بیشتری یافته و عده بیشتری با فرهنگ و شیوهٔ

زندگی‌شان درگیری پیدا کرده‌اند. پرسش فرهنگ برای جامعهٔ ایران در موقعیت بحران پاندمی کرونا اهمیت چشم‌گیری پیدا کرده است و حجم عظیمی از گفتارها در این زمینه خلق و نشر شده است.

مروری بر گفت‌وگوهایی که در دورهٔ بحران انجام شده است نشان می‌دهد که برای همهٔ جوامع، دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی بیش از دگرگونی فرهنگی اهمیت دارد[1]. در اغلب جوامع، نگرانی‌ها و نقدهای اصلی و محوری‌شان معطوف به پرسش‌های اقتصادی و سیاسی است. این‌که نظام سرمایه‌داری به کجا خواهد رفت و این بحران جوامع سرمایه‌داری و بازارمحور را چگونه و تا چه میزان دگرگون خواهد کرد. همچنین پرسش سیاسی و چگونگی نظام روابط قدرت در سطح جهانی و ملی، بحث جدی دیگری است که اندیشمندان جهانی آن را در کانون بحث‌های خود قرار داده‌اند. در ایران نیز پرسش اقتصادی و سیاسی وجود دارد و نگرانی‌ها دربارهٔ معیشت، فقر، بیکاری، نابرابری‌ها و نابسامانی‌ها سیاسی در رسانه‌ها و مطبوعات به‌نحو جدی شکل گرفته است. اما به گمان من پرسش فرهنگ، اگر نگویم بیشتر، حداقل هم‌عرض و برابر پرسش سیاسی و اقتصادی، دغدغهٔ اندیشمندان و حتی شهروندان ایرانی است. از این‌رو باید دید این پرسش چه ابعادی دارد و ریشه‌های آن کجاست، و مهم‌تر این‌که این پرسش چگونه صورت‌بندی می‌شود و چرا فرهنگ برای جامعهٔ ایرانی چنین اهمیت و جایگاهی دارد.

۳. مسئله فرهنگ و کرونا

این‌که چرا پرسش فرهنگ واجد اهمیت جدی برای ماست، بیان‌کننده و افشاکنندهٔ نکات مهمی در این زمینه است. اهمیت این پرسش برای جامعهٔ ایران ابعاد گسترده‌ای دارد.

۱. در این زمینه می‌توان به دو کتاب زیر توجه کرد. این دو کتاب مجموعه‌ای از گفتارهای اندیشمندان برجسته امروزی در زمینه کروناست:

ـ ژیژک، اسلاوی؛ آگامبن، جورجو، نانسی، ژان لوک؛ بدیو، آلن؛ و مالابو، کاترین (۱۳۹۹). ویروس کرونا و فیلسوفان (مترجم: صالح نجفی و دیگران). تهران: تز یازدهم.

نخست، در ایران امروز فرهنگ تنها شیوهٔ زندگی نیست، بلکه روابط قدرت و فرهنگ چنـان در هم تنیده شده‌اند که هر تغییـر فرهنگـی می‌توانـد گفتمـان سیاسـی و شـیوهٔ حکمرانـی و سامان سیاسی کشور را تغییر دهد.

دوم، بحران کرونا به‌طور مستقیم زندگی روزمره و آئینی همهٔ شهروندان را متـأثر سـاخته است. جامعهٔ ایرانی، که با تورم مناسکی روبه‌روست، به‌طور طبیعی به‌تعلیق‌درآمدن آئین‌ها تأثیر عمیقی بر ساختار عواطف و نظم زندگی روزمرهٔ آنها می‌گذارد. «تعلیق آئینـی» کـه در بحران کرونا انجام شد و اجرای تمامی آئین‌های ملـی و دینـی جمعـی را متوقـف سـاخت، ابعاد گسترده‌ای بر تأثیرات فرهنگی کرونا گذاشته است[1].

سوم، شکل‌گیری موقعیت «قرنطینهٔ خانگی» و خانه‌نشینی، که برای مدت نسبتاً طولانی ادامه یافت، می‌تواند بازاندیشی‌ها و تأملات فردی در افراد ایجاد کنـد. ضـمن این‌کـه نهـاد خانه و خانواده نیز در این وضعیت در معرض تجربه تازه‌ای قرار گرفت[2].

چهارم، در کنار عوامل بیان‌شده باید بر نقش جدی نهاد دانشگاه در اهمیت یافتن فرهنـگ و نظام معنایی در ایران امروز نیز توجه داشت. ایران امروز «جامعه‌ای دانشـگاهی» اسـت کـه چهارده میلیون دانشگاهی و نزدیـک بـه چهـار میلیـون دانشـجو دارد. ایـن جمعیـت پرشـمار دانشگاهی با دسترسی به رسـانه‌ها، شـبکه‌های اجتمـاعی و موبایـل و بـه کمـک عکس‌هـا و کلمـات، بـه تولیـد گفتـار انبـوه و شـکل گسـترده و تـوده‌واری از «اندیشـه‌ورزی جمعـی» و گفـت‌وگوی اجتمـاعی مشـغول هسـتند. در موقعیت‌هـای بحرانـی، اضـطراب‌ها، تنش‌هـا و چالش‌های فردی و اجتماعی، باعث می‌شود که افراد از طریق تمام امکان‌هایی کـه در اختیـار و دسترس دارند به ابراز خود و بیان نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و چالش‌هـا و تنش‌هایشـان بپردازنـد. موقعیت اضطراری پاندمی کرونا جمعیت دانشگاهی را، که به دانش‌هـای گونـاگون طبیعـی و انسانی و اجتماعی آشنا و آگاه بودند، به سـوژه‌های خـلاق و سـخنگو تبـدیل کـرد. در نتیجـه

---

۱. در این یادداشت این موضوع را تحلیل کرده‌ام:
فاضلی، نعمت‌الله (۲۵ اسفند، ۱۳۹۹). وضعیتی استثنایی به نام تعلیق آئین. سایت پنجره. https://telegra.ph/

۲. دریادداشت زیر این موضوع را تحلیل کرده‌ام:
فاضلی، نعمت‌الله (۳ فروردین، ۱۳۹۹). به خانه برمی‌گردیم اما به کدام خانه؟. سایت پنجره، https://telegra.ph

انبوهی از ایده‌ها، نمادها، نشانه‌ها و بحث‌ها درباره زندگی، انسان، مرگ، جامعه، سرشت و سرنوشت فردی و جمعی در میان ایرانیان خلق و منتشر شد. طبیعتاً این فضای گفت‌وگویی و اندیشه‌ورزی جمعی، فرهنگ و شیوهٔ زندگی را مسئله‌مند ساخت.

بنابراین، نه‌تنها اندیشمندان و نظریه‌پردازان و متخصصان، بلکه شهروندان عادی در موقعیت کرونایی خود را درگیر پرسشگری و چون‌وچرا کردن و پرسیدن از سویه‌ها و سایه‌های فرهنگی و اجتماعی دور و نزدیک بحران کرونا کردند. این پرسشگری‌ها نه‌تنها ریشه در علایق فکری و معنوی شهروندان داشت، بلکه تا حدود زیادی ناشی از واقعیت‌های عینی و مادی است که انسان در نتیجهٔ به‌تعلیق‌درآمدن زمان، مکان و موقعیت با آن روبه‌روست. تعطیلی نظام آموزشی، و آموزش عالی[1]، و نیمه‌تعطیل‌شدن فعالیت‌های شغلی، دور شدن از خیابان و فضاهای شهری، درگیر شدن با نگرانی‌ها و اضطراب‌های ناشی از خطر مرگ، و همچنین بحران‌های اقتصادی و بیکاری و خسارت‌های مادی و جانی که افراد می‌بینند، اینها همه لاجرم افراد را به تأمل و گفت‌وگوی درونی وامی‌دارد. به‌نظر می‌رسد که انسان ایرانی در مواجهه با این بحران بیش از گذشته متوجه اهمیت و معنای زندگی شده است و در صورت تداوم این بحران می‌توان انتظار داشت نوعی انقلاب زندگی یا سیاست زندگی در جامعه ایرانی شکل بگیرد[2].

در نهایت معتقدم اهمیت‌یافتن فرهنگ برای ایرانی‌ها تا حدودی ریشه تاریخی نیز دارد. ساندرا مک‌کی در کتاب ایرانی‌ها با مرور گستردهٔ تاریخ ایران از هخامنشیان تا امروز نشان می‌دهد که ایرانی‌ها همواره درگیر پرسش فرهنگ بوده‌اند، پرسش از این‌که چگونه مؤلفه‌های تاریخی و معاصرشان را به‌شیوه‌ای مناسب درهم آمیزند. این تلاش به‌ویژه هنگام بحران‌ها اهمیت بیشتری داشته است (مک‌کی، ۱۳۸۰).

---

۱. در یادداشت زیر این تغییرات را تحلیل کرده‌ام:

فاضلی، نعمت‌الله (۲۵ فروردین، ۱۳۹۹). تغییرات جامعه ایرانی در پساکرونا. خبرگزاری فرارو. قابل‌بازیابی در https://fararu.com/fa/news/436302

۲. در یادداشت زیر این تغییرات را تحلیل کرده‌ام:

فاضلی، نعمت‌الله (۶ مهر، ۱۳۹۸). کرونا و انقلاب زندگی: سیاست زندگی، سیاست فرهنگی و بیماری. خبرگزاری، قابل‌بازیابی در https://www.mehrnews.com/news/4861910/

با توجه به این واقعیت‌ها، از همان ابتدای شکل‌گیری بحران کرونا این احتمال یا فرضیه را مطرح کردم که بحران کنونی ممکن است «ترومای فرهنگی» باشد که توانایی ایجاد تحوّل در برخی بنیادهای شناختی، معرفت‌شناختی و به‌طورکلی فرهنگی را دارد[1]. در جای دیگری نشان داده‌ام که گفتارهای شکل‌گرفته در موقعیت بحران کرونا در ایران را می‌توان در مسیر کلی مناقشات بر سر چگونگی تجدّد در ایران صورت‌بندی کرد و آنها را در سه گفتمان مدرنیستی رادیکال، ضدمدرنیستی و نوسازی انتقادی طبقه‌بندی کرد[2].

اما اگر بخواهیم از منظر تغییرات فرهنگی که در فضای نمادین و زندگی روزمرهٔ انسان و جامعهٔ ایرانی تأثیرات بحران کرونا را ارزیابی و تحلیل کنیم می‌توان سه رویکرد را در نظر گرفت: نخست، هیچ تغییری انجام نمی‌شود و بعد از مدت کوتاهی که بحران پایان یافت، روندهای گذشته بازتولید و تکرار خواهند شد. برخی محققان ایرانی چنین دیدگاهی را قائل هستند. می‌توان این دیدگاه را «گفتمان تداوم» نامید. در مقابل می‌توان این رویکرد را در نظر گرفت که تغییرات ساختاری به‌وجود می‌آید و جامعه و فرهنگ در ایران با شکلی از گسست یا رخداد روبه‌رو خواهد شد. برخی محققان نیز همین رویکرد را بیان کرده‌اند. اما رویکرد سوم این است که بحران کرونا فرصت بزرگی برای تأمل و بازاندیشی انتقادی دربارهٔ الگوها و شیوه‌های زندگی ایجاد کرده و این بازاندیشی ادامه خواهد یافت. فرهنگ در جامعه درگیر پرسش‌ها و چون‌وچراهایی خواهد شد. می‌توان این را نیز «گفتمان بازاندیشی انتقادی» نامید. این‌که آیا این بازاندیشی‌ها در نهایت ساختارها را عمیقاً تغییر می‌دهند یا نه اهمیت چندانی ندارد زیرا بعد از بحران کرونا فضای معنایی و ذهنیت جمعی انسان و جامعهٔ ایرانی در تمام زمینه‌های دینی، آئینی، فکری و فلسفی هرگز مطابق گذشته نخواهد بود. در ادامهٔ این مقاله به تشریح این سه گفتمان می‌پردازم.

---

۱. در یادداشت زیر این تغییرات را تحلیل کرده‌ام:

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳ اسفند، ۱۳۹۸). ترومای فرهنگی کرونا. روزنامه همشهری. قابل‌بازیابی در http://newspaper.hamshahrionline.ir/id/96402

۲. در یادداشت زیر این تغییرات را تحلیل کرده‌ام:

فاضلی، نعمت‌الله (۳۱ فروردین، ۱۳۹۹). مواجهه‌های فکری با بحران کرونا در ایران. روزنامه همدلی. قابل‌بازیابی در http://www.hamdelidaily.ir/?post=2834

۱-۳. گفتمان تداوم

برخی محققـان بـر ایـن عقیده‌انـد کـه در الگوهـای فرهنگـی و زنـدگی روزمـرۀ ایرانـی در چشم‌انداز بلندمدت تغییر جدی ایجاد نخواهد شد و بعـد از پایـان بحـران، انسـان ایرانـی تحت تأثیر عادت‌های دیرینه و میل به مصرف و ذهنیت جمعی ناخوداگاهش، همان راهـی را خواهد رفت که تاکنون رفته است. محمدرضا تاجیـک (۱۳۹۹) از جملـه ایـن محققـان است. او می‌نویسد:

> کرونا می‌آید و می‌رود، بیمار می‌کند، می‌کشد، اقتصاد را به‌هم می‌ریزد، انبوهی را بیکـار می‌کند، بحران‌های اجتماعی و سیاسـی موضـعی و متـوالی و متـراکم بسـیاری را ایجـاد می‌کند، و متعاقباً سبک‌های زندگی، منش و خویگان و شخصیت آدمیان را، و شـیوه‌های مدیریتی آنان را تغییر می‌دهد، اما در مورد ایران و ایرانیان این «متعاقباً» بـه‌یکباره غیـبش می‌زند و دولت و ملت ایرانی هم‌چنان کپی برابر اصل و دست‌نخورده باقی خواهند ماند. انسانِ ایرانی ممکن است بـا کرونـا بـه جهـان دیگـر پرتـاب شـود، امـا از زیسـت‌جهان ایرانی‌اش هرگز.

استدلال تاجیک این است که تغییر پایدار در الگوهای کنش روزمره نیازمنـد طی‌کـردن فرایند طولانی و گسترده‌ای است و شوک‌ها و بحران‌هایی مانند کرونا ظرفیت ایجـاد چنـین نغییری را ندارد. از دیدگاه تاجیک ما زمانی می‌توانیم از تغییر در فرهنگ صـحبت کنـیم کـه ابعاد مسئله‌مند زندگی و کنش‌های شهروندان تغییر کند. تاجیک در این زمینه تنهـا نیسـت، بسیاری از مردم عادی و محققان هستند کـه ایجـاد تغییـر را دور از انتظـار می‌داننـد. حتـی برخی استدلال می‌کنند که نه‌تنها تغییر سازنده‌ای ایجاد نمی‌شود بلکه این امکان هست کـه وضعیت نامناسب‌تر نیز بشود. برای مثـال، ناصـر فکـوهی (۱۳۹۹) اسـتدلال می‌کنـد کـه محتمل‌ترین سناریو برای آینـده تـداوم وضـع پیشـاکرونا و حتـی وخیم‌تـر شـدن موقعیـت انسان‌هاست. او می‌نویسد:

> تداوم وضع موجود با گسترش نولیبرالی و وخامت نسبی اندک و تدریجی. در این سناریو شاهد پایان نسبتاً سریع و بازگشت به موقعیت پیشین با ادعای دروغین ظاهرشدن «جهان

پساکرونا» خواهیم بود. این موقعیت را شاید با توجه به جهانی که نولیبرالیسم در پنجاه سال اخیر ساخته و مشخصه‌اش میلیاردها مردم فقیر، میلیون‌ها بیمار و ناتوان و گرسنه و مهاجران درمانده و پهنه‌های مخروبه، و هزاران تن افراد فاسد، دزد و کلاهبردار و زورگو که در سلسه‌مراتب‌های مختلف به‌مثابه «مسئولان» سیاسی، ماأمور کنترل و حفظ این شرایط ضدانسانی و ضدطبیعت در رأس امور قرار گرفته‌اند، موقعیتی با احتمال بالاتر از مورد نخست دانست؛ و حتی شاید با توجه به چنین جهانی، این محتمل‌ترین سناریو باشد. در این سناریو، همچون فجایع دیگری که در صد سال اخیر اتفاق افتاده است، در فاصله ۱۸ ماه آینده و شاید هم زودتر شاهد بازگشت به شرایطی به‌مراتب بدتر از پیش از فاجعهٔ کرونا خواهیم بود؛ یعنی گسترش فقر و گرسنگی و جنگ یا تنش‌های خشونت‌آمیز سیاسی یا مدنی برای اکثریت مطلق جهان و زندگی پرتجمل برای فرادستان با بیشترین مصرف‌گرایی، باز هم به شکل پیشین و با سپردن کلید راهگشایی «ارزانی» به یک دولت اقتدارمدار و غیرقابل‌پیش‌بینی نظیر چین البته با ادعای «تغییر ضروری در رفتارهای روزمره». در این حالت مهم‌ترین خصوصیت «جهان پساکرونایی» در خلاصه‌شدن آن در گروهی از گفتارها و شاید برخی از عادات بهداشتی در کشورهای ثروتمند خواهد بود، تغییر برخی از مقررات و حتی ایجاد گروهی از نوآوری‌ها برای «رصد کردن» بیماران با هدف «طرد» بهتر آن‌ها از سیستم اجتماعی.

برخی نیز امکان فهم تغییرات آینده را ناممکن یا بسیار دشوار می‌دانند و درعین‌حال، این امکان را هم بعید می‌دانند که جامعه ایران با چرخش تاریخی مواجه شود که بتوان آن را پساکرونا دانست. رحیم محمدی از جمله این محققان است. او این پرسش را طرح می‌کند که «آیا پساکورونا ممکن است!؟». وی معتقد است که نمی‌توان از پساکرونا صحبت کرد، زیرا «در نوشته‌های دانشگاهی دقیق و علمی زمانی استعمال می‌شود که نویسنده در «سیر عادی زمانه» و در «نظم رایج جامعه» گسستی بنیادی ببیند یا حدس بزند. نظم جمعی کنونی جوامع و جهان هر چه باشد، از یک زمانی از تاریخ، مثلاً پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده است و به‌مثابه ترتیبات و ساختارها و نهادها و مناسبات و الگوهای عملی در جوامع و جهان تثبیت شده است و معیار خیلی از امور واقع است و این نظم همواره کنشگران را فرامی‌خواند تا بر حسب آن عمل کنند و تصمیم بگیرند و سخن بگویند. آیا می‌توان در این لحظه با اطمینان ادعا کرد بحران جهانی کرونا موجب شده است

تا سُستی و فتور اساسی در این نظم و روند پیدا شـود و انسـان‌ها و دولت‌هـا دیگـر تمـایلی ندارند به دعوت‌های این نظم و روند پاسخ مثبت دهند؟» (محمدی، ۱۳۹۹).

۲-۳. گفتمان گسست

در مقابل دیدگاه تداوم وضع پیشین، می‌توان دیدگاهی را در نظر گرفت که تغییرات بنیادین بـرای ذهنیت و ساختارها و حتی سیستم‌ها فرض می‌کند. در این دیـدگاه آزادارمکـی از چشـم‌اندازی جامعه‌شناختی استدلال می‌کند که «سرنوشت ایران به سرنوشت جامعه جهانی بستگی دارد. از آنجا که جهان در کل درگیر کرونا می‌باشد، هر تغییری در هر یـک از ایـن دو جهـان، راهـی در تغییر دیگری خواهد بود. بدین‌لحاظ، ایران هم به واسطه کنشگری خودش و هم نوع کنشی کـه در جهان غیر ایرانی صورت می‌گیرد، دچار تحـول بنیـادین خواهـد شـد (آزادارمکـی، ۱۳۹۹، ۱۴). ازدیدگاه او «کرونا به‌عنوان جریانی اجتماعی فراگیر و جهانی بـا ابعـاد منطقـه‌ای و ملـی، جهان معاصر را با طرح چالش‌های متعـدد (اجتمـاعی، زیسـت بـومی، اقتصـادی، فرهنگـی، انسانی، مدیریتی، و ...) درمسیر تغییرات بنیادین قرار داده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۹، ۲۶).

برخی نیز بحران کرونا را همچون «رخداد» بزرگ می‌دانند که نه‌تنها در ایران بلکـه تمـام جهان را با گسست مواجه کرده است. بهمن نامورمطلق معتقد است «شاید ما هـیچ رخـداد بزرگی در این دهه‌های اخیر به گستردگی کرونا نداشته‌ایم. چرا کـه کرونـا نـه صـرفاً دربـارۀ اشخاص یا شهرها، که دنیا را به پیش‌وپس از خود تقسیم کرده است. بنـابراین، کرونـا یـک ابررخداد است و جهان پس از کرونا کاملاً متفـاوت خواهـد بـود» (نـامورمطلق، ۱۳۹۹). استدلال نامور مطلق این است که کرونا در معنای دقیـق و فلسـفی کلمـه رخـداد اسـت، و رخدادها جهان ما را با گسست روبه‌رو می‌کنند. یکی از جنبه‌های رخـدادی کرونـا اینسـت که این ویروس جهان را برای بشر ناامن کرده است. «جهان ناامن تأثیرات زیادی بر سلامت روان، روابط انسان‌ها، نگاه، نگرش و اخلاق می‌گذارد و کرونا بیش از هر چیزی ما را دچار این حس ناامنی در جهان کرده است و این ناامنی جنبه‌های گوناگونی دارد. ناامنی نسبت به دیگری یکی از مهمترین آنهاست. ما نسبت به دیگری بی‌اعتماد شده‌ایم کـه نکنـد او ناقـل باشد. بنابراین، انسان‌ها به حلقه‌های کوچک‌تر با به فردیت خودشان پناه برده و همه به‌دنبال پناهگاه خواهند بود. و این خود رویدادی سترگ است» (همان).

۳-۳. گفتمان بازاندیشی

رویکردی که من پیشنهاد می‌کنم این است که بحران کرونا ممکن است گسستی در تاریخ ایران ایجاد نکند، و در عین حال نمی‌توان تصور کرد که این بحران، با توجه به تأثیراتی که تا این لحظه داشته است، در آینده هیچ بازتابی در ذهنیت جمعی انسان ایرانی به جای نگذارد. این بازتاب لزوماً به‌معنای تغییرات ساختاری در کوتاه مدت نیست، اما زمینهٔ معنای تازه‌ای برای اندیشیدن به بدیل‌ها و همچنین نقد وضع موجود فراهم می‌سازد. در ادامه بحث می‌خواهم این رویکرد را توضیح دهم.

مخیله اجتماعی[1] ما لاجرم متأثر از بحران کرونا خواهد شد. بحران کرونا لاجرم تغییراتی را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌کند. مهم‌ترین تحول را می‌توان «شکل گیری پرسش‌های مهم در ذهنیت جمعی دانست». در چشم‌اندازی کلی این پرسشگری چیزی نیست جز اندیشیدن به بدیل‌های تازه در برابر تمام یا اغلب اموری که تاکنون به آنها خو و عادت کرده‌ایم. حسین شیخ رضایی توصیف جذاب و روایت روشنی از این پرسش‌ها طرح می‌کند. او می‌گوید بحران کرونا انسان امروز را در وضعیت «بازگشت به حالت اولیه یا پایه[2]» قرار داده است، وضعیتی که «مقدار زیادی از چیزهایی را که تمدن و تکنولوژی برای ما فراهم آورده از دست داده‌ایم و به حالت‌های مرزی یا اولیهٔ زندگی بازگشته ایم» (شیخ‌رضایی، ۱۳۹۹).

این وضعیت «باعث می‌شود موارد زیادی که قبلاً در زندگی اجتماعی خود مفروض می‌دانستیم و شکلی آشنا برای ما داشتند، زیر سؤال بروند». یعنی «چیزهایی که قبلاً برای ما مفروض بوده است زیر سؤال می‌رود و این پرسش پدید می‌آید که آیا این‌ها نمی‌توانست شکل‌های دیگری داشته باشد و آیا ما بعد از این نمی‌توانیم به آن شکل‌های بدیل فکر کنیم.» در این وضعیت مردم از خود می‌پرسند: «آیا این شکل تازه بهتر یا بدتر نیست؟ آیا نمی‌شود سرعت زندگی را گرفت؟ آیا نمی‌توان مصرف را کم نگه داشت؟ آیا نمی‌توان به

1. social imaginary
2. back to basics

مفهوم روابط انسانی جور دیگری نگاه کرد؟ آیا نمی‌شود راجع به اوقات فراغت به‌نحو دیگری اندیشید؟ (همان).

این رویکرد را من «گفتمان بازاندیشی انتقادی» می‌نامم. اکنون نمی‌توان با تکیه بر داده‌های مطمئن و تجربی در این زمینه سخن گفت؛ اما برخی نکات کاملاً روشن است. می‌توان از روی واقعیت‌های آشکار کنونی و برمبنای تحلیل نظری برخی از این واقعیت‌ها را نشان داد. با توجه به هدف این مقاله که صرفاً تکیه بر تحلیل فرهنگی بحران کروناست، در ادامه زمینه‌ها و واقعیت‌هایی که ممکن است این بازاندیشی فرهنگی را مهیا سازد توضیح می‌دهم.

۴. انفجار دانش

بحران کرونا در بستر جهان مجازی‌شده و سیاره‌ای‌شدهٔ دنیای کنونی رخ داد. این جهان فرصت و امکان این را می‌دهد که در زمان کوتاه و در شعاع تمام جهان بی‌نهایت اطلاعات به‌صورت ارزان و رایگان و آسان خلق و انتشار یابد. بحران کرونا ذخیرهٔ عظیمی از اطلاعات، تحقیقات و تحلیل‌ها از رشته‌ها و چشم‌اندازهای گوناگون را در دسترس همگان قرار داد. این حجم بی‌انتهای اطلاعات و دانش از طریق رسانه‌ها، مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی و موبایلی و به کمک شبکهٔ جهانتی اینترنت در اختیار جهانیان قرار گرفت. یزدان منصوریان متخصص علم دانش‌شناسی و اطلاعات در زمینه انفجار اطلاعات و دانش در بحران کرونا می‌نویسد:

> حجم و تنوع اطلاعاتی که در این مدت کوتاه دربارهٔ ویروس کرونا تولید شده به‌راستی شگفت‌آور است. جزئیاتش را باید از گوگل بپرسیم که مسئول ثبت احوال اینترنت است. هر چند گوگلِ سرمایه‌دار زرنگ‌تر از آن است که آمار واقعی را آشکار کند. اما هر چه هست دربارهٔ کمتر موضوعی تا این اندازه اطلاعات تولید شده است. از اطلاعات بهداشتی و پزشکی تا اخبار و آمار مربوط به تعداد مبتلایان و روند گسترش بیماری در گوشه‌وکنار جهان. افزون بر اطلاعات مرتبط با کرونا حجم عظیمی از منابع اطلاعاتی نیز به‌دلیل شرایط جدید تولید شده است. مثلاً مؤسسات آموزشی بخشی از دروس خود را به فرمت آنلاین تبدیل کرده‌اند. بسیاری از کتابخانه‌ها و موزه‌ها مشغول تدوین تورهای

مجازی هستند و اغلب سازمان‌ها ناگزیر به تولید منابع جدید دیجیتال شده‌اند. با توجه به ماهیت جهانی این مشکل نهادهای بین‌المللی در چند ماه گذشته منابع متعددی برای آگاهی عمومی تهیه کرده‌اند (منصوریان، ۱۳۹۹).

اگر انفجار اطلاعاتی ناشی از بحران کرونا را در نظر بگیریم، امروزه شهروندان و نهادهای جهان با آگاهی‌های تازه‌ای درباره طبیعت، تاریخ، سیاست، اقتصاد و فرهنگ مواجه و مجهز شده‌اند که پیش از این به آنها توجه نداشتند یا کلاً از آنها بی‌خبر بودند. می‌توان انتظار داشت که این انفجار اطلاعات، زمینهٔ شناختی جدیدی برای بشر فراهم سازد؛ زمینه‌ای که حساسیت‌های انسان‌ها را نسبت به شیوهٔ زندگی، سیاستگذاری‌ها و حکمرانی‌ها افزایش می‌دهد. طبیعتاً می‌توان اینها را زمینه‌ساز بازاندیشی‌ها در آینده دانست.

○

۵. آشنایی‌زدایی از زیست جهان

در گفتمان علوم اجتماعی، آشنایی‌زدایی[1] یکی از راهبردهای شناخت فرهنگ و زندگی روزمره یا زیست‌جهان[2] است. زیست‌جهان عبارت مشهوری است که ابتدا ادموند هوسرل آن را در اوایل قرن بیستم ابداع کرد. همان‌طور که دیوید انگلیس[3] می‌نویسد: «ویژگی محوری هر زیست‌جهانی، ماهیت پیش‌تأملی[4] و بدیهی[5] آن است» (انگلیس، ۱۳۹۱، ۴۱). یعنی اینکه افراد در زیست‌جهان‌های خود غوطه‌ورند و مانند هوایی که تنفس می‌کنند، وجود آن را امری طبیعی می‌دانند. افراد چنان در زیست‌جهان غرق می‌شوند که گویی از آن هیچ اطلاعی ندارند. محققان اجتماعی این وظیفه را بر عهده دارند که این جهان، متعارف، طبیعی و بدیهی پنداشته شده را همچون امری جالب، شگفتناک و قابل‌شناسایی، یا امری بیگانه موضوع دانش خود قرار دهند. راهبرد محققان برای این کار، آشنایی‌زدایی است. همان‌طور که در ادبیات، شاعران و داستان‌نویسان تجربه‌های زندگی

1. defamiliarization
2. life world
3. David Inglis
4. pre-reflective
5. taken for granted

روزمره را همچون امور ناآشنا برای ما قابل‌رؤیت و مشاهده می‌کنند (همان). آشنایی‌زدایی از زندگی روزمره یعنی آگاهی از جزئیات پرشماری که زندگی و زیست‌جهان ما را شکل می‌دهد. این کار به تعبیر انگلیس اگرچه ناممکن نیست، اما «غالباً دشوار است» (همان، ۴۵). فاجعه‌های جمعی می‌توانند موقعیت‌هایی فراهم کنند که ما نسبت به زیست‌جهان خود آگاه شویم، چون فاجعه‌ها ما را ناگزیر می‌کنند نیروها و کنش‌ها و باورهایی که بدیهی می‌پنداشتیم از دایرهٔ ناخودآگاه ما بیرون بجهند و در برابر چشمان ما قرار گیرند.

در موقعیت‌های بحرانی و فاجعه‌ها مانند بحران کرونا افراد عادی مانند محققان اجتماعی نسبت به زیست‌جهان خود حساس می‌شوند. بحران کرونا به‌دلیل قرنطینه، فاصله‌گذاری فیزیکی، به خطر افتادن سلامتی، مراقبت و خودمراقبتی و همچنین به دلیل انفجار دانش، گفت‌وگوهای جمعی در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات، موقعیت آشنایی‌زدایی از زیست‌جهان را برای افراد عادی فراهم کرد. آشنایی‌زدایی از روابط بین شخصی از مهم‌ترین پدیده‌ها بود که در بحران کرونا به‌دلیل فاصله‌گذاری فیزیکی رخداد. افراد در موقعیت بحران کرونا باید از دست‌دادن، دیده‌بوسی و هرگونه تماس فیزیکی پرهیز کنند. این موضوع به‌ویژه در موقعیت جشن نوروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافت زیرا دید و بازدید نوروزی به تعلیق درآمد. در این موقعیت، انسان ایرانی متوجه اهمیت تماس‌ها، تعامل‌ها و روابط آئینی و نقش بدن در این آئین‌ها شد. به تعلیق درآمدن آئین‌های ملی و مذهبی، که در موقعیت بحران رخ داد، نقش مهمی در حساس و آگاه‌شدن انسان ایرانی به معانی، عملکردها و نقش‌های آئین‌ها در تأمین نیازهای عاطفی، شناختی و اجتماعی او ایفا کرد. علاوه بر این، بسیاری از سازوکارهای نظام روابط قدرت که از طریق برگزاری و اجرای آئین‌ها انجام می‌گرفت نیز برای انسان ایرانی آشکارشد. اگر اهمیت روابط بین شخصی که محققان آن را برای جامعه و انسان ایرانی بسیار پر اهمیت می‌دانند (باومن[1]، ۱۳۸۱؛ و کوتلاکی[2]، ۱۳۹۷) در نظر بگیریم، این آشنایی‌زدایی از روابط بین شخصی می‌تواند پیامدهای عمیق و مهمی در زیست‌جهان انسان ایرانی داشته باشد.

1. Bauman
2. Koutlaki

۶. تغییر نظام اولویت‌ها

می‌توانم با تاجیک و هم‌فکران او هم‌عقیده باشم که بحران کرونا شاید نتواند مسئله‌های انسان ایرانی را حل کند و او را با تغییرات مهمی در کنش‌ها و ارزش‌های روزمره‌اش روبه‌رو سازد، اما همه یا اغلب این کنش و امور را برایش پرسش‌انگیز و مناقشه‌آمیز خواهد کرد. بحران کرونا نمی‌تواند مقوله مصرف و رفتارهای مصرفی را بی‌اعتبار کند، اما ممکن است نظام اولویت‌بندی ما را متأثر سازد. این تغییر اولویت‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت در سیستم‌های اقتصادی و سیستم‌های حکمرانی بازنمود نداشته باشد اما در کنش‌های روزمره افراد تأثیرگذار است. بحران کرونا موقعیت مصرف‌گرایانه، سودجویانه، خودخواهانه، دگرستیزانه، رقابت‌جویانه، فردگرایانه و طبیعت‌ستیز کنونی انسان را با پرسش مواجه می‌سازد. در این پرسشگری برخی کنش‌های مشروعیت‌یافته کنونی مانند تلاش برای موفقیت به هر قیمت ممکن، تأکید بر داشتن به‌جای بودن، ناسپاسی نسبت به طبیعت، دیگران و هستی و کنش‌های جاافتاده دنیای مدرن نمی‌توانند مشروعیت پیشین خود را حفظ کنند. ایگوئیسم یا خودمرکزپنداری که در جهان مدرن زمینه روانی تخریب جهان اجتماعی و طبیعی را فراهم ساخت، نمی‌تواند در موقعیت بحران کرونایی با پرسشگری روبه‌رو نشود.

این پرسشگری که در سطح افراد و خُرد در حال وقوع است به‌تدریج و آرام‌آرام در سطح سیستم‌ها نیز نفوذ خواهد کرد. برای مثال، همواره هنگام بروز فاجعه‌ها، علم و «نظام‌های تخصصی» تقویت شده و تجدید حیات می‌یابند. سیستم سلامت در جامعه یکی از نظام‌های تخصصی است. این موضوع برای جامعه ایران احتمالاً دلالت‌های خاص خود را دارد. جامعه ایران طی دهه‌های اخیر نظام‌های تخصصی را با چالش مشروعیت سیاسی روبه‌رو کرده است. در نتیجه بحران کرونا مواجههٔ گفتمانی میان علم و شبه‌علم، امتیازهای بیشتری نصیب علم شده است. گفتمان شبه‌علم در آزمون بحران کرونا با سرزنش اجتماعی و شرمندگی جمعی روبه‌رو شده است.

اگر بخواهیم از جنبه فلسفی به قضیه نگاه کنیم، بازگشت به حالت پایه و اولیه باعث می‌شود موارد زیادی که قبلاً در زندگی اجتماعی خود مفروض می‌دانستیم و شکلی آشنا برای ما داشتند، زیر سؤال بروند. به‌عبارت‌دیگر، کارکرد بازگشت به حالت اولیه و خروج از

حالت معمولی این است که چیزهایی که قبلاً برای ما مفروض بوده است زیر سؤال می‌رود و این پرسش پدید می‌آید که آیا اینها نمی‌توانست شکل‌های دیگری داشته باشد و آیا ما بعد از این نمی‌توانیم به آن شکل‌های بدیل فکر کنیم. به‌عبارت دیگر، بازگشت به حالت اولیه باعث می‌شود ما دربارهٔ مفاهیم اولیه دوباره فکر کنیم. امروزه در شبکه‌های اجتماعی یا گفت‌وگوهای شخصی می‌بینیم و می‌شنویم که روال جاری زندگی افراد عوض شده و از هم می‌پرسند آیا این شکل تازه بهتر یا بدتر نیست؟ آیا نمی‌شود سرعت زندگی را گرفت؟ آیا نمی‌توان مصرف را کم نگه داشت؟ آیا نمی‌توان به مفهوم روابط انسانی جور دیگری نگاه کرد؟ آیا نمی‌شود راجع به اوقات فراغت به‌نحو دیگری اندیشید؟ بنابراین بازگشت به وضعیت اولیه باعث فکر کردن دربارهٔ مفاهیم و وضعیت‌های اولیه هم می‌شود.

۷. دیجیتالی‌شدن مضاعف

جهان و جامعهٔ ایران طی دهه‌های اخیر در مسیر دیجیتالی‌شدن بوده است. بحران کرونا فرهنگ دیجیتالی را به‌شدت تقویت کرده و در آینده این موضوع ابعاد عمیق‌تری خواهد یافت. شواهد آشکار نشان می‌دهند نظام رسانه و فرایند دیجیتالی‌شدن بیش از گذشته در تمام لایه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری انسان‌ها و همچنین در سیستم‌های سیاسی و اقتصادی نفوذ خواهند کرد. در این فضای دیجیتالی‌شدهٔ جدید نمادها و نشانه‌ها اهمیت بیشتری خواهند یافت و از این طریق فرایند فرهنگی‌شدن جهان و جامعهٔ ایرانی تشدید می‌شود. ما با جهش دیجیتالی‌شدن مواجه خواهیم شد. این جهش، جهش فرهنگی نیز هست. در این جهش فرهنگی در حال ظهور ما با کاهش تعاملات رو دررو روبه‌رو خواهیم شد و میل و عادت انسان به مروادات دیجیتالی و مجازی فزونی خواهد گرفت. طبیعتاً در این فضای جدید که می‌توان آن را مجازی‌شدن مضاعف نامید، ساختار عاطفی و احساسی جدیدی ظهور می‌یابد که دلالت‌های مهمی برای ارزش‌های اجتماعی و افق فکری و شناختی انسان‌ها خواهد داشت.

با گسترش فعالیت‌های شغلی دورکارانه (کار از خانه) و خانه‌بنیاد، عملکردهای خانه افزایش می‌یابد و فضاهای خانگی با فضاها و درگیری‌های شغلی در هم تنیدگی بیشتری

خواهند داشت. در این موقعیت روابط جنسیتی، نقش‌های جنسیتی، معنای خانه و مؤلفه‌ها و ارزش‌های خانگی جدیدی شکل می‌گیرند. می‌توان در انتظار فرهنگ درحال‌ظهور خانگی تازه‌ای بود. فرایند زنانه‌شدن فرهنگ که از دهه‌های پیش آغاز شده است، در موقعیت فرهنگ درحال‌ظهور تشدید خواهد یافت، زیرا زنان در خانه از توانایی‌ها و قابلیت‌های بیشتری برخوردار هستند. اگرچه فرایند زنانه‌شدن با مقاومت‌ها و تنش‌های جدی و حادتر میان زنان و مردان روبه‌رو خواهد بود، اما در هر حال اهمیت زنان در تعیین سرشت و سرنوشت جامعه و انسان بیش از گذشته خواهد شد.

به‌رغم تمام نکاتی که بیان کردیم در فرهنگ درحال‌ظهور پساکرونایی اگرچه ارزش‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ مدرن با تجدیدنظرهایی روبه‌رو می‌شود اما در نهایت این فرهنگ اعتبار خود را از دست نخواهد داد. در فضای پساکرونایی برخی ارزش‌های اجتماع‌محور مانند اهمیت خانه، خانواده، دگردوستی، همیاری و یاریگری‌های اجتماعی، توجه بیشتر به طبیعت، و ارزش‌های معطوف به انسان بیشتر خواهد شد اما اینها منجر به بازگشت به جامعه پیشامعاصر و فرهنگ سنتی نمی‌شود. فرهنگ درحال‌ظهور پساکرونایی، ارزش‌های سنتی را در چارچوب فرهنگ مدرن تفسیر و معنا خواهد کرد و بدون بازگشت ارتجاعی به گذشته، معجون خلاقانه تازه‌ای را خواهد آفرید.

۸. افزایش توانش تطبیقی شهروندان

پاندمی کرونا، جهانی است. اغلب کشورها درگیر این بحران هستند و دربارهٔ این بحران تلاش می‌کنند، سخن می‌گویند و به سیاستگذاری می‌پردازند. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز این گفت‌وگوها و تلاش‌ها را در سراسر جهان منتشر می‌کنند. فیلم‌ها، عکس‌ها، خبرها و تحلیل و تحقیقات به‌سرعت در سراسر جهان منتشر می‌شود و گوش‌ها و چشم‌ها همه مردم درگیر این فضای جهانی است. نه تنها آمار مبتلایان و کشته‌ها، بلکه نوع و شیوهٔ واکنش مردم تمام جوامع در جلوی چشمان جهانی است. در این موقعیت، شهروندان همه کشورها شیوه مواجهه و چگونگی این بحران را به‌طور مقایسه‌ای می‌سنجند و ارزیابی می‌کنند. در این ارزیابی‌ها قوت‌ها و ضعف‌های نظام‌ها سیاسی و حکمرانی‌ها،

عملکرد نظام‌های تخصصی سلامتی و علم، و همچنین واکنش‌ها و کنش‌های شهروندان نیز زیر ذربین ملت‌هاست. مردم ایران نیز در این فضای سنجش مقایسه‌ای حضور دارند و به ارزیابی ارزش‌ها، باورها، کنش‌ها و الگوهای فکری و فکری خود در مقایسه با سایر ملت‌ها می‌پردازند. همه ملت‌ها باورهایی دربارهٔ تاریخ، فرهنگ و نقاط قوت و ضعف خود دارند. در موقعیت بحران کرانا فرصتی است تا شهروندان این داوری‌ها و قوت و ضعف‌ها را به محک آزمون و تجربه بگذارند. بازاندیشی انتقادی شکل‌گرفته کنونی تا حدود زیادی متأثر از این سنجش‌گری تطبیقی است. در پایان بحران نیز این سنجش‌گری ادامه خواهد یافت و بخش مهمی از فرهنگ درحال‌ظهور خواهد بود.

۹. افزایش تقاضای اجتماعی برای دانش

یکی از ویژگی‌های عمومی موقعیت‌های اپیدمیک، توجه همگان به علم‌وفناوری برای برطرف‌کردن خطر است. درعین‌حال، در این موقعیت‌ها گفت‌وگوهای جمعی دربارهٔ وضعیت جامعه، سرنوشت انسان، پامدهای بحران، آینده و وضعیت اقتصادی و سیاسی نیز گسترش پیدا می‌کنند. در موقعیت‌های بحرانی که امنیت جانی و وجودی انسان با مخاطرهٔ جمعی روبه‌رو می‌شود نیاز انسان‌ها به مباحث عرفانی، معنوی و امید و مقولات اخلاقی و اجتماعی به‌شدت گسترش پیدا می‌کند. از این‌رو در این موقعیت‌ها نیاز به علوم انسانی و اجتماعی، هنرها و ادبیات بیشتر می‌شود. بحران کرونا چنین وضعیتی را ایجاد کرده است. شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها نیز با نشر این دانش‌ها و تشویق و ترغیب مردم به خواندن و شنیدن و دیدن فیلم‌ها، رمان‌ها، شعر و در عین‌های تحلیل و تفسیرهای محققان علوم انسانی و اجتماعی، میزان تقاضای اجتماعی برای این دانش‌ها را افزایش می‌دهند. در موقعیت بحرانی کرونا نه‌تنها محققان و دانشگاهیان حرفه‌ای، بلکه جمعیت پرشماری از شهروندان خود را درگیر خلق و انتشار دانش‌های انسانی و اجتماعی متناسب با نیازها و تقاضاهای مردم کرده‌اند. نظام‌های سیاسی و حکمرانی نیز در موقعیت بحرانی، بیش از مواقع عادی نیازمند بحث‌ها و دیدگاه‌ها و دانش‌های حرفه‌ای و دانشگاهی هستند. نکته مهم در اینجا این است که خلق و انتشار گسترده و همگانی دانش، تقاضای اجتماعی بالا

برای مسئولیت‌پذیر ساختن دانش‌ها و دانشگاهیان، بر کیفیت بازاندیشی‌های انتقادی شهروندان و جامعه می‌افزاید.

۱۰. افزایش سوژگی و عاملیت

در موقعیت‌های بحرانی به‌ویژه در موقعیت‌هایی که اپیدمی‌ها پرسش مرگ را در برابر انسان قرار می‌دهند، انسان‌ها و جوامع تمام امکان‌های فکری، فنی و فرهنگی خود را بسیج می‌کنند تا بحران را مدیریت کرده و از میزان خسارت‌های مادی، معنوی، جسمی و روانی آن بکاهند. در بحران کرونا با توجه به عالم‌گیر بودن بحران و دسترسی به رسانه‌ها، وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی و موبایلی، فرصت بیشتری برای درگیری و مشارکت افراد در مقابله با بحران، آگاهی از آن و ابراز و بیان خود فراهم شده است.

به‌علاوه، نهادها و جامعهٔ مدنی نیز در این موقعیت مجال و ضرورت بیشتری برای مشارکت در مدیریت بحران پیدا کرده است. همچنین بحران کرونا با تهدید جان انسان‌ها فشار هنجاری و اخلاقی زیادی برای مسئولیت‌پذیری افراد گوناگون، از پزشکان و نیروهای نظام سلامت تا گروه‌های ثروتمند و توانمند و مدیران و سیاستمداران، ایجاد کرده است. در نتیجه این عوامل افراد فرصت و ضرورت درگیر شدن با خود، جامعه و دیگری را پیدا کرده‌اند. این درگیری موجب بسط و توسعه حس دغدغه‌مندی نسبت به سرنوشت خود و انسان‌های دیگر را تقویت کرده است.

یکی از پیامدهای این موقعیت آشنایی عمیق‌تر و گسترده‌تر با چالش‌ها و بحران‌های جامعه و نوع بشر است. این آشنایی و درگیری، موجب بازاندیشی و تأمل فرد دربارهٔ فرهنگ، نظام سلامت، نظام حکمرانی و پرسش‌های بنیادی چون وضع عدالت، آزادی و اخلاق در جامعه می‌شود. در اینجاست که پرسش از سازوکارهایی می‌شود که موجب آسیب‌پذیری انسان‌ها و عوامل ایجاد تبعیض‌ها، نابرابری‌ها، سرکوب‌ها و فسادها و نابخردی‌ها در ذهن فرد و جامعه ظاهر می‌شود. این پرسش‌ها لاجرم ذهن را متوجه سازوکارهای فکری و الگوهای شناختی می‌سازد که دین، هنرها، دانش‌ها، سیاست‌ها و فرهنگ جامعه آنها را موجّه می‌سازند یا موجب آنها می‌شوند. نقد فرهنگی از درون چنین فضای بازاندیشی گسترش پیدا می‌کند.

۱۱. نتیجه‌گیری

در اینجا می‌خواهم به پرسش اصلی این مطالعه برگردم. این‌که بحران کرونا چه پیامدهای فرهنگی برای جامعه و انسان ایرانی دارد؟ آیا بحران کرونا فرهنگ و شیوهٔ زندگی ما را تغییر می‌دهد یا خیر؟ استدلال کردیم که برخی معتقدند این بحران تأثیرات پایدار در ذهن و اندیشه انسان ایرانی و کنش‌های او ایجاد نمی‌کند. در مقابل برخی قائل به «گسست تاریخی» هستند و «جامعه پساکرونا» را متمایز از جامعه پیشاکرونا ایران می‌دانند. تلاش کردم نشان دهم بحران کرونا لاجرم تغییراتی را در کنش و منش انسان ایرانی ایجاد می‌کند.

مطالعات تجربی در جوامع دیگر نیز نشان می‌دهد پاندمی کرونا تغییراتی در آن جنبه‌های زندگی روزمره که بدون عارضه و تنش بوده ایجاده است و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای تغییراتی را در عادت‌ها و رویه‌های معمول زندگی به‌وجود آورده است. حتی این بحران و تغییرات آن می‌تواند روش‌های تازه‌ای را به‌صورت امری عادی در زندگی روزمره تبدیل سازد (کیم و همکاران، ۲۰۲۰) این تغییرات در سطوح سوژه (فرد)، ساختار (عرف و آئین‌ها و نهادها) و سیستم (بازار و نظام حکمرانی) خواهد بود. اما این تغییرات در فرایند زمانی رخ خواهد داد. آنچه در مرحله اول آشکار می‌شود و شده است، درگیری ذهنی با این بحران است. ما برای مدتی با واکنش فکری و ذهنی با این بحران روبه‌رو هستیم. تبدیل‌شدن این واکنش‌ها و مواجهه‌های ذهنی و فکری را بازاندیشی انتقادی و بازاندیشی فرهنگی می‌نامم. این بازاندیشی‌ها زمینهٔ لازم برای دگرگونی‌های ساختاری در سطح سیستم‌های سیاسی و بازار را مهیا خواهد کرد.

براساس مجموعه نکاتی که بیان کردم می‌توان استدلال کرد که بحران کرونا احتمالا نمی‌تواند در کوتاه‌مدت (در پنج سال آینده) تغییرات بنیادی در فرهنگ و شیوهٔ زندگی انسان ایرانی ایجاد کند اما این بحران ذهنیت و فضای فکری و ساختار احساسات ما را عمیقاً تغییر می‌دهد. گفتمان سیاسی و حاکم و همچنین موانع تاریخی و عادت‌ها و ساختارهای اجتماعی و ساختارهای اداری و بروکراتیک موجود و بسیاری محدودیت‌های فرهنگی دیگر موانعی در راه تحقق ذهنیت جدید و ایجاد تغییرات بنیادی فراهم می‌کنند. ولی در نهایت جامعه و انسان ایرانی در این زمان پنج‌ساله «دورهٔ آستانه‌ای» را تجربه و تحمل خواهد کرد

و «جامعهٔ پساکرونایی ایران» آشکار خواهد شد. می‌توان انتظار داشت که چالش‌ها و تنش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، فشار شدیدی بر جامعهٔ ایران بیاورد و بازتاب این فشارها شکل‌گیری فرهنگ و شیوهٔ زندگی باشد که برخی نشانه‌ها و روندها و رویه‌های آن از دهه‌های پیش همچون «فرهنگ درحال‌ظهور»، شکل گرفته بود. این فرهنگ در سال‌های آینده ظهور و نمود بیشتر، عمیق‌تر و گسترده تری خواهد داشت و نهایتاً در یک دههٔ آینده احتمالا تثبیت می‌شود.

ما اکنون در فرایندی فکری و ذهنی هستیم که می‌توان آن را «کرونایی‌شدن فرهنگ» نامید. منظورم از کرونایی‌شدن فرهنگ این است که جامعه و انسان ایرانی در نتیجهٔ بازاندیشی‌های انتقادی، نگرش و ذهنیت اجتماعی تازه‌ای را پیدا می‌کند که می‌توان ویژگی‌های این نگرش را به‌صورت فهرست‌گونه چنین صورت‌بندی کرد:

- نگرش انسان ایرانی به دنیای مدرن همراه با نوعی نگرانی، اضطراب و واهمه خواهد بود؛
- نگرش انسان ایرانی به علم‌وفناوری و ضرورت بهره‌گیری از آنها برای زندگی تقویت خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به طبیعت و ضرورت مراقبت و توجه به آن بیشتر خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به باورهای سنتی و خرافی تضعیف خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به مقولات انسانی و عاطفی تقویت خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به خانه و اهمیت آن در زندگی تغییر کرده و تقویت خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به ضرورت تغییر در سیستم‌ها (حکمرانی و بازار) و عملکردهای سوژه (فرد) بیشتر خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به گسترش تعامل میان دانش‌ها و رویکردهای میان/فرارشته‌ای تقویت خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به مشترکات روحی و روانی و جسمی نوع بشر تقویت خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به ضرورت ارتباطات دیجیتالی و مجازی تقویت خواهد شد؛
- نگرش انسان ایرانی به عرفی‌شدن تقویت خواهد شد؛
- انسان ایرانی نسبت به زندگی روزمره و اهمیت ان هوشیارتر و حساس‌تر خواهد شد؛

■ نگرش انسان ایرانی به مقولهٔ سلامتی و بهداشت بسیار تغییر کرده و حساسیت و توجه به این مقوله بیشتر خواهد شد؛

■ نگرش انسان ایرانی به همبستگی جهانی و اهمیت پیوندها و هم سرنوشتی انسان در جهان تقویت خواهد شد.

این تغییرات در نهایت و در بلندمدت نظام‌های حکمرانی و اقتصادی را متأثر می‌سازد و موقعیت عینی و ذهنی جامعهٔ ایران دگرگون می‌شود. ویروس کرونا با توجه به تهدیدی که برای بقای انسان ایجاد کرده است، باعث اندیشه‌ورزی‌های گسترده‌ای خواهد شد. کرونایی‌شدن به فرهنگ به‌معنای مجموعه تغییرات عینی و ذهنی، مادی و معنوی است که بحران کرونا ایجاد می‌کند. بحران کرونا زمینهٔ اجتماعی تازه‌ای برای انسان ایرانی می‌آفریند. در نتیجه، در این بستر اجتماعی جدید، همه‌چیز معنای تازه‌ای خواهند داشت.

مجدد یادآوری می‌کنم آنچه بیان کردم صرفاً تحلیل بود و هرگز نمی‌توان با قطعیت و قاطعیت فردا و آینده را پیش‌بینی کرد. با زیگموند باوند هم‌عقیده‌ام که «آینده مجهولی عظیم است؛ و هرچه کنیم، باز هم مجهول می‌مانَد. پیش‌بینی‌ها چیزی بیش از حدس و گمان نیست، و اعتماد کردن به آنها به‌شدت مخاطره‌آمیز است. آینده پیش‌بینی‌ناپذیر است زیرا، صاف و ساده بگوییم، نامعین است. در هر لحظه، ممکن است که اوضاع تغییر کند» (باومن، ۱۳۹۸). این عدم‌قطعیت در پیش‌بینی آینده به‌معنای پایداری و ثبات در فرهنگ نیست. سخنم را در اینجا با شعر مولانا به پایان می‌برم:

هر زمان نو می‌شود دنیا و ما　　بی‌خبر از نو شدن ما در بقا

منابع

آزادارمکی، تقی (۱۳۹۹). گفتارهایی در مورد کرونای ایرانی. شفقنا، برگرفته از https://fa.shafaqna.com

انگلیس، دیوید (۱۳۹۱). فرهنگ و زندگی روزمره (مترجم: علیرضا مرادی). تهران: انتشارات تیسا.

بیمن، ویلیام (۱۳۸۱) زبان، منزلت و قدرت در ایران. ترجمه رضا ذوقدارمقدم. تهران: نشر نی.

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (۱۳۹۹). جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران. تهران: نویسنده.

کوتلاکی، سوفیا (۱۳۹۷). نظام ادب، تعارف و مفهوم وجهه در ایران (مترجم:زهرا فرخ‌نژاد و آذردخت جلیلیان). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

باومن، زیگمونت (۴ آذر ۱۳۹۸). پیش‌بینی امر پیش‌بینی‌ناپذیر (مترجم: عرفان ثابتی). سایت آسو، برگرفته از https://www.aasoo.org/fa/artIcles/2459

مک‌کی، ساندرا (۱۳۸۰). ایرانی‌ها؛ ایران، اسلام و روح یک ملت (مترجم:شیوا رویگریان). تهران: ققنوس.

سورکین، پیتریم (۱۳۹۶). انسان و جامعه در فاجعه (مترجم: امیر سلطانی‌نژاد). تهران: جامعه‌شناسان.

هارپر، کایل (۲۶ فروردین ۱۳۹۹). ویروس کرونا در حال شتاب‌بخشی به تاریخ است (مترجم: محمد تهامی‌نژاد). انسان‌شناسی و فرهنگ. برگرفته از https://anthropologyandculture.com

هراری، یوال‌نوح (۲۵ فروردین، ۱۳۹۹). جهان پس از ویروس کرونا (مترجم: عرفان ثابتی). آسو، برگرفته از https://www.aasoo.org/fa/artIcles/2747

محمدی، رحیم (۱۸ فروردین، ۱۳۹۹). آیا پساکرونا ممکن است؟. انصاف‌نیوز، برگرفته از http://www.ensafnews.com

منصوریان، یزدان (۱ اردیبهشت، ۱۳۹۹). جریان پرتلاطم اطلاعات در کارزار کرونا. مجله آن‌لاین لیزنا. برگرفته از https://www.lIsna.Ir/whIte-leaf/Item

هابرماس، یورگن (۲۵ فروردین، ۱۳۹۹). گفتگوی روزنامه فرانکفورتر روندشاو (مترجم: اقتصادنیوز). اقتصاد نیوز. برگرفته از https://www.eghtesadnews.com

نصراوی، محمد (۱۳۹۹). آستانگی در روزمرگی/ بازنمایی هویت در فضای قرنطینگی. خبرگزاری مهر. برگرفته از https://www.mehrnews.com

شیخ‌رضایی، حسین (۱۹ فروردین، ۱۳۹۹). بازگشت به بدویت؟[مصاحبه]. روزنامه اعتماد. برگرفته از https://www.magIran.com/artIcle/4028347

ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۲). به برهوت حقیقت خوش آمدید (مترجم: فتاح محمدی). زنجـان: نشـر هـزاره سـوم. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۲)

فکوهی، ناصر (۲۶ فروردین، ۱۳۹۹). جهان پساکرونا: سناریوهای پیش‌رو. سایت انسـان شناسـی و فرهنـگ. برگرفته از https://anthropologyandculture.com

تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۹). جهان پساکرونایی. مشق نو، برگرفته از http://mashghenow.com

Kroeber, A. (1944). ConfIguratIons of the culture growth. *The American Historical Review*, 51(1), 92-95. doI: 10.1086/ahr/51.1.92

KIm, U., Navjot, B., & Jackson, D. (2020). LIfe In the pandemIc: SocIal IsolatIon and mental health. *Journal of Clinical Nursing*, 29(15-16), 2756-2757. doI:10.1111/jocn.15290

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۹۰-۵۵، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

شفیعی سیف‌آبادی، محسن؛ و باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۹). فهم واقعیات و پیامدهای اجتماعی بحران کوید-۱۹ بر مبنای نظریهٔ سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۹۰-۵۵. doI: 10.22035/isih.2020.3925.4035

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_329.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3925.4035

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC_BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

فهم واقعیات و پیامدهای اجتماعی بحران کوید-۱۹ بر مبنای نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان

محسن شفیعی سیف‌آبادی[۱]، علی باقری دولت‌آبادی[۲]

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

در همه‌گیری کوید-۱۹ با یک بحران اجتماعی تأثیرگذار بر تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها روبه‌رو هستیم. فهم ابعاد دقیق این دگرگونی مستلزم به‌کارگیری مدلی مفهومی یا رویکردی میان‌رشته‌ای است. ازهمین‌رو، هدف اصلی مقاله حاضر فهم تأثیرها و واقعیات بحران کووید-۱۹ بر مبنای نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان و با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی است. سؤالی این است که بحران کووید-۱۹ چه ابعادی از حیات انسان‌ها را متأثر ساخته و شامل چه واقعیاتی می‌شود؟ فرضیه مورد آزمون عبارت است از: «بحران کرونا در سه سطح سیستمی تعاملاتی، سازمانی و جامعوی قابل‌بررسی است و در خرده‌سیستم‌هایی چون قانون، علم، دین، سیاست، اقتصاد و آموزش‌وپرورش قابل‌فهم است». نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که تغییر رویکرد در بستر سیستم تعاملات اجتماعی باعث دگرگونی اساسی در تعاملات روزمره افراد شده است. در سیستم سازمانی برخی سازمان‌ها منتفع و برخی زیان دیده‌اند و کنش سازمانی برخی نهادها به داخل منازل کشیده شده است. سیستم جامعوی که خود شامل شش قسمت می‌شود نیز تغییراتی مهم در زمینه اقصادی، ظهور قوانین جدید در بسیاری از ابعاد زندگی شهروندان، تحوّلی عمیق در زمینه باورهای دینی، تغییر رویه در شیوهٔ آموزشی، توجه ویژه به علوم تجربی و تمرکزگرایی در حوزهٔ خرده‌سیستم سیاست را تجربه نموده است.

کلیدواژه‌ها: کووید-۱۹، نیکلاس لومان، سازمان، تعامل، جامعه

---

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
shafiee@ardakan.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، کهگیلویه و بویراحمد، ایران
abagheri@yu.ac.ir

۱. مقدمه

سال ۲۰۲۰ برای شهروندان سراسر جهان با یک شوک خبری آغاز شد. خبر انتشار ویروس جدیدی در چین که حتی جشن‌های سال نو این کشور را تعطیل کرده است. خیلی زود همهٔ جهان در معرض این ویروس قرار گرفتند. همه‌گیری کوید-۱۹ مشکلات جدیدی را با سرعتی شگفت‌آور ایجاد کرد. مرزهای بسته، ممنوعیت سفر، زنجیره‌های آشفته عرضهٔ کالا و محدودیت‌های صادرات باعث شد تا همهٔ ابعاد زیست بشری درگیر این بیماری شود. دولت‌ها در سراسر جهان، اقداماتی را در عرصه‌های متفاوت همچون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، آموزشی و حقوقی برای مقابله با این ویروس، که میلیون‌ها انسان را بیمار نموده، انجام داده‌اند تا شاید بتوانند در سرعت نشر آن خللی ایجاد کرده و یا تبعات آن را کاهش دهند. تلاش‌هایی که تاکنون به شکل کامل موفق نبوده و همچنان دنیا درحال آزمودن است. ازهمین‌رو، برای این بیماری آینده‌های احتمالی زیادی وجود دارد که همهٔ آنها بستگی به درک درست و فهم دقیق واقعیات آن و نحوهٔ پاسخ دولت‌ها و جوامع به کوید-۱۹ و پیامدهای متعدد آن دارد. به عبارتی دیگر، برنامه‌ریزی برای کنترل و مهار تبعات بحران کرونا مستلزم درک و فهم دقیق واقعیات این بحران برمبنای چارچوب نظری مناسب است. ازهمین‌رو سؤالی که در اینجا مطرح است این است که بحران کووید-۱۹ چه ابعادی از حیات انسان را متأثر ساخته و شامل چه واقعیاتی می‌شود؟. فرضیه مورد آزمون نیز عبارت است از اینکه «بحران کرونا در سه سطح سیستمی تعاملات، سازمان و جامعوی قابل‌بررسی است و در خرده‌سیستم‌هایی چون قانون، علم، دین، سیاست، اقتصاد و آموزش‌وپرورش قابل‌فهم است».

برای فهم واقعیات و تأثیرات ویروس کرونا در عرصهٔ اجتماع، از نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان استفاده شده است. رویکرد سیستمی با هدف ساختن یک دانش جهانی تلاش دارد تا با نزدیک‌ساختن رشته‌های مختلف علمی و ارائه فهمی بین‌رشته‌ای، بر پیچیدگی مسائل آن‌ها فائق آید. دلیل اتخاذ چنین رویکردی پیچیدگی روزافزون جوامع در شرایط بحرانی کنونی است. پیچیدگی‌هایی که با تحلیل سه دسته از سیستم‌های تعاملاتی، سازمانی و جامعوی به دور از اغراق و در قالب چارچوبی واقعی‌تر قابل‌تحلیل است. در همین راستا، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیف و تحلیل نظری، ضمن

بررسی چارچوب نظری لومان، تغییر رویکرد در سه بستر سیستم تعاملات اجتماعی، سیستم سازمانی و سیستم جامعوی بررسی خواهد شد. دربارهٔ پیشینه تحقیق نیز ذکر این نکته اهمیت دارد که مدل نظری لومان گرچه در زمینه‌های متفاوت و در باب رخدادهای متعدد به وسیله محققان به‌کار گرفته شده است اما در ارتباط با تحلیل بحران کوید-۱۹ تا کنون هیچ تحقیقی بر مبنای این چهارچوب نظری صورت نگرفته است.

۲. چارچوب نظری؛ سیستم‌های اجتماعی

نیکلاس لومان[1] یک نظریه‌پرداز عرصهٔ جامعه‌شناسی و سیستم‌های اجتماعی است که پایه و اساس تفکر سیستم اجتماعی مدرن را پلیه‌گذاری کرد. وی تعریف خود را از «سیستم اجتماعی» بر اساس شبکه گسترده ارتباطات بین مردم بنا نهاد و خود جامعه را به‌عنوان یك سیستم اوتوپویتیک[2]، به‌معنای یك سیستم خودآفرینی و خودمتکی که با محیط آن متمایز است، تعریف کرد. لومان، تئوری سیستم‌های تالکوت پارسونز[3] و رهیافت کارکردگرایانه او را با توسعه رهیافت خود رد کرد. برخلاف نظریهٔ پارسونز که بر مبنای آن مفهوم نظم یک ضرورت فرض شده است، در دیدگاه لومان، که طرحی دقیق و پویاتری از نظریه استاد خود به‌حساب می‌آید، نظم دقیقاً یک «امکان اجتماعی» است. امکانی که در مقابل همهٔ امکان‌ها دیگر قرار دارد (لومان[4]، ۱۳۹۹۶، ۴۸). نوشته‌های او دامنه گسترده‌ای از موضوعات مانند مسائل اکولوژیکی، دولت رفاه، هنر، زمان، قدرت، رسانه‌های جمعی، ساختارمندی افراطی و غیره را پوشش می‌دهد. اما بی‌تردید مهمترین وجه نظری لومان رهیافت «سیستم‌های اجتماعی» اوست. از منظر لومان، سیستم با توجه به تفاوتش با محیط تعریف می‌شود (لومان، ۲۰۰۰، ۳۷). در این برداشت، آنچه بسیار اهمیت دارد این است که، رابطه میان سیستم و محیط آن بر مبنای تفاوت در حجم پیچیدگی قابلیت فهم پیدا می‌کند. در این میان، پیچیدگی محیط همیشه بیشتر از پیچیدگی سیستمی است که در درون آن استقرار یافته است. بنابراین، سیستم باید

1.Niklas Luhmann
2. Autopoietic
3. Talcott Parsons
4. Luhmann

پیچیدگی خودش را با پیچیدگی محیط، متوازن نماید تا این امکان را بیابد که به انواع مختلف داده‌های وارده از محیط عکس‌العمل نشان دهد (لومان، ۱۹۹۰، ۴۹).

از منظر لومان محیط سیستم‌های اجتماعی سه بعد دارند که عبارت‌اند از:

الف) بعد مادی محیط: در واقع این بعد بیان‌کنندهٔ همه روابط ممکن میان تعاملات و کنش‌ها در فضای فیزیکی نامحدود است. در واقع در اینجا لومان به این سؤالات پاسخ می‌دهد که چه مکانیسم و عملکردهایی جهت نظم‌بخشیدن به کنش‌ها در فضای فیزیکی انتخاب می‌شوند و قالب و کیفیت آن چگونه است؟

ب) بعد زمانی محیط: این بعد یکی از حساس‌ترین و مهمترین ابعاد مد نظر لومان است. او معتقد است امتداد زمان، که به وقایع گذشته برمی‌گردد، با رخدادهای خود همیشه درحال پیچیده‌نمودن سیستم‌ها و محقق‌کردن افق‌های گسترده‌ای در آینده است. ازهمین‌رو، سیستم‌ها باید با ایجاد قوانین، تغییرات و دستورالعمل‌ها، رویه‌هایی برای انطباق کنش‌ها با گذشته، حال، و آینده به‌صورت روشمند پیدا کند.

ج) بعد نمادین محیط: این بعد شامل مکانیسم انتخاب نمادها از میان همهٔ نمادهای پیچیده قابل‌ساخت است. نمادهایی که معمولاً به‌گونه‌ای سامان می‌یابند که مخالف تعداد زیادی از جایگزین‌های بالقوه خواهند بود. بنابراین، در این بعد به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چه مکانیسم‌هایی نمادها را برای سازمان تعریف می‌کنند؟ انواع واسطه‌های نمادین انتخاب‌شده توسط سیستم‌های اجتماعی کدامند؟ (لومان ۱۹۹۳، ۵۰).

مهمترین بخش نظریه سیستم‌های اجتماعی دسته‌بندی آنها است. از منظر لومان کنش‌های افراد در یک سیستم اجتماعی، که در هر زمانی یافت‌می‌شوند، به‌صورت‌معنی‌داری به هم مرتبط و درهم‌تنیده هستند. بنابراین، آنها را به‌وسیلهٔ گزینش مکانیسم‌های کارکردی از محیط زمانی، مادی و نمادین جدا می‌سازند. از چنین فرآیندی سه نوع اساسی سیستم‌های اجتماعی حاصل می‌شود که عبارت‌اند از: سیستم‌های تعامل[1]، سیستم‌های سازمان[2]، و سیستم‌های جامعوی[3].

1. interaction systems
2. organization systems
3. societal systems

الف) سیستم‌های تعامل: این سیستم دربرگیرندهٔ هر نوع کنش و واکنش انسانی پیرامون یک موضوع خاص است. بنابراین، یك سیستم تعامل زمانی موجودیت می‌یابد که افراد در زمانی واحد حضور داشته باشند. این سیستم با ابزار «زبان» و در روابط رو در رو گسترش می‌یابد، برهمین‌مبنا، پیچیدگی در ابعاد مادی، زمانی و نمادین به‌صورت چشمگیری کاهش می‌یابد. از این رو گفته می‌شود که سیستم‌های تعامل ساده‌اند؛ زیرا آنها منحصراً شامل افرادی می‌شوند که حاضر هستند، نسبت به رخدادها درک کافی دارند و در این‌باره گفت‌وگو می‌کنند (لومان، ۱۹۹۳، ۴۰).

ب) سیستم‌های سازمان: این سیستم به اختصار اشاره به هر نوع نظام نظارت‌کننده و کنترل‌کننده کنش‌های خود انگیخته دارد که به قصد هماهنگی با اهداف یک سازمان و یا سازماندهی خاص شکل گرفته است. به عبارت بهتر، رفتار شهروندان را بر مبنای موقعیت و شرایط خاص هماهنگ می‌نمایند. در همین راستا نیز سیستم‌های سازمانی مقررات لازم را دارد و کارویژهٔ اساسی آن تثبیت روش‌های مصنوعی کنش در بازه زمانی بلندمدت است. ازهمین‌رو، گفته می‌شود که این نوع سیستم‌ها انطباق انگیزه‌ها و تمایلات شهروندان و مسئله مهم نیاز به انجام وظایف معین را حل‌وفصل می‌کنند. این سیستم در هر وضعیتی به‌خصوص شرایط مهم، قوانین و مقررات وظایف شهروندان را طوری مشخص می‌کند که به مردم اجازه می‌دهد تا آنچه را که لازم است انجام دهند؛ حتی بدون اینکه به‌صورت مشخص از طرف سازمان تعیین گردند. این سیستم پیچیدگی محیطی را با سازماندهی افراد در سه مورد رفع می کند که عبارت است از: ۱) زمان مشخص با منضبط‌کردن رفتار در زمان فعلی و آینده و ایجاد مقررات ورود و خروج؛ ۲) فضای مناسب با تحقق مقوله تقسیم کار و تعیین اقتدار و رأس کانون هماهنگی؛ و ۳) اصطلاحات نمادین، با شرح اینکه چه قوانینی مناسب است و باید عملیاتی شود، و چه واسطه‌ای وظیفه دارد رفتار مردم را هدایت می‌نماید (سیدل، بکر[1]، ۲۰۱۳، ۳۶-۴۰).

ج) سیستم‌های جامعوی: لومان برای نظام جامعوی شش خرده‌نظام معرفی می‌کند. خرده‌نظام‌هایی که بسط‌یافتهٔ چهارگانه‌های پارسونزی محسوب می‌شوند. این شش خرده‌نظام عبارت‌اند از: اقتصاد، سیاست، قانون و علم، دین و آموزش. این خرده‌نظام‌ها از نظر لومان

1. Seidl & Becker

واجد دو خصلت خودترمیمی[1] و خود ارجاعی[2] هستند. هرچند این دو ویژگی به‌معنای محدود و بسته‌بودن آنها نیست، بلکه ضوابط موجود در هر خرده‌نظام آن را قادر خواهد ساخت با دیگر خرده‌نظام‌ها پیوند داشته باشد. این سیستم‌ها حد واسط بین سیستم‌های تعامل و سازمان هستند. به‌عبارتی، یك سیستم جامعوی سیستم جامع همه کنش‌های ارتباطی است که به‌طور متقابل قابل‌دسترس است. به‌لحاظ تاریخی، نظام‌های جامعوی به‌وسیلهٔ موقعیت جغرافیای خاص خود محدود شده‌اند، اما لومان فرایند آن را به سوی یك جامعه جهانی قلمداد می‌کند (مایر هوفر[3]، ۲۰۰۴، ۱۹۰-۱۸۰). بر مبنای آنچه بیان گردید، می‌توان در یک جمع‌بندی و براساس نظریه لومان مدل مفهومی شماره (۱) را به تصویر کشید.

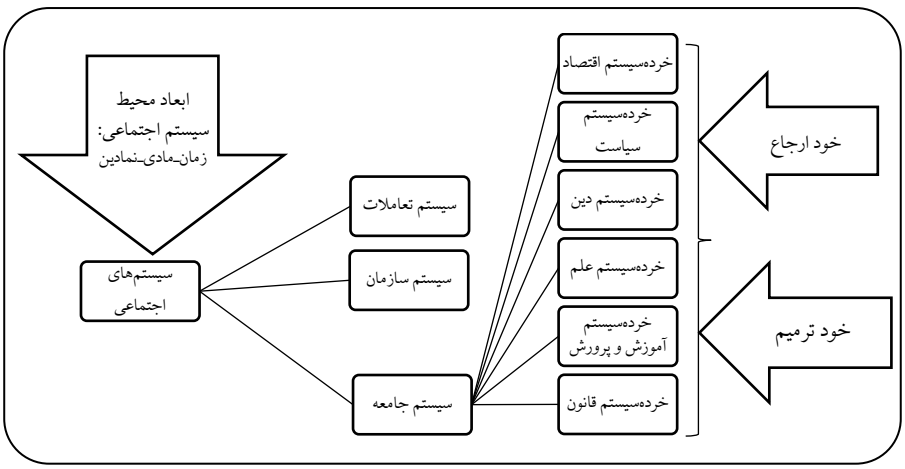

نمودار شماره (۱). مدل مفهومی سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان

۳. نظریه سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان و فهم بحران کوید-۱۹

با توجه به آنچه بیان گردید به سؤال اصلی خود بر می‌گردیم که بحران کووید ۱۹ چه ابعادی از حیات انسان را متأثر ساخته و شامل چه واقعیاتی می‌شود؟ برمبنای مدل مفهومی لومان و برای توصیف تغییرات موجود ابتدا باید تحوّلات به‌وجود آمده را با قرار دادن در درون

1. auto-poiesis
2. self-reference
3. Mayrhofer

دسته‌بندی معروف او از سیستم‌های اجتماعی به‌دور از اغراق‌های رایج در مورد تأثیر کرونا تحلیل کنیم، و به این موضوع بپردازیم که مدل مفهومی این نظریه چگونه به ما در به تصویر کشیدن رویدادها کمک می‌کند.

۱-۳. سیستم تعاملات اجتماعی

تعاملات اجتماعی نخستین قلمرویی است که مناسبات اجتماعی ابتدایی چون گفت‌وگو، مباحثهٔ کلامی، تحلیل و مراودات روزمره در آن شکل می‌گیرد. حضور فعال کنشگران و رعایت ترتیبات و قواعد تعاملات اجتماعی در این سطح از سیستم اجتماعی الزامی است. به‌هرحال، هرگونه تعاملی در درون زندگی اجتماعی و روزمره در نهایت یک نوع گفت‌وگو است. بر این مبنا، می‌توان این سیستم را در برگیرندهٔ هرگونه تعامل دوسویه بین شهروندان قلمداد کرد که از یک نوع قاعدهٔ مشخص پیروی می‌کند. از همین زاویه، برای درک بهتر تعاملات اجتماعی در شرایط آشوب‌گونه فعلی، که نظام تعاملی پیشین را در چرخهٔ زمان خود متأثر کرده، باید به تحلیل آن دسته از تغییرات و دگرگونی‌هایی پرداخت که در این رخداد همه‌گیر، از روال، قاعده و اصول معمول خود خارج شده و کیفیتی متناسب با وضعیت فعلی یافته است. شاید بهترین مصداق برای برای توضیح این مورد همان «ادبیات، آداب و مناسک دورهٔ کرونایی» در فرایند مراودات و تعاملات اجتماعی است.

ذکر این نکته در اینجا اهمیت دارد که به‌هرحال مجموع کنش‌های مکرر توصیه‌شدهٔ بهداشتی امروزه جایگزین روش‌ها و رویکردهای معمول مناسبات اجتماعی شده است. کنش‌هایی که بدون شک آثاری بلندمدت دارد و به‌دلیل پذیرش علمی و اتفاق‌نظر، در قامت «رفتارهای مراقبتی» شهروندان تداوم خواهد داشت. مطابق پیش‌بینی محققان دانشگاه هاروارد تا سال ۲۰۲۲ یعنی حداقل تا دو سال دیگر تعاملات روزمره افراد (گفت‌وگوی روزمره، فاصله‌های فیزیکی در فرایند گفت‌وگو، آداب و ادبیات معمول در مناسبات اجتماعی ...) به همین روال باقی‌خواهد ماند (بزیچ[1]، ۲۰۲۰، ۳).

امروزه همه شهروندان توصیه‌های مسئولان بهداشت عمومی در قالب مفاهیم و مطالبی از قبیل: «در خانه بمانید»، «دستان خود را بشویید»، «فاصله فیزیکی و اجتماعی را حفظ

1. Bezich

کنید»، «صـورت خود و دیگران را لمس نکنید»، «دسـت ندهید»، «دیده‌بوسـی نکنید» و مقولاتی این‌چنینی را شـنیده‌لند و بر همین‌مبنا، رویدادهای ورزشـی، کنسـرت‌ها و دیگر اجتماعات گسترده لغو شدند. مدارس، کتابخانه‌ها و زمین‌های بازی بسته شدند و از مردم خواسته شد تا به‌صورت مستمر در منزل بمانند. البته محدودیت‌های جدید در مورد حرکت و تعامل، محدود به کار یا مدرسه نمی‌شود. فعالیت در سالن‌های سرپوشیده بدنسازی، مراکز تفریحی و سینما و حتی فضاهای باز ممنوع شد. به‌عنوان مثال، در پاریس، گردش، ورزش، و رفت‌وآمدهای غیرضروری در طول روز ممنوع اعلام شد. در ایران نیز در برخی شهرها به‌مدت یک هفته تا چند ماه تالارهای عروسی، سالن‌های ورزشی و برخی مکان‌های خطرآفرین تعطیل شد. در این میان، کاهش خطر (یا کاهش آسیب) تبدیل به یک استراتژی مهم بهداشت عمومی می‌شود که بر اساس آن، به‌وسیلهٔ کنترل تعاملات اجتماعی، خطرات و مضرات مربوط به برخی رفتارها به حداقل می‌رسد (چامبرز[1]، ۲۰۲۰). مردم هر روز این رفتارها را تمرین می‌کنند و این امر تعاملات اجتماعی جدیدی را در ظرف زمانی فعلی و آینده پیش روی آنها قرار خواهد داد.

۲-۳. سازمانی

به‌نظر می‌رسد دقیق‌ترین مناسبات سیستمی در شکل سازمانی آن به تشریح مسائل می‌پردازد. این نحوهٔ روابط و کنش سیستمی در مقیاس بالا در فرایندهای رسمی و شغلی به نمایش گذاشته می‌شود. در این میان مناسبات بوروکراتیک نمونه بارز یک سیستم اجتماعی از گونهٔ سازمانی آن است. یعنی فضایی که رفتارهای انگیزه‌مند مردم و شهروندان یک کشور در جهت یک نظم مشخص، ملموس و هدفمند به قصد افزایش کارایی و بهره‌وری (در چارچوب سیستم‌های اقتصادی) یا راهبری و کنترل اشخاص (در سازوکارهای مختلف قدرت) به‌وجود می‌آید. آنجاکه در باب مقوله قدرت سخن به‌میان می‌آید، ابتدایی‌ترین نشانه‌ها و ظواهر اثرگذاری سیستمی کوید-۱۹ با مکانیزم‌های گوناگون مدیریت بدن و به نحوهٔ مشخص، قرنطینه شروع می‌شود. در اینجا منظور نویسندگان گونه‌ای از رژیم اعمال قدرت است که به‌صورت مستمر و روشمند فرد را با رونمایی از روش قدیمی پیشگیری که همان

1. Chambers

درخانه‌ماندن اســت، به حبس کشــاند. در این میان آنچه حاصــل شــد این بود که تعاملات اجتماعی شـهروندان برای پیشـگیری از هرنوع امکان انتقال ویروس، چه به‌صـورت اجباری مثل اکثریت کشورهای جهان و چه به‌صورت ارادی مانند مدل کشور سوئد، به حالت تعلیق درآمد. رویکرد سـیسـتمی لومان به‌درسـتی اشـاره می‌کند که سـیسـتم‌ها متأثر از یکدیگر خواهند بود. بر این اساس، همین قطع روابط و تعاملات اجتماعی در میان مردم یک کشور و جهان، منشـأ اصـلی تحوّلات عمیق و مؤثر در سـازمان‌های اقتصـادی شـد؛ به‌گونه‌ای‌که بعضی از این نهادها و سازمان‌ها به ورشکستگی بسیار نزدیک شدند. مصداق اصلی این ادعا وضعیت شرکت‌های بزرگ هواپیمایی در سراسر جهان است (نمودار شماره۲). اتحادیه اروپا با اقدامی بی‌سابقه برای بسته‌شدن مرزهای خود به‌دلیل بحران کوید-۱۹ در ماه مارس، مسـافرت‌ها را به‌مدت ۳۰ روز برای خروج یا ورود به این اتحادیه ممنوع اعلام کرد. در ایالات متحده، دولت ترامپ نیز ورود مسافران اروپایی را به کشور امریکا ممنوع اعلام کرد (جونز، پالمبو و براون[1]، ۲۰۲۰، ۴).

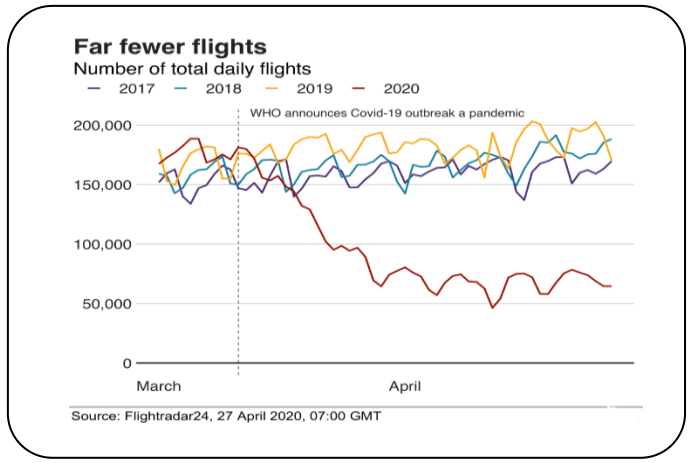

نمودار شماره (۲). نمودار پروازهای روزانه از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲

1. Jones, Palumbo, & Brown

در این میان، بورس اوراق بهادار فایننشیال تایمز[1]، که یک شاخص بازار سهام از ۱۰۰ شرکت بورس لندن با بالاترین ارزش بازار است، شاخص میانگین صنعتی داو جونز[2]، که فهرستی از ۳۰ سهام برتر در بازار بورس سهام نیویورک و بازار بورس نزدک[3] است، شاخص نیکی[4] یا اینکدس نیکی، که معتبرترین و مشهورترین شاخص تغییرات قیمت در بورس اوراق بهادار توکیو در کشور ژاپن است، از زمان شروع شیوع بیماری در ۳۱ دسامبر سقوط‌های معناداری را تجربه کرده‌اند (نمودار شماره ۳).

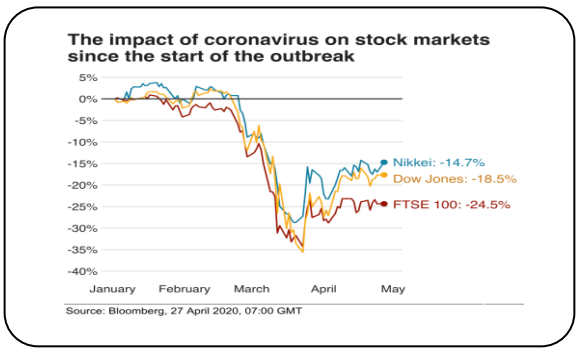

نمودار شماره (۳) . تأثیر کوید-۱۹ بر بازارهای سهام از زمان آغاز شیوع

از طرفی برخی از سازمان‌ها و شرکت‌ها چون «آمازون» نیز بسیار ثروتمند شدند. در این میان سهام شرکت‌های فناوری مانند «زوم» نیز بسیار افزایش یافت (نمودار شماره ۴). دلیل آن این است که تعداد بسیار زیادی از افراد برای برقراری جلسات یا انجام کارهای خود به تماس‌های ویدیوکنفرانس و ایمیل تکیه نمودند. در این میان، تقاضا برای خرید و سرگرمی‌های آنلاین نیز افزایش یافت تا انگیزه‌ای باشد که مردم در داخل خانه‌های خود بمانند. قیمت سهم آمازون به اوج رسید، درحالی‌که جایگاه «نت فلیکس[5]» در یک مقطع حتی باارزش‌تر از غول نفتی اکسون موبیل[6] بود.

1. FTSE
2. dow jones industrial average
3. NASDAQ
4. Nikkei
5. Netflix
6. Exxon Mobil

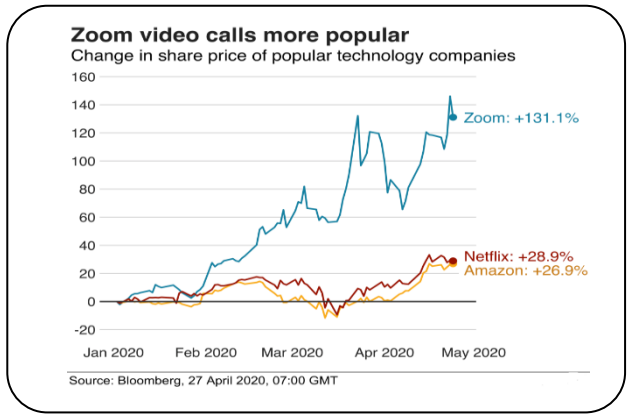

نمودار شماره (۴). تغییر در قیمت شرکت‌های معروف فناوری

علاوه بر وقایع مطرح‌شده، امروز شاهد تغییر تدریجی دیگری نیز هستیم. این تغییر و تحوّل همان انتقال کار از حوزهٔ سازمانی به خانه است. تجربه‌ای که احتمالا باعث تحوّلات عمده‌ای در شیوه و کیفیت کار پس از پایان بحران کرونا خواهد شد. به نظر می‌رسد نتیجه چنین تجربه‌ای آثاری جدی در مناسبات شغلی در سازمان‌ها داشته باشد. به‌گونه‌ای که بعضی از مشاغل متأثر از این بحران ضرورت وجودی خود را از دست بدهند. به‌هرحال، این یک واقعیت است که بر مبنای سیستم سازمانی، آثار کوید-۱۹ بر مناسبات اقتصادی تا اندازه‌ای جدی است که می‌توان انتظار داشت سلسله مراتب اهمیت مشاغل به‌صورت‌کلی متأثر از بحران کرونا تغییر نماید. به‌عنوان مثال، نقش پزشک و سازمان‌های درمانی بیشتر از گذشته افزایش یابد و همچنین مهارت‌های قابل‌انتقال و آموزش در فضای مجازی رونق بیشتری بگیرد. در مقابل مشاغل مرتبط با رستوران و هتل‌داری، گردشگری، روزهای خوبی در چند سال آینده را تجربه نخواهند کرد.

۳-۳. سیستم جامعوی

سطح سیستم جامعوی، دیدگاه جامع لومان درباره کنش‌ها و رفتارهای ارتباطی را به خود اختصاص داده است. او متأثر از اندیشه تالکوت پارسونز این سطح از مناسبات سیستمی را در قالب خرده‌سیستم‌های دقیق و جزئی‌تر تقسیم و دسته‌بندی نموده است که عبارت‌اند از: خرده‌سیستم اقتصاد؛ خرده‌سیستم قانون؛ خرده‌سیستم سیاست؛ خرده‌سیستم علم؛ خرده‌سیستم

دین؛ و خرده‌سیستم آموزش. مجموعه خرده‌سیستم‌های یادشده و تأثیر و تأثرشان از بحران کرونا، پرده از بسیاری از واقعیات موجود برمی‌دارد. بدیهی است که واکاوی این خرده‌سیستم‌ها در مدل مفهومی لومان نشان خواهد داد که در زمینه‌هایی چون نظام حقوقی جوامع مختلف، ساختار نهادهای متعدد علمی، کارویژه‌های ادیان و سازمان‌های آموزشی تحوّلات آشکاری را تجربه خواهیم کرد. تحوّلات و تغییراتی که گاه اعتبار آنها را به چالش کشیده و در صورت عدم پاسخگویی مناسب به این چالش‌ها، تغییرات صورت گرفته نظام حاکم بر زندگی ملت‌ها را در ابعاد مختلف دچار تحوّل خواهد نمود. در ادامه هر یک از این خرده‌سیستم‌ها به صورت مجزا مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۳-۳. خرده‌سیستم اقتصاد

برمبنای نظریه لومان، جامعه یک کلیت منحصربه‌فرد نیست، بلکه تکثری از خرده‌سیستم‌های گوناگون است که کنش خود را صرفاً برپایه تفاوت سامان می‌دهند. به‌عبارتی، ما با خرده‌سیستم‌هایی چون خرده‌سیستم اقتصاد روبه‌رو هستیم که شدیداً ضابطه‌مند بوده و بر اساس کد و قوانین خاص خود عمل می‌کنند. لومان همواره در مورد پیچیدگی زیاد خرده‌سیستم اقتصاد و اهمیت تحوّل آن در فرایند خود ترمیم و خودارجاعی در شرایط بحرانی، برای مابقی خرده‌سیستم‌ها هشدار می‌دهد. این پیچیدگی گاه با دخالت خرده‌سیستم سیاست حساسیت بیشتری نیز به خود می‌گیرد. در این حالت، قدرت برای کنترل و حدومرز قائل‌شدن برای تصمیم‌ها در تولید، مصرف و توزیع ورود پیدا می‌کند. لومان معتقد است با به‌کارگیری این مکانیسم، از آنجا که شیوع بیماری کرونا نخستین تأثیر جدی خود را بر بحث تجارت بین‌الملل و اقتصاد کشورها برجای نهاد، پیچیدگی در صرف هزینه‌ها و تأمین نیازهای آینده کاهش می‌دهد و در نهایت تنظیمات محیط قابلیت انعطاف بیشتری به خود می‌گیرد. تا پیش از این، در حوزهٔ خرده‌سیستم اقتصاد، تجارت آسان‌تر کالا و خدمات یک امر طبیعی بود. تاجایی‌که دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد این امکان را یافتند تا در سایه حذف تعرفه‌های گمرکی و اصل آزادی تجارت آزادانه وارد تعاملات اقتصادی با سایر بخش‌های جهان شوند. مرزها به روی مردم، کالاها، سرمایه و اطلاعات باز شدند و کشورهایی چون چین و امریکا توانستند به کارخانه‌های بزرگ تولیدی تبدیل شوند. آنچه در فرایند شیوع کرونا خود را نشان داد

مختل‌کردن این فرایند و ایجاد محدودیت بر سر راه صادرات و واردات کشورها بود (آوزدو[1]، ۲۰۲۰، ۱)؛ امری که در زنجیرهٔ تأمین مواد غذایی برای مشتریان اخلال‌های گسترده‌ای ایجاد کرد و افزایش قیمت کالاها در این کشورها و کاهش قدرت خرید مردم را به همراه داشت (برنز[2]، ۲۰۲۰، ۳). بر اساس گزارش سازمان آنکتاد، شاخص قیمت کالاهای بازار آزاد نشان می‌دهد که از ابتدای سه‌ماههٔ اول سال ۲۰۲۰ بر اثر شیوع کرونا، شاخص ارزش تجارت جهانی ۳/۳ درصد افت داشته است و انتظار می‌رود روند رکود در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ سرعت بیشتری (۲۶/۹ درصد افت) بگیرد (سی‌سی‌اس‌آ[3]، ۲۰۲۰، ۴).

آنچه دردناک‌تر از کاهش روند تجارت و وضعیت بد معیشتی مردم در خرده‌سیستم اقتصاد است، آشوب بی‌نظمی به‌وجود آمده در محیط سیستمی است. از منظر لومان همهٔ سیستم‌های اجتماعی در درون محیط‌های چندبعدی قرار دارند که به‌طور کاملاً طبیعی پیچیدگی بالقوه بی‌شماری را به خرده‌سیستمی چون اقتصاد تحمیل می‌کنند. با همه‌گیری کوید-۱۹ در عرصه بین‌المللی، درست همین اتفاق رخ می‌دهد و آشوب و تحوّل محیط سیستمی بی‌نظمی و شوک خود را به سیستم‌های اجتماعی وارد می‌کند و دولت‌ها در رأس هرم قدرت به جدال با هم کشیده می‌شوند. جایی‌که بریتانیا و فرانسه بر سر مقررات قرنطینه به جدل با همدیگر پرداختند (گینگ[4]، ۲۰۲۰، ۴). چین استرالیا را به دلیل اینکه خواستار بازرسی از منشأ پیدایش کرونا در ووهان شد، به اعمال تعرفه‌های تجاری ۸۰ درصدی درخصوص واردات جو از این کشور تهدید کرد (بوید[5]، ۲۰۲۰، ۲). ایالات متحده دامنه تهدیدها علیه چین و وضع تحریم‌ها را شدت بخشید و حتی ترامپ از قطع کامل روابط و سود ۵۰۰ میلیاردی امریکا در این رابطه سخن گفت، ایران نیز نه‌تنها کمک درمانی-دارویی مورد ادعای دولت امریکا را نپذیرفت بلکه احتمال دخالت این دولت در شیوع و گسترش کرونا را یکی از فرضیات قابل‌تأمل دانست. (سواستپولو[6]، ۲۰۲۰، ۵)

1. Avezedo
2. Burns
3. CCSA
4. Ging
5. Boyd
6. Sevastopulo

مجموعه اتفاقات مطرح‌شده، همراه با محیط پیچیده، خرده‌سیستم‌های اقتصادی را مجبور می‌کند تا در جریان فرایند خودارجاع و ترمیم‌ساز خود، مکانیسم‌هایی را برای کاهش پیچیدگی ایجاد نمایند که عبارت‌اند از کشف یا خلق روش‌ها و ابزارهایی به قصد کم‌نمودن پیچیدگی. به باور لومان، چنین انتخاب‌هایی، میان سیستم و محیط مرزهایی محکم و قابل‌اتکا به‌وجود می‌آورد. در صورت محقق‌شدن این شرایط، سیستم امکان می‌یابند تا الگوهای کنش خود و الگوهای مرتبط با دیگر سیستم‌ها را سامان دهند. بر همین اساس، درحالی‌که برخی خرده‌سیستم‌های اقتصادی با ترمیم خرده‌سیستم خود، تلاش می‌کنند تا از طریق شرکت‌های مالیاتی و سرمایه‌گذاری، بدهی‌های خود را پرداخت کنند و حمایت خرده‌سیستم سیاست، اقتصاد حمایتی و خوداتکایی را برگزیدند. برخی نیز درصددند با ارجاع به خود، محدودیت در انتقال کالا، سرمایه و نیروی کار و مسدودسازی بیش از پیش جریان تبادل سرمایه بین مرزها را برگزینند. تصمیمی که می‌تواند وضع اقتصادهای ضعیف جهان را شکننده‌تر سازد (ماهر[1]، ۲۰۲۰، ۱).

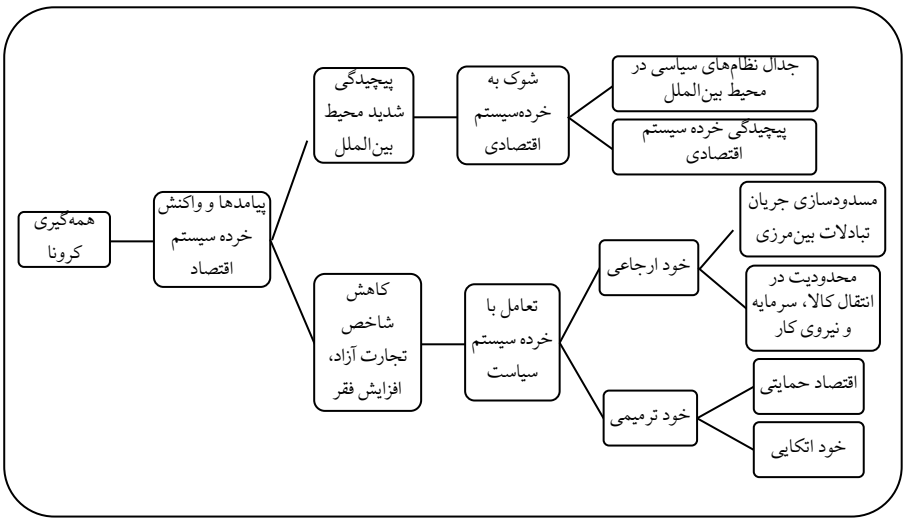

نمودار شماره (۵). کوید-۱۹ و خرده‌سیستم اقتصاد

1 . Mahar

۲-۳-۳. خرده‌سیستم قانون

برمبنای نظریه لومان، خرده‌سیستم قانون در زمان‌بحران واکنش‌های متفاوتی به‌خود می‌گیرد. دلیل آن نیز این است که سیستم‌ها به‌خصوص خرده‌سیستم قانون، همواره درصدد است تا پیچیدگی‌های محیطی را که به‌خاطر بحران کوید-۱۹ حاصل شده است کنترل نماید. ازهمین‌رو، مرزهای خود را به‌شدت گسترش می‌دهد به‌گونه‌ای‌که دیگر خرده‌سیستم‌ها نیز با کمک همین خرده‌سیستم قانون فضای جدیدی را برای خود و در راستای فائق‌آمدن بر پیچیدگی‌های محیطی ترسیم می‌کنند. بنابراین، وجه تمایز سیستم‌های اجتماعی و انواع دیگر سیستم‌ها در طریق کاهش پیچیدگی در هریک از خرده‌سیستم‌ها نهفته است؛ چراکه زمان به صورت مداوم با رخدادهای بحران‌زای خود، به شکل مستمر درحال پیچیده ساختن سیستم‌ها است. ازهمین‌رو، سیستم‌ها باید با وضع قوانین، هماهنگی کنش‌ها را با این شرایط و وقایع سامان دهند.

واقعیت آن است که در شرایط کنونی بسیاری از قوانین متأثر از شرایطی محیطی و بحران عظیم کوید-۱۹ از حوزه‌های اقتصادی تا حوزهٔ ورزش تغییر یافتند تا بر مبنای دو اصل خودترمیمی و خودارجاعی ضمن کاهش خطرات احتمالی، زیست سیستمی شهروندان را سامان دهند. برهمین اساس، در بعد مادی، خرده‌سیستم قانون با حمایت خرده‌سیستم سیاست و در رأس آن دولت‌ها، در چارچوب عملکردهای انتظام‌بخش مردم خود، در چارچوب اصل خودترمیمی و خود ارجاعی، به ایجاد قوانین جدید و رویه‌هایی برای انطباق کنش‌ها با فضای حال و آینده پرداختند. به‌عنوان‌مثال، مجمع حقوقی بین‌المللی فدراسیون روسیه با موضوع «قانون کرونا» در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۲۰ و با حضور دیمیتری مدودف[1] نایب‌رئیس شورای امنیت فدراسیون روسیه، کنستانتین چویچنکو[2]، وزیر دادگستری فدراسیون روسیه، ماریا پیجینوویچ، بوریک[3] دبیرکل شورای اروپا، شان موگام[4]، وزیر کشور و وزیر دادگستری جمهوری سنگاپور و ژنگهوا فو[5]، وزیر دادگستری جمهوری خلق چین،

1. Dmitry Medvedev
2. Konstantin Chuychenko
3. Marija Pejcinovic Buric
4. Shanmugam
5. Zhenghua Fu

تشکیل شد. آنها به تدوین و تصویب قوانین شفاف اشاره نموده و بیان داشتند حاکمیت قانون نقش مهمی در مبارزه با بیماری کوید-۱۹ دارد. ازاین‌رو، ما باید با یک هدف مشترک دست‌به‌دست هم دهیم و قوانینی وضع کنیم که هدف اصلی آن پیشگیری و پاسخ منطقی به شیوع بیماری باشد. دلیل آن نیز این است که در شرایط فعلی که کشورها برای مهار و کاهش ویروس تلاش می‌کنند، بسیاری از چالش‌های اجتماعی در حال بروز هستند که نیاز به پاسخ‌های قانونی، نظارتی و اخلاقی دارد (هوو[1]، ۲۰۲۰، ۲).

در این میان شاید یکی از مهمترین تغییر در روند قوانین در جریان بحران کرونا، تغییر در فهرست جریمه‌ها باشد. به‌عنوان مثال، براساس لیست جدید جریمه‌ها، به‌خاطر گسترش ویروس کرونا، هر کسی که در برلین محدودیت‌های خروج را نقض کند، باید تا ۵۰۰ یورو بپردازد. براساس این تصمیم، اگر افراد گروه‌هایی بیش از دو نفر تشکیل دهند و احتمالاً در برابر خواسته‌های پلیس مقاومت کنند، جریمه ۲۵ تا ۵۰۰ یورو باید پرداخت کنند. به‌علاوه، هرکس بدون دلیل قانع‌کننده خانه خود را ترک کند، باید بین ۱۰ تا ۱۰۰ یورو جریمه پرداخت کند. همچنین باز شدن مغازه‌های ممنوع‌شده می‌تواند به جریمه حداکثر ۱۰،۰۰۰ یورو منجر شود. عدم رعایت اقدامات بهداشتی همچنین با جریمه‌های حداکثر ۲۵۰۰ یورو روبه‌رو می‌شود[2] (برلین، ۲۰۲۰، ۳). در ایران نیز در پی ممنوعیت دولت در زمینه سفرهای برون‌شهری در فروردین ماه ۱۳۹۹، حدود دو هزار راننده با جریمه‌هایی به مبلغ پنج‌میلیون ریال روبه‌رو شدند (تهران تایمز[3]، ۲۰۲۰، ۲).

در نروژ نیز قانون حقوق اجباری[4] به‌وجود آمد که طی آن کارفرمایان را ملزم به پرداخت دستمزد در هنگام اخراج کارکنان برای ۱۵ روز اول دوره اخراج می‌کند (کارین[5]، ۲۰۲۰، ۲). دربارهٔ کنترل مرز و قرنطینه در نروژ فرودگاه‌ها و بندرها بسته نمی‌شود، اما همه مسافران هنگام ورود به نروژ مورد معاینه قرار می‌گیرند و برخی از افراد خارجی مجبور هستند فوراً برگردند (ویکبورگ[6]، ۲۰۲۰، ۳).

1 . Who
2. berlin
3. Tehran times
4. Lønnspliktloven
5. Karine
6. Wikborg

دولت‌های مستقر در اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی برای مدیریت تهدید ویروس کرونا قوانین جداگانه و مخصوص خود را تعیین نمودند. نکته مهم این است که در اکثریت کشورهای جهان، پلیس ناظر اجرای قوانین است که خروجی آن منجر به امنیتی‌شدن فضای درون‌سیستمی شده است. در بسیاری از کشورها از جمله انگلیس اختیار ممنوعیتِ کار طیف گسترده‌ای از مشاغل غیرضروری و محدودکردن حق شخصی برای مسافرت یا ورود به گردهمایی‌ها به پلیس داده شده و آنها اختیار این را دارند که این قوانین را بدون چون‌وچرا اعمال کنند. زیرا مجلس یا مجمع مربوطه قبلاً به آنها قدرت انجام این کار را داده است. پیرو تغییر قوانین و تعامل خرده‌سیستم قانون با خرده‌سیستم اقتصاد، بارها، کافه‌ها و رستوران‌ها، سینما و تئاتر، کتابخانه‌ها، مراکز اجتماعات، مراکز جولنان و اماکن عبادت، همه مغازه‌هایی که کالاهای «غیرضروری» می‌فروشند از قبیل فروشگاه‌های پوشاک و لوازم الکترونیکی، سالن‌های آرایش مو، زیبایی و ناخن، امکانات تفریحی سرپوشیده و روباز مانند بولینگ، اماکن عمومی در پارک‌ها مانند زمین بازی، زمین ورزشی و سالن‌های ورزشی در فضای باز، هتل‌ها، خوابگاه‌ها، صبحانه‌خوری‌ها، اردوگاه‌ها و پارک‌ها، طبق قانون بسته شدند. در این میان برخی از فروشگاه‌های ضروری چون سوپرمارکت‌ها، داروخانه‌ها، پمپ‌بنزین‌ها و دفاتر پست در اکثر کشورها باز باقی ماندند. (کاسیانی[1]، ۲۰۲۰، ۴).

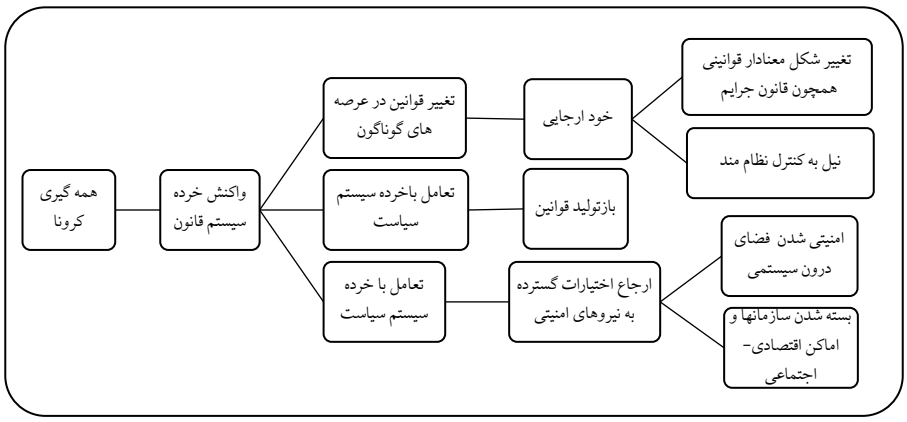

نمودار شماره (۶) . کوید-۱۹ و خرده‌سیستم اقتصاد

1. Casciani

۳-۳-۳. خرده‌سیستم سیاست

بیماری همه‌گیر کویدـ۱۹ به دلیل امکان یابی تغییر فعالیت‌های «خرده‌سیستم قانون»، وضع قوانین سیاسی جدید، انزوا یا مرگ چندین سیاستمدار و عدم شروع انتخابات به دلیل ترس از انتشار ویروس، بر سیستم‌های سیاسی کشورهای مختلف تأثیر گذاشت. اما به نظر می‌رسد تغییر عمده و ملموس‌تر در حوزه «خرده‌سیستم سیاست» به تحوّل معنا و محتوای دموکراسی و تغییر شکل آن به تمرکزگرایی دولت‌ها برمی‌گردد. بر مبنای نظریه لومان، مفهوم معنا خود ارجاع و وابسته است؛ یعنی اینکه معنا توسط خودش می‌تواند تعریف شود. بنابراین، عوامل درون‌سیستمی در بازتولید و زایش آن بیشتر از عوامل برون سیستمی تأثیر دارند. گاهی چنین خودارجاعی امکان دارد به اندازه‌ای برسد که سیستم با محیط بیرونی، هرچند به‌صورت موقت، قطع رابطه کند. بر این اساس، وجه مشخصه مکانیسم‌های خودارجاع و خودترمیم، تولید و بازتولید عناصر تشکیل دهنده خود است. ازهمین‌رو، همیشه با متمایز ساختن تفاوتشان از محیط به خود شکل و هویت جدید می‌بخشند.

در شرایط کرونایی موجود، دقیقاً همین تغییر در خرده‌سیستم سیاست رخ می‌دهد. در واقع امکان تغییر خرده‌سیستم قانون، این موقعیت را برای جریان قدرت حاکم در درون خرده‌سیستم سیاست در کشورهای مختلف و حتی دموکرات به‌وجود آورده تا قوانین سیاسی، مفاهیم جدید و حدود اختیارات نوینی برای خود بسازند. به‌عنوان مثال، در مجارستان قانون بحث‌برانگیزی تصویب گردید که طی آن پارلمان این کشور به نخست‌وزیر «ویکتور اوربان» اختیارات گسترده‌ای را برای مدت‌زمان نامحدود داد. همچنین به‌صراحت ذکر شده است که تا زمانی که وضعیت اضطراری ادامه دارد، هیچ انتخاباتی برگزار نمی‌شود و انتشار «اطلاعات نگران‌کننده» با مجازات زندان همراه خواهد شد. در آلمان، رئیس بوندستاگ، ولفگانگ شوبل، پیشنهاد شکل‌گیری «پارلمان اضطراری» با تعداد کم نمایندگان را داد که صراحتاً مخالف قانون اساسی آلمان است (کاروترز[1]، ۲۰۲۰، ۲). در فیلیپین، پارلمان در راستای اختیارات اضطراری، تصویب یک‌جانبه قوانین را به اختیارات رئیس‌جمهور «رودریگو دوترته» اضافه نموده است. به‌همین‌ترتیب، به‌طور مشابه، در

1. Carothers

کامبوج، پیش‌نویس قانون جدیدی در مورد وضعیت اضطراری ملی که طی آن دسترسی نامحدود به نیروی نظامی را به دولت می‌دهد نوشته شده است (هانل[1]، ۲۰۲۰، ۳).

موارد یادشده ضمن متمایز ساختن خرده‌سیستم سیاست با محیط سیستمی، خرده‌سیستم سیاسی را برای منطبق‌کردن کنش شهروندان با یکدیگر و کاهش پیچیدگی درون‌سیستمی یاری می‌نمود اما در واقع امر موارد نقض شده، امروزه ذهن شهروندان و محققان را در این زمینه درگیر خود نموده است که آیا این اقدامات با هدف مبارزه با ویروس است؟ و آیا تمرکزگرایی و کنش‌های اقتدارگرای این روزهای برخی دولت‌ها در چارچوب خرده‌سیستم سیاست، در یك فرایند منظم تحت حاکمیت قانون به‌وجود آمده‌اند؟ اگر چنین باشد مسئله بعد این است که هرگونه اقدامات دولت دموکراتیك در برابر ویروس کرونا باید صرفاً در مدت‌زمان مشخص و محدود باشد. این درحالی است که در سنگاپور، کرۀ جنوبی، فرانسه و آلمان هنوز مشخص نیست چه‌زمانی از ابزار نظامی برای مهار کرونا کمتر استفاده خواهند کرد و این محدودیت‌ها کی برداشته می‌شوند. در کشوری چون سنگاپور دولت ضمن استخدام کارآگاهان و حتی نیروهای پلیس مواد مخدر، به تمرکز قدرت، بیش از دیگر کشورها دامن زده است (برو[2]، ۲۰۲۰، ۴)

اما محیط سیستمی تداوم چنین رویکردی با محیط بیرونی را، که در صورت دوام آن باعث قطع تعاملات می‌شود، نمی‌پذیرد؛ ازهمین‌رو، شورای اخلاق کشور آلمان، که شمار زیادی از اندیشمندانِ بخش‌های مختلف عضویت این کمیته را دارند، از دولت‌ها خواسته‌اند که در ارائۀ استدلال خود برای قرنطینه کشور شفافیت بیشتری نشان دهند چون عملکرد اقتدارگرایانه دولت می‌تواند اعتماد عمومی را به خطر بیندازد. بدیهی است که اگر بحران کرونا ادامه داشته باشد و رفتار دولت‌ها بدین‌شکل ادامه پیدا کند، بعید نیست که این رویکردهای اقتدارگرایانه به یک عادت‌واره یا خصلت سیاسی برای بسیاری از دولت‌های دموکرات تبدیل شود. بنابراین، این بیماری همه‌گیر ممکن است با عقب‌نشینی رویکردهای دموکراتیک، تحقق دموکراسی‌های ناقص را تسریع کند و قدرت‌اجرایی اقتدارگرا را در

1. Hänel
2. Brow

کشـــورهای دموکراتیک تقویت کند. برخی منابع مدعی هســـتند که حداقل ۸۴ کشـــور در واکنش به همه‌گیری این بیماری وضـــعیت اضـــطراری اعلام کرده‌لند و باعث ترس و البته سوءاستفاده از قدرت شده‌اند (چمینک[1]، ۲۰۲۰، ۵). گزارشگران بدون‌مرز ادعا می‌کنند که ۳۸ کشـــور، آزادی مطبوعات را به‌شـــدت محدود کرده‌اند. مثال‌های دیگر شـــامل ممنوعیت اعتراضات گسترده، به تعویق انداختن انتخابات و یا برگزاری آنها درحالی است که مخالفان نمی‌توانند به‌طور مؤثر در کارزارهای تبلیغاتی شرکت کنند. همچنین بسیاری از کشورها از برنامه‌های نظارتی در مقیاس بزرگ برای ردیابی تماس اســـتفاده کرده‌لند که منجر به نگرانی در مورد تأثیر آنها بر حریم خصـوصـی شـده اسـت. ازهمین‌رو، شـانزده کشـور عضـو اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای هشدار دادند که برخی اقدامات اضطراری صادر شده توسط کشورها در طول همه‌گیری کرونا می‌تواند اصـول حاکمیت قانون و دموکراسـی را تضـعیف کند. آنها اعلام کردند که «از ابتکار کمسیون اروپا برای نظارت بر اقدامات اضطراری و از کاربرد آنها برای اطمینان از حمایت از ارزش‌های اســـاســـی اتحادیه حمایت می‌کنند» (فلدســـتین[2]، ۲۰۲۰، ۱).

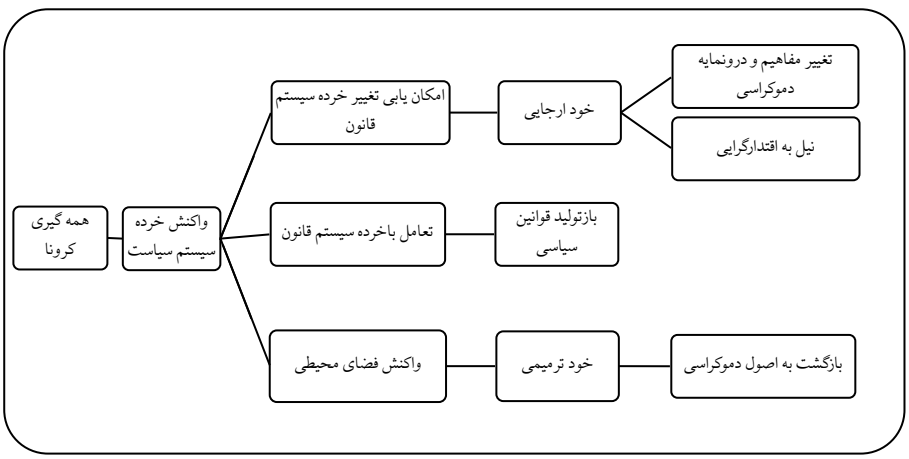

نمودار شماره (۷). کوید-۱۹ و خرده‌سیستم سیاست

1. Schminke
2. Feldstein

٤-٣-٣. خرده‌سیستم دین

همه‌گیری کوید-۱۹ به شیوه‌های مختلفی ادیان و مذاهب را تحت‌تأثیر خود قرار داده و تغییرات زیادی به‌خصوص در شیوه اجرای احکام و مراسم‌های آن به‌وجود آورده است. حقیقت آن است که امروزه، آداب‌ورسوم مذهبی صدها میلیون نفر دستخوش تحوّلات عمیقی شده است. در شرایط فعلی خرده‌سیستم دین به شکل انتزاعی و «مقامات مذهبی» در قامت نمودِ عینی آن، از یک طرف به خاطر دین و شرایط دخیل در «خرده‌سیستم سیاسی» برخی از کشورها در آستانه این چالش اجتماعی قرار دارند؛ و از سویی دیگر، به دلیل شیوع ویروس کرونا در برخی از شهرها و مراسم مذهبی، چالش‌های جدید اجتماعی نیز برای آنها به‌وجود آمده است. اولین اقدام خرده‌سیستم دین، پذیرش پیشنهاد متولیان خرده‌سیستم علم سیاست و ناگزیر شدن به بستن مقدس‌ترین مکان‌های خود بود. به‌عنوان مثال، در ایران آیت‌الله‌خامنه‌ای بارها تأکید می‌کند که مردم باید طبق دستورالعمل‌های متخصصان عمل کنند. او به‌صراحت بیان می‌دارد «مطمئناً، هر آنچه به سلامت جامعه می‌انجامد و هر آنچه به جلوگیری از شایع‌شدن بیماری منجر شود، عمل نیک است و برعکس، هر آنچه که به گسترش بیماری کمک می‌کند گناه است» (خامنه‌ای[1]، ۲۰۲۰، ۲).

همچنین آئین‌های مذهبی که به‌طور معمول در «هفته مقدس» برگزار می‌شود، توسط بسیاری از کلیساهای متعلق به فرقه‌های اصلی مسیحی از جمله آنگلیکن و کاتولیک لغو شدند. در اسپانیا، بسیاری از شهرها جشن سمانا سانتا[2] (۱۱-۵ آوریل)، هفته مقدس در فرهنگ و مذهب کاتولیک، که یادآور به صلیب کشیدن و مرگ مسیح است، و که باعث رونق گردشگری نیز شده بود را به حالت تعلیق در آوردند. عربستان سعودی مسجدالحرام را برای بازدیدکنندگان عمره تعطیل و هرگونه تماس با کعبه را در ۵ مارس ممنوع اعلام کرد؛ سپس در ۲۰ مارس، مساجد مکه برای عموم بسته شد، و تعطیلی آن در طول ماه رمضان ادامه یافت. شورای علمای اندونزی فتوایی صادر کرد که به مسلمانان توصیه می‌کرد که در خانه نماز بخوانند و از مساجدی که در آن بیماری شیوع یافته اجتناب کنند. حرم‌های

1. Khamenei
2. Semana Santa

امام‌رضـا(ع)، فاطمه معصـومه(س)، شـاه‌عبدالعظیم(س) و مسـجد جمکران در ایران نیز به‌طور موقت بسته شد و نماز جمعه‌ها به حالت تعلیق درآمد. جشن‌های سال نو بودایی، که هزاران نفر در آن شـرکت می‌کنند، در جنوب شـرق آسـیا لغو شـد (دیاس[1]، ۲۰۲۰، ۳). ازهمین‌رو، به نظر می‌رسـد شـرایط مورد اشـاره بر پیچیدگی‌های ذهنی، اعتقادی و ظاهری خرده‌سیستم دین تأثیر بنیادینی گذاشته و بر مبنای نظریه لومان، دین و متولیان آن را مجبور به تقلیل پیچیدگی نموده اسـت تا در شـرایطی که امکان حضـور فعال در مراکز دینی وجود ندارد دست‌به‌کار شده و شیوه‌های نوین را جایگزین کنند.

بر اسـاس گزارش گالوپ توسـط فرانک نیوپورت «چشـمگیرترین تغییرات در ادیان و مذاهب پسـاکرونا، مربوط به تغییر سـریع خدمات دینی از حضـوری به عبادت آنلاین بوده اسـت» (نیوپورت[2]، ۲۰۲۰). بنابراین، در این شـرایط حسـاس، خرده‌سیسـتم دین متأثر از پیچیدگی‌های محیطی و در جهت کاهش مشکلات و انطباق با کنش‌ها، دسـت به خلاقیت زده و از فضـای مجازی برای کاهش معضـلات و پیچیدگی‌های سیسـتم خود استفاده کرده اسـت. گزارش تحقیقات پیو از مارس سـال ۲۰۲۰ حکایت از تغییر در عادات مذهبی به‌خاطر شـیوع بیماری کرونا دارد. بیش از نیمی از پاسـخ‌دهندگان این تحقیقات اظهار داشـتند که «به جای حضـور فیزیکی، خدمات مذهبی را بصـورت آنلاین یا از طریق تلویزیون تماشا می‌کردند» (پسوسیالترندس[3]، ۲۰۲۰، ۱).

هرچند به‌نظر نمی‌رسد که عدم برگزاری بسیاری از این مناسک جمعی، به اصل شـریعت ادیان ضـربه‌ای بزند، اما این یک واقعیت اسـت که این مناسـک و اجتماعات در خرده‌سیسـتم دین، برای دینداران «نشـلنه‌های هویتی» هسـتند. بنابراین، ترک آن، نشـلنه جدایی تقریبی از نمادهای هویتی اسـت که تداوم آن باعث می‌شـود برخی حسـاسـیت‌های دینی کاهش یابد و بـه‌تـدریج نقـدهـا و چـالش‌هـای دینی نمود عینی‌تری بـه خود بگیرد. بر پـایـه نظریـه لومـان، خرده‌سیستم‌ها و به‌خصوص خرده‌سیستم «دین» که به‌لحاظ کارکردی با سایر سیستم‌ها تفکیک شـده‌اند، خودترمیم بوده و به صـورت خودسـاز سـازمان می‌یابند و از حیث کارکردی با هم

1. Dias
2. Newport
3. Pewsocialtrends

قابل‌تعویض هستند؛ یعنی در زمان ضرورت با ارجاع به خود در صدد تغییر عمکرد برمی‌آیند. ازهمین‌رو، در کنشی حساب‌شده، بسیاری از کلیساها در کنار خدمات آنلاین عبادی‌ـاعتقادی، به ارائهٔ خدمات بهداشتی نیز پرداختند. به‌عنوان مثال، کلیسای جامع ملی ایالات متحده، بیش از پنج‌هزار ماسک جراحی N95 را به بیمارستان‌های واشنگتن دی‌سی، که در طول بیماری با کمبود مواجه بودند، اهدا کرد. کلیساهای دیگر، مانند کلیسای مگاچرچ، آزمایش‌های رایگان کویدـ۱۹ را در محوطه کلیسا ارائه دادند (نیوپورت، ۲۰۲۰، ۲).

با این وجود، پیچیدگی مشکلات خرده‌سیستم دین زمانی شکل تازه‌تری به خود گرفت که هم‌زمان با تغییر کنش مراکز دینی و درکنار آن بستن مکان‌های مقدس، برخی از گروه‌های افراطی تصمیم داشتند با ارجاع به خود، به مناسک و اعمال عبادی خود به روال معمول ادامه دهند. به‌عنوان مثال، تا ۱۲ مارس ۲۰۲۰، هنگامی که به‌دنبال درخواست پلیس، خاخام‌های ارشد اسرائیل، دیوید لاو و یتژاک یوسف، به یهودیان دستور دادند از بازدید از مکان مقدس خودداری کنند، تعدادی از مردم به نماز خواندن در آنجا ادامه دادند. همچنین در پاکستان بسیاری از مساجد بسته نشدند. در ایتالیا نیز با وجود قرنطینه این کشور و با وجود هشدار پاپ فرانسیس، برخی از مراسم‌ها برگزار شد. در هند با وجود پیشنهاد نخست‌وزیر نارندرا مودی برای جلوگیری از تجمعات عمومی هزاران هندو در جشن‌های هولی[1] شرکت کردند. این درحالی است که ثابت شده است که تجمعات مذهبی خود کانون گرم شیوع بیماری بوده است. به‌عنوان‌مثال، نیمی از پرونده‌های کوویدـ۱۹ کره‌جنوبی را می‌توان در جلسه کلیسای شین چانجی مسیح[2] ردیابی کرد. در واشنگتن دی‌سی نیز پس از شکل‌گیری یک اجتماع مذهبی پانصد نفره، آزمایش برخی از افراد مثبت اعلام شد (باکیک[3]، ۲۰۲۰، ۱).

با توجه به آنچه گفته شد و مطابق نظریه لومان، خرده‌سیستم دین هیچ‌زمانی به سازگاری کامل با محیط نمی‌رسد و ممکن است در انتخاب‌های خودـعدم رعایت پروتکل‌های بهداشتیـ اشتباه کند که البته این خود زمینه‌ساز پویایی سیستم‌ها است. توضیح آنکه، به نظر می‌رسد در

1. Holi Festival
2. Shincheonji Church of Jesus
3. Bacık

خرده‌سیستم دین تحوّلات به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که مذهب سازمان‌یافته با قرائت رسمی در برخی از کشورها درحال‌آزمون شدن است. مردم پس از پایان همه‌گیری، احتمالا مراسم مذهبی غیرضروری را با شک و تردید بیشتری نسبت به قبل انجام خواهند داد. خود این فرایند در سیستم پیچیده‌شده دینی، در آینده می‌تواند افراد مذهبی را به سمت یک ایمان فردگرایانه‌تر سوق دهد. در آینده بحث‌های گسترده‌ای می‌تواند پیرامون رابطه خرده‌سیستم دین و علم شکل بگیرد. در این میان، بدیهی است پیروان همه ادیان به اهمیت علم بیش از گذشته پی خواهند برد. ملت‌ها پیرو هر مذهبی که باشند، اتفاقاتی مانند بسته‌شدن مقدس‌ترین مکان اسلامی در مکه را از یاد نخواهند برد. آنها شکاف مفهومی بزرگی بین ایمان و دین را تجربه خواهند کرد، جایی که ایمان آنها حفظ خواهد شد اما از دین سازمان یافته و نهادینه شده فاصله خواهند گرفت. پیش از این در بسیاری از اماکن مذهبی، لمس یا بوسیدن مکان‌ها، اشیاء یا ابزارهای مذهبی در مراکز مقدس به‌نوعی نمود عینی ارادت به مذهب بود. اکنون در بسیاری از اماکن مذهبی از چنین کارهایی دوری می‌شود. این خود می‌تواند در تفکرات دینی مردم انفعالات زیادی به‌وجود آورد (رابینسون[1]، ۲۰۲۰، ۳).

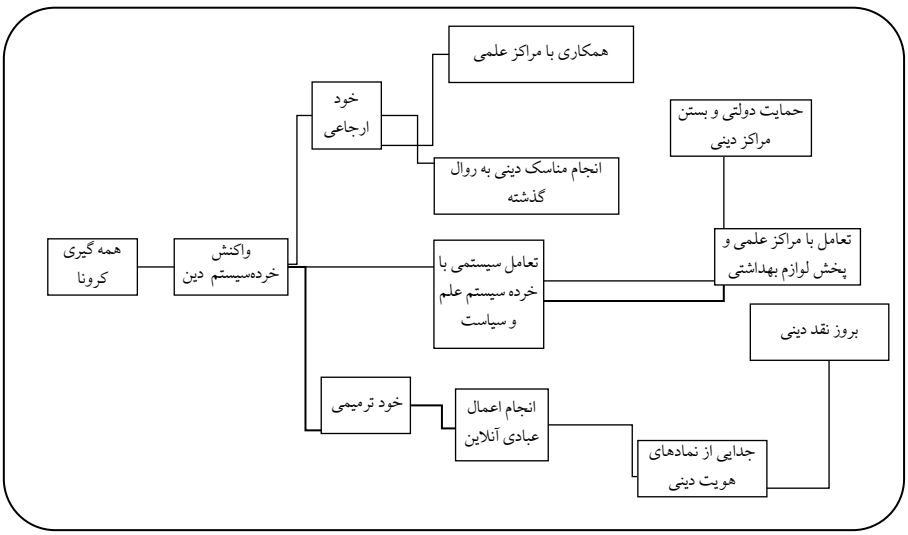

نمودار شماره (۸). کوید-۱۹ و خرده‌سیستم دین

1. Robinson

۵-۳-۳. خرده‌سیستم علم

گرچه در خرده‌سیستم دین، ارزش‌های همراه با قرائت رسمی، در برخی از کشورها با چالش مواجه شد، اما در خرده‌سیستم علمی توجه زیادی به تحقیقات تجربی صورت گرفت. به عبارتی اگر در بخش خرده‌سیستم علم، برمبنای نظر لومان در باب تفکیک درونی خرده‌سیستم‌ها و ارجاع به خود، علم را به علومی چون تجربی، دینی و انسانی دسته‌بندی کنیم باید اقرار کنیم که در این شرایط به علوم تجربی توجه ویژه‌ای شد. البته از منظر لومان، سیستم‌های جزئی از قبیل خرده‌سیستم علم به‌طور هم‌زمان، هم خودآیین و هم وابسته هستند. به‌عبارتی خرده‌سیستم علم درحالی که مجزا قلمداد می‌شود، هرگز نمی‌تواند بدون خرده‌سیستم‌هایی چون «خرده‌سیستم سیاسی» به کار خود ادامه دهد، درعین‌حال، خرده‌سیستم سیاسی نیز وابسته به علم و دانشی است که تحقیقات علومی چون علوم انسانی فراهم می‌آورند. بنابراین، بسته به ابعاد زمانی و مادی، در موارد مختلف امکان معکوس‌شدن جهت وابستگی وجود دارد.

به هر حال در شرایط کرونایی موجود، به علت پیچیدگی‌های محیطی، خرده‌سیستم‌ها به قصد ایجاد نظم در شریط بحرانی و هماهنگی با سیستم کلی و مابقی خرده‌سیستم‌ها، با اولویت‌بخشی به برنامه‌های خود سعی در مهار بحران متناسب با کارویژه خود دارند. ازهمین‌رو، امروزه خرده‌سیستم علم، به پشتوانه «خرده‌سیستم سیاست» توجه ویژه‌ای بر روی تهیه واکسن و راه‌های دفع این خطر بزرگ دارد که منجر به کاهش توجه به تعدادی زیادی از برنامه‌های غیرتجربی شده است. یک نمونه از آن آزمایشات بالینی سازمان جهانی بهداشت در مورد جایگزینی بالقوه واکسن، با هماهنگی رئیس شورای تحقیقات نروژ، جان آرن روتینگن، و شروع به‌کار با یک بیمار نروژی است. همچنین شورای تحقیقات نروژ از همان ابتدای شیوع ویروس کرونا «فراخوان اضطراری» برای پروژه‌های تحقیقاتی جدید در مورد آن تا پایان ماه مارس سال ۲۰۲۰ صادر کرد و برای آن ۳۰ میلیون کرون در نظر گرفت. در ایران نیز سعید نمکی، وزیر بهداشت، ضمن تأیید بودجه لازم برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه درمان کرونا، مدعی شد که در آینده نزدیک بر روی آزمایشات بالینی واکسن در انسان کار خواهیم کرد (اسکایس[1]، ۲۰۲۰، ۲).

1. Sykes

علاوه بر این، تغییری که در سیستم پیچیده کنونی در حوزه علم قابل‌مشاهده است این است که امروزه بیش از هر زمان دیگری مردم هر روز مستقیماً با دانش، به‌خصوص در حوزه‌های پزشکی مواجه می‌شوند. شهروندان همه‌روزه تحوّلات را رصد می‌کنند، متون طولانی کارشناسان علمی را می‌خوانند. همه آنها در سراسر جهان سؤالات مشخص دارند. اینکه چه مدت باید در قرنطینه بمانند؟ و شغل و اقتصادشان در ماه‌ها و سال‌های آینده چگونه خواهد بود؟ (گالبراندسن، کارالوا[1]، ۲۰۲۰، ۳). ازهمین‌رو، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی ضعف در ارائهٔ راه‌حل راهبردی در خرده‌سیستم علم، «خرده‌سیستم اقتصاد» را با چالشی بزرگ مواجه خواهد کرد. از طرفی عدم‌توجه خرده‌سیستم اقتصاد به لزوم حمایت اقتصادیِ بخش علم و دانش، این خرده‌سیستم را در ایفای نقش با مشکلات بی‌شماری مواجه خواهد نمود. بر مبنای همین تفکر سیستمی، برخی از آزمایشگاه‌های ملی و بین دولتی با حمایت‌های اقتصادی و سیاسی، به صورت کاملاً محرمانه در حال آزمایش جهت تهیه واکسن کوید-۱۹ هستند. در این زمینه آزمایشگاه‌های علمی وزارت انرژی ایالات متحده مانند آزمایشگاه ملی «اوک ریج[2]»، آزمایشگاه ملی «لارنس لیورمر[3]»، که وظیفه کارگروهی ویروس کوید-۱۹ در کاخ سفید را برعهده گرفته است، و آزمایشگاه زیست‌شناسی مولکولی اروپا، که شش سایت بارسلونا، گرونو، هامبورگ، هایدلبرگ، هینکستون و رم را به خدمت گرفته، مصادیق مناسبی هستند[4] (بوتیمن، ۲۰۲۰، ۲).

همچنین با حمایت دولت و خرده‌سیستم سیاست، پروژه‌های کلانی نیز در این زمینه شروع به کار کرده‌اند. به‌عنوان مثال، پروژه «ای یو سیتیزن ساینس[5]» بسیاری از منابع مهم مربوط به بیماری همه‌گیر کرونا را در اختیار دارد. پروژه «کوید-۱۹ سیتیزن ساینس[6]» ابتکار جدیدی از پزشکان دانشگاه کالیفرنیا و دانشمندان سانفرانسیسکو است که شهروندان ۱۸ سال به بالا را در زمینه درک صحیح بیماری فعال می‌کند (بومگاردنر[7]، ۲۰۲۰، ۲). پروژه

1. Gulbrandsen, Karaulova
2. Oak Ridge National Laboratory
3. Lawrence Livermore National Laboratory
4. Rüttimann
5. EU-Citizen.Science
6. COVID-19 Citizen Science
7 . Baumgardner

روزنامه‌نگاری دیجیتالی «کرونا ریپورت[1]» نیز یک پروژه علمی شهروندی است که گزارش‌های مهم در ارتباط با کوید-۱۹ را در دسترس سایر شهروندان قرار می‌دهد (استیگلدر[2]، ۲۰۲۰، ۴). «کووید سیمپتوم تراکر[3]» نیز یک مطالعه پرحجم از علائم ویروس کرونا است که تاکنون دو میلیون بار تا آوریل ۲۰۲۰ بارگیری شده است (نوریس[4]، ۲۰۲۰، ۳). به‌علاوه، گروهی از سازمان‌ها از جمله انستیتوی آلن و چان زاکربرگ، مرکز امنیت و فناوری دانشگاه جرج تاون، مایکروسافت و کتابخانه ملی پزشکی، تحقیقات زیادی درباره ویروس کرونا منتشر کردند (فرد هاچ نیوز[5]، ۲۰۲۰، ۲). این انتشار اطلاعات به همراه فراخوان‌های متعددی که گروه پزشکان بدون‌مرز جهت هم‌فکری در زمینه تهیه واکسن و کمک به کشورهای فقر صادر می‌کنند، ممکن است در آینده باعث بهبود روابط و تعاملات علمی شود و یا اشکال جدیدی از آن را به‌وجود آورد.

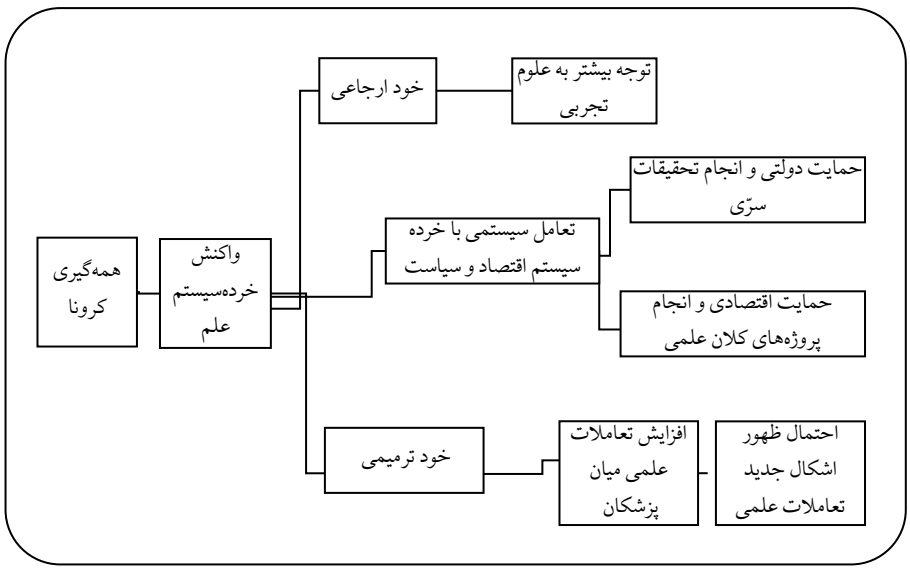

نمودار شماره ۹. کوید-۱۹ و خرده‌سیستم علم

1. CoronaReport
2. Steigleder
3. COVID Symptom Tracker
4. Norris
5. Fred Hutch News

۳-۳-۶. خرده‌سیستم آموزش‌وپرورش

یکی از غافلگیرانه‌ترین تأثیرات کوید-۱۹ بر جریان خرده‌سیستم آموزش‌وپرورش است. در اکثریت مطلق کشورها (-حدود ۱۶۶ کشور) اولین واکنش سیستم آموزشی تعطیل نمودن تقریباً کلیه مدارس، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها بوده است (مختار[1]، ۲۰۲۰، ۳). بر اساس گزارش یونیسف، ۱۵۳ کشور در حالی بر مبنای تصمیمات وزارت‌های علمی خود بسته‌های آموزشی را گسترش دادند که طبق این آمار حیات علمی حدود ۹۸/۶ درصد از جمعیت دانشجویی جهان متأثر از این بیماری شده است (ردی[2]، ۲۰۲۰، ۲). در ۵ مارس، بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان تحت‌تأثیر اقدامات اضطراری کرونا، در چین قرار داشتند که حدود ۲۳۳ میلیون نفر بودند و پس از آن ژاپن با ۱۶/۵ میلیون نفر و ایران با ۱۴/۵ میلیون نفر قرار داشت (بارنوم[3]، ۲۰۲۰، ۳). به‌تدریج در ۱۳ مارس، دولت‌ها در ۴۹ کشور جهان تعطیلی مدارس را اعلام کردند (داویس ات آل[4]، ۲۰۲۰، ۵)، از جمله ۳۹ کشور با تعطیلی سراسر مدارس کشور و ۲۲ کشور با تعطیلی مدارس بخش‌هایی از کشور موافقت نمودند. بنا به اعلام یونسکو ، تا ۱۶ مارس، این رقم از ۴۹ به ۷۳ کشور افزایش یافته است. تا ۱۹ مارس، ۵۰ درصد دانش‌آموزان در سراسر جهان تحت‌تأثیر تعطیلی مدارس بودند، که مربوط به تعطیلی سراسری در ۱۰۲ کشور و تعطیلی محلی در ۱۱ کشور با ۸۵۰ میلیون کودک و جوان بود. تا ۲۰ مارس، بیش از ۷۰ درصد از دانش آموزان جهان با تعطیلی مدارس خود روبه‌رو شدند (واردرپ[5]، ۲۰۲۰، ۲).

در چارچوب نظریه سیستم‌ها، با کمک‌گیری از رویه خودارجاع، خرده‌سیستم آموزشی، همواره در حال مشخص ساختن تفاوت خود با محیط بوده و به این طریق خود را بازسازی کرده است. این مکانیسم، درعین‌حال بسط و توسعه خرده‌سیستم‌ها یا سیستم‌های جزئی‌تر را ممکن نموده تا مابقی سیستم‌ها نیز به محیطی درونی برای آنها تبدیل شوند. ازهمین‌رو

1. Mokhtar
2. Reddy
3. Barnum
4. Davis et al
5. Wardrop

سیستم آموزش آنلاین به محیطی برای خرده‌سیستم آموزشی بدل می‌شود، و بالعکس. توضیح آنکه در جریان همه‌گیری کرونا، خرده‌سیستم‌های آموزشی برمبنای روند خودارجاعی و مشخص نمودن تفاوت‌ها از یک طرف و با کمک‌گیری از کارویژهٔ خودترمیمی، در جهت ترمیم نظام آموزشی از ابزارهای رسانه‌ای استفاده نمودند. ازهمین‌رو، رخداد کنونی در مقام کنش‌گری فعال، نظام آموزشی جهان را به‌طور کاملاً ناگهانی وارد دنیای آموزش دیجیتالی نمود؛ دنیایی که خرده‌سیستم آموزشی، مردم و مسئولان آموزشی تجربه و آشنایی کاملی با آن ندارند. بخشی از دلایل آن نیز در تمامی نقاط جهان، به‌خصوص در کشورهای فقیر متأثر از خرده‌سیستم اقتصادی است؛ چرا که متاسفانه برای بسیاری از کشورها در زمینه خرده‌سیستم‌آموزشی نه تنها بودجه لازم در نظر گرفته نمی‌شود بلکه هم پیش‌ازاین و هم در شرایط کنونی، زیربناهای فن‌آوری به حدی رشد نیافته که بتواند تسهیلات کافی و لازم را در شرایط فوق‌العاده حساس آموزشی فعلی ارایه نماید (سیمون[1]، ۲۰۲۰، ۱).

به‌طور مثال، در ایالت کالیفرنیای امریکا، ۱۶ درصد افراد در درون منزل هیچ‌گونه دسترسی به اینترنت ندارند. در این میان، دسترسی حدود ۲۷ درصد دیگر با سرعت پایین محدود شده، و ۱۰ درصد مابقی دیگر صرفاً از طریق گوشی تلفن هوشمند به شبکه اینترنت دسترسی دارند. با توجه به اینکه امروزه تقریباً نیمی از جمعیت جهان به اینترنت دسترسی ندارند (بروم[2]، ۲۰۲۰، ۳)، بی‌تردید، این مشکل در کشورهایی چون، هند، عراق، افغانستان، سودان، ترکمنستان و بسیاری دیگر به مراتب بیشتر از کالیفرنیا است. در کشورهای یادشده، ضعف ذاتی خرده‌سیستم اقتصادی که به‌خصوص در دروان همه‌گیری کرونا بیشتر شده مانع دسترسی دانش‌آموزان به امکانات محدود تکنولوژیک موجود می‌گردند. این در حالی است در کشورهای یادشده بسیاری از خانواده‌ها به ابتدایی‌ترین امکانات چون برق و اینترنت تمام‌وقت دسترسی ندارند. از این رو، امروزه خطر افزایش ترک تحصیل در مناطق محروم بالا رفته است. علاوه بر این، پیچیدگی‌های سیستم آموزشی برای

1. Simon
2. Broom

همه کشورها و به‌خصوص در کشورهای درحال‌توسعه رو به فزونی است؛ زیرا امروزه سواد دیجیتالی و دسترسی به تکنولوژی آن از جمله مقولاتی است که شکاف‌های طبقاتی اقتصادی و اجتماعی را به شکاف آموزش آنلاین تبدیل کرده و آن را به حوزه آموزش انتقال داده است.

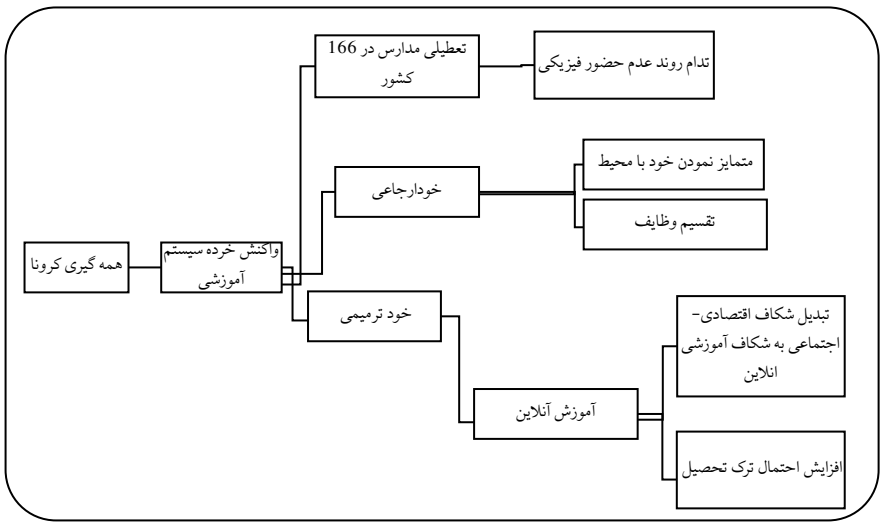

نمودار شماره (۱۰). کوید-۱۹ و خرده‌سیستم علم

۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که نظریه لومان نقشه‌ای بزرگ و خوانشی به جا از جزئیات را در برابر واقعیت اجتماعی کرونا و اجزای آن طرح می‌کند. به‌گونه‌ای‌که بخش قابل‌توجهی از رخدادهای اجتماعی در چارچوب مفهومی این نظریه معنادار می‌شوند. البته ذکر این نکته اهمیت دارد که نظریه لومان مانند دیگر نظریات سیستمی دارای دسته‌بندی‌های خاص خود است که نشان می‌دهد اثرات و تغییرات بحران کوید-۱۹ فقط مربوط به حوزهٔ سلامت نیست، بلکه اثرات سازمانی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، علمی، دینی و قانونی و تأثیراتی که بر پیکره تعاملات اجتماعی گذاشت، در برخی مواقع شدیدتر از حوزه سلامت است. ازجمله اینکه، چالش‌های جدّی برای برخی از موضوعات مانند

نابرابری، فرآیندهای شغلی، دینی، آموزشی و علمی، مشکلات اجتماعی و تعامل انسانی پدید آورده است. به عبارتی، بحران همه‌گیری کوید-۱۹ نشان داد که آشوبی بزرگ در برابر «نظم مستقر» و مورد انتظار درحال شکل‌گیری است. نظمی که سست، سیال و شکننده بودن آن به اثبات رسید و ثابت شد که همواره مستعد تغییرات عمده و در معرض نیروهایِ محیطیِ ضد سیستمی است.

در این میان، دقیق‌ترین مناسبات سیستمی در قالب بخش سازمانی آن خود را نشان داد. جایی که مناسبات رسمی و شغلی دچار تحوّل شدند. روابط اداری و بوروکراتیک را می‌توان بهترین نمونه یک سیستم اجتماعی در شاکله بعد سازمانی دانست. جایی که رفتارهای هدایت‌یافته شهروندان به نفع یک نظم هدفمند و به قصد بالابردن بهره‌وری در سیستم‌های اقتصادی یا محدودکردن و کنترل شهروندان در سازوکارهای مختلف قدرت سامان یافت. قدرت سیاسی ابتدا بدن و ویروس را با شعار در خانه بمانید محبوس کرد و ادبیات خاصی را وارد عرصه زبانی نمود. از آنجا که ابعاد سیستم در محیط سیستمی با یکدیگر مرتبط است، همین کنترل و محدود شدن تعاملات اجتماعی، سرمنشأ تغییرات عمده در سازمان‌های اقتصادی، آموزشی، دینی، علمی شد. به عبارت دیگر، هرگونه تغییر در ظاهر یا ماهیت یک سیستم فرعی بر روی ترکیب داخلی و ساختار سیستم‌های فرعی دیگر و در ادامه بر کل سیستم تأثیر گذاشت. به‌گونه‌ای که برخی از سازمان‌ها چون شرکت‌های بزرگ هواپیمایی را تا مرز ورشکست‌شدن پیش برد و از این رو، بسیاری از شرکت ها تجربه جدیدی در این زمینه کسب کردند.

به‌علاوه، تغییر و تحوّل خرده‌سیستم قانون، فضا را برای تغییر در مکانیسم بسیاری دیگر از خرده‌سیستم‌ها فراهم آورد به‌گونه‌ای که خرده‌سیستم سیاسی از این امکان استفاده نمود و برای کاهش پیچیدگی و انتظام‌بخشی به کنش شهروندان، قوانین سیاسی را به نفع خود به کار بست. متقابلاً خرده‌سیستم سیاست نیز نیروی لازم برای تغییر منطق عملکردی خرده‌سیستم قانون را فراهم نمود. خرده‌سیستم اقتصاد امکان لازم برای توسعه علم در این خرده‌سیستم را آماده کرد و سیستم علم نیز تلاش داشت تا با رفع مشکلات حوزه سلامت در حرکت جریان اقتصادی حمایت لازم را تدارک بیند. بنابراین، خرده‌سیستم‌ها برمبنای جریان خودترمیم و

خودارجاع خود و در راستای سامان‌مند نمودن کنش اجتماعی هم از فرصت‌های دیگر خرده‌سیستم ها استفاده نمودند و هم شرایط لازم برای تغییر کارویژه‌های خود را فراهم ساختند. بر همین مبنا، به‌عنوان مثال کلیساها و مساجد به ارائه خدمات بهداشتی و توزیع محلول‌های ضدعفونی‌کننده پرداختند. سالن‌های ورزشی تبدیل به محل قرنطینه و مراقبت‌های پس از درمان اولیه شدند و نیروهای نظامی وظیفه توزیع کمک‌های انسانی و ضدعفونی‌کردن مناطق شهری را برعهده گرفتند.

به نظر می‌رسد پیامدهای کرونا تا مدت‌ها باقی خواهد ماند و باعث تحوّل تعاملات اجتماعی پیرامون محور پروتکل‌های بهداشتی، تغییرات سازمانی و پیچیدگی کیفیت آنها، به چالش کشیدن فهم معنوی افراد و کاهش ضرورت حضور فیزیکی در برخی مناسک، روی آوری دولت‌ها به وضع قوانین اقتدارگرایانه، توجه بیشتر به علوم طبیعی و عقلی، شتاب‌گیری سمت‌وسوی آموزش آنلاین، تداوم اقتصاد حمایتی و گرایش به خوداتکایی خواهد شد. بنابراین، اغراق نخواهد بود اگر گفته شود از این به بعد همه‌ی شش خرده‌نظام (سیاسی، قانونی، اقتصادی، دینی، علمی و آموزش‌وپرورش) تحوّلات جدی را از سر بگذارند. بنابراین، دیر یا زود نظام حقوقی جوامع مختلف، اعتبار نهادهای مختلف علمی، پژوهشی، زبانی و همچنین داعیه‌های ادیان و مذاهب و نهادهای آموزشی به چالش کشیده خواهند شد. آنها باید از عملکرد، ادله و کارنامه خود در برابر این بحران گسترده و هولناک دفاع کنند. در غیر این صورت، باید خود را متناسب با تحوّلات رخ داده، برای شرایط جدید که در عصر پساکرونایی رخ داده آماده سازند.

منابع

Azevêdo, R. (2020). *Trade set to plunge as COVID-19 pandemic upends global economy, World Trade Organization.* Retrieved from https://www.wto.org/english/news_e/pres20_e/pr855_e.htm

Barnum, M. (2020). *Should schools close due to coronavirus? Here's what research says Chalkbeat.* Retrieved from https://www.chalkbeat.org/2020/3/9/21178727/to-close-or-not-to-close-as-schools-weigh-tradeoffs-in-light-of-coronavirus-here-s-what-research-say

Baumgardner, G. (2020). *New COVID-19 symptom tracker app helps researchers better understand coronavirus.* Retrieved from https://www.clickorlando.com

Berlin (2020). *Corona Rules: Catalogue of fines in effect. April 2020.* Retrieved from https://www.berlin.de/en/news/coronavirus/6130437-6098215-corona-rules-catalogue-of-fines-in-effec.en.html

Bezich, L (2020). *COVID-19 crisis creates ironic path for men to bolster social relationships.* Retrieved from https://translate.google.com/#view=home&op=translate&sl=en&tl=fa&text=COVID

Boyd, A (2020). China, Australia edge towards Covid-19 trade war. *Asia Times.* Retrieved from https://asiatimes.com/2020/05/china-australia-edge-towards-covid-19-trade-war/

Broom, D. (2020). *Coronavirus has exposed the digital divide like never before.* Retrieved from https://www.weforum.org/agenda/2020/04/coronavirus-covid-19-pandemic-digital-divide-internet-data-broadband-mobbile

Brow, F. Z. (2020). *How Will the Coronavirus Reshape Democracy and Governance Globally?.* Retrieved from https://carnegieendowment.org/2020/04/06/how-will-coronavirus-reshape-democracy-and-governance-globally-pub-81470

Browne, R. (2020). *Europe races to rescue its tech industry as start-ups fight for survival.* Retrieved from https://www.cnbc.com/2020/04/02/coronavirus-europe-races-to-rescue-tech-startups.html

Carothers, T. (2020). *How Will the Coronavirus Reshape Democracy and Governance Globally?.* Retrieved from https://carnegieendowment.org/2020/04/06/how-will-coronavirus-reshape-democracy-and-governance-globally-pub-81470

Casciani, D. (2020). *Coronavirus: What powers do the police have?.* Retrieved from https://www.bbc.com/news/explainers-52106843

Chambers, C., & Harris, D. (2020). *Why it's not OK to take small social risks during the COVID-19 pandemic.* Retrieved from https://theconversation.com/why-its-not-ok-to-take-small-social-risks-during-the-covid-19-pandemic-135542

Committee for the Coordination of Statistical Activities (CCSA). (2020). *How Covid 19 is Changing the world.* Retrieved from http://hdr.undp.org/en/content/how-covid-19-changing-world-statistical-perspective

Davis, B.M., Markel, H., Navarro, A., Wells, E., Monto, A.S., Aiello, A.E. (2015), The effect of reactive school closure on community Influenza-like illness counts in the State of Michigan during the 2009 H1N1 pandemic, Clinical Infectious Diseases, 60(12), 90–e97. doi: 10.1093/cid/civ182

Dias, E. (2020). A Sunday Without Church: In Crisis, a Nation Asks, 'What Is Community?. *The New York Times*, Retrieved from https://www.nytimes.com/2020/03/15/us/churches-coronavirus-services.html

Feldstein, S. (2020). *Beware the Implications of Coronavirus Surveillance. Carnegie Endowment for International Peace.* Retrieved from https://carnegieendowment.org/2020/03/31/beware-implications-of-coronavirus-surveillance-pub-81411

Fred Hutch News Service. (2020). *Science papers you should be reading about the coronavirus.* Retrieved from https://www.fredhutch.org/en/news/center-news/2020/03/coronavirus-latest-scientific-research.html

Georgieva, K. (2020). *IMF Makes Available $50 Billion to Help Address Coronavirus International Monetary Fund.* Retrieved from https://www.imf.org/en/News/Articles/2020/03/04/sp030420-imf-makes-available-50-billion-to-help-address-coronavirus

Ging, J. P. (2020). *Contrasting approach to lockdown in France and UK despite joint statement on COVID co-operation.* Retrieved from https://www.euronews.com/2020/05/11/contrasting-approach-to-lockdown-in-france-and-uk-despite-joint-statement-on-covid-co-oper

Gulbrandsen, M., Tellmann, S. M., & Karaulova, M. (2020). *Coronavirus and the impact of science.* Retrieved from https://www.sv.uio.no/tik/english/research/centre/osiris/osirisblog/coronavirus-and-the-impact-of-science.html

Hänel, L. (2020). *Coronavirus: A stress test for democracy.* Retrieved from https://www.dw.com/en/coronavirus-a-stress-test-for-democracy/a-53064455

Jones, L., Palumbo, D. & Brown, D. (2020). Coronavirus: A visual guide to the economic impact. Retrieved from https://www.bbc.com/news/business-51706225

Karine, El., & Hektoen, L. (2020). *Changes to the layoff rules in Norway due to Corona outbreak - updated.* Retrieved from https://blogg.magnuslegal.no/en/changes-to-the-layoff-rules-in-norway-due-to-corona-outbreak

Khamenei, Seyed Ali. (2020). *Imam Khamenei's advice to the people on Coronavirus.* Retrieved from https://english.khamenei.ir/news/7404/Imam-Khamenei-s-advice-to-the-people-on-Coronavirus

Luhmann, N. (1990. *Essays on self-reference.* Chicago: Columbia University Press. Retrieved from https://www.amazon.com/Essays-Self-Reference-Niklas-Luhmann/dp/0231063687

Luhmann, N. (1993). *Communication and social order risk: a sociological theory,* New Brunswick, Publishers. Retrieved from https://books.google.com/books/about/Communication_and_Social_Order.html?id=PzPtFxgv8FwC

Luhmann, N. (1994). The modernity of science. Translated by Kerstin Behnke. *New German Critique*, 61(4), 9-23. doi: 10.2307/488618

Mahar, E. (2020). *Impact of Covid-19 on Global Economy Structure. Modern Diplomacy.* Retrieved from https://moderndiplomacy.eu/2020/04/22/impact-of-covid-19-on-global-economy-structure

Mayrhofer, W. (2004). Social Systems Theory as Theoretical Framework for Human Resource Management – Benediction or Curse?. *Management Revue.* 15(2), 178–191. doi: 10.5771/0935-9915-2004-2-178

Mokhtar, F. Gross, S. (2020). *Should Schools Close to Fight Virus? These Places Say No.* Retrieved from https://www.bloomberg.com/news/articles/2020-03-27/should-schools-close-to-fight-virus-these-countries-say-no

Newport, F. (2020). *Religion and the COVID-19 Virus in the U.S.* Retrieved from https://news.gallup.com/opinion/polling-matters/307619/religion-covid-virus.aspx

Norris, J. (2020). *New COVID-19 'Citizen Science' Initiative Lets Any Adult with a Smartphone Help to Fight Coronavirus. The Regents of the University of California.* Retrieved from https://www.ucsf.edu/news/2020/03/417026/new-covid-19-citizen-science-initiative-lets-any-adult-smartphone-help-fight

Pew Social Trends (2020). *Most Americans Say Coronavirus Outbreak Has Impacted Their Lives.* Retrieved from https://www.pewsocialtrends.org/2020/03/30/most-americans-say-coronavirus-outbreak-has-impacted-their-lives

Reddy, V., Soudien, C., & Winnaar, L. D. (2020), *Impact of school closures on education outcomes in South Africa the conversation.* Retrieved from https://theconversation.com/impact-of-school-closures-on-education-outcomes-in-south-africa-136889

Robinson, K. (2020). *How Are Major Religions Responding to the Coronavirus?.* Retrieved from https://www.cfr.org/in-brief/how-are-major-religions-responding-coronavirus

Rüttimann, L. (2020). *crisis, we believe in science.* Retrieved from https://www.naratek.com/en/artificial-intelligence/2020/in-the-corona-crisis-we-believe-in-science.php

Schminke, T. G. (2020). *EU Parliament Projection: Corona Rallies Europeans Around the Flag.* Retrieved from https://europeelects.eu/2020/04/02/rally-around-the-flag-corona-and-voting-behaviour-in-europe

Seidl, D., Becker, K. H. (2013). *Niklas Luhmann and Organizational Studies.* Denmark: CBS press.

Sevastopulo, D. (2020). *Trump threatens to cut off relations with China.* Retrieved from https://www.ft.com/content/cfbba6bf-3de5-458d-92d1-a62fb958a354

Simon, M. (2020). *Children's coronavirus cases are not as severe, but that doesn't make them less serious. CNN Agency.* Retrieved from https://edition.cnn.com/2020/03/11/health/coronavirus-children-sick/index.html

Steigleder, L. (2020). *Citizen science resources related to the COVID19 pandemic.* Retrieved from https://www.citizenscience.org/covid-19

Sykes, P. (2020). *Iran to Start Human Trials of Homegrown Covid-19 Vaccine.* Retrieved from https://www.bloomberg.com/news/articles/2020-06-30/iran-says-to-start-human-trials-of-covid-19-vaccine-soon

Tehran Times. (2020). *5,000 drivers fined in Iran for breach of social distancing rules amid coronavirus outbreak.* Retrieved from https://www.tehrantimes.com/news/446383/5-000-drivers-fined-in-Iran-for-breach-of-social-distancing-rules

Wardrop, M. (2009). *Swine flu: schools should close to halt spread of virus, ministers told The Telegraph.* Retrieved from https://www.telegraph.co.uk/news/health/swine-flu/5874683/Swine-flu-schools-should-close-to-halt-spread-of-virus-ministers-told.html

WHO (2020). *Russian Federation's International Legal Forum The Rule of Corona.* Retrieved from https://www.who.int/dg/speeches/detail/russian-federation-s-international-legal-forum-the-rule-of-corona

Wikborg, M. (2020). *Covid19 – Norway: Measures to mitigate effects of the corona pandemic on the economy.* Retrieved from https://blogg.magnuslegal.no/en/corona-norway-proposals-to-mitigate-effects-of-the-corona-pandemic-on-the-economy

Bacık, G. (Mar. 19, 2020). *The coronavirus and its impact on religion and the international system.* Retrieved from https://ahvalnews.com/turkey-coronavirus/coronavirus-and-its-impact-religion-and-international-system

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۱۲۲-۹۱، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

طاهری‌کیا، حامد (۱۳۹۹). فرهنگ دیجیتال و مطالعات بصری: نوستالژی و خیال‌بافی در رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۱۲۲-۹۱. doi: 10.22035/isih.2020.3847.3978

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_339.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3847.3978

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

فرهنگ دیجیتال و مطالعات بصری: نوستالژی و خیال‌بافی در رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران

حامد طاهری‌کیا[۱]

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

چکیده

شیوع ویروس کرونا با شدت هرچه تمام‌تر به مرزهای نظم زندگی روزمره ایرانی شوک ایجاد کرد. مرگ و بیماری حاصل از شیوع ابتلا به ویروس کرونا موجب شد تا در ایران وضعیت اضطراری ایجاد شود. مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل شد و مردم باید در خانه قرنطینه می‌شدند. همچنین، شیوع ویروس کرونا به رخدادهای دیگری مانند قرنطینگی منجر شد و به‌دنبال آن بحران‌های اقتصادی، روحی، و خانوادگی نیز به‌وجود آمد. بزنگاه رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران همزمان با مراسم سنتی خرید شب عید، مسافرت، و دیدوبازدیدهای نوروزی بود، درحالی‌که تمامی سنت روابطی ایام عید از هم فروپاشیده بود. با تعطیل‌شدن شهر، ضرورت عدم جمع‌شدن در کنار یکدیگر و ماندن در قرنطینه، فضای دیجیتال مهمترین ابزار ارتباطی مردم بود که به‌واسطهٔ شبکه‌های اجتماعی می‌توانستند احساسات خود ناشی از هراس و اضطراب پرتاب‌شدن به میدان رخداد را با یکدیگر در میان بگذارند و پیوند عاطفی ایجاد کنند. بنابراین، یکی از مهمترین احساساتی که در فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شد احساس نوستالژی دربارهٔ زمان پیشاکرونا و خیال‌بافی پیرامون آینده بود. بر این اساس، با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای بین مطالعات فرهنگی دیجیتال و مطالعات بصری، هدف اصلی مقاله بررسی چگونگی خودبیان‌گری احساسات نوستالژی و خیال‌بافی کاربران ایرانی در شبکهٔ اجتماعی اینستاگرام و فیسبوک است. در نتیجه، یاد کردن شهر به‌مثابه خانهٔ امنی که از دست رفته است و فکر کردن دربارهٔ آیندهٔ مبهم و پیش‌رو در قالب خیال‌بافی نشان از گیر افتادن در میدان رخدادِ شیوع ویروس کرونا است.

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، رخداد، جغرافیای دیجیتال، نوستالژی، اینستاگرام، قرنطینه

---

۱. دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران
✉ Kia.erhut@gmail.com

۱. مقدمه

شیوع ویروس کرونا در ایران در ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ توسط رسانهٔ ملی به‌طور رسمی از شهر قم اعلام و چند روز پس از آن مدارس و دانشگاه‌ها برای یک هفته تعطیل شد. آمار مبتلایان به ویروس کرونا و مرگ بیماران به‌سرعت بالا گرفت و منجر به تعطیلی مدارس و دانشگاه در کشور شد. در این بین اخباری از سفر مردم تهران به سمت شهرهای شمالی کشور منتشر شد که همزمان آمار مبتلایان و قربانیان در گیلان و مازندران افزایش پیدا کرد. به همین سبب، ماهیت تعطیلی‌ها نه برای مسافرت و تفرّج که برای در امان ماندن از خطر بیماری و مرگ اعلام شد تا مردم آن را به‌مثابهٔ اوقاتی برای خوشگذرانی تعبیر نکنند.

هرچه به روزهای پایانی اسفند ۱۳۹۸ نزدیک می‌شدیم آمارها و اخبار دلهره‌آوری از شیوع ویروس در ایران می‌آمد. مردم از بودن در اجتماعات برحذر می‌شدند و همین امر بازار شب عید را به کسادی کشاند. چهرهٔ شهر ایرانی که همواره در روزهای آخر سال مملو از جنب‌وجوش جمعیت بود ناگهان با سکوتی تاریخی روبه‌رو شد. مردم به‌طور ناگهانی با رخداد منحصربه‌فردِ شیوع ویروس کرونا روبه‌رو شده بودند و امن‌ترین مکان ماندن در خانه و ایستادن در قرنطینه‌گی بود. بنابراین، با شروع عید نوروز و آغاز شدن سنت مسافرت‌ها و دیدوبازدیدها در بهار ضرورتی برای ماندن اندرون خانه و اجتناب از ارتباطات اجتماعی ایجاد شد که دامن زدن به کلافگی و نوستالژی زمان پیش از شیوع ویروس کرونا را در پی داشت.

ماندن در خانه و چشم‌دوختن به آینده‌ای مبهم از آنچه در پیش‌رو است نظام معمول ارتباطی زندگی‌روزمره را گسسته بود و ممکن‌ترین راه برای برون‌ریزی احساسِ هراس، به‌اشتراک‌گذاشتن اضطراب‌ها و دست‌زدن به گفت‌وگوی جمعی از طریق جغرافیای دیجیتال و فضای مجازی بود. قرنطینه وضعیت قرمز قرار گرفتن در معرض دیگری را نشانه می‌رفت و فضا را از مفهوم زمین و محله به مفهوم نزدیک‌بودن به دیگری یا نبودن و تماس داشتن یا نداشتن تغییر داد (راسل[1]، ۲۰۲۰، ۲۷۵). ازاین‌رو، اشتراک احساسات در جغرافیای دیجیتال برون‌ریزی احساس نزد دیگری در بیرون در دوران قرنطینگی بود. این مقاله به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که ابراز احساس نوستالژی در رابطه با زمان از دست‌رفته در زندگی

1. Russell

پیشاکرونا و سپس پروراندن خیال برای روزهای پساکرونا در جغرافیای دیجیتال چگونه است؟ هدف اصلی نگارنده پرداختن به مسئلهٔ گسترش نوستالژی و خیال‌بافی برای آینده‌ای مبهم است که در بزنگاه شیوع ویروس کرونا ساختار احساسات را تحت تأثیر قرار داده بود.

پرداختن به هدف مقاله مبتنی بر مطالعهٔ رخداد است که شرایط نظم تاریخی از بین می‌رود و وضعیت اضطراری فروپاشی مرزهای نظم ایجاد می‌شود. میدان مطالعهٔ فضای شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و فیسبوک و داده‌ها مبتنی بر تصویر است؛ بنابراین، می‌توان به‌وسیلهٔ مطالعات بصری وضعیت فرهنگ ایران در میدان رخداد شیوع این ویروس را از منظری میان‌رشته‌ای مطالعه کرد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

شیوع ویروس کرونا در جهان تأثیرات اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی مختلفی داشته که در این‌باره مقاله‌های مختلفی منتشر شده است. برخی از مقاله‌ها، که مبتنی بر مفهوم زیست‌سیاست فوکو بودند (شوبرت[1]، ۲۰۲۰) و همچنین آگامبن دربارهٔ وضعیت استثنایی (شانی[2]، ۲۰۲۰؛ برگ[3]، ۲۰۲۰، ۲) تلاش کرده بودند تا هستی رخداد ویروس کرونا را از دیدگاه‌های سیاسی و مدیریت بهداشت جمعی بررسی کند. این مقاله‌های کوتاه و بلند بیشتر طرح تفکر نظری در رویارویی با وضعیت بحران رخداد ویروس کرونا و پدیدهٔ قرنطینگی بود. به‌عبارت دیگر، ضرورت قرنطینگی، که شهر را به شهر مردگان و اندرون خانه‌ها را به فضایی جدید تبدیل کرده بود، نه شاید بیشتر بلکه به‌میزان شیوع ویروس تبدیل به پدیده‌ای تکینه شد.

با توجه به موضوع مقاله، در جست‌وجوی ادبیاتی هستیم که به مفهوم قرنطینگی و تولید فضای جدید اجتماعی، که شهر را خالی و خانه‌ها را پُر می‌کرد، بپردازد. علی چشمه‌زنگی (۲۰۲۰) در کتابی با عنوان شهر در ایجاب به مسئلهٔ جدیدی از شهر می‌پردازد که بعد از قرنطینه‌شدن ووهان، شهر مبدأ شیوع ویروس کرونا، مطرح شد و سپس ضرورت خالی‌کردن شهر به سیاست نظارت بر سلامت جمعیت تبدیل شد.

1. Schubert
2. Shani
3. Berge

کریستین بیانچنتی[1] و کامیلو بوآنو[2] و آنتونیو دی کامپلی[3] (۲۰۲۰) دربارهٔ شهر و بدن و زیستن در شهر به‌مثابهٔ مراقبت از خود و دیگری می‌پردازند و سپس به درون روابط سرمایه‌داری و نیروی کاری حرکت کرده و از قرنطینهٔ شهر در قالب فرصتی برای فکر کردن به نظام شهری سرمایه‌داری استفاده می‌کنند. پدیدهٔ قرنطینگی که شهر را خالی از روابط کرد امکانی دوباره فراهم آورد تا بتوان بر روی آنچه نظام مدرن شهری را شکل داده است، اندیشید و رابطهٔ جغرافیای دیجیتال و جغرافیای شهر را واکاوی کرد.

امیررضا ایرانمنش و رِسمیه آلپر آتون[4] (۲۰۲۰) گذار نظام روابط شهری به دیجیتالی را بررسی و موجی از افزایش مصرف روابط در فضای دیجیتال را مشخص می‌کنند؛ اما ویژگی منحصربه‌فردی که مختص دورانِ ارتباط دیجیتال باشد را تأیید نمی‌کنند. بنابراین، با مطالعهٔ این مقاله می‌توان به تنیدگی شهر، قرنطینگی، اندرون خانه، و روابط در جغرافیای دیجیتال پی‌برد و راه را برای ضرورتِ ادبیاتی که به تولید فضا در قالب قرنطینگی می‌پردازد، باز می‌کند.

مارکو جوردیک[5] (۲۰۲۰) با تأسی از مفهوم «تولید فضا» از هنری لوفور[6] اجبار زیستن در قرنطینگی را آستانه‌ای برای تولید فضای اجتماعی جدید می‌داند که تغییرات عادت‌واره‌ها به‌واسطهٔ شیوع ویروس کرونا به‌وجود آمده است. خالی‌شدن فضای شهر، پر شدن فضای خانه، و فضای دیجیتال، که جای روابط اجتماعی در شهر را گرفته بود، مسئلهٔ بررسی تولید فضاهای جدید در دوران قرنطینگی است. حاضر شدن در فضای عمومی شهر فقط برای رفع نیازهای ضروری (لُو و نوبلاوچ[7]، ۲۰۲۰، ۲۲۱) بود، زیرا اعتبار روابط معتبر زندگی روزمره توسط شیوع ویروس کرونا در تولید فضاهای امن و با حفظ ضرورت فاصلهٔ اجتماعی از بین رفته بود (ولی‌زاده، ۲۰۲۰، ۳۳۱). تولید فاصلهٔ امن در روابط اجتماعی از ضرورت قرنطینگی ناشی می‌شد که باید مرزهای فردی را رعایت و تولید فاصلهٔ فیزیکی به

1. Crtistina Bianchetti
2. Camillo Boano
3. Antonio Di Campli
4. Resmiye Alpar Atun
5. Marko Djurdjic
6. Henri Lefebvre
7. Löw and Knoblauch

ایجاد فاصلهٔ روانی ناشی از ترس حضور دیگری، که احتمال آلوده‌بودن او به ویروس وجود دارد، منجر شد (فورِدی[1]، ۲۰۲۰، ۲).

در نتیجه، آنچه از ادبیات پژوهشی که دربارهٔ شیوع ویروس کرونا با موضوع قرنطینگی و شهر بر می‌آید تأکیدی بر تولید فضاهای جدید، مسئله دار شدن شهر، تغییر عادت‌واره‌ها، ورود به فضاهای دیجیتال برای ادامهٔ روابط اجتماعی است. در این میان مقاله‌هایی هم به مصیبت‌های قرنطینگی چون «خشونت خانوادگی» (بویلون‌مینویس[2]، کلینچامپس[3]، و دوثیل[4]، ۲۰۲۰) یا «افسردگی» (اوستون[5]، ۲۰۲۰) و «خودکشی» (آکویلا، ساکو، ریسی، گراتری، و ریسی[6]، ۲۰۲۰) پرداخته است؛ اما در مجموع مسئلهٔ نوستالژی داشتن فضای شهر و خیال‌بافی به مانند شیوه‌ای برای فکر کردن دربارهٔ آینده پساکرونا در تنیدگی با تهی شدن فضای شهر، حضور در فضای جغرافیای دیجیتال، و ماندن اندرون خانه رویکردی است که این مقاله، در تمایز با ادبیات‌های پژوهشی یاد شده، اتخاذ کرده است.

براساس نظرسنجی کشوری که توسط «پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات» انجام شده است، ۲۰/۳ درصد پاسخگویان اعلام کردند که اخبار مربوط به کرونا را از شبکه‌های اجتماعی مجازی پیگیری می‌کردند (گزارش کشوی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا، ۱۳۹۹، ۳)؛ و همچنین، ۴۰ درصد پاسخگویان از شبکه‌های مجازی برای فراغت بهره می‌بردند (همان، ۱۷).

۲. روش

مطالعهٔ حاضر به روش کیفی انجام شده است. روش کیفی کمک می‌کند تا آنچه در میدان رخدادهای اجتماعی می‌گذارد به شکل مؤثری بررسی شود. تِتی[7] و همکارانش در مقاله‌ای

1. Furedi
2. Bouillon-Minois
3. Clinchamps
4. Dutheil
5. Ustun
6. Aquila, Sacco, Ricci, Gratteri, & Ricci
7. Teti

به اهمیت به‌کارگیری روش پژوهش کیفی در دوران رخداد شیوع ویروس کرونا می‌پردازند؛ در این مقاله به سه مورد اشاره می‌شود که در هنگام رخداد اپیدمی به‌کارگرفتن روش کیفی ضرورت پیدا می‌کند:

۱) رفتار سلامت مردم به‌راحتی در الگوهای اپیدمی قرار نمی‌گیرد و جنبه‌های مختلفی مانند جنسیت، طبقه، و نژاد هم در آن نقش مستقیم دارد؛

۲) در معرض بیماری اپیدمی قرار گرفتن، موقعیتی بیولوژیکی نیست بلکه اجتماعی است؛ برای مثال گروه‌های حاشیه‌ای به سبب موقعیت فرهنگ رفتار سلامت و موقعیت اجتماعی‌شان بیشتر در معرض بیماری اپیدمی قرار دارند؛

۳) روش کیفی کمک می‌کند تا نتایج غیرمنتظره و غافلگیر کننده از عملیاتی کردن راهکارهای مبارزه با بیماری اپیدمی را ایجاد می‌کند (تتی، شاتز[1]، و لیبنبرگ[2]، ۲۰۲۰، ۲).

بنابراین، روش کیفی به ما کمک می‌کند تا وضعیت میدان رخداد شیوع ویروس کرونا را در ایران از نگاه نزدیک‌تری دنبال کنیم.

میدان پژوهش در جغرافیای دیجیتال انجام می‌شود و ما به‌دنبال روایت‌گویی دیجیتالی از بیان احساس نوستالژی و خیال‌بافی نسبت به آینده در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا هستیم. روایت‌گویی دیجیتالی[3] فرایند بیان‌کردن احساسات و تجربه‌ها در قالب‌های بارگزاری متن، تصویر، فیلم، آثار هنری، موسیقی، و اطلاعاتی از این قبیل است که فرد را به جماعتی پیوند می‌زند که مخاطب آن مطالب هستند و تجربه‌های جمعی و احساسی به‌وجود می‌آورد (ویلوکس[4]، هارپر[5]، اِدج[6]، دیجیتال مدیا لب[7]، و ریگولت اینویت کامیونیتی گاورنمت[8]، ۲۰۱۳، ۱۳۲). به‌سبب شکل اطلاعات بارگزاری‌شده، روایت‌گویی دیجیتال قالب بصری دارد و روشی که برای تحلیل داده‌ها به‌کار گرفته شده است نمونه‌ای از

1. Schatz
2. Libenberg
3. Digital storytelling
4. Willox
5. Harper
6. Edge
7. Digital Media Lab
8. Rigolet Inuit Community Government

تحلیل شبکهٔ بصری (دِکوپیر[1]، ۲۰۱۹، ۷۷) است و مفهوم شبکه هستیِ پدیده را مجموعه‌ای از در هم پیچده شدن نیروهای مختلف می‌داند.

بر این اساس، و با توجه به هدف و پرسش اصلی مقاله، به سراغ شبکه‌های اجتماعی مجازی رفتیم تا تولید محتوای کاربران ایرانی را در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا بررسی کنیم. طبق آخرین نتایج نظرسنجی ملی ایسپا در اسفند ۱۳۹۸، ۶۸درصد افراد بالای ۱۸ سال در ایران حداقل از یک شبکه اجتماعی استفاده می‌کردند. ۵۱درصد مردم از واتس‌اپ، ۴۲درصد از تلگرام و ۳۵درصد از اینستاگرام استفاده می کردند. در مقایسه با داده‌های ایسپا در اسفند ۹۷، روند استفاده از تلگرام ۱۴درصد کاهش داشته و در مقابل، استفاده از واتس‌اپ ۲۶درصد افزایش داشته است (از هر ۱۰ ایرانی، ۱۳۹۸/۱۲/۲۹). همچنین اینستاگرام ظرفیت‌های ویژه‌ای را برای بارگزاری و چرخش اطلاعات به‌وجود می‌آورد. از این رو اینستاگرام بهترین شبکهٔ اجتماعی فیلترنشده و محبوب ایرانی‌ها برای بررسی تولید محتوا حول محور نوستالژی پیشاکرونا و خیال‌بافی دربارهٔ آیندهٔ پساکرونا محسوب می‌شد.

از ابتدای اسفند ۱۳۹۸ تا پایان فروردین ۱۳۹۹ بیش از ۸۰ صفحهٔ اینستاگرامی به‌صورت هدفمند مشاهده شد. پست‌هایی انتخاب می‌شد که محتوای آنها دربارهٔ نوستالژی پیشاکرونا و خیال‌بافی پساکرونا بود. ۸۰ صفحهٔ نمونه گرفته‌شده شامل صفحاتی بود که یا کاربر شخصی داشت یا صفحاتی با کارکرد موضوعی و بدون مشخص‌بودن مدیر صفحه بود. صفحات هم به‌شکل شخصی و هم عمومی انتخاب شد که معیار انتخاب بر اساس محتواهایی بود که با محوریت موضوع رخداد ویروس کرونا تولید می‌کرد. بنابراین، حتماً لزومی نداشت که صفحات همواره به تولید محتوا دربارهٔ رخداد شیوع ویروس کرونا بپردازد بلکه پست‌های بارگزاری شده پیرامون موضوع کافی بود تا آنها انتخاب شود.

به‌منظور گسترش‌دادن میدان مطالعه، علاوه بر اینستاگرام، فیسبوک، به‌سبب حضور کاربران ایرانی در این شبکهٔ اجتماعی فیلترشده، نیز بررسی شد. شبکهٔ اجتماعی فیسبوک جزء قدیمی‌ترین شبکه‌هایی است که کاربران ایرانی از اواسط دههٔ هشتاد در آن عضویت پیدا کردند. بنابراین، به نسبت کاربران اینستاگرام که نسل جدید را بیشتر فرا می‌گیرد فیسبوک

1. Decuypere

قشر قدیمی‌تری از کاربران شبکه‌های اجتماعی را دارد. ۳۰ صفحه در فیس‌بوک بررسی شد که کاربران آن همگی شخص حقیقی بودند و فقط ۵ پست دربارهٔ آیندهٔ پساکرونا یافت شد.

در مجموع، ۴۰ تصویر با محوریت نوستالژی و خیال‌بافی به‌دست آمد. تصاویر انتخاب‌شده همگی به‌واسطهٔ تصویر و نوشته‌ای که درون تصویر یا در قالب کپشن پایین عکس‌ها بود مقوله‌های نوستالژی و خیال‌بافی را تضمین می‌کرد. به‌منظور تدوین گزارش تحلیل از شیوهٔ تولید روایت به‌واسطهٔ بررسی چگونگی اجرای ایدهٔ نوستالژی و خیال‌بافی توسط تصاویر استفاده شد. تولید تصاویر در واکنش به رخداد توسط جمع از سه جهت اهمیت دارد: ۱) تصاویر دارای قدرت تأثیرگذاری و در پیوند با زمینهٔ اجتماعی است که واقعیت‌های اجتماعی در تصویر نمود پیدا می‌کند (بِری[1]، ۲۰۱۲، ۵۳)؛ ۲) تصاویر دارای ماهیت مادی است که از بطن موقعیت برمی‌آید و علاوه بر جنبه‌های دیداری دارای وجوه احساسی مختلفی است (پینک[2] الف، ۲۰۱۱، ۶۰۵)؛ ۳) تصاویر محل اجرای ایده‌ای می‌شود که احساسات جمعی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارتی، تولید تصویر شیوه‌ای برای برون‌ریزی احساسات می‌شود که آن را فن بلاغت بصری بیان‌گری ایده می‌دانیم (رایت[3]، ۲۰۱۱، ۳۱۷).

بنابراین، فن تحلیل بیان‌گری ایده توسط تصویر را، که به‌دستِ کنشگران اجتماعی در واکنش به یک رخداد جمعی به‌وجود آمده است، تحلیل تماتیک تصویر نام می‌نهیم. در تحلیل تماتیک تصویر حالت‌های مختلف بیان ایدهٔ جمعی را کدگذاری می‌کنیم و سپس با دسته‌بندی کدها امکان شیوه‌های مختلف بیان‌گری احساسات و ایده‌ها حول یک رخداد توسط مردم به‌وجود می‌آید. کدها در قالب مفاهیم امکان شکل گرفتن روایت به‌منظور تبیین کدها و سپس پیوند آنها با نمونه‌های تصویری را ممکن می‌کند. اما آنچه دارای اهمیت است خود فرایند نوشتن روایت تحلیلی است که مرتبه‌ای از اجرای کدهای به‌دست آمده در خلال تبیین و بسط‌دادن آنهاست که منطق تولید، تغییر، و ترکیب دوبارهٔ کدها را در فرایند نوشتن ایجاد می‌کند. مرحلهٔ کدگذاری تصاویر، تحلیل میدان رخداد، و نوشتن روایت

1. Burri
2. Pink
3. Wright

تحلیلی درهم‌آمیخته و ترتیب آنها خطی و یکی پس از دیگری نیست. همچنین لازم به ذکر است که نام کاربری صفحاتی که از آنها در مقاله استفاده شده است به سبب رعایت حقوق خصوصی حذف شده است.

جدول شمارهٔ (۱). کدهای مفهومی به‌دست‌آمده از ترکیب تولید روایت تحلیلی و حالت‌های بیان‌گری ایده در تصاویر

کدهای مفهومی
ارادهٔ معطوف به حیات
دانش تخمین
شهر وحشی
خانه به‌مثابه سنگر
میدان رخداد یک تکه
اطلاعات عاطفی

۳. چارچوب نظری

نظام اجتماعی مدرن مبتنی بر ایجاد مرزهای نظم به‌وجود آمده است. میشل فوکو در پروژهٔ باستان‌شناسی دانش نشان می‌دهد که سازوبرگ‌های مدرن چگونه با ترسیم مرزهای نظم مدرن مبتنی بر مدیریت جمعیت و مراقبت و تنبیه (فوکو[1]، ۱۹۹۵) همراه بوده است. مفهوم حکومت‌مندی، که ریشه‌های آن از قرن شانزدهم میلای در اروپا با دغدغهٔ پاسخ به این پرسش که چه کسی و چگونه شایستهٔ حکومت است (فوکو، ۱۹۹۱، ۸۷)، در قرن ۱۹ میلادی با پروژهٔ تولید مرزهای نظم مدرن ادامه یافت. تأسیس سامانه‌های قدرت قضایی، بهداشتی، و آموزشی برای حفظ مرزهای نظم مدرن ضروری شد و فرهنگ مدرن شکل گرفت.

فرهنگ مدرن با مرزهای مدرن از نیروهای ناشناختهٔ طبیعت جدا شد و انسان حیوانی تربیت‌شده برای شرکت در نظم جمعی مدرن تعریف شد. بنابراین، انسانی که قابلیت‌های تربیت‌شدن و انطباق با نظم مدرن را نداشته باشد باید از مرزهای نظم بیرون گذاشته شود؛ زیرا در حالت طبیعت حیوانی تربیت‌نشده قرار دارد. از این رو، طبیعت موقعیت وحشی، رام نشده، و تهدیدکنندهٔ مرزهای نظم مدرن، که باید آن را همواره مهار کرد، شناسایی شد.

1. Foucault

جدایی فرهنگ و طبیعت خصوصیت دورهٔ مدرن است و هجوم طبیعت وحشی به مرزهای رام‌شدهٔ نظم مدرن رخداد ایجاد می‌کند. رخدادها در مرزهای نظم مدرن گسست ایجاد می‌کند و پیوند بین امور زندگی از هم فرو می‌پاشد. رخدادها فضای آشوب و تهی از نظم (بدیو[1]، ۲۰۰۵، ۲۸۹) را به بار می‌آورد و در آن نیروها از قیدوبند آنچه آنها را به یکدیگر پیوند می‌زد آزاد می‌شود (کیا، ۱۳۹۹، ۱۳۵) و در نتیجه بین آنچه پیش از رخداد بود و زمان اکنون و آنچه درحال‌آمدن است خط گسستی پدید می‌آید. زمان اکنون در میدان رخداد در پیچشی از بی‌قراری نیروها و احساس هراس و اضطراب نسبت به آینده‌ای است که درحال‌آمدن است.

زمان اکنون مملو از احتمال عملیاتی‌شدن پتانسیل موقعیت‌های مختلف و غیرمنتظره است و هراس و اضطراب برآمده از انباشت خرده‌رخدادها و روی‌دادن احتمالات غیرمتوقع است. بنابراین، آینده در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود و زمان اکنون موقعیت سوژگی را پدید می‌آورد که ازسویی دارای نوستالژی و در جست‌وجوی زمان از دست رفته است؛ و از سوی دیگر، برای آینده‌ای که درحال‌آمدن است خیال‌بافی می‌کند.

نوستالژی استعاره‌ای مدرن است که در معنای قدیمی‌اش به نوعی بیماری اشاره می‌شد که افراد در سفرهای بسیار دور از خانه به آن دچار می‌شدند. فیزیکدان سوئیسی، یوهانس هوفر[2] برای اولین‌بار در قرن ۱۷ میلادی آن را با ریشه‌ای یونانی به مفهوم خواستن دردناک چیزی به‌کار برد (جینگ[3]، ۲۰۰۶، ۳۶۰). افرادی که به سفرهای دور می‌رفتند در جست‌وجوی موقعیت‌های امنی بودند که در خانه آن را تجربه می‌کردند و در شرایط نامطمئن جدید احساس نیاز برای امنیت به ایجاد نوستالژی روزها امن خانه منجر می‌شد. بنابراین نوستالژی وضعیت گیرکردن در شرایط ناامنی است که سوژه به‌دنبال به‌دست‌آوردن دوبارهٔ چیزی است که به‌دست نمی‌آید و نوستالژی برآمده از موقعیت اضمحلال امید برای بازیابی موقعیت امن گذشته است که نابود شده است (پیکرینگ و کِیگلی[4]، ۲۰۰۶، ۹۲۰). نوستالژی موقعیتی

1. Badiou
2. Johannes Hofer
3. Jing
4. Pickering & Keightley

در زمان اکنون برای بازخواستن اندوهگین موقعیت گذشته در نسبت به موقعیت ناامن آینده است (کینگ و مکهیوج[1]، ۲۰۱۵، ۴۸۸).

بازخواستن اندوهگین گذشته در موقعیتی از اکنون است که دچار رخداد و فروپاشیدگی شده است، زیرا مرزهای نظم تاریخی که سوژه موقعیتش را در آنها به‌دست آورده بود دچار گسست شده و خط روال امور از بین رفته است. نمودار وقایع در میدان رخداد شکل منحنی دارد که حاصل فرایند تغییر نسبت‌ها بین نیروهاست و مرزهای نظم نمی‌تواند در منحنی از تغییرات خودش را منسجم کند. پس وضعیت اکنون حاصل خط گسست رخداد است و هر آنچه قبل از آن قرار می‌گیرد نوستالژی است برای اینکه آنچه درحال‌آمدن است آنقدر آبستن احتمالات مختلف و مبهم شده که دیگر آینده را نمی‌توان مانند زمان قبل از خط گسست در نظر گرفت.

به همین سبب فکر کردن دربارهٔ آنچه درحال‌آمدن است فقط در مرتبهٔ خیال قرار می‌گیرد، به عبارتی شیوهٔ فکر کردن در میدان رخداد در حالت خیال است. میدان رخداد مملو از احتمال‌های مختلف است که میدان رخداد را تبدیل به فضای سیال می‌کند. در فضای سیال میدان رخداد نیروها حالت لغزنده و پیوند آنها با یکدیگر به شدت ناپایدار است. در میدان رخداد نظام دانش دیگر نمی‌تولند الگوی تاریخی تحلیل را ادامه بدهد و برای تخمین آنچه در حال شدن است چاره‌ای جز خیال کردن و تصویر سازی از آینده باقی نمی‌ماند. نظم دانش خیال برانگیز می‌شود و ویژگی خیال قدرت انطباق با فضای سیال میدان رخداد را دارد.

در نتیجه، رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران ناگهان بواسطهٔ گسست یافتن مرزهای نظم، موقعیت اکنون را تبدیل به مسئله کرد و ابهام از آینده‌ای که درحال‌آمدن است آنقدر شدت یافت که نوستالژی بازگشت به مرزهای نظم زندگی روزمره را در دوران پیشاکرونا پدید آورد. گسست یافتن نظم و ایجاد آشوب در موقعیت اکنون هراس ملی و اضطراب اجتماعی را دامن زد که شکل‌های بیان‌گری احساسات ناشی از آنها در شبکه‌های اجتماعی جغرافیای دیجیتال خودش را نشان می‌داد. همچنین، تصور و خیال کردن فردای پس از

1. Kitson & McHugh

بحران کرونا هم جلوه‌های بیان‌گری را ایجاد کرد که اشـتراک مجموعهٔ شـکل‌های بیان‌گری مردمِ گیر کرده در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا پیوند احساسی را شکل می‌داد.

در اینجا منظور از جغرافیای دیجیتال قرار گرفتن در حالتی از روابط اسـت که از فرهنگ الگوریتم بر می‌خیزد. فرهنگ الگوریتم نظام پروتکلی مبتنی بر دسـتور زبان نرم افزار اسـت که با هوش مصـنوعی در پیوند قرار دارد. فرهنگ الگورتیم دربارهٔ دورهٔ اینترنت و دیجیتالیزه شـدن زندگی‌روزمره اسـت. فرهنگ الگوریتم دارای سـازوکار جمع آوری داده و محاسبهٔ آنها در فضـای مجازی اسـت. فرهنگ الگورتیم اشـاره به نظام روابطی اسـت که شـئون زندگی اجتماعی مدرن را به فراسـوی جغرافیای آنالوگ به‌مثابه ضـرورت حضـور در مکان می‌برد، زیرا انسـان در جغرافیای دیجیتال بطور فیزیکی حضـور ندارد و در واقع فیزیک دیجیتالی او از مکانی به مکانی دیگر مخابره می‌شـود. بنابراین، فرهنگ الگوریتم، جغرافیای دیجیتال، اینترنت، هوش مصـنوعی، و سـخت و نرم افزارها همگی شـبکهٔ فرهنگ الگورتیم را به‌وجود می‌آورد. در فرهنگ الگوریتم ویژگی‌های جنسـیت، نژاد، و طبقهٔ اجتماعی جزئی از نظام روابطی اسـت (چِنی‌لیپولد[1]، ۲۰۱۱، ۱۶۵) و این نشـان می‌دهد که فرهنگ الگورتیم با به‌وجود آوردن جغرافیای دیجیتال چگونه سـبب گسـترش و انقلاب مناسـبات ارتباطی در جغرافیای آنالوگ شـده و این مسـئله خودش را در بزنگاه‌های رخدادهای اجتماعی نشـان می‌دهد، برای مثال در اپیدمی ویروس اِبولا رسـانه‌های مجازی نقش بسـیار مهمی را در کنترل بیماری ایفا کرد (پولیدو، ویلارجو-کاربالیدو، ردوندوسما، و گومز[2]، ۲۰۲۰، ۱۱).

در نتیجه، در زمان رخداد شـیوع ویروس کرونا در ایران جغرافیای دیجیتال فضـایی را برای خودبیان‌گری احساسات نوستالژی و خیال‌بافی دربارهٔ آیندهٔ پساکرونا فراهم آورد. مجموعه‌ای از بهم پیوند خوردن تکنولوژی دیجیتال، شـبکه‌های اجتماعی مجازی، تلفن‌های همراه، وضعیت اضطراری، ضرورت قرنطینگی، احساس هراس، زمان و مکان در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا به‌وجود آمد که نشـان از ورود به وضـعیت ناآشـنا بود و در وضـعیت ناآشـنا احساس نوستالژی و خیال‌بافی مهمترین واکنش‌های احساسی به شرایط غیر منتظره است.

1. Cheney-Lippold
2. Pulido, Villarejo-Carballido, Redendo-Sama, Gomez

واکنش‌های احساسی در جغرافیای دیجیتال شبکهٔ اجتماعی اینستاگرام در قالب تصویر است. تصاویری که دربارهٔ رخدادها تولید می‌شود اطلاعاتی را پیرامون شرایط وضعیت اضطراری تولید می‌کند و اتخاذ انسان‌شناسی بصری برای بررسی آنها مجموعه‌ای از روابط را ترسیم می‌کند که ویژگی میان رشته‌ای دارد (پنک[1] ب، ۲۰۱۱، ۴۴۹). در مطالعات بصری اطلاعات در شکل بصری شامل مجموعه‌ای از شکل‌های نوشتاری و غیر نوشتاری است و روابط بین آنها شکل میدان بصری را ترسیم می‌کند (مانوویچ[2]، ۲۰۱۱، ۱۳). در نتیجه، رخداد فروپاشیدن مرزهای نظم زندگی روزمرهٔ ایرانی بواسطهٔ شیوع ویروس کرونا و بیان‌گری احساسات نسبت به زمان قبل و بعد از رخداد منجر به تولید اطلاعات بصری در جغرافیای دیجیتالی شد که مطالعهٔ آنها به‌مثابه ورود به شبکه‌ای از روابط بواسطهٔ عبور از دروازهٔ تصویر است.

۴. ارادهٔ معطوف به حیات: نوستالژی‌ها و خیال‌بافی‌ها

رخداد شیوع ویروس کرونا در ایران ناگهان ظرف مدت کوتاهی نظم و جریان زندگی روزمرهٔ ایرانی را بهم ریخت. اهمیت آشفته شدن مرزهای نظم همراه با گسست یافتن سلسلهٔ عادت‌واره‌های ایرانی بود که در همراهی با اجرای مراسم و سنت خرید شب عید نوروز هرچه بیشتر جنبه‌های تأثیر گذارش را در فروپاشیدن جریان معمول زندگی روزمره نشان می‌داد. با نزدیک شدن به شب عید و سنت دور هم جمع شدن‌ها برای تحویل سال ناگهان وضعیت اضطراری نزدیک نشدن بیولوژی‌ها به یکدیگر رُخش را به شدت هرچه تمام‌تر نشان می‌داد. میدان رخداد شیوع ویروس کرونا مستلزم عدم دیدار دیگری بود تا زنجیرهٔ انتقال ویروس قطع شود و این مستلزم گسست یافتن عادت‌وارهٔ دیدن دیگری در ایام عید نوروز بود.

شدت فرود رخداد شیوع ویروس کرونا آنچنان سهمگین بود که نوستالژی دیدن دیگری و بودن در کنار دیگری از احساسات ایرانی سر برآورد و جست‌وجوی زمان از دست رفتهٔ حضور در خیابان‌های شب عید خودش را نشان می‌داد. نوستالژی از دست دادن خیابان

1. Pink
2. Manovich

معادل با از دست دادن شهر بود آنهم در تقاطع با زمانی که نیاز و شوق بودن در خیابان برای آماده شـدن برای مراسـم عید نوروز وجود داشـت. در ظرف کمتر از چند هفته ابتدایی‌ترین نوسـتالژی‌ها برای خیابان و شـهر شـب عید ظاهر شـد به گونه‌ای که در تعدادی از پسـت‌ها تصاویر شهر و خیابان شب عید سال‌های پیش به نمایش در می‌آمد (شکل شمارهٔ ۱).

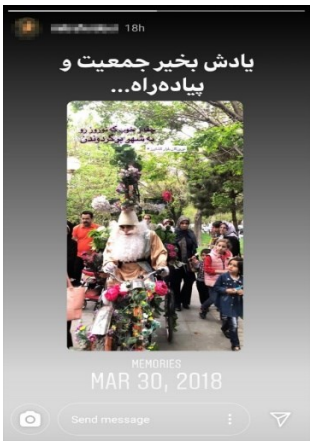

شکل شماره (۱). یاد کردن جمع شدن جمعیت در هنگام شب عید نوروز

شـهر فضـای دیداری را تولید می‌کند و دیدن روی دیگری در شـهر که به جزئی از عادت‌واره‌های نامحسـوس تبدیل شـده بود در رخداد همه‌گیری ویروس کرونا به مرتبهٔ خودآگاه| دگرگون شد، زیرا دیدن روی دیگری در فضای شهر موقعیتی ناامن و تهدید کننده بود. چهرهٔ انسـان ارتباطی‌ترین بخش عضـو بدن اسـت که با چهرهٔ شـهر ترکیب می‌شـود و چهرهٔ فرهنگ دیداری را صـورت می‌دهد (موبی برایجنتی[1]، ۲۰۱۹، ۱-۲). چهرهٔ فرهنگ دیداری که پرسـه زن والتر بنیامین[2] آن را خوب درک کرده بود و از دیدن چهرهٔ شـهر لذت می‌برد (بیرُون[3]، ۲۰۱۴، ۲۳) در رخداد شـیوع ویروس کرونا گویی شـهر بی‌چهره شـد، از آنجایی که مردم چهره‌های خود را از شهر برگردانده بودند.

1. Mubi Brighenti
2. Walter Benjamin
3. Biron

شـــهر و خیابان برای مردم هماننـد خانه‌ای عمل می‌کرد که در آن احســـاس امنیت می‌کردند، زیرا می‌توانستند ادامهٔ حیات اجتماعی خود را بواسطهٔ حضور در شهر، بودن در اجتماعات، و داشتن شغل تضمین کنند. اما رخداد شیوع ویروس کرونا به رخداد قرنطینگی دامن زد. باید اندرون خانه ماند و در جغرافیای شـــهری حضـــور پیدا نکرد پس بودن در اجتماعات و رفتن در شـــهر برای چرخاندن چرخ زندگی به مخاطره افتاده بود. بســـیاری از بازارهای شـــب عید با تعطیلی و برشـکســتگی همراه شـد و آشـفتگی زمان اکنون در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا هر لحظه بیشتر شدت حضورش را به رخ می‌کشاند.

نظام زندگی شهر از هم پاشیده شده و به نظام زندگی اندرونی خلاصه شده بود. اما پرسش این است که حیات اقتصادی را چگونه بدون رفتن در شهر باید پاسخ داد؟ این مسئله‌ای است که نوستالژی بازگشت به شـهر و خیابان را هرچه بیشتر شعله‌ورتر می‌کرد. گویی اندرون خانه فقط منزلگاه موقتی بود و بیرون از خانه ســکونتگاه اصــلی مردم به شــمار می‌رفت، زیرا میل بازگشت به شهری که رفتن به آن با آشوب و ناامنی همراه بود به‌مثابه موقعیتی عمل می‌کرد که در قرن ۱۷ انسان غربی در آغاز مسیر مدرنیته داشت تجربه می‌کرد: میل دردناک بازگشت به خانه.

در وضعیت ضرورت ماندن اندرون خانه سبب شد تا بیرون خانه در قالب سکونتگاه اصلی مردم خودش را نشان می‌داد. شکلی از باژگونی احساسی به‌وجود آمده که اندرون خانه هر روز غریبه‌تر جلوه می‌کرد و بیرون خانه به‌مثابه منزلگاهی از دســت رفته احســاس می‌شــد. مردم در شــهر و خیابان‌های مدرن به دنبال پاســخ به نیازهای زندگی‌روزمرهٔ خود هستند و این سبب پیوند عاطفی و احساس امنیت نسبت به آن است. بنابراین، مردمی که در شهر می‌توانند نیازهایشان را برآورده کنند شهر برایشان اصل مهم حفظ حیات است. پس در شرایط اضطراری ماندن اندرون خانه همانند دور شدن از سکونتگاه امنی است که ادامهٔ حیات را ممکن می‌کرد، در نتیجه خواستن اندوهگین شـهرِ پیشـاکرونا در تصـاویر شـبکهٔ اجتماعی اینستاگرام تولید و چرخش پیدا می‌کرد.

ارزش‌های مختلفی مانند همبســتگی، همدلی، احســاس مســئولیت، یاری به محرومان، تقویت روحیهٔ انتقادی، و مراقبت از خود در وضــعیت اضــطراری رخداد شــیوع ویروس کرونا به‌وجود آمده بود. بر اساس این ارزش‌ها محتواهای مختلفی در جغرافیای دیجیتال در شکل‌های

گوناگون تولید می‌شـد و چرخش پیدا می‌کرد. اما ارزش اسـاسـی که در میدان رخداد کرونا تباه شـد ارزش «ارادۀ معطوف به حیات» بود. ارادۀ معطوف به حیات اصطلاحی است که بر اساس آن می‌توان آشـفتگی زمان اکنون در رخداد سـرایت ویروس کرونا را درک کرد. ارادۀ معطوف به حیات زمان و فضا را به دو بخش ارزش‌های قبل از خط گسست رخداد سرایت ویروس کرونا و آنچه خواهد آمد تقسـیم می‌کرد. نشـانه‌های مختلفی از اطلاعات دربارۀ تباه شـدن ارزش ارادۀ معطوف به حیات در شکل «پیشا» و «پسا» رخداد سرایت ویروس کرونا تولید می‌شد.

ارزش ارادۀ معطوف بـه حیـات بـه موقعیـت جریـان زنـدگی روزمره، امیـد، و تلاش برای پیشبرد هدف‌ها و برنامه‌های زندگی اشاره دارد که نظم‌های زندگی روزمره را شکل می‌دهد. وقتی رخداد در این برنامه‌ها و نظم‌ها گسست ایجاد می‌کند آنچه پیشارخداد فرض می‌شود تبدیل به نوسـتالژی می‌شـود. صـدا کردن گذشـته در اکنون رخداد رخ می‌دهد که دیگر دسـت‌های منظم گذشته نتوانسته خودش را به زمان آشفتۀ اکنون برساند که اگر می‌رساند زمان اکنون جزئی از امتداد نظم زندگی قبل از رخداد بود. جغرافیای دیجیتال مملو بود از عکس‌ها و نوشته‌هایی بود که مردم دورۀ پیشارخداد را یادآوری می‌کردند و آنچه در نوشته‌ها دیده می‌شد احساس نوستالژی را نشان می‌داد. تصاویر| نوستالژی را نشان می‌داد و متن‌ها آن را فرا می‌خواند و نگرانی از دیروزی که شاید دیگر خودش را پس از رخداد تکرار نکند به اوج گرفتن احساس نوستالژی دامن می‌زد.

«ارادۀ معطوف به حیات» مفهومی است که از میان آن می‌توان به اهمیت نوستالژی به شـهر پیشاکرونا پی برد. اراداۀ معطوف به حیات اشاره به موقعیت میل به زیستن با تمام ابعاد آن است. دورۀ زمانی زیستن با هدف‌گذاری‌های مختلف به دوره‌های مختلف زندگی انسان مدرن شهری تبدیل و قابل شـمارش می‌شـود. دورۀ حیات بواسـطۀ اهداف انسـان و تقلا برای رسـیدن به آنها معنی می‌یابد. بنابراین زمان هدف گذاری شـدۀ انسـان مدرن به فضـایی نیاز دارد تا ایده‌هایش را عملی و اهدافش را پیگیری کند و آن جایی جز شـهر نیسـت. به همین سـبب، در واقع خانه سکونتگاهی است که در آن می‌توان استراحت کرد و بین دو زمان رفتن به شهر و بازگشت به شهر را در آن مستقر شـد و زمان را سپری کرد و ما خانه را به «سـکونت‌خانه» تعبیر می‌کنیم. بواسـطۀ جعل مفهوم سکونت‌خانه می‌توانیم شهر را به‌مثابه «شهرخانه» آن خانۀ اصلی در نظر بگیریم که

با ایجاد روابط امن امکان تولید هدف و پیگیری آن را امکان‌پذیر می‌کند. پس با دور ماندن از «شهرخانه» ارادهٔ معطوف به حیات پریشان و آشفته می‌شود.

در شکل شمارهٔ (۲)، تصویری از خیابان‌های شلوغ شهر تهران دیده می‌شود و کاربر افسوس می‌خورد که چرا زمان بیشتری را برای ماندن در شهر و دیدن خیابان صرف نکرده است. احساس جست‌وجوی زمان از دست رفته و نوستالژی شهرخانه در جغرافیای دیجیتال تولید می‌شد و چرخش پیدا می‌کرد. پیوند احساسی دربارهٔ از دست دادن شهرخانه تبدیل به نوستالژی جمعی و افسوس شده بود که در پیوندش با اسفند ماه و حال و هوای عید نوروز حس نوستالژی مدرن بازگشت به شهرخانه را در فرهنگ ایران متفاوت می‌کرد. در عکس‌های مختلفی که در فضای شبکهٔ اجتماعی اینستاگرام پخش می‌شد عبارت‌هایی مانند «یادش بخیر» (شکل شمارهٔ ۲) یا «پارسال همین موقع» در آنها بسیار به چشم می‌خورد. در شکل شمارهٔ ۳، عکسی از زمان سال تحویل ۱۳۹۸ در حافظیهٔ شیراز است که در نسبت با سال تحویل کرونا زدهٔ ۱۳۹۹ به نمایش در می‌آید. کاربر یاد پارسال همین موقع را می‌کند و حسی از شور زندگی را جست‌وجو می‌کند که امتداد آن دچار گسست شده است. کاربر دیگری در پایین آن اظهار نظر کرده است: «چه آرامشی داشتیم و خبر نداشتیم» که این جمله اعتباری است برای برانگیخته شدن احساس نوستالژی در زمان اکنون میدان رخداد و جست‌وجو کردن ارزش‌های ارادهٔ معطوف به حیات.

شکل شماره (۲). یاد کردن روزهای حضور امن در خیابان

شکل شماره (۳). یاد کردن جمع شدن مردم در هنگام سال نو قبل از شیوع ویروس کرونا در حافظیهٔ شیراز

تصاویر نشان می‌داد که چگونه شهر و خیابان از مردم ربوده شده بود و مردم آنها را در عکس‌های زمان پیشاکرونا جست‌وجو می‌کردند. بودن در شهر و حرکت در آن جزئی اساسی از زندگی روزمره است که امکان پیوند با دیگری را به‌وجود می‌آورد. حرکت در شهر همراه شدن با مردم دیگر یا حرکت در شهر برای رسیدن به دوستان و آشنایان است که پیوندهای عاطفی را استحکام می‌بخشد. در خانه‌ها باید ماند و نباید حرکت اضافی داشت؛ یعنی شهر و خیابان دیگر جزئی از امتداد نظم زندگی روزمره به حساب نمی‌آید و اندرون سکونت‌خانه جای آنها راگرفته بود. وقتی در شهر نمی‌توان حرکت کرد پس دیگر نمی‌توان دوستان و آشنایان را ملاقات کرد و در اینجا نوستالژی شهر با نوستالژی دیدن دوستان و آشنایان پیوند می‌خورد.

دیدن دوستان و آشنایان بر اهمیت روابط اجتماعی و پیوندهای عاطفی مردم با یکدیگر در طول زندگی‌روزمره اشاره دارد. برقراری پیوندهای عاطفی و حمایت‌های احساسی مستلزم حضور داشت در مکانی مشترک با دیگری است. برای مثال، جماعت‌ها وقتی جنبش انقلابی را به‌وجود می‌آورند که با یکدیگر در مکان واحدی چون خیابان جمع شوند

و بدن واحدی را برای اعتراض به‌وجود آورند (بالتر[1]، ۲۰۱۵، ۱۲۷). بنابراین، حضـــور در مکان مشـترک و قرار گرفتن بدن‌ها در کنار همدیگر پیوندهای عاطفی را عملیاتی می‌کند. با ناامن شدن شهر دیگر نمی‌توان شهر را به‌مثابه مکانی آشنا برای ملاقات دیگری انتخاب کرد یا برای دیدن دوست از بین خیابان‌های شهر عبور کرد. به همین سبب، سکونت‌خانه تبدیل به زندانی می‌شـود که فرد به مرور شـروع به بیگانگی با آن و احسـاس ناامنی می‌کند، زیرا شهرخانه از او گرفته شده است. خانهٔ اصلی شهر است و هرچه از مدت قرنطینه می‌گذشت ضـرورت رسـاندن خود به دوسـت و آشـنا بیشـتر می‌شـد و خانه هرچه بیشـتر از خانه به سکونت‌خانه تبدیل می‌شد که دیگر سکونت در خانه کافی است و باید از آن خارج شد.

در شکل شمارهٔ (۴)، نوشته‌ای به اشتراک گذاشته شده است که کاربر در آن از آشفتگی و کابوس دوری از عزیزانش می‌گوید. خانه‌ای که در طول زندگی روزمره امن فرض می‌شـد ناگهان چهره عوض می‌کند و ناامن می‌شـود، زیرا دیوارهای خانه اجازهٔ عبور برای ملاقات با دوسـت را نمی‌دهد. باید اندرون خانه ماند و خانه دیگر خانه نیسـت بلکه سـنگری در برابر شهر وحشی است که ویروس‌های کرونا همانند زامبی‌ها برای شکار کردن بدن‌های زنده در آن قدم می‌زنند (رِیز فیلهو[2]، ۲۰۲۰، ۲۵۴). اما کاربر ایرانی نشـان می‌داد که خانه را به‌مثابه سـنگر از آن خود نکرده اسـت و فقط به سـبب ضـرورت مراقبت از خود در خانه خودش را حبس کرده اسـت، پس خانه زندان اسـت که برای رهایی از آن روزها شـمرده می‌شـود. شـهر هرچند با چهرهٔ ویروس کرونا وحشـی به نظر می‌رسـید اما برای شـهروند ایرانی ضـرورت ادامهٔ حیات و تهدید مشکلات اقتصادی فقط توسط حضور در شهر قابل حل بود. پس خانه نه سنگر که زندان و شهر نشان از رهایی می‌داد. بر اساس آمار ایسپا در بازهٔ زمانی ۱۷ تا ۲۰ فروردین ۱۳۹۹ از مردم تهران، ۶۴ درصـد مردم اعلام می‌کنند که به حمایت اقتصـادی دولت نیاز دارند و ۶۳/۳ درصد مردم مهم‌ترین مشکل خانواده‌شان را در صورت ادامهٔ شیوع ویروس کرونا و ماندن در خانه مشـکلات اقتصـادی و امرار معیشـت توصـیف کرده‌اند (مهمترین مشـکل خانواده‌های تهرانی، ۱۳۹۹/۲/۷). این نشـان می‌دهد که چگونه مردم

1. Butler
2. Reis Filho

ضرورت بازگشت به شهر برای گریز از شر تهدید اقتصادی را وقتی در اندرون سکونت‌خانهٔ خود می‌گذراندند با تمام وجود حس می‌کردند[1].

شکل شماره (۴). ابراز احساس یأس از بروز شیوع ویروس کرونا

ماندن در قالب حبس شدن اندرون خانه را معنی می‌داد که انسان شهری زمان محدودی را در خانه می‌تواند بگذراند. خانه برای انسان شهری در محدودهٔ زمان تعریف می‌شود و بیش از آن خانه ناامن می‌شود، زیرا به‌مثابه زندان عمل می‌کند. میدان رخداد شیوع ویروس کرونا از خانه غبار روبی کرد و آن را به سکونتگاهی دردآور تبدیل کرد و شهر آن خانه‌ای شد که بودن در آن یک نوستالژی شده بود.

زمان اکنون در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا با انبوه تولید نوستالژی دوران پیشاکرونا همراه شده بود. این جغرافیای دیجیتال بود که می‌توانست صداهای اندوهگین و

۱. یکی از مهم‌ترین مسئله‌هایی که رخداد شیوع ویروس کرونا در جهان به‌وجود آورد پررنگ‌شدن فاصلهٔ طبقات اجتماعی است. بسیار از مردم فرودست از قربانیان ویروس کرونا بودند، زیرا برای امرار معاش نمی‌توانستند در خانه قرنطینه بمانند و فاصلهٔ اجتماعی را رعایت کنند. برای نمونه در مقاله‌ای عنوان می‌شود که رعایت فاصلهٔ اجتماعی در هند مربوط به طبقهٔ متوسط به بالاست (شور و میترا ، ۲۰۲۰، ۳۱ مارچ). همچنین نگاه کنید به:
Kenya Poet: 'Dear Corona Virus. Don't Be Surprised If You Fail.' (2020, March 29). Retrieved from https://www.npr.org/sections/goatsandsoda/2020/03/29/822053880/kenya-poet-dear-corona-virus-don-t-be-surprised-if-you-fail

مضطرب مردم محبوس در سکونت‌خانه‌ها را به گوش همدیگر برساند. جغرافیای دیجیتال امکان می‌داد تا بدون حضور در مکان شهری با دیگری پیوند عاطفی دیجیتالی تولید کرد.

در جغرافیای دیجیتال آنچه پیوند دهندهٔ است اطلاعات عاطفی است که تولید می‌شود و سپس چرخش پیدا می‌کند و به حس مشترک تبدیل می‌شود. برای نمونه در شکل شمارهٔ (۵)، کاربری تصویری از لبخند خودش گذاشته و می‌نویسد که: «این لبخند متعلق به پاییز ۹۶ است... حالا می‌شینی و عکس‌ها را مرور می‌کنی، آن لبخند را به یاد می‌آوری و به چهره ثابتت در آینه نگاهی می‌کنی و با خودت می‌گویی لبخندت کو؟». نویسنده به نشستن، مرور کردن عکس‌ها، و خیره شدن به چهرهٔ ثابت در آینه اشاره می‌کند که فعل‌های نشستن، مرور کردن، و خیره شدن مختص زمان اکنونی است که از حرکت باز ایستاده است. خط طول زمان بواسطهٔ برنامه‌های زندگی به دوره‌های مختلف تقسیم می‌شود و می‌توان آن را در مفهوم گذر زمان درک کرد، اما وقتی برنامه‌های زندگی فرو می‌پاشد دیگر نمی‌توان خط طول زمان را دوره بندی کرد زیرا فعل‌های نشستن، مرور کردن، و خیره شدن توانایی تقسیم بندی زمان ندارد. در نتیجه، زمان اکنون در میدان رخداد یک تکه و بی‌برنامه بر ارادهٔ معطوف به حیات می‌افتد و ارزش‌های نهفته در آن تحلیل می‌برد.

شکل شماره (۵). یاد کردن احساس شادابی و زندگانی در دوران قبل از شیوع ویروس کرونا

بر این اساس، زمان اکنون رخداد سرایت ویروس کرونا در فقدان ارزش‌های دوران پیشاکرونا قرار داشت و زمان اکنون در تقلا برای یادآوری کامل گذشته و احساس نوستالژی به شهر و خیابان بود. جغرافیای دیجیتال فضایی بود که امکان یادآوری کامل گذشته را تبدیل به حس جمعی می‌کرد اما میل رفتن به آینده و گذار از زمان اکنون میدان رخداد به زمانهٔ پساکرونا موقعیت دیگری بود که ارزش‌های ارادهٔ معطوف به حیات را نشان می‌داد.

دوران پس از رخداد سرایت ویروس کرونا در فضای مجازی به پساکرونا نامیده می‌شد. جهان پساکرونا مملو از شکل‌های جدیدی تصور می‌شد که سیاست، اقتصاد، سرمایه‌داری، تکنولوژی، و اجتماع به کدام سو خواهد رفت. اما آنچه در جغرافیای مجازی دربارهٔ زمان پساکرونا تولید می‌شد به دو دسته قابل دسته‌بندی است: ۱) اطلاعات دربارهٔ جهان پساکرونا با رویکردی تحلیلی و فلسفی؛ ۲) اطلاعات دربارهٔ آنچه مردم در زمان پساکرونا انجام خواهند داد.

در رویکرد نخست، صفحاتی که متعلق به روشنفکران بود بیشتر سعی داشت اندیشهٔ خود را از دوران پساکرونا مطرح کند. اندیشه‌هایی که گاه ترجمهٔ نظرات اندیشمندان غربی دربارهٔ جهان پساکرونا بود (شکل شمارهٔ ۶). البته اطلاعاتی هم پیرامون آیندهٔ خود ویروس کرونا تولید می‌شد که سرانجام جهان با این ویروس چه خواهد بود (شکل شمارهٔ ۷). اطلاعات در این زمینه «دانش تخمین» را تولید می‌کرد و سعی داشت تا آنچه درحال‌آمدن است را حدس بزند و دربارهٔ آن نظریه پردازی کند. رخداد شیوع ویروس کرونا مرزهای تاریخی نظم زندگی را گسست داده بود و آینده از آنچه اطمینان وجود داشت که ادامه خواهد یافت ناگهان تهی شد زیرا نظم تاریخی که قرار بود آن را شکل دهد متلاشی شده بود. بنابراین، اندیشهٔ خیال انگیز برای پر کردن آیندهٔ تهی شده از نظم تاریخی به کار می‌افتاد (ادم و گریوس[1]، ۲۰۰۷، ۱۳).

1. Adam & Grives

شکل شماره (۶). تخمین زدن آیندهٔ پس از کرونا

شکل شماره (۷). پیش بینی آیندهٔ پس از کرونا

اما آنچه به شکل گسترده دربارهٔ آیندهٔ زمان پساکرونا در شبکه‌های مجازی چرخش داشت به وضعیت انسان ایرانی و سلامت طی کردن دالان رخداد سرایت ویروس کرونا مربوط می‌شد، زیرا باید از دالان رخداد سلامت گذشت و مراقب خود بود. از این رو آیندهٔ پساکرونا زمانهٔ جشن گرفتن سلامتی به شرط پایبندی به دستورهای بهداشتی بود. به همین خاطر تصاویری تولید شد که مخاطب را در ماشین زمان به دوران پساکرونا می‌برد که به سبب رعایت دستورهای بهداشتی پاداش سلامتی را نصیب خود کرده است. در شکل شمارهٔ (۸)، به تاریخ اسفند ۱۳۹۸، ابتدا تصویر پرستاری را نشان می‌دهد که در دستش مقوایی است با تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ یعنی چند ماه پس از شیوع ویروس کرونا که او و همراهانش خوشحالند زیرا زنده‌اند و کرونا را شکست داده‌اند. همچنین آگهی ترحیمی نشان داده می‌شود که گویی عید نوروز تمام شده است و پدر بزرگ خانواده به سبب عدم رعایت فاصلهٔ اجتماعی و پذیرایی از مهمان‌ها به کرونا مبتلا شده و فوت کرده است. تمامی تصاویر از این دست آینده را به زمان اکنون می‌آورد و در این فشردگی مرگ را یادآور می‌شود تا یاداوری غفلت امروز تبدیل به افسوس برای زمان پساکرونا نشود. به بیانی، این تصاویر در پی معنی‌دار کردن زمان اکنون میدان رخداد برای مراقبت از خود است.

شکل شماره (۸). خیال‌بافی دربارهٔ آیندهٔ پس از کرونا

همه‌گیری بیماری پیوندی بین بیولوژی بدن انسان و موجودات میکروسکپی است (ثاکِر[1]، ۲۰۰۹، ۱۳۵) که حاصل آن دگرگونی بدن در موقعیتی از وضعیت ناپایداری است. گذار به سوی مرگ یا معیوب شدن دائمی یا بازگشت به سلامت کامل ویژگی‌های وضعیت ناپایدار و حاصل ترکیب شدن بدن انسان و موجودات میکروسکپی است، موجوداتی که به‌مثابه موجودات اجتماعی وارد دایرهٔ فرهنگ و روابط زندگی روزمره می‌شود. بنابراین، رهایی از آمیختگی بدن انسان با ویروس کرونا منظور جهان پساکروناست که دربارهٔ چگونگی آن و اینکه چه زمانی خواهد آمد و چه خواهد شد فقط می‌توان، در انتظاری طولانی، خیال‌بافی کرد.

در بسیاری از پست‌ها مردم از یکدیگر می‌پرسیدند که برای زمان پساکرونا یا پساقرنطینه چه نقشه‌ها و برنامه‌هایی دارند؟ به کجاها خواهند رفت؟ چه کسانی را ملاقات خواهند کرد؟ پرسش‌ها از فعل آینده بود و پاسخ‌هایی که باید برای آنها تخمین زد، زیرا در اکنون

1. Thacker

میدان رخداد آینده مبهم است. شیوهٔ فکر کردن در میدان رخداد به شکل تخیل است و جز آن نمی‌تواند دقیق فکر کرد برای اینکه در میدان رخداد هیچ چیز دقیق نیست، مرزهای نظم تباه شده است، و سیالیت کل زندگی روزمره را فرا گرفته است. در اکنون رخداد کرونا حتی مردم نمی‌دانستند کسی که برای آخرین بار دیده‌اند آیا در جهان پساکرونا باقی خواهد بود؟ در شکل شمارهٔ (۹) کاربر از مخاطبانش می‌پرسد پس از قرنطینه به کجا خواهند رفت و در شکل شمارهٔ (۱۰) کاربری دیگر صحبت از امید می‌کند و اینکه باید برای به زمان پس از کرونا هم فکر کرد و برنامه داشت. آینده و امید محتوای مشترکی است که در شکل‌های جست‌وجوی موقعیت آینده در نزد مردم از آنها سئوال می‌شد تا با خیال کردن جهان پساکرونا از انبوه تباه شدن امتداد زندگی در زمان اکنون میدان رخداد بکاهند.

شکل شماره (۹). پرسش و خیال‌بافی دربارهٔ آیندهٔ پس از کرونا

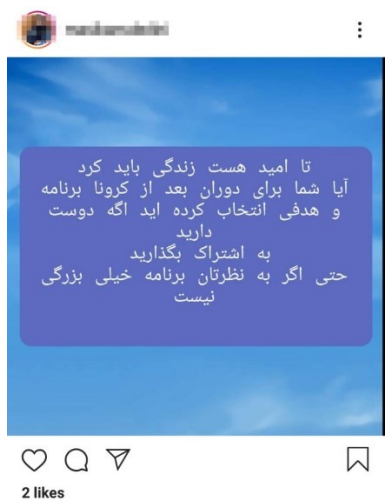

شکل شماره (۱۰). دعوت به فکر کردن دربارهٔ آیندهٔ پس از کرونا

جغرافیای دیجیتال فضای خیال پردازی برای مردم گرفتار در رخداد سرایت ویروس کرونا بود. مردم خیال می‌کردند و برای زنده ماندن در جهان پساکرونا از خیالات خود می‌گفتند همانند زندانی که از خیالات روزهای آزادیش می‌گفت. امید، آرزو، و خیال فردا

نشـان از ارزش‌های ارادهٔ معطوف به حیات بود. جغرافیای دیجیتال ارزش‌های ارادهٔ رسـیدن به فردای پس از کرونا را گاه در واقعیتی مانند نوستالژی پیش از رخداد سرایت ویروس کرونا نشان می‌داد (شکل شمارهٔ ۱۱) یا فردا را در قالبی طنز خیال پیردازی می‌کرد، زیرا شکل طنز قدرت آزاد کردن بال‌های خیال را بر فراز فردای جهان پساکرونا داشت (شکل شمارهٔ ۱۲).

شکل شماره (۱۱). نوستالژی و دلتنگی برای دوران قبل از شیوع ویروس کرونا

شکل شماره (۱۲). خیالی طنزآمیز از کنش‌های پس از پایان شیوع ویروس کرونا

۵. نتیجه‌گیری

رخداد شیوع ویروس کرونا با تهدید مستقیم زندگی انسان‌ها به سوی مرگ شرایط اجتماع را در وضعیت اضطراری قرار داد. در وضعیت اضطراری رسم و جریان معمول زندگی‌روزمره قابل ادامه نیســت، زیرا مرزهای نظم که نگاهدارنده و محافظ نظام ارتباطی زندگی مدرن است دچار اضمحلال شده است. فروپاشی مرزهای نظم با تولید آشوب و ناامنی رو به راه است، بنابراین رخداد شیوع ویروس کرونا همراه با خود رخدادهای دیگری مانند قرنطینگی، بحران اقتصادی، بحران آموزشی، و بحران‌های خانوادگی و غیره را به‌وجود آورد.

دوره ۱۲، شماره ۲
بهار ۱۳۹۹
پیاپی ۴۶

رخداد شـیوع ویروس کرونا زنجیرهٔ عادت‌واره‌های زندگی را بهم ریخت و مهم‌ترین آن حضور در شهر و نزدیک شدن به بیولوژی دیگری بود. در مناسبات زندگی‌روزمره بیولوژی‌ها نباید به یکدیگر نزدیک شـوند و شـهر را باید خالی کرد و به لندرون خانه‌ها رفت. ماندن لندرون خانه‌ها و قرنطینگی در فرهنگ ایران در آخرین ماه سـال ۱۳۹۸ رخ داد و با جشـن نوروز و آغاز بهار همراه شد. از این رو، ضرورت ماندن اندرون خانه با فرهنگ سنتی ایرانی مبتنی بر بیرون آمدن از منزل برای خرید شـب عید، شـلوغ شـدن شـهرها، مسـافرت‌ها، و دیدوبازدیدهای نوروزی پیوند خورد و در کنار خوابیدن اقتصاد بازار شب عید همانند شوکی سنگین بر پیکرهٔ فرهنگ و اقتصاد ایران فرود آمد.

مردم باید اندرون خانه می‌ماندند و گسـسـته شـدن روابط و پیوندها به سـبب مراقبت از خود راه‌های ارتباطی جایگزین با اهمیت شـد. چگونه باید با دیگری ارتباط برقرار کرد بدون آنکه ویروس کرونا را انتقال نداد؟ پاسخ به این پرسش ورود به جغرافیای دیجیتال و استفاده از شـبکه‌های اجتماعی و ارتباطی بود. در جغرافیای دیجیتال کسـی نمی‌تواند کسـی دیگر را به بیماری مبتلا کند، زیرا در میان ارتباط بدن به بدن رسـانه‌ای قرار گرفته بود که در عین ایجاد جدایی امکان ارتباط را برقرار می‌کند.

مردم در جغرافیای دیجیتال احسـاسـات خود را به اشـتراک می‌گذاشـتند و پیوند عاطفی ایجاد می‌کردند. در جغرافیای دیجیتال اطلاعات مختلفی تولید می‌شـود و چرخش پیدا می‌کند. در تولید و چرخش اطلاعات مردم به یکدیگر پیوند می‌خورند و شـبکه‌ای از روابط را صـورت می‌دهند که جماعت دیجیتالی یا مای دیجیتالی را به‌وجود می‌آورد. جغرافیای دیجیتال به‌مثابه شـهر جدیدی عمل می‌کرد که مردم در آن رفتار می‌کردند. یکی از این رفتارها ابراز احساس نوستالژی نسبت به زمان پیشاکرونا و خیال‌بافی دربارهٔ آیندهٔ پساکرونا بود.

مردم اندرون خانه‌ها ماندند اما به مرور با فضـای خانه بیگانه شـدند. بیگانگی با فضـای خانه در زمان اکنون میدان رخداد شـیوع ویروس کرونا با ابراز احسـاس در شـبکه‌های اجتماعی بمنظور خواسـتن اندوهگین زمان پیشـاکرونا بود. زمان پیشـاکرونا امکان رفتن به شـهر وجود داشـت و شـهر جایی بود که مناسبات زندگی را شکل می‌داد. رفتن در شـهر برای دنبال کردن اهداف زندگی و شکل دادن به روابط اجتماعی ناگهان گسسته شده بود و ماندن

اندرون خانه همانند زندان عمل می‌کرد. حبس شدن در خانه برای زنده ماندن شرایط جنگی را یادآوری می‌کرد. خانه‌ها برای انسان مدرن چنین کارکردی نداشت، زیرا خانه محلی برای مستقر شدن بین زمان اتمام کارها در شهر و شروع شدن دوباره برنامهٔ زندگی در آن بود. خانه‌ها برای انسان مدرن در محدوده‌ای از زمان تعریف شده بود و ضرورت گذراندن کلیت زمان در آن سبب بیگانگی و احساس ناامنی روحی در خانه و جست‌وجوی زمان از دست در دوران پیشاکرونا در شهر بود.

ضرورت ماندن در خانه در قالب موقعیتی هستی‌شناسی عمل می‌کرد، زیرا دوباره باید مناسبات انسان با شهر و خانه تعریف می‌شد. میدان رخداد شیوع ویروس کرونا با شدت هرچه تمام انسان ایرانی را از شهر محروم کرد و فقدان شهر نشان داد که همانند خانهٔ امنی عمل می‌کرده است که میل پیوستن دوباره به آن در قالب نوستالژی بیان می‌شد و، از طرفی، حضور همواره اندرون خانه نشان داد که چقدر انسان با آن بیگانه است. از این رو، در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا و قرنطینگی، شهر را در مفهوم «شهرخانه» و خانه را در مفهوم «سکونت‌خانه» تعریف کردیم. شهرخانه فضای امن جست‌وجوی اهداف و ادامهٔ جریان زندگی است و خانه سکونت‌گاهی برای لحظات فارغ شدن از شهر است.

موقعیت اکنون در میدان رخداد شیوع ویروس کرونا خیال‌بافی دربارهٔ آیندهٔ درحال‌آمدن را ایجاد کرده بود. روی دیگر نوستالژی زمان از دست رفته ایجاد خیال برای فردایی است که شکل و حالت آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. آیندهٔ پساکرونا چه وضعیتی دارد؟ پرسشی که به سبب وجود عدم قطعیت و از بین مرزهای نظم فقط باید برای پاسخ دادنش تخمین زد و خیال‌بافی کرد. خیال امکان اندیشیدن برای وضعیتی است که احتمال وقوع آن می‌رود. بنابراین، بسیاری از مردمی که در جغرافیای دیجیتال حضور داشتند از یکدیگر دربارهٔ آیندهٔ پساکرونا می‌پرسیدند و برای آن تولید خیال می‌کردند.

رخداد شیوع ویروس کرونا به رخدادهای دیگری دامن زد و آشفتگی‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی را با خودش به همراه آورد. آشفتگی‌هایی که هرچه بیشتر می‌شد به شدت دامنهٔ نوستالژی و خیال‌بافی برای گریز از حجم شدت آشفتگی دامن می‌زد و جغرافیای دیجیتال فضایی برای ایجاد پیوند و یافتن یکدیگر در میدان رخداد است.

۶. سپاسگزاری

با تشـــکر از پژوهشـــکدۀ مطالعات فرهنگی و علوم فرهنگی که با حمایت مالی آن پژوهش «زیســـت دیجیتال در بزنگاه اپیدمی ویروس کرونا در ایران: بررســـی شـــبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام، توئیتر، فیس بوک، و اینســـتاگرام» در ســـال ۱۳۹۹ به انجام رســـید و مقالۀ حاضر نیز مبتنی بر این پژوهش استخراج شده است.

منابع

ایسپا (۲۹ اسفند ۱۳۹۸). از هر ۱۰ ایرانی، حدود ۷ نفر از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند. ایسپا. برگرفته از http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2168

طاهری کیا، حامد (۱۳۹۹). مطالعات فرهنگی، میدان کوانتوم، و روش پساکیفی. تهران: نشر لوگوس.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۹). گزارش نظرسنجی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا (مطالعه کشوری)، موج اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ایسنا (۷ اردیبهشت ۱۳۹۹). مهمترین مشکل خانواده‌های تهرانی در صورت ادامه شیوع کرونا. برگرفته از https://www.isna.ir/news/99020705122

Adam, B., & Groves, C. (2007). *Future Matters Action, Knowledge, Ethics*. Leiden: Brill.

Aquila, I., Sacco, M. A., Ricci, C., Gratteri, S., & Ricci, P. (2020). Quarantine of the Covid-19 pandemic in suicide: A psychological autopsy. *Medico-Legal Journal*, 1–3. doi: 10.1177/0025817220923691

Badiou, A. (2005). *Being and Event* (O. Feltham, Trans.). London: Continuum Press.

Berge, L. V. D. (2020). Biopolitics and the Coronavirus: Foucault, Agamben, Žižek. *Netherands Journal of Legal Philosophy*, 49(1), 3-6. doi: 10.5553/NJLP/.000097. 3

Bianchetti, C, Boano, C, Di Campli, A. (2020). Thinking with Quarantine Urbanism?. *Space and Culture,* 23(3), 301-306. doi: 10.1177/1206331220938625

Bianchetti, C., Boano, C., Di Campli, A. (2020). Thinking with quarantine urbanism?. *Space and Culture*, 23(3), 301–306. doi: 10.1177/1206331220938625

Biron, D. (2014). Benjamin, Adorno and modern-day flaˆnerie. *Thesis Eleven*, 121(1), 23–37. doi: 10.1177/0725513614528782

Bouillon-Minois, J., Clinchamps, M., & Dutheil, F. (2020). Coronavirus and quarantine: Catalysts of domestic violence. *Violence against women.* doi: 10.1177/1077801220935194

Burri, R. V. (2012). Visual rationalities: Towards asociology of images. *Current Sociology*, 60(1), 45–60. doi: 10.1177/0011392111426647

Butler, J. (2015). *Notes toward a performative theory of assembly*. Massachusetts: Harvard University Press.

Cheney-Lippold, J. (2011). A New algorithmic identity soft biopolitics and the modulation of control. *Theory, Culture & Society*, 28(6), 164-181. doi: 10.1177/0263276411424420

Cheshmehzangi, A. (2020). *The city in need urban: resilience and city management in disruptive disease outbreak events*. New York: Springer.

Decuypere, M. (2019). Visual Network Analysis: a qualitative method for researching sociomaterial practice. *Qualitative Research*, 20(1), 73-90. doi: 10.1177/1468794118816613

Djurdjić, M. (2020). This Must Be the Place: Distraction, Connection, and "Space-Building" in the Time of Quarantine. *Leisure Sciences.* doi:10.1080/01490400.2020.1774450

Foucault, M. (1995). *Discipline and punish: The Birth of the Prison* (Alan Sheridan Trans.). New York: Vintage Books.

Foucault. M. (1991). Governmentality. In *The Foucault Effect: Studies in Governmentality* (pp 87-104). Chicago: The University of Chicago Press.

Furedi, F. (2020). Social distancing, safe spaces and the demand for quarantine. *Nature Public Health Emergency Collection.* Retrieved from https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7369440

Iranmanesh, R., & Alpar Atun, R. (2020). Restricted spatiality and the inflation of digital space, an urban perspective. *Space and Culture*, 23(3), 320–328. doi:10.1177/1206331220938634

Jing, W. (2006). Nostalgia as content creativity: Cultural industries and popular sentiment. *International Journal of Cultural Studies*, 9(3), 359–368. doi: 10.1177/1367877906066881

Kitson, J, & McHugh, K. (2015). Historic enchantments – materializing nostalgia. *Cultural geographies*, 22(3), 487– 508. doi: 10.1177/1474474014549946

Löw, M., & Knoblauch, H. (2020). Dancing in quarantine: The spatial refrigeration of society and the interaction orders. *Space and Culture*, 23(3), 221–225. doi: 10.1177/1206331220938627

Manovich, L. (2011). What is visualisation?. *Visual Studies*, 26(1), 36-49. doi:10.1080/1472586X.2011.548488

Mubi Brighenti, A. (2019). Face and the City. *Body & Society*. 25(4), 1–27. doi: 10.1177/1357034X19865941

Pickering, M. & Keightley, E. (2006). The Modalities of Nostalgia. *Current Sociology,* 54(6), 919–941. doi: 10.1177/0011392106068458

Pink, S. (2011 A). A multisensory approach to visual methods. *In Handbook of visual research methods*. London: Sage Publivations.

Pink. S. (2011 B). Images, Senses and Applications: Engaging Visual Anthropology. *Visual Anthropology*, 24(5), 437-454. doi: 10.1080/08949468.2011.604611

Pulido, C. M., Villarejo-Carballido, B., Redondo-Sama, G., & Gómez, A. (2020). COVID-19 infodemic: More retweets for science-based information on coronavirus than for false information. *International Sociology*, 00(0), 1–16. doi: 10.1177/0268580920914755

Reis Filho, L. (2020). No safe space: Zombie Film tropes during the COVID-19 pandemic. *Space and Culture*, 23(3), 253–258. doi:10.1177/1206331220938642

Russell, K. (2020). Turning Quarantine Inside Out. *Space and Culture*, 23(3), 274–278. doi: 10.1177/1206331220938631

Schubert, K. (2020, 1 April). Crying for Repression: Populist and Democratic Biopolitics in Times of COVID-19. *Critical legal thinking*. Retrieved from https://criticallegalthinking.com/2020/04/01/crying-for-repression-populist-and-democratic-biopolitics-in-times-of-covid-19/

Shani, G. (2020, 3 Apr). Securitizing 'bare life'? Human security and Coronavirus. *E-International Relations*. Retrieved from https://www.e-ir.info/2020/04/03/securitizing-bare-life-human-security-and-coronavirus

Sur, P. & Mitra, E. (Mar. 31, 2020). Social distancing is a privilege of the middle class. For India's slum dwellers, it will be impossible. *CNN*. Retrieved from https://edition.cnn.com/2020/03/30/india/india-coronavirus-social-distancing-intl-hnk/index.html

Teti1, M., Schatz, E., & Liebenberg, L. (2020). Methods in the Time of COVID-19: The Vital Role of Qualitative Inquiries. *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1–5. doi: 10.1177/1609406920920962

Thacker, E. (2009). The Shadows of a theology epidemics, power and life after Foucault. *Theory, Culture & Society*, 26(6), 134–152. doi: 10.1177/0263276409347698

Ustun, G. (2020). Determining depression and related factors in a society affected by COVID-19 pandemic. *International Journal of Social Psychiatry*. doi: 10.1177/0020764020938807

Valizadeh, P. (2020). Quarantine: Contradictory spatial practice between abstract. *Space and Culture*, 23(3), 329– 332. doi: 10.1177/1206331220938637

Willox, A. C., Harper, S. L., Edge, V. L. 'My Word': Storytelling and Digital Media Lab and Rigolet Inuit Community Government. (2020). Storytelling in a digital age: digital storytelling as an emerging narrative method for preserving and promoting indigenous oral wisdom. *Qualitative Research*, 13(2), 127–147. doi: 10.1177/1468794112446105

Wright, T. (2011). Press photography and visual Rhetoric. In Eric Margolis & Luc Pauwels (Eds.), In *The SAGE handbook of visual research methods* (pp 317-327). London: SAGE Publications Ltd.

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۱۴۳-۱۲۳، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

افراسیابی، حسین؛ و بهارلوئی، مریم (۱۳۹۹). تعلیق، هراس و بازاندیشی: برداشت جوانان از زندگی اجتماعی در شرایط کرونایی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۱۴۳-۱۲۳. doi: 10.22035/isih.2020.3840.3975

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_340.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3840.3975

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC_BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

تعلیق، هراس و بازاندیشی: برداشت جوانان از زندگی اجتماعی در شرایط کرونایی

حسین افراسیابی[۱]، مریم بهارلوئی[۲]

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

چکیده

بحران ناشی از شیوع ویروس کرونا سراسر جهان را فراگرفته و علاوه بر اثرات بهداشتی و پزشکی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهمی برای زندگی انسان‌هاو جوامع داشته است. بررسی چنین پدیده فراگیر و چندبعدی، نگاه میان‌رشته‌ای را می‌طلبد. پژوهش را با هدف کشف تجربه کنشگران اجتماعی در زندگی در شرایط بحران کرونا و قرنطینه اجرا کردیم. مشارکت‌کنندگان شامل ۴۳ نفر از جولنان حاضر در شبکه‌های اجتماعی است که با استفاده از شیوهٔ نمونه‌گیری هدفمند (در دسترس و با حداکثر تنوع) انتخاب کردیم و با آنها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام دادیم. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری نظری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت و در پایان هفت مقولهٔ اصلی کشف شد که عبارت‌اند از: آشفتگی روانی/رفتاری، افزایش خودمراقبتی، تنگنای تعاملات، تنگنای معیشت، بازاندیشی معنوی، تلخی رسانه و مرور و بازیابی خویشتن. براساس جمع‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها، تعلیق در هراس و بازاندیشی به‌عنوان مقوله نهایی ارائه شد. در فضای تاحدودی غیرقابل کنترل بیرونی، ارتقاء خودمراقبتی، تقویت سازوکارهای ذهنی و هم‌افزایی اجتماعی می‌تولند غلبه بر ابعاد منفی این شرایط را تسهیل کند.

کلیدواژه‌ها: کرونا، ویروس کووید-۱۹، بازاندیشی، هراس، بیماری

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
hafrasiabi@yazd.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران
baharluoeimaryam@yahoo.com

۱. مقدمه

شیوع جهانی ویروس کرونا نشان داد که باوجود پیشرفت‌های پزشکی و برخلاف تصور، ویروس‌ها و بیماری عفونی هنوز تهدید مهمی برای جوامع انسانی به حساب می‌آید. در دی‌ماه سال ۱۳۹۸ شمسی(دسامبر سال ۲۰۱۹) نوعی همه‌گیری در اثر ابتلا به ویروس جدید کرونا در شهر ووهان چین گزارش شد. تا روز ۲۵ مارس ۲۰۲۰ بر اساس اعلام سازمان بهداشت جهانی در بیش از ۱۵۶ کشور جهان حدود ۶۶۴۷۳۱ نفر مبتلا به کرونا و ۳۰۸۹۹ مورد مرگ گزارش شده است. بیشترین موارد ابتلا در کشورهای امریکا، چین، ایتالیا، اسپانیا، کرۀجنوبی، ایران و ژاپن بوده است (خدابخشی کولایی، ۱۳۹۹، ۳). کرونا، خانواده بزرگی از ویروس‌ها است که بیماری‌های مختلفی از سرماخوردگی معمولی گرفته تا سندرم حاد و شدید تنفسی ایجاد می‌کند (کرباسچی و علیاری،۱۳۹۴، ۱). درحال‌حاضر ویروس کرونا، که در بعضی از مبتلایان منجر به سندرم تنفسی حاد می‌شود و در برخی موارد منجر به مرگ می‌شود، همه‌گیر شده و در حال گسترش در همه کشورها است (اله‌توکلی، ۱۳۹۹، ۱). این ویروس، تمامی شهروندان از پیر، جوان، میانسال، زن و مرد و در تمامی طبقات اجتماعی از فقیر و غنی را درگیر می‌کند. بیماری جدیدی که با همه‌گیری جهانی و روند انتقال عجیب و ناشناخته تعجب همه متخصصان پزشکی را برانگیخته و جهان را در شوک فرو برده است. بحران ویروس کرونا، بحرانی نامفهوم و مبهم است. این بیماری با قربانیان روزافزون، ترس، اضطراب و بلاتکلیفی را در جهان دامن زده است.

بر اساس آمار جهانی تعداد مبتلایان این ویروس در جهان از مرز شش‌میلیون‌نفر گذشته است. در ایران نیز از مرز صدوپنجاه‌هزار نفر عبور کرده و تعداد جان باختگان این ویروس در ایران از مرز پنج‌هزارنفر عبور کرده است. در جهان و ایران هر روز شاهد افزایش تعداد مبتلایان هستیم. در سرتاسر جهان متخصصان در حوزه‌های مختلف به‌دنبال یافتن راهی جهت مهار و کنترل این ویروس هستند. دولت‌ها و سیاستمداران در تمامی جوامع در تلاش برای چگونگی گذرلندن و سپری‌کردن این دوران هستند. بیماری کرونا پیامدهای خود را در تمامی نظام‌های جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی بر جای می‌گذارد. بسیاری از کارکنان دورکار شده‌اند، جلسات حضوری و سفرهای تجاری از

طریق کنفرانس‌های ویدیویی برگزار می‌شود و خریدها آنلاین انجام می‌شود. دولت‌ها در سرتاسر جهان اقدامات فزاینده را برای مهار این ویروس ارائه می‌دهند. در اغلب کشورها مرزها، مدارس، رستوران‌ها و فروشگاه‌ها تعطیل شده و محدودیت رفت و آمد اعلام شده است. بحران مالی مواجهه با عواقب اقتصادی ویروس کرونا چالش بزرگ برای دولت‌های ملی است. رکود اقتصادی در اثر افزایش بیماری، تأثیرات زیادی بر زندگی مردم دارد. بیکاری، کاهش اشتغال، کاهش درآمد و ثروت و عدم اطمینان در مورد شغل و درآمد در آینده افزایش یافته است. همین تغییر در ثروت اقتصادی، عواقب متعددی برای سلامتی گروه‌های مختلف دارد. آسیب‌ها و مشکلات بهداشت روان درحال‌حاضر شایع است (بانکس و همکاران[1]، ۲،۲۰۲۰). شیوع ویروس کرونا رنج بشر را در سرتاسر جهان گسترش می‌دهد.

شیوع ویروس کرونا در نگاه اول یک پدیده پزشکی و مربوط به سلامت به نظر می‌رسد؛ اما تحوّلات و پیامدهای مهم چندماههٔ اخیر در سطح جهان، حاکی از این است که کرونا نظام‌ها و زیرنظام‌های مختلف زندگی انسان قرن بیست‌ویک را دگرگون کرده است. سبک زندگی، الگوهای مصرف، ارزش‌های فرهنگی، سلامت روان، روابط سیاسی و بین‌الملل، اشتغال و شاخص‌های اقتصادی به‌شدت از این پدیده تأثیر پذیرفته است. نمی‌توان این مسئلهٔ بزرگ جامعه انسانی را صرفاً به امر بهداشتی تقلیل داد. به‌همین خاطر بسیار مهم است که دلالت‌ها و ابعاد اجتماعی و فرهنگی این بیماری را نیز بشناسیم (میرزایی و رحمانی، ۱۳۹۹). تحلیل واقع‌بینانه کرونا به‌عنوان یک پدیده جدید و چندبعدی نمی‌تواند به یک رشته خاص محدود شود و مطالعات میان‌رشته‌ای را ضروری می‌سازد.

روزهای قرنطینه ناشی از کرونا، با مطالعه بیشتر در مورد این ویروس، واکنش‌های جهانی نسبت به ویروس و راه‌های کاهش پیامدهای منفی این ویروس می‌گذرد (کشاورز، ۱۳۹۹). بحران کرونا پتانسیل ایجاد تغییرات ساختاری طولانی‌مدت در جامعه را دارد. در ایران همزمانی بحران کرونا با مشکلات پیشین حاصل از تورم، گرانی و فشار اقتصادی، تحمل این دوران را برای مردم دشوارتر کرده و تجارب متفاوتی را به بار آورده است.

1. Banks

تعارضات خانوادگی پیش از کرونا، همزیستی طولانی‌مدت خانواده‌ها کنار هم در طول روز را نیز دشوار کرده و دلهرهٔ مبتلاشدن نیز افزایش یافته است.

با توجه به اینکه ویروس کووید-۱۹ بیماری جدیدی است، تحقیقات اندک و اغلب با نگاه پزشکی و اقتصادی انجام شده است (بانکس و همکاران، ۲۰۲۰؛ یانکی[1] و همکاران، ۲۰۲۰). این مطالعه با هدف مطالعه و کشف تجربه کنشگران اجتماعی در زندگی با شرایط بحران کرونا و قرنطینه انجام شده است. مسئلهٔ اساسی ما این است که کنشگران چه تجربه‌ای از زندگی در این شرایط دارند؟ چه راهبردها و استراتژی‌هایی برای مواجهه با آن به کار گرفته‌اند؟ پیامدهای شیوع ویروس و قرنطینه در زندگی آنها چه بوده است؟ در واقع قصد ما از نگارش این مقاله بررسی این موضوع است که با شیوع ویروس کرونا و اختلالات ایجاد شده چه تغییراتی در زندگی شخصی، کاری و تعاملات افراد ایجاد شده است؟ چه تجربه‌ای کسب کرده‌اند و چگونه خود را با این شرایط سازگار کرده‌اند؟ به‌منظور رسیدن به این اهداف، لازم است با رویکردی تفسیری و میان‌رشته‌ای به فرایندها و شرایط پرداخته شود و لایه‌های مختلف زندگی روانی، عاطفی، تعاملی، معیشتی و فرهنگی مورد بحث قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به گستردگی و اثرات چندجانبه پدیده کرونا، در مدت کوتاهی که از شیوع این ویروس می‌گذرد، تحقیقات بسیاری در رابطه با آن انجام شده است؛ با وجود این، تحقیقات با رویکرد اجتماعی اندکی انجام شده است: فوجیتا [2]، موسکارنی و پوستل وینای، ۲۰۲۰؛ گودمن[3]، ۲۰۲۰؛ جویس و ایکس[4]، ۲۰۲۰؛ جنکینز[5]، ۲۰۲۰ (تأثیر اقتصادی اپیدمی و بیماری همه‌گیر)؛ گرژوسکی، ۲۰۲۰ (کروناویروس: تأثیر و واکنش)؛ ارباخ، ۲۲۰ (تأثیر بحران ویروس کرونا بر عملکرد آب‌وهوا و توافق‌نامه سبز اروپا)؛ بالدوین و ودر دی مائورو،

1. Janke
2. Fujita, Moscarini & Postel-Vinay
3. Goodman
4. Joyce
5. Jenkins

۲۰۲۰ (اقتصـــاد در زمان ویروس کرونا)؛ لوچســـه و پیانتا، ۲۰۲۰ (بحران ورود کرونا: چه‌چیزی می‌توانیم یاد بگیریم؟)؛ بانکس و همکاران، ۲۰۲۰ (رکود اقتصـادی و سـلامتی: پیامدهای بلندمدت سـلامتی پاسـخ به ویروس کرونا)؛ یانکی و همکاران، ۲۰۲۰ (شـرایط کلان اقتصـــادی و ســـلامت در انگلیس: جمع‌آوری، پویایی و ناهمگونی منطقه محلی)؛ پروپر[1] و همکاران، ۲۰۲۰ (تأثیرات گسـترده‌تری از کورونا ویروس)؛ اله توکلی، ۱۳۹۹؛ (مقابله با اسـترس ناشـی از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹)؛ فرنوش و همکاران، ۱۳۹۹؛ (شناخت کووید-۱۹بر اساس شواهد موجود: مطالعه مروری)؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ خـدابخشـی کولائی؛ ۱۳۹۹ (زنـدگی در قرنطینـه در منزل: تجزیـه‌وتحلیـل دانشـجویی تجربیات روان‌شـناختی در ویروس کرونا)؛علیزاده‌فرد و صـفاری‌نیا، ۱۳۹۹؛ کرباسـچی و علیاری، ۱۳۹۴؛ (کروناویروس، سـندروم تنفسـی خاورمیانه)؛ سـلیمان میگونی، ۱۳۹۲؛ (طغیان بیمارسـتانی سـندرم تنفسـی کروناویروس خاورمیانه)؛ وحدت و همکاران، ۱۳۹۲؛ (مروری بر کروناویروس جدید، عامل سـندرم حاد تنفسـی خاورمیانه)؛ سـازمان بهداشـت جهانی، ۲۰۱۱ (تأثیر بحران‌های اقتصادی بر سلامت روان)؛ ادا و همکاران[2]، ۲۰۰۹ (تأثیر شوک درآمدی بر سلامت: شواهدی از داده‌های گروهی).

نتایج اغلب تحقیقات نشان می‌دهد شیوع ویروس کرونا جهان را در شوکی فرو برده است. این شوک تمامی بخش‌های جامعه و زندگی کنشگران را تحت‌تأثیر قرار داده است و بحران مالی و رکود اقتصادی حاصل از بحران به دلیل تعطیلی‌های گسترده در سطح جهان، با سلامتی روانی کنشگران در ارتباط بوده و ابعاد مختلف سلامت آنها را دچار اختلال کرده است.

۳.حساسیت نظری

در نگاه جامعه‌شـناختی به پدیده کرونا، نظریهٔ جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک[3]، یکی از قریب‌ترین نظریه‌های معاصـر اسـت که می‌تولند در تحلیل شـیوع کرونا و پیامدهای آن

1. Propper
2. Adda
3. Ulrich Beck

کمک‌کننده باشـد. بک در نظریه خود به مخاطرات جامعهٔ مدرن پرداخته اسـت. مفهوم مخاطره بیشـتر در ارتباط با نحوهٔ سـازماندهی جهان اجتماعی به‌وسـیله کنشـگران عادی و متخصصان مطرح است (ریتزر، ۱۳۹۰، ۷۳۱).

در نگاه بک، مدرنیزاسـیون مخاطره در برخی از حوزه‌ها و شـیوه‌های زندگی را کاهش می‌دهد؛ ولی عوامل مخاطره‌آمیز جدیدی را ایجاد می‌کند که در گذشـته ناشـناخته بود؛ در جوامع امروزی، بخش عمده‌ای از این مخاطرات از وابسـتگی زیاد به نهادهایی مثل دولت، علم پزشـکی تخصـصـی و بازار کار ناشـی می‌شـود (ترنر، ۱۹۹۴، ۱۷۶). از دیدگاه بک، جامعه مخاطره‌آمیز تحت‌تأثیر سـه فرایند کلیدی شـکل می‌گیرد که خود ادامه فرایندهای آغازین مدرنیته و تعمیق آنهاسـت: الف) توزیع مجدد ثروت و مخاطره؛ ب) فردیت‌یابی؛ ج) اسـتانداردزدایی از کار. از نظر بک، نوع مخاطرات در جوامع جدید عمدتاً حاصـل فعالیت‌های بشـر اسـت و همهٔ سـاکنان کره زمین را مورد تهدید قرار می‌دهند (قاسـمی، ۱۳۸۸، ۳۵).

مخاطرات جدید، مرزهای طبقات اجتماعی، مرزهای ملّی و نسلی را درمی‌نوردد (ترنر، ۲۰۰۶، ۵۲۵) و همـه گروه‌هـا را تحت‌تأثیر قرار می‌دهـد. فردی‌شـدن یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تشـدید مخاطرات اسـت. برخلاف جامعه ماقبل مدرن که فرد به کمک خانواده و جامعه بر تناقضـات و چالش‌ها غلبه می‌کرد، در دنیای مدرن همهٔ این چالش‌ها به فرد واگذار شده است. به‌عبارت دقیق‌تر فرد به خودش واگذاشته شده است. به نظر بک، جوامع مدرن از طریق ازبین‌رفتن روش‌های سـنتی زندگی و میدان کنش (فضـای عمل) پرمخاطره مشـخص می‌شـود (هینز[1]، ۲۰۰۲، ۴۸). جامعه مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای اسـت که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (قحطی و زلزله) به سـمت مخاطرات ناشـی از فعالیت‌های انسـانی، که اغلب شـکل جهانی و عالم‌گیر دارند، معطوف شـده اسـت. در چهارچوب نظریه‌های بک در مورد مخاطره می‌توان گفت بیماری نیز مخاطره مهمی به‌شمار می‌رود و منبع کلیدی از مخاطره هستند.

1. Heinz

گیدنز معتقد است جامعه مدرن با مخاطرات خطرناک و تازه‌ای همراه است که پیوسته اعتماد ما را تهدید می‌کنند و به ناامنی هستی‌شناختی می‌انجامد. مخاطره شدت جهانی پیدا کرده است. رویدادهایی که بر زندگی شمار فراوانی از مردم در سراسر جهان تأثیر می‌گذارند، گسترش یافته‌است. انسان‌هابیش از گذشته نسبت به خطرها آگاهی پیدا کرده اند.طیف وسیعی از مردم خطرهای تهدیدکننده را می‌شناسند. از طرف دیگر، این آگاهی دردناک نیز وجود دارد که نظام‌های تخصصی توانایی محدودی در برخورد با این خطرها دارند (ریتزر، ۱۳۷۴، ۷۶۹). گیدنز بازاندیشی را یکی از ویژگی‌های پویای نوگرایی می‌داند. جایی‌که عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات تازه دربارهٔ این عملکردها پیوسته بررسی و اصلاح می‌شوند و در نتیجه، خصلت‌شان را به‌گونهٔ سازنده‌ای تغییر می‌دهند.

در جهان نوین هر چیزی در معرض بازاندیشی قرار دارد (همان، ۷۶۸). در مواجهه جهان با ویروس کرونا، فرهنگ، آداب، معاشرت‌ها، نحوهٔ گذران فراغت، بهداشت و ... از جانب تمامی نهادها، ارگان‌ها، سازمان‌ها و کنشگران از پرتو اطلاعات تازه مورد بازاندیشی قرار گرفته است؛ و نحوه عملکرد سازمان‌ها و کنشگران را در سطح اجتماعی و فردی تغییر داده است. در جهان نوین با رسیدن هر اطلاعات تازه‌ای کنشگران و نهادها و دولتمردان عملکردهای خود را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند و دستور تازه‌ای را برای خود تدوین می‌کنند.

در مجموع، با توجه به مطالعه تحقیقات پیشین و مرور ادبیات نظری می‌توان چنین تفسیر کرد که وجود ویروس کرونا مخاطره و بحرانی جدی برای کنشگران و نهادهای اجتماعی در سطح وسیع ایجاد کرده است. این بحران باعث ایجاد بازاندیشی در نهادها و کنشگران در رابطه با تدوین عملکردهای جدید جهت سازگاری با شرایط موجود شده است.

۴. روش تحقیق

در اجرای پژوهش حاضر از روش نظریه زمینه‌ای، که یکی از روش‌های تحقیق کیفی است، استفاده کردیم. مشارکت‌کنندگان از میان شهروندان ایرانی عضو شبکه‌های اجتماعی در محدود سنی ۴۹-۱۹ سال (اینستاگرام، تلگرام و واتس‌اپ) انتخاب شدند. نمونه‌گیری با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و از نوع نمونه‌گیری در دسترس و با حداکثر تنوع انجام شد.

با ۴۳ مشارکت‌کننده (هر دو جنس، متأهل و مجرد) اشباع داده حاصل شد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کردیم و به دلیل محدودیت تماس حضوری، مصاحبه‌ها به‌صورت مجازی و از طریق گفت‌وگوی دونفره و ارسال صدا انجام شد. برخی سؤالات که در حین مصاحبه پرسیده شد عبارت‌اند از: تجربهٔ شما از زندگی در شرایط قرنطینه چگونه است؟ چه راهبردهایی را در پیش گرفته‌اید؟ پیامدهای قرنطینه برای شما چیست؟ چه اثراتی بر زندگی شما داشته است؟ چه راهکاری برای کنار آمدن با شرایط جاری در پیش گرفته‌اید؟ هر مصاحبه با توجه به حوصله و علاقهٔ مشارکت‌کننده بین ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه طول می‌کشید. با توجه به وضعیت موجود سعی شد حال روحی مشارکت‌کنندگان درک شده و در زمان‌های متفاوت مصاحبه‌ها تکمیل شدند.

بعد از گردآوری داده‌ها با استفاده از کدگذاری نظری در سه سطح باز، محوری و گزینشی اقدام به ساخت مفاهیم و تجزیه‌وتحلیل کردیم. ابتدا در کدگذاری باز اطلاعات بخش‌بندی شدند و طبقات مفهومی یجاد کردیم. درون هر طبقه چندین خصوصیت یا طبقه فرعی را مشخص کردیم. سپس در کدگذاری محوری، مفاهیم اولیه را براساس شباهت و تفاوت های معنایی دسته‌بندی کردیم و ربط بین مفاهیم را از طریق ساختن مقوله های اصلی مشخص کردیم.

برای دستیابی به اعتبارپذیری از ملاک‌های مطرح‌شده از سوی لینکلن و گوبا[1] (۱۹۸۵) استفاده کردیم. نخست، تکنیک کنترل توسط اعضاء را به‌کار بردیم؛ به‌این‌معنا که بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم و مقوله های برساخته را برای تعدادی از مشارکت کنندگان ارسال کردیم و از آنها خواستیم تا یافته‌ها را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند. در این فرایند عمده یافته ها تایید شد و برخی از مقوله ها اصلاح شد. سپس از کنترل توسط همتایان علمی و خبره در مورد موضوع استفاده کردیم. همچنین برای اطمینان از منابع داده خام و کنترل آن، مصاحبه‌ها ضبط شد. بدین‌ترتیب، فهرستی از مصاحبه‌شوندگان تهیه و کلیهٔ فرایند تحلیل داده‌ها تایپ و ذخیره شد.

1. Lincoln & Guba

قبل از آغاز گفت‌وگو و طرح سؤالات، رضایت مشارکت‌کننده را جلب کردیم. این کار در جلسه‌ای قبل از انجام مصاحبهٔ اصلی صورت می‌گرفت. هدف و موضوع را برای مشارکت‌کنندگان توضیح دادیم و پس از شفاف‌شدن اهداف مصاحبه با جلب رضایت مشارکت‌کنندگان، مصاحبه انجام شد. همچنین، سعی شد با درک وضعیت و شرایط موجود هیچ فشاری بر روی مشارکت‌کنندگان اعمال نشود تا با رضایت کامل همکاری نمایند.

۵. یافته‌ها

با استفاده از کدگذاری نظری در سه سطح باز، محوری و گزینشی، هفت مقوله در فرایند تحلیل داده‌ها ساختیم. این هفت مقوله عبارت‌اند از: آشفتگی روانی/رفتاری، افزایش خودمراقبتی، تنگنای تعاملات، تنگنای معیشت، بازاندیشی معنوی، تلخی رسانه، مرور و بازیابی خویشتن و در آخر مقوله هسته «تعلیق در هراس و بازاندیشی».

جدول شماره (۱). مفاهیم و مقولات مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله اصلی	مفاهیم اولیه
آشفتگی روانی /رفتاری	ترس، نگرانی، سردرگمی، ناامیدی، بی‌حوصله‌شدن، پرخاشگری، دلتنگی، احساس خطر، پریشانی خلق‌وخو، خیالبافی، عصبی‌شدن، احساس ناامنی، ترس از مرگ، خستگی روحی، تردید در ابتلا به ویروس، هراس ازدست‌دادن، بهت و تعجب، وسواس، عدم تمرکز، گذران ساعات طولانی، احساس بیهودگی، کاهش انگیزه، تعلل، اختلال خواب، پشت گوش انداختن امور، تعویق در تلاش، اتلاف وقت در فضای مجازی، بی‌نظمی.
افزایش خودمراقبتی	شست‌وشوی مداوم، ضدعفونی کردن پی‌درپی، وسواس در هنگام خرید، فرسودگی در رعایت بهداشت، توجه بیشتر به بهداشت، بیماری‌های پوستی، خشکی پوست، شستن چندین‌باره اقلام، تدوین پروتکل بهداشتی، افزایش مراقبت از خود و نزدیکان.
تنگنای تعاملات	حذف مهمانی‌ها، کاهش تردد، خانه‌نشینی، کم‌کردن دیدار نزدیکان، قطع گشت‌وگذار، افزایش فاصله با دوستان، ترس از بیرون، حذف تفریحات معمول، فاصله‌گیری، کنار گذاشتن دیده‌بوسی با اطرافیان، محدود کردن دایرهٔ دوستی، تنگ‌تر شدن جهان، تغییر سبک ارتباطی، حبس خانگی، مشاجرات خانوادگی، گله و شکایت
تنگنای معیشت	مشکلات مالی، بیکاری، ورشکستگی، تعطیلی منبع درآمد خانوار، محدودکردن هزینه، صرفه‌جویی، مدیریت هزینه‌ها، کاهش درآمد، اضافه‌شدن هزینه مواد ضدعفونی، افزایش خواروبار، افزایش هزینه مواد غذایی، به‌تعویق افتادن اقساط، تأخیر در پرداخت قبوض.

مقوله اصلی	مفاهیم اولیه
بازاندیشی معنوی	پی‌بردن به عظمت خدا، آزمایش الهی، ناتوانی علم بشر، بطلان بر غرور بشر، زیر سؤال بردن پیشرفت علم، تردید در تسلّط بر طبیعت، خشم الهی، کوچک بودن انسان، قدرت هستی، تقاص طبیعت از ویرانی‌های انسان، خشم طبیعت.
تلخی رسانه	تنش اطلاعاتی، دریافت اخبار ناگوار، تناقض در آمار، حوادث ناراحت‌کننده، استرس افزایش جان‌باختگان، تضاد رسانه‌ای، همه‌گیری اخبار منفی، خبر استرس‌زا، در انتظار اخبار بد، تضادهای اطلاعاتی، ناهمگونی آماری.
مرور و بازیابی خویشتن	روبه‌روکردن انسان با خودش، توجه‌به خود، لذت تنهایی، کشف اشتباهات، مرور خود، بازبینی عادات، تمرین خلوت، پیگیری لذت‌های شخصی، دوست‌داشتن خود درونی، عادت به تنهایی، بیدارسازی ذهنی، توجه به داشته‌ها، تمرین موسیقی، زندگی در لحظه

۱-۵. آشفتگی روانی/رفتاری

احساس آشفتگی، فشار و ترس و ابهام ناشی از شیوع پاندمی کرونا، تجربهٔ مشترک اغلب مشارکت‌کنندگان در روزهای ابتدایی شیوع این ویروس است. بحران کرونا و اعلام قرنطینه، زندگی بسیاری از کنشگران را تحت‌تأثیر قرار داد. مشارکت‌کنندگان بیان می‌کردند که با قرنطینه‌بودن و سپری‌کردن مدت‌زمان طولانی در منزل، دچار آشفتگی‌های روحی و احساسات منفی شده‌اند. اغلب مشارکت‌کنندگان به احساساتی از قبیل: ترس از مبتلاشدن، انزوا، کم‌حوصله شدن، پرخاشگری، ناامیدی، سردرگمی، خستگی روحی و... دچار شده بودند و ترس از ویروس کرونا و قرار گرفتن در قرنطینه را دلایل اصلی گرفتاری روحی و به‌هم‌ریختگی حالات روحی خود می‌دانستند:

> اوایل که احساسات منفیم خیلی وحشتناک بود. باز الان یه‌کم بهتر شدم ولی قرنطینه خیلی دوران بدی بود تمام مدت احساس ترس داشتم مبادا بگیرم. هیچ‌جایی نمی‌تونستم برم و خیلی احساس تنهایی می‌کردم، سر هر چیز کوچیکی ناراحت می‌شدم و گریه می‌کردم. سریع حالم به‌هم می‌ریخت و دچار ناامیدی می‌شدم. اینکه قراره تا کی این وضع ادامه داشته باشه منو دیوونه می‌کرد مخصوصاً تو عید بودن دیگه بیشترش کرد چون هر سال می‌رفتیم سفر و تجربه تو خونه خیلی سخت سپری شد (نسیم، ۲۸ساله، مجرد، کارشناسی ارشد).

حبس در خانه و به‌عبارتی اجبار ماندن در خانه باعث دگرگون گشتن زندگی اغلب مشارکت‌کنندگان شده است. این امر سبب ایجاد نارضایتی و تجربه احساست منفی شده است.

تجربه خیلی سـختیه، چون همون یه تفریحات سـاده‌ام دیگه نداشـتیم. موندن مداوم تو خونه باعث می‌شد آدم عصبی و کم‌طاقت بشه، یه‌جوری خونه‌نشینی اجباری احساسم و بد می‌کرد. همین که فکر می‌کردم اگر بخوام نمی‌تونم مثل قبل برم بیرون و اجازه ندارم و اجبار این قرنطینه خیلی اعصـابم رو می‌ریخت بـه‌هم و تحت فشـارم قرار می‌داد (امیرحسن، ۲۵ساله، مجرد و کارشناسی).

بحران کرونا و هشـدارها و اخطارهای مراقبت در حفظ سـلامتی، کنشـگران اجتماعی را به‌لحاظ روحی/روانی در شـرایط نامسـاعدی قرار داد. اعلام قرنطینه و اخطار در خانه ماندن باعث ایجاد تجربهٔ احساساتی ناخوشایندی برای کنشگران شده است. ترس از مبتلاشدن و نگرانی خروج از منزل باعث ایجاد دلهره روحی/روانی برای کنشـگران اجتماعی شـده اسـت و گذراندن این شرایط را برای آنها دشوارتر و ناخوشایند ساخته است.

۲-۵. افزایش خودمراقبتی

افزایش خودمراقبتی به‌معنای توجه، دقت و مراقبت از خود در برابر بحران موجود کرونا می‌باشد. با شیوع ویروس کرونا، کنشگران اجتماعی مراقبت از خود را در صدر برنامه‌های خود قرار دادند. تمام مشـارکت‌کنندگان بیان کردند پس از شـیوع کرونا و هشـدارها و اخطارهای سازمان بهداشت، مراقبت از خود را نسبت به قبل چندین برابر کرده و به‌صورت مداوم در حال شست‌وشوی دست‌ها، استفاده از ماسک برای خروج از منزل، خانه‌نشینی، ضدعفونی‌کردن موارد مورد نیاز و اقلام خریداری‌شده از بیرون هستند. بحران کرونا سبب افزایش توجه و حفاظت از خود در میان کنشگران اجتماعی شده است.

بحران کرونا باعث شد تا من خیلی بیشتر از قبل از خودم مراقبت کنم. قبلاً هم بهداشت رو رعایت می‌کردم ولی نه به این شکل. الان رعایت بهداشتم خیلی بیشتر شده و خیلی مراقبم وقتی دوسـتانم و می‌بینم بعد از کرونا دیگه با همه روبوسـی نکنم چون من این اخلاق رو داشتم الان دیگه خیلی بیشتر از قبل مراقب سلامتیم و رعایت اصول بهداشتی هستم (سحر، ۳۴ ساله، متأهل و کارشناسی ارشد).

توجه به اصـول بهداشـتی و دقت و سـرسـختی بیشـتر برای رعایت بهداشـت فردی در اولویت و در صدر برنامه‌های کنشگران اجتماعی قرار گرفته است.

من قبلاً شـــاید اینقدر مراقب نبودم و هرجایی بیرون غذا می‌خوردم و خیلی موارد دیگه؛ ولی از بعد از کرونا فهمیدم خیلی مهمه که آدم اصول بهداشتی رو کامل رعایت کنه چون هنوز ممکنه کلی ویروس ناشـناخته بیرون باشـه. این دوران برای من باعث شـد تا نکات بهداشـتی را بیشـتر جدی بگیرم و مراقبت بیشـتری از خودم داشـته باشـم (لیدا، ۴۰ سـاله، متأهل و کارشناسی).

افزایش خودمراقبتی یکی از راهبردهـای قـابـل‌توجهی اســـت کـه از مصـــاحبهٔ بـا مشـارکت‌کنندگان کشـف شـده اسـت. نگرانی و ترس مبتلاشـدن و گرفتارشـدن در بیماری باعث شـــده اســـت تا کنشـــگران مراقبت‌های ویژه‌ای از خود به عمل بیاورند که پیش از این چندان برای آنها اهمیت نداشـت، ولی این مراقبت‌ها اکنون نقش مهمی در زندگی کنشـگران اجتماعی ایفا می‌کنند.

۳-۵. تنگنای تعاملی

چون انسـان ذاتاً موجودی اجتماعی اسـت به روابط اجتماعی و تعاملات انسـانی با دیگران نیازمند می‌باشـد. راهبرد قرنطینه که توسـط دولت‌ها اعمال شـد سـبب محدودیت تعاملاتی افراد و به‌عبارتی حصـار تعاملاتی شـده اسـت. مشـارکت‌کنندگان در شـرایط مواجهه با بحران کرونا و قرنطینه خانگی به مفاهیمی چون طرد مهمانی‌ها، محدودکردن تعاملات، افزایش فواصل، کاهش تردد، کاهش دیدار نزدیکان اشاره کردند و معتقد بودند شرایط کنونی سبب تنگ‌تر شدن عرصهٔ زندگی و محدودیت‌های ارتباطی آنها با بیرون شده است.

کرونا باعث شـد من به کل روابطم و مجازی کنم و با هیچ کس رابطهٔ حضـوری نداشـته باشـم حتی صـمیمی‌ترین دوسـتانم. اغلب تو خونه می‌مونم و روابط و دیدارم و به شـکل مجازی دنبال می‌کنم البته بخشیش به‌خاطر نگرانی از مبتلا شدن پدر و مادرم هست. در هر صورت من تمام دوره‌همی‌ها و بیرون رفتن‌های دوستانه‌ام و قطع کردم و روابطم کاملاً محدود شده (سامان، ۳۱ ساله، مجرد و کارشناسی ارشد).

نگرانی‌های کرونایی سـبب محدودسـازی تعاملات کنشـگران اجتماعی و تنگ‌شـدن عرصه زندگی آنها شده است.

قرنطینه دیگه اجازه ارتباطی به آدم نمیده وقتی همه‌جا تعطیله مجبوری بمونی خونه اغلب اطرافیان من ارتباطاتشـــون و فقط با افراد خیلی صـــمیمی نگه داشـــتن و خیلی کم‌کردن رابطه‌های دیگه‌شـــون و منم خودم با همه دوســـتام و فامیل فعلاً قطع‌رابطه کردم تنها با خواهر و برادرم رفت‌وآمد می‌کنم کرونا خیلی دوســـتی‌ها رو محدود کرده (محبوبه، ۲۷ ساله، مجرد و کارشناسی).

یکی از راهبردهایی که کنشـــگران در شـــرایط بحران کرونا در پیش گرفته‌اند، تنگنای تعاملی می‌باشـــد. ترس از مبتلاشـــدن و دریافت مداوم هشـــدارهای جهانی، اخطارهای ســـازمان وزارت بهداشـــت و اعمال قرنطینه ســـبب کوچک‌شـــدن حلقه‌های تعاملاتی و دایرهٔ روابط کنشگران اجتماعی شده است. کنشگران اجتماعی با ایجاد حصار تعاملاتی سعی در کاهش خطر ابتلا به کرونا را برای خود فراهم کرده‌اند.

۴-۵. تنگنای معیشتی

مشـــکلات مالی همواره در جامعه ایران وجود داشـــته اســـت و نگرانی‌هایی را برای زندگی خانواده‌ها ایجاد کرده است. تنگنای مالی مقوله‌ای است که از مصاحبه‌ها کشف شده است. اغلب مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که با اعلام تعطیلی بسیاری از آنها منبع درآمد خانواده را از دست دادند و کنشگرانی که دارای شغل آزاد بودند بسیار تحت فشار و مضیقه قرار گرفته و برخی نیز تا مرز ورشـــکســـته‌شـــدن پیش رفته‌اند. همچنین برخی بیان داشـــتند که قرنطینه و ممنوعیت تردد ســـبب افزایش هزینه‌های خوار و بار خانه و همچنین اضـــافه‌شـــدن هزینه‌های بهداشتی به هزینه‌های جاری زندگی شده است. برخی نیز به کاهش شدید درآمد خود اشاره کرده و شرایط موجود را عاملی جهت قرار گرفتن در تنگنای مالی خود ذکر کردند:

تمام امید یه مغازه‌دار به درآمد و فروش شب عیده که متأسفانه تا اواخر اسفند که فروش به‌شـــدت پایین بود و بعد هم یک ماه تعطیلی من و خیلی تحت‌فشـــار مالی قرار داد و نگرانی کرونا با نگرانی مالی و مشکلات اقتصادی برای من فشارها رو بیشتر کرد (نوید ۳۹ساله، متأهل و مغازه دار).

بحران کرونا و راهبردهای اعمال‌شده جهت کاهش آن، زندگی برخی از کاسبان را دچار اختلال کرده و سبب قرار گرفتن آنها در مضیقهٔ مالی و درگیر شدن در فشارهای اقتصادی شده است.

> من ۲۶۰ میلیون چک داده بودم برای بعد از عید. وضعیت بحرانی برای من خیلی ضرر و زیان داشت چک‌های من اغلب برگشت خوردن و اجناسم رو دستم موند چون یه سری از جنسای من فقط مختص فصل بهار و فروردین و اوایل اردیبهشت بود (محمد، ۳۴ساله، مجرد و مغازه دار).

یکی از پیامدهای بحران کرونا و راهبرد قرنطینه در پیش گرفته توسط دولت‌ها، تنگنای مالی است که برای بسیاری از کنشگران اجتماعی ایجاد شده است. محدودیت رفت‌وآمد مردم، تعطیلی بازار و بسیاری از موارد دیگر سبب ایجاد مشکلات اقتصادی و قرار گرفتن در تنگنای مالی کنشگران اجتماعی شده است.

۵-۵. بازاندیشی معنوی

برخی از مشارکت‌کنندگان بحران پیش‌آمده در سراسر جهان را نشانی بر قدرت و عظمت هستی می‌دانستند که گواهی بر دانش کوچک انسان در برابر قدرت هستی است. برخی معتقد بودند انسان در برابر خشم طبیعت قرار گرفته است و این بحران ناکامی و غرور کاذب انسان را نشان می‌دهد.

> من باور دارم این کرونا یه جورایی انتقام طبیعت و دنیا از کارهایی که انسان انجام داده. این‌همه تخریب محیط زیست، آزار انسانی و... این‌ها همه برای من یه نگاه نشون دادن قدرت خدا در برابر کوچیکی انسان هست. در واقع هر چقدر بگیم پیشرفت کردیم باز در برابر خشم هستی هیچی هستیم (زهرا، ۳۰ساله، متأهل و کارشناسی).

در برابر ادعای بشر در موضع قدرت تسلّط بر طبیعت برخی معتقد هستند این یک ادعای کاذب بوده و طبیعت و هستی پهناور به وقت خود عظمت و کوچکی انسان را نشان داده است. برخی از مشارکت‌کنندگان با نگاه دینی و تکیه بر قدرت و عظمت هستی شرایط فعلی را تبیین و تفسیر می‌کنند.

۶-۵. تلخی رسانه

در دنیای امروزی رسـانه‌ها یکی از مهمترین وسـایل اطلاع رسـانی به کنشـگران اجتماعی هستند. برخلاف گذشته امروزه اغلب کنشگران برای دریافت اخبار، حوادث و اطلاعات به رسـانه‌های ارتباطی و شـبکه‌های مجازی رجوع می‌کنند. اغلب رسـانه‌ها بدون سـانسـور اطلاعات را منتشـر می‌کنند. اغلب مشـارکت‌کنندگان بر نقشـی که رسـانه‌های ارتباطی در انتشـار اطلاعات در سـطح جهان دارند تأکید کرده و بیان می‌کردند که به‌دلیل تنش و استرس، تناقض‌های آماری، تضـادهای اطلاعاتی، انتشـار اخبار مبتلایان و فوتی‌ها و به‌طور کلی فضای آکنده از اندوه در رسانه‌های ارتباطی بحران کرونا و شرایط قرنطینه را با استرسی مضـاعف سـپری می‌کنند. تلخی رسـانه بر مبنای مفاهیم و گزاره‌هایی که مشـارکت‌کنندگان اشاره می‌کردند کشف شد.

> خسته شدم از بس هر وقت اخبار و نگاه کردم یا رفتم تو اینستا و اینترنت همش صحبت کرونا و کشته‌ها و وضعیت بحرانی بود هرجا می‌زنی دارن در مورد شرایط بحرانی حرف می‌زنن همه‌جا ناراحتی و دلهره اسـت، هرچی بیشـتر می‌بینی و می‌شـنوی بیشـتر نگران میشی و دچار احساس ناامیدی (ایمان، ۲۹ساله، مجرد و کارشناسی).

فضـای آکنده از اخبار ناگوار بحران کرونا و نمایش وضـعیت بیماران مبتلا در رسـانه‌های ارتباطی بر حالات روحی کنشـگران اجتماعی تأثیر گذاشـته و احسـاس یأس و اندوه را در آنان پررنگ ساخته است.

> من اون اوایل مدام اخبار و دنبال می‌کردم اما یه‌دفعه به خودم اومدم دیدم چقدر حالم بده. یه جو متشـنج و اخبار متناقض، آمارهای متضـاد واقعاً احسـاس کردم دارم دیوونه می‌شـم و دیگه نمی‌تونم تحمل کنم. همه‌جا پر از هشـدار، نگرانی، مرگ‌ومیر؛ واقعاً احساس کردم دیگه نمی‌تونم این فضا رو تحمل کنم بعدش سعی کردم دیگه خیلی کمتر اخبار و دنبال کنم و بیشتر توجهی نمی‌کردم سعی کردم روزهام و کوتاه کنم و شب‌هام و در سکوت طولانی (نسترین، ۳۲ساله، مجرد و کارشناسی).

یکی از مهمترین پایگاه‌های اطلاع‌رسـانی در جامعه‌های امروزی، رسـانه‌های ارتباطی می‌باشـند. انتشـار اطلاعات لحظه‌به‌لحظه از وضـعیت جهان در بحران کرونا، سـبب ایجاد

حالات روحی پر تنش و اســترس‌زائی برای کنشــگران اجتماعی شــده اســت. دشــواری سپری‌کردن دوران قرنطینه با دریافت اخبار و انتشار اطلاعات اندوه‌بار در رابطه با وضعیت بحرانی جهان و درگیری و پیامدهای متنفاوت این بحران، اعلام تعداد مبتلایان و فوتی‌های ناشی از این ویروس توسط رسانه‌های ارتباطی برچسب تلخی رسانه‌های ارتباطی را بر نام آنان زده است و تلخی گذران این دوران را برای کنشگران مضاعف ساخته است.

۷-۵. مرور و بازیابی خویشتن

درگیری و دغدغه‌های زندگی روزمره در جهان امروزی، رویارویی فرد با خویشتن را به تعویق انداخته و گاهی این مهم به کلی در زندگی کنشگران محو می‌شود. هر کنشگری برای تکامل خویش و ارتقاء خود نیاز به مرور خود و بازبینی و ســازمان‌دهی خویش دارد. اغلب مشــارکت‌کنندگان به این موضــوع اشــاره می‌کردند که یکی از مزیت‌های قرنطینه برای آنان، روبه‌رو کردن کنشــگران با خویشــتن و فرصــت بازبینی و ارزیابی خویش شــده اســت. مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که قرنطینه و خانه‌نشینی سبب تمرین خلوت‌کردن با خود و توجه به آنچه فرد هست و باید باشد شده است و افراد توانسته‌اند خود خویش را سازماندهی کنند.

> من احســاســم اینه که قرنطینه باعث شــد من فرصــت کنم وقت بیشــتری رو به خودم اختصــاص بدم بیشــتر به خودم توجه کنم. اینکه چه رفتارهایی دارم چه اشــتباهاتی اینکه کجاها رو لازم تقویت کنم برای من این قرنطینه وقت‌گذرونی با تنهایی خودم و رسیدن به اون چیزی که باید باشم و نیاز بود درستش کنم بوده (غزل، ۲۰ساله، مجرد و دانشجو).

قرنطینه را می‌توان فرصــتی ناب در جهت مواجهه فرد با خویشــتن خویش و تقویت ضعف‌ها و تکامل خویش به حساب آورد.

> من چون شاغل بودم و متأهل خیلی درگیر زندگی بودم. اصلاً انگار کلاً خودم و یادم رفته بود. این قرنطینه برای من توی روبه‌رو شدنم با خودم و وقت داشتن برای مرور ویژگی‌هام و چالش‌ها و اختلال‌هایی اخلاقیم خیلی خوب بود. من تونستم بشینم خوب وقت بذارم به خودم نگاه کنم دقت کنم لذت ببرم از خودم و با خودم کنار بیام و برنامه جدیدی برای خودم بنویسم یه سری عادت‌های بدم و کم کردم و به عادت‌های خوبم نگاه کردم کلی خودم و ارزیابی کردم (مهتاب، ۲۸ ساله، متأهل و کارشناسی).

هر کنشگری برای پیشرفت و ترقی خود نیاز دارد رفتارها، مهارت‌ها و ویژگی‌های خود را ارزیابی کرده و در جهت ارتقاء آنها تلاش کند. برای کنشگرانی که مدت‌زمان طولانی را در بیرون از خلنه در محل کار به سر می‌برند، ماندن در خلنه فرصتی برای خودیابی آنها فراهم می‌کند. کنشگران می‌توانند در دوران قرنطینه بر خود تمرکز کرده و با ارزیابی خویش در جهت تحقق اهداف، خود را توسعه و رشد دهند. کنشگران در شرایط قرنطینه مطابق با تفسیر هانا آرنت می‌توانند خلوت با خود را تمرین کنند و در خلوت با خود بر رشد و شکوفایی خویش تمرکز کنند که تا پیش از این، فرصتی برای تمرین این خلوت و خودسازماندهی فرد وجود نداشت یا بسیار محدود بود. خودیابی یکی از پیامدهای مثبت قرنطینه می‌باشد که از خلال مصاحبه‌ها کشف شد.

۸-۵. مقوله نهایی: تعلیق در هراس و بازاندیشی

کدگذاری نظری، فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت انتزاع هرچه بیشتر مفاهیم و مقوله‌ها است. در این فرایند محقق باید در داده‌ها غرق شود و به تعمیق بپردازد تا بتولند پیوند بین مقوله‌ها را دریافته، آنها را پالایش کرده و با هم یکپارچه کند (اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مطالعه، بعد از کشف مقوله‌های اصلی و یکپارچه‌سازی و ترکیب مقوله‌ها، مقوله نهایی «تعلیق در هراس و بازاندیشی» را به‌عنوان مفهوم یکپارچه‌کننده ابعاد مختلف پدیده مورد مطالعه ساختیم. این مقوله دربرگیرنده دو بعد اساسی است: نخست، تعلیق ناشی از هراس و درهم‌ریختگی زندگی روزمره؛ و دوم، بازاندیشی ناشی از این تعلیق هراس. قرار گرفتن در شرایط بحران کرونا و تدابیر کنترل بحران، نوعی تعلیق در زندگی روزمره و سرگردانی ناشی از آن را فراهم کرده است. از یک طرف قرنطینه عرصه را بر کنشگران تنگ ساخته و از طرف دیگر خانواده‌ها را گردهم‌آورده و فرصتی برای با هم‌بودنشان مهیا کرده است. ولی هم‌همه و انفجار اطلاعات مبتلایان، فوتی‌ها، پیامدهای متفاوت و نامعلوم‌بودن پایان بحران زمینهٔ دلهره و سرگردانی فراگیر را برای کنشگران ایجاد کرده است. در شرایط هراس از ویروس مرگ و بیماری، همه‌چیز در ابعاد فردی و نهادی به تعلیق درآمده است. تعلیق همراه با سرگردانی. اینکه چه باید کرد. این سرگردانی و تعلیق در سطح کنشگران فردی، سیاسی و بهداشت و سلامت دیده می‌شود؛ به‌ویژه در روزهای اول، بیماری ناشناخته و بی‌رحم از یک

سـو و نظام بهداشـت و سـبک زندگی مغرور مدرن از سـوی دیگر، پیش چشـم کنشـگران قرار گرفته است. انسانی که تصور می‌کرد به کمک فناوری و پیشرفت علوم سلامت توانسته عصر وبا و طاعون و مرگ ناشی از آن را پشت سر بگذارد، ناگهان با دیوار سخت کرونا مواجه شده است. نمی‌داند چه کند و ازاین‌رو نوعی سرگردانی را تجربه می‌کند. این سرگردانی در سطح نهادهای مدرن همچون دولت و نهاد سـلامت نیز دیده می‌شـد. بسـیاری از کنشـگران نظام سـلامت که جوانمردانه به مقابله برخاسـتند، متأسـفانه قربانی این ویروس شـدند. رسـانه‌ها به تسـخیر کرونا درآمده‌اند. هر شـبکه تلویزیونی را باز کنیم، از کرونا صـحبت می‌کند. خبرهایی که اغلب تلخ و هراس‌آور است. همه اینها تغییراتی در زندگی ما ایجاد کرده است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

شـیوع ویروس کرونا، آنگونه که مشـارکت‌کنندگان ما درک کردند، بخش‌هایی از زندگی اجتماعی را به تعلیق برد، هراس را در لایه‌های ذهن کنشـگران تشـدید کرد و بازاندیشـی در اندیشه و عملکرد کنشگران را تحریک کرد. به‌ویژه آنچه در این میان موضوع تعلیق، هراس و بازاندیشی قرار گرفت، خویشتن و تعاملات روزمره بود. مخاطره پیرامون تهدیدی ناشناخته و سـرگردانی جهانی ناشـی از آن، بسـیاری از باورهای فردی را به تعلیق برد. نگاهی دوگانه و از سـر بیم‌وامید به داشـته‌ها و دانسـته‌های بشـری، نتیجه این وضـعیت اسـت. در این شـرایط کنشگران ناگزیر از محدودسازی تعاملات رودررو، تنگنای قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه کردند. از سوی دیگر، این خلوت‌گزینی ناگزیر، تبدیل به توفیقی اجباری و فرصتی برای بازاندیشی، کسـب اطلاعات جدید و دانش‌افزایی شـد. از این‌رو شـاید بتوان ادعا کرد شـیوع کرونا، مانند هر بحران دیگری، زمینه‌ساز تغییر در نگرش‌های بنیادی به خود، دیگران و جهان شده است. به تعبیر مشـارکت‌کنندگان این پژوهش، کرونا آسـیب‌پذیری ما را بیش‌ازپیش یادآوری کرد و از این طریق بر هراس ما افزود. همچنین زمینه‌سـاز تقویت حس جهانی بودگی شـد؛ اینکه سرنوشتی نسبتاً مشترک می‌تواند در انتظار همه انسان‌های کرهٔ زمین باشد.

به‌دنبال شیوع کرونا و فعال شدن سازوکارهای فردی و اجتماعی مدیریت شرایط بحرانی، کنشـگران سـبک زندگی جدیدی را در زندگی روزمره همراه با قرنطینه در پیش گرفتند. در

جریان سازگاری با این بحران، کشف و بازیابی خویشتن را تجربه می‌کنند. سبک زندگی جدید سبب بازاندیشی کنشگران در مورد خود و دانسته‌ها شد و با ارزیابی دانسته‌ها و نقاط قوت و ضعف خویش، کنش‌های جدیدی را مبنی بر حصار تعاملاتی و افزایش خودمراقبتی ابداع کردند. کنشگران در حین بازاندیشی و ارزیابی خود به این امر آگاه شدند که برای تطبیق و سازگاری با شرایط بحرانی جدید نیاز به افزایش خودمراقبتی ذیل استفاده از یافته‌های علمی، رعایت فاصله و دقت در تعاملات روزمره خود دارند. کنشگران دریافتند جهت ورود به میدان جدید نیاز به ابداع طرح‌های کنشی متناسب با مخاطره جدید دارند. بنابراین، انواع مهارت‌ها، دانسته‌ها و اطلاعات را در جهت مواجهه با این مخاطره به‌کار بردند. شرایط قرنطینه و مواجهه با بحران کرونا نشان داد انسان با وجود دستاوردهای گسترده در علم و تکنولوژی، همچنان در برابر بسیاری از مخاطرات ناتوان است.

بحران کرونا، بازیابی فرصت و خودیابی را نیز برای آنها در زندگی روزمره به‌همراه داشته است. قرنطینه برای کنشگران در دورانی که فرصت‌ها به‌دلیل دغدغه‌های فراگیر محدود بودند، اکنون فرصتی دوباره جهت تمرین خلوت با خود و روبه‌روشدن با تنهایی خویش و ارزیابی خود فراهم کرده است. در بحران کرونا بشر با یک مخاطره ناشناخته مواجه شده است. در بحبوحهٔ تعلیق و هراس، فرصت‌های تازه‌ای برای افراد و نهادهای مختلف خلق شد. به‌عنوان‌مثال، آموزش‌های متعددی توسط مراکز و متخصصان روان‌شناسی و بهداشت جهت توانمندسازی شهروندان با بحران انجام شد. کرونا، با یادآوری مخاطرهٔ کهن در زندگی انسان، یعنی مخاطرهٔ بقاء، بسیاری از ما را مجبور به یادگیری بیشتر و توجه به درون و زندگی اخلاقی کند. دانش ما نسبت به خود و جهان را ارتقاء بخشید.

با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود کنشگران اجتماعی در جهت مراقبت از خود و اعضاء خانواده، کاهش تعداد مبتلایان، برقراری آرامش، کاهش استرس و نگرانی‌ها، راهکارهای خودتنظیمی و خودمراقبتی را به‌کار گرفته و با تکیه بر مهارت‌های لازم جهت کاربرد راهکار خودتنظیمی و تقویت آن با شرایط بحرانی مواجه شوند. ضروری است انواع آموزش و مشاوره جهت استفاده از مهارت خودمراقبتی و چگونگی استفاده از آن و همچنین تکیه بر راهبرد خودتنظیمی در اختیار کنشگران اجتماعی قرار گیرد.

منابع

بک، اولریش (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره جهانی (مترجم: محمدرضا مهدی زاده). تهران: انتشارات کویر.

توکلی، احمد؛ کربلائی‌نیا، محمدهادی؛ کشاورز، محسن؛ صفرنژاد تمشکل، فهیمه؛ و منوری، سیدحمیدرضا (۱۳۹۶). کوروناویروس سندروم تنفسی خاورمیانه (MERS-Cov). مجله میکروب‌شناسی پزشکی ایران، ۱۱(۱)، ۸-۱.

خدابخشی کولایی، آناهیتا (۱۳۹۹). زندگی در قرنطینه خانگی: واکاوی تجارب روان‌شناختی دانشجویان در همه‌گیری کووید-۱۹. مجله طب نظامی، ۲۲(۲)، ۱۳۸-۱۳۰.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر(مترجم: محسن ثلاثی). تهران: نشر علمی.

سلیمان میگونی، سعید (۱۳۹۲). طغیان بیمارستانی سندرم تنفسی کوروناویروس خاورمیانه. فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، ۲۱، ۵۲-۴۹.

سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

علیزاده‌فرد، سوسن؛ و صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۹). پیش‌بینی سلامت روان بر اساس اضطراب و همبستگی اجتماعی ناشی از بیماری کرونا. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۳۶، ۱۴۱-۱۲۹.

فرنوش، غلامرضا؛ علیشیری، غلامحسین؛ حسینی ذیجود، سیدرضا؛ درستکار، روح‌الله؛ و جلالی فراهانی، علیرضا (۱۳۹۹). شناخت کروناویروس نوین ۲۰۱۹ و کووید ۱۹ بر اساس شواهد موجود: مطالعه مروری. مجله طب نظامی، ۲۲ (۱)، ۱۱-۱.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۸).جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۳) ۴۶-۲۷.

کرباسچی، کتایون؛ و علیاری، شهلا (۱۳۹۴). کرونا ویروس (سندرم تنفسی خاورمیانه). مجله دانشکده پرستاری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۵(۱)، ۶۲-۵۵.

کشاورز، خدیجه (۱۳۹۹). ویروس کرونا، ما نظاره‌کنندگان نگران و توسعه روابط انسانی. در جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران (صص۲۸-۱۳). تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.

میرزایی، حسین: و رحمانی، جبار (۱۳۹۹). نگاهی به هشتگ در خانه می‌مانیم؛ شکافی میان درک مردم و ستاد بحران در یک شعار. در جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران (صص ۵۱-۶۸). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.

وحدت، کتایون؛ امینی، اعظم؛ نجفی، اکرم؛ و حائری‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۲). مروری بر کروناویروس

جدید، عامل سندرم حاد تنفسی خاورمیانه. مجله طب جنوب، ۱۶(۶)، ۴۹۲-۴۸۶.

اله‌توکلی، محمد (۱۳۹۹). مقابله با استرس ناشی از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹. مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، ۷(۱)، ۲۵۴-۲۵۳.

Adda, J., Banks, J., & von Gaudecker, H.-M. (2007). The impact of income shocks on health: evidence from cohort data. *Working Paper Series.* doi: 10.1920/wp.ifs.2007.0705

Alasuutari, P. (2004). *Social theory and human reality*. London: Sage Publications.

Dias, M. C., Joyce, R., Postel-Vinay, F., & Xu, X. (2020). The challenges for labor market policy during the Covid-19 pandemic. *Fiscal Studies*, 41(2), 371-382.

Heinz, W. R. (2002). Self-socialization and post-traditional society. *Advances in Life Course Research*, 7, 41-64. doi: 10.1016/S1040-2608(02)80029-6

Janke, K., Lee, K., Propper, C., Shields, K., & Shields, M. (2020). Macroeconomic conditions and health in Britain: aggregation, dynamics and local area heterogeneity. IZA Discussion paper, No. 13091, Institute of labor Economics, Bonn. doi: 10.1920/wp.ifs.2020.1220

Jenkins, P. (2020). Bazookas cannot stop coronavirus becoming a financial crisis, *Financial Times*. Retrieved from https://www.ft.com/content/be0892cc-6583-11ea-b3f3-fe4680ea68b5

Joyce, R., & Xu, X. (2020). Sector shutdowns during the coronavirus crisis: which workers are most exposed? *IFS Briefing Note,* Retrieved from https://www.ifs.org.uk/publications/14791

Propper, C., Stoye, G., & Zaranko, B. (2020). The wider impacts of the coronavirus pandemic on the NHS. *Fiscal Studies*, 41(2), 345-356. doi: 10.1111/1475-5890.12227

Turner, B. S. (1994). *Orientalism, Postmodernism and Globalism*. New York: Routledge.

Turner, B. S. (2006). *The Cambridge Dictionary of Sociology*, New York: Cambridge University Press.

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۱۷۹-۱۴۵، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹
سعیدی، سعید (۱۳۹۹). غریبه‌های قریب: بررسی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۱۷۹-۱۴۵. doi: 10.22035/isih.2020.3861.3993
شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_341.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3861.3993
© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

غریبه‌های قریب: بررسی تجربه زیستهٔ دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا

سعیده سعیدی[۱]

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

چکیده

موقتی پنداشتن حضور میلیونی اتباع افغانستان در چهار دههٔ گذشته به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی بسترساز چالش‌های متعددی برای هر دو طرف شده است. این نوشتار به‌دنبال فهم دلالت‌های موقعیت پاندمیک کرونا بر تجربه زیستهٔ دانشجویان افغانستانی در چارچوب شناخت کلی‌تر وضعیت مهاجران افغانستانی ساکن ایران است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق تکنیک مردم‌نگاری مجازی بوده و مدل ادغام اردال و اپن بستر نظری این مقاله را شکل می‌دهد. فرضیهٔ محوری این است که موقعیت همه‌گیری کرونا تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد آموزشی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران به‌طورعام و دانشجویان افغانستانی به‌طورخاص گذاشته است، مهمترین تأثیر منفی این اضطراب اجتماعی در تقاطع با ملیّت، جنسیت و طبقه، فربه‌شدن نابرابری‌های آموزشی و جنسیتی در زیست روزمرهٔ مهاجران است. از سوی دیگر مهمترین تغییر مثبت ناشی از موقعیت کرونا، مرئی‌شدن حضور مهاجران در سطح افکار عمومی و عرصه سیاستگذاری است که زمینه‌های ادغام ساختاری مهاجران را تاحدی تسهیل نموده است. بحران کرونا با فربه‌کردن مفهوم هم‌سرنوشتی دستگاه سیاستگذار را متوجه این موضوع کرده که همه اعضای جامعه در یک قایق سوار هستند و مغفول گذاشتن بخشی از جمعیت کشور برخلاف منافع ملّی بوده و پتانسیل تهدید دارد. در نتیجه، با مرئی‌کردن حضور میلیونی مهاجران به‌صورت محدود و قطاعی فرایند ادغام ساختاری مهاجران را تسریع نموده است.

کلیدواژه‌ها: ادغام، مهاجران افغانستانی، کرونا، هویت سایه‌ای، دانشجوی بین‌المللی، هم‌سرنوشتی

---

۱. استادیار انسان‌شناسی، گروه مطالعات‌زنان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران
saidi@iscs.ac.ir ✉

۱. مقدمه

جهان امروز در وضعیتی درهم‌تنیده و مضطرب قرار گرفته و بر هم‌کنشی رویدادها بر زیست فردی و جمعی انسان تأثیرات عمیقی گذاشته است. از دسامبر ۲۰۱۹ شیوع ویروس عفونت‌زای سیستم تنفسی در ووهان چین در صدر اخبار جهان قرار گرفت و در کمتر از چند هفته به یکی از بزرگترین معضلات جامعه جهانی مبدّل شد و تعطیلی بازار کار، عرصهٔ آموزش و تأکید بر قرنطینه زیست روزمرهٔ میلیاردها نفر را به وضعیت تعلیق درآورد. مهاجران به‌عنوان یکی از مهمترین گروه‌های تشکیل‌دهندهٔ جامعه نیز به‌طور مستقیم از این وضعیت متأثر شدند. اگرچه در ابتدای شیوع این ویروس تمرکز غالب در سطح کلان و خرد بر جنبه‌های پزشکی و بهداشتی آن بود، اما به‌سرعت کلیه ساحت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی زیست روزمره متأثر شد. شرایط اضطراب اجتماعی پیش‌آمده به بازتعریف بسیاری از وجوه حکمرانی منجر شد و با پررنگ کردن مفهوم «هم‌سرنوشتی» با بازنمایی برهم‌کنشی متقابل و پیوسته رفتار اعضای جامعه نشان داد که همدلی، همیاری و مخاطرات اجتماعی و بهداشتی مرز ندارد. در نتیجه، بار دیگر حضور میلیونی مهاجران افغانستانی به‌عنوان بزرگترین کنشگر غیرایرانی در سطح جامعه مطرح شده است.

این مقاله با رویکرد انسان‌شناختی هر دو متغیر بحران کرونا[1] و زیست مهاجران افغانستانی را به‌عنوان پدیدهٔ اجتماعی تام می‌داند که در برگیرنده ابعاد مختلفی هستند. بنابراین، برای مطالعه فهم دلالت‌های شیوع گسترده این ویروس در زیست روزمرهٔ مهاجران اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای ضرورت دارد. نهاد آموزش نیز از این امر مستثنی نیست؛ به‌طوری‌که براساس گزارش یونسکو بیش از ۹۱درصد از دانش‌آموزان و دانشجویان جهان از تعطیلی نهاد آموزش متأثر شده‌اند. جامعه دانش‌آموزان و دانشجویان افغانستانی با اختلافی فاحش بزرگترین گروه بازیگران بین‌المللی در نهاد آموزش ایران

۱. ویروس کرونا عضوی از خانواده بزرگ ویروس‌هایی است که مشترک بین انسان و حیواناتی از جمله گربه، شتر، گاو و خفاش‌ها می‌باشد. این ویروس به هفت دسته کلی تقسیم می‌شود. جدیدترین نوع این ویروس با نام علمی SARS-CoV-2 (Coronavirus Disease 2019 or COVID-19) با درگیر کردن سیستم تنفسی، جان هزاران نفر را در تمامی جهان گرفته و با توجه به همه‌گیری جهانی ویروس کرونا سازمان بهداشت جهانی در ماه فوریه ۲۰۲۰ وضعیت پاندمی (همه‌گیری جهانی) اعلام نمود که در این پژوهش از آن به بحران کرونا یاد می‌شود.

است که عمدتاً به‌دلیل قرابت فرهنگی، زبانی و مذهبی و همچنین پایین‌بودن شهریه تحصیل در ایران حضور دارند.

این نوشتار به‌دنبال فهم دلالت‌های بحران کرونا بر تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی به‌عنوان دریچه شناخت تصویر کلی‌تر وضعیت مهاجران افغانستانی ساکن ایران است. فرضیه محوری این مقاله این است که شیوع ویروس کرونا تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد آموزشی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران به‌طور عام و دانشجویان افغانستانی به‌طور خاص گذاشته است، مهمترین تأثیر منفی این اضطراب اجتماعی در تقاطع با ملیت، جنسیت و طبقه، فربه شدن نابرابری‌های آموزشی و جنسیتی در زیست روزمره مهاجران است. از سوی دیگر مهمترین تغییر مثبت ناشی از این وضعیت پاندمیک، مرئی‌شدن[1] حضور مهاجران در سطح افکار عمومی و عرصهٔ سیاستگذاری ایران است که زمینه‌های ادغام ساختاری مهاجران را تا حدی تسهیل نموده است.

۲. روش پژوهش

در این مقاله، به‌منظور به‌دست‌آوردن داده‌های معنامحور و کیفی از تکنیک مردم‌نگاری مجازی (هاین[2]، ۲۰۰۰) با تأکید بر مشاهدهٔ آنلاین استفاده شده است. رویکرد انسان‌شناختی به همه‌گیری کرونا یکی از بهترین روش‌های کمک به سیاستگذار است تا با توجه به بینش‌های نظری خود درخصوص شناخت عوامل فرهنگی بتواند نقش متغیرهای کیفی اثرگذار بر چگونگی بهبود بیماری گروه‌های مختلف در بافت محلی آنها را توضیح دهد. داده‌ها از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته با ۳۱ افغانستانی که تجربه حضور در آموزش عالی ایران را داشته‌اند به دست آمد. سه‌چهارم از این افراد متولد یا بزرگ‌شدهٔ ایران و مابقی ساکن افغانستان و مهاجر تحصیلی بودند. مطلعین با استفاده از نمونه‌گیری گلوله‌برفی و هدفمند انتخاب شده‌اند. ازآنجاکه حجم نمونه در تحقیقات کیفی با سطح اشباع داده‌ها[3] ارتباط دارد و با تکرار مفاهیم و پاسخ‌های به‌دست‌آمده از مطلعین و عدم‌ظهور مفاهیم جدید نمود می‌یابد (کرسول[4]، ۲۰۰۷).

1. visibility
2. Hine
3. data saturation
4. Creswell

همچنین مصاحبهٔ متخصص و پایش فعالیت‌های سازمان‌های ذی‌ربطی چون اداره امور بین‌الملل پنج دانشگاه با بیشترین فراوانی دانشجویان افغانستانی، سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، وزارت بهداشت (مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر و مراکز ۱۶ساعته کرونا[۱])، سفارت افغانستان در تهران، انجمن‌های صنفی دانشجویان افغانستانی و سازمان‌های مردم نهاد به‌منظور ارائهٔ تصویری جامع از روند سیاستگذاری‌ها بعد از شیوع ویروس صورت گرفت. به‌منظور رعایت حداکثر گوناگونی[۲] از هر دو جنس (زن/مرد) و اعضای پنج قومیت بزرگ افغانستان (تاجیک، پشتون، هزاره، اوزبیک و ترکمن) در مصاحبه‌ها استفاده شد.

با توجه به تعطیلی، قرنطینه و فاصله‌گذاری فیزیکی[۳] ناشی از شیوع ویروس کرونا، امکان دسترسی مستقیم به جامعهٔ هدف میسّر نبود و محیط های تعاملی مبتنی بر فضای مجازی به‌عنوان مهمترین بستر رصد داده‌ها بود. فهم تعاملات افراد و کنش‌های ارتباطی آنلاین کاربران در شبکه‌های اجتماعی (از طریق نحوهٔ ارائهٔ نظر به‌وسیلهٔ کامنت یا لایک‌گذاری، رصد هشتگ‌هایی چون «مهربانی مرز ندارد»، «گلشهرگرام» و «مهاجرت جرم نیست» و کمپین‌های شکل‌گرفته همچون «درخانه‌بمانیم»، «ماسک بزنیم» و «مسئول باشیم» و «کمک مؤمنانه») صورت گرفت. با استفاده از تکنیک شبکه‌نگاری (نتنوگرافی) (کزینتس[۴]، ۲۰۱۵) به شبکه‌های مجازی به‌ویژه صفحات خصوصی و عمومی اینستاگرام، تلگرام، گروه‌های واتس‌اپ، مشارکت در فروم‌های متعدد، وبینار، فایل صوتی جلسات سخنرانی آنلاین، استفاده از پادکست‌های تولید شده (با کلیدواژه‌های کرونا، مهاجران و آموزش عالی) اشاره نمود. به‌دلیل وضعیت نیمه‌تعطیل جامعه و عدم‌دسترسی به مدرسه و دانشگاه به‌عنوان بزرگترین میدان تحقیق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته هم به‌صورت تلفنی و هم از طریق پیام‌رسان واتس‌اپ به‌صورت فایل صوتی جمع‌آوری شد. همچنین پنج گروه واتس‌اپی به‌منظور تضارب آراء بین محقق و مطلعین افغانستانی شکل گرفت که کلیه

۱. این مراکز بعد از شیوع ویروس از سوی وزارت بهداشت در سراسر کشور تشکیل شده است و نهادی واسطه‌ای بیمارستان و خانه بهداشت محسوب می‌شوند و صرفاً بیماران مشکوک به کرونا و یا افراد با تست مثبت کرونا را پذیرش می‌کنند.

2. maximum variation of sampling

۳. در روزهای نخستین همه‌گیری کرونا اصطلاح فاصله‌گذاری اجتماعی به وفور استفاده می‌شد که بعد از انتقاد اصحاب علوم اجتماعی سازمان بهداشت جهانی واژه فاصله‌گذاری فیزیکی را جایگزین نمود.

4. Kozinets

اخبار، دستورالعمل‌ها و تجربیات تصویری، مکتوب و صوتی مهاجران افغانستانی در دوران شیوع کرونا توسط اعضاء پوشش داده می‌شد.

در مرحلهٔ بعد، داده‌های به‌دست‌آمده بر مبنای شباهت‌های مفهومی بر اساس سؤالات کدگذاری و مقوله‌بندی شد و از روش تحلیل تماتیک[1] (فلارش و همکاران[2] ۲۰۱۲؛ شریر[3]، ۲۰۱۲) در ارائهٔ تحلیل نهایی استفاده شد. در تحلیل تماتیک داده به‌مثابه معناست و شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی است و محقق با طبقه‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها به الگویابی داده‌ها و کدگذاری صورت گرفته که به استخراج یک سری مفاهیم و الگوهای بنیادین معنایی می‌پردازد. به‌منظور رعایت نمودن اخلاق[4] در پژوهش کیفی کلیه مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه صورت گرفت و حق کناره‌گیری در هر زمان از جریان مشارکت در تحقیق به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید. همچنین به‌منظور حساسیت‌های کار با مهاجران و پناهندگان به‌منظور حفظ گمنامی و محرمانه‌بودن داده‌ها، تمامی فایل‌های صوتی مشارکت‌کنندگان بعد از کدگذاری حذف شد. برای به‌دست‌آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از روش‌های بررسی توسط اعضا، مثلث سازی منابع داده‌ها و بازبینی توسط همکاران پژوهش استفاده شد و برای بررسی پایایی مصاحبه‌ها، از روش پایایی بازآزمون[5] و روش پایایی توافق بین دو کدگذار[6] استفاده شد.

۳. مختصات جامعه هدف

سیاست جذب دانشجوی خارجی به‌عنوان یکی از مهمترین مظاهر بین‌المللی‌سازی[7] و توسعه نهاد آموزش عالی در سال‌های اخیر مورد توجه نهادهای سیاستگذار در جمهوری اسلامی ایران

1. Thematic Analysis
2. Floersch, Longhofer, Kranke, & Townsend
3. Schreier
4. Ethics
5. re-test reliability
6. inter-coder reliability

۷.هم‌راستا با دویت و هانتر (۲۰۱۵) که بین‌المللی‌شدن آموزش عالی را فرایندی عامدانه می‌داند، در این مقاله از واژه بین‌المللی‌سازی استفاده خواهد شد؛ چراکه در نظر گرفتن ابعاد بین‌المللی و تلاش در جهت تقریب بین‌فرهنگی در کارکردها و اهداف آموزش عالی فرایندی است که نیاز به ابتکار عمل، خلاقیت و عاملیت سیاستگذاران و بازیگران اصلی آموزش عالی دارد و از پیش تعیین‌شده نیست.

قرار گرفته است. کشورهای مختلف مـدل‌هـای متنـوعی در سیاسـتگذاری جـذب دانشـجوی خارجی دارند. ایران بعد از انقلاب اسلامی از الگوی فرهنگی تبعیت می‌کند، به‌این‌معنا کـه در سیاستگذاری در جهت جذب دانشجوی خارجی به‌دنبال شناساندن جمهوری اسـلامی ایـران، ترویج اهداف انقلاب اسلامی و معرفی و نشر و توسعه فرهنـگ ایرانی ـاسلامی در کشـورهای هدف (عمدتاً اسلامی و عربی) است. سیاستگذاری آموزش عالی ایران بر کشورهای حوزه نفوذ (محور مقاومت) بوده و همواره پنج کشور افغانستان، عراق، لبنان، یمـن و سـوریه از مهمتـرین ملیت‌های حاضر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران بوده‌اند.

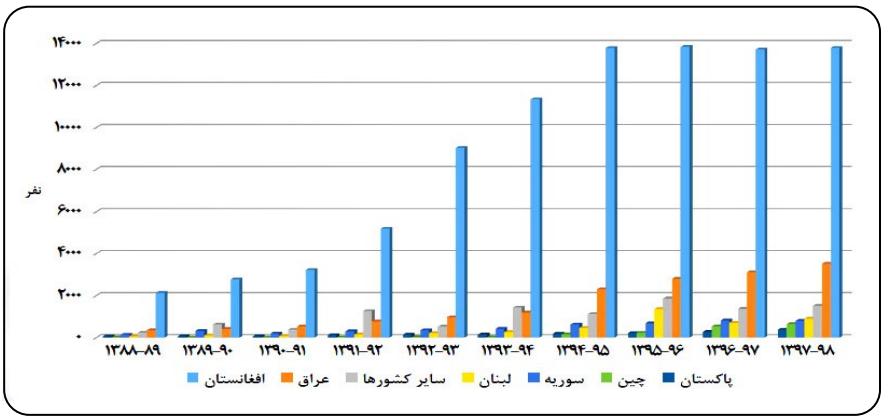

نمودار شماره (۱). تعداد دانشجویان غیرایرانی به تفکیک کشورهایی با بیشترین فراوانی در سال‌های تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ الی ۹۸- ۱۳۹۷

منبع: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی

مهاجرت در جامعهٔ افغانستان تجربه زیسته بسیاری از مردم است به نوعی که ۷۶درصد مردم این کشور تجربه یک‌بار آوارگی را در طول عمر خود داشته‌اند (گـزارش صـلیب سـرخ جهانی[1]، ۲۰۰۹). منازعات داخلی ناشـی از تـنش‌هـای قـومی، مـذهبی و سیاسـی، فقـر، جنگ‌های بین‌المللی، موقعیت جغرافیـایی، شـرایط آب‌وهـوایی صـعب، ظهـور نیروهـای طالبان و داعش و تأثیرات پربسامد تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بر جامعه منجر به

1. ICRC

مهاجرت‌های گسترده بین‌المللی و همچنین آوارگی داخلی میلیون‌ها افغانستانی گردیده است. براساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان ۲/۵۹ میلیون پناهنده ثبت شده افغانستانی در ۹۴ کشور جهان حضور دارند و جمهوری اسلامی ایران در طی چهار دهۀ اخیر با توجه به مجاورت جغرافیایی دسترسی آسان، قرابت مذهبی، زبانی و فرهنگی به‌عنوان یکی از مهمترین کانون‌های جذب مهاجران موقت و دائم افغانستانی در جهان بوده، به‌طوری‌که امروزه با ظهور نسل سوم مهاجران روبه‌رو است.

هر چند از قرن هجدهم میلادی مهاجرت‌های جسته و گریخته اتباع افغانستانی به سمت ایران گزارش شده اما بزرگترین موج جابجایی به سوی مرزهای ایران با شروع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی شکل گرفت. ظهور دولت کمونیستی با اشغال افغانستان توسط شوروی در انتهای دهۀ هشتاد میلادی سبب‌ساز موج گسترده‌ای از مهاجرت به سوی مرزهای شرقی ایران شد که بیشتر با اهداف مذهبی (ترس از دولت کمونیستی برای از بین بردن شعائر اسلامی) و بی‌ثباتی امنیتی و اقتصادی ناشی از جنگ‌های داخلی بود و ایران انقلابی با در پیش گرفتن «سیاست درهای باز» و با تأکید بر آموزه‌های دینی و ایدئولوژیک مبنی بر برادری و دیگرخواهی و رأفت اسلامی و با تبعیت از بیانات رهبر انقلاب مبنی بر «اسلام مرز ندارد» ممانعتی برای ورود مهاجران افغانستانی ایجاد ننمود. هرچند که با پایان پذیرفتن جنگ تحمیلی و عیان‌شدن آسیب‌های اقتصادی و زیرساختی کشور به‌تدریج سیاست‌های کنترل‌گرایانه و تحدیدکننده حضور مهاجران در دستور کار دولت در دهۀ هفتاد شمسی قرار گرفت. براساس این سیاست‌های انقباضی و کاهنده، دسترسی به خدمات و حقوق شهروندی با محوریت بازگشت مهاجران به افغانستان در طول سه دهۀ گذشته ادامه داشته است. از نیمۀ دهۀ هشتاد شمسی به‌تدریج با مشخص‌شدن شکست سیاست‌های بازگشت غیرداوطلبانه، سیاست ساماندهی مهاجران در دستور کار دولت قرار گرفت که با افت‌وخیزهای متعددی همراه بوده است.

اگرچه تخمین حضور این جامعه در ایران از تشتت آماری رنج می‌برد اما براساس جدیدترین گزارش منتشر شده (آبان ۱۳۹۹) بیش از ۸۵۰ هزار نفر از اتباع افغانستانی دارای

کـارت آمـایش[1]، حـدود ۴۵۰ هـزار نفـر نیـز بـا گذرنامـه و بـیش از ۲ میلیـون مهـاجر غیرمتعارف[2] با زیستی غیررسمی در ایران سکونت دارند. طبق اعلام مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشـور حـدود ۵۶۰ هـزار دانش‌آمـوز در مـدارس ایرانـی مشـغول بـه تحصیل هستند. از ایـن تعـداد ۴۷۵ نفـر اتبـاع کشـور افغانسـتان هسـتند و ۱۳۸ هـزار دانش‌آموز فاقد مدرک هویتی (با اجرای دستور مقام رهبری) نیز در مدارس ایران حضـور دارند (سعیدی[3]، ۲۰۲۰). حدود ۶۴ درصد جمعیت مهاجران افغانستانی در هفت استان کشور ساکن می‌باشند. یکی از مهمترین ویژگی‌های جمعیت مهاجران در ایران پراکندگی سکونت افراد در سطح شهرهاسـت درصـورتی‌که براسـاس کنوانسـیون‌هـای بین‌المللـی بسـیاری از کشـورهای میزبـان، مهـاجران را به‌صـورت کنتـرل شـده و ضـابطه‌منـد در مهمان‌شهرها و اردوگاه‌های مرزی اسکان می‌دهند.

مهاجران افغانستانی بـه‌رغم حضـور چهل‌سـاله در ایـران و ظهـور نسـل سـوم خـود، همچنان به‌عنوان «غریبه‌هایی در خانه برادر»، «اتبـاع بیگانـه و خـارجی» و «اضـافه‌بار» تلقی می‌شوند و بافت فرهنگی بسیاری از مناطق ایران همچنان قابلیـت جـذب و تعامـل سازنده را با این جمعیت نـدارد. از ویژگـی‌هـای بـارز جمعیـت مهـاجران سـاکن ایـران، شهرنشینی، پایداری مهاجرتی، پرجمعیت‌بودن خانوار و در نتیجه ظهور نسل دوم و سـوم مهاجران است. تجربهٔ به‌دنیاآمدن و بزرگ‌شدن در ایران مهاجران را در وضعیت مـوقتی و مبهم «افغانستانی تبارهای ساکن ایران» نگه داشته، از حالت اصیل بودن[4] خارج ساخته و به موقعیت «دیگری[5]» وارد می‌کند. این احساس غریبگی چالش مضاعفی برای نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران است؛ چرا کـه سـاختارهای رسـمی و غیررسـمی

۱. سیستم «آمایش پناهندگان جمعی» ساکن در ایران از سال ۱۳۸۲ به راه افتاد و بر اسـاس ایـن طـرح کـارت آمـایش بـه‌عنوان مدرک هویتی اتباع افغانستانی قانونی در ایران در نظر گرفته شد. تاکنون (آبان ۱۳۹۹) پانزده طرح آمایش برگـزار و کـارت افـراد تمدید شده است. هر کارت برای یک سال اعتبار دارد. ثبت‌نام‌کنندگان بالای ۱۸ سال باید برای دریافت کارت کارگری نیز اقدام نمایند و بابت خدمات شهری نیز عوارض پرداخت کنند. یکی از نقاط مثبت طرح همگانی کارت آمایش، الزام طرح غربالگری در حوزه سلامت مهاجرین و پناهندگان است که به‌عنوان پیش‌شرط دریافت کارت آمایش با معرفی‌نامه از دفاتر کفالت، در دفاتر بهداشت انجام می‌گیرد.

2. irregular
3. Saidi
4. authentic
5. other

جامعهٔ میزبان نیز آن‌ها را به‌عنوان غریبه و اضافی دانسته و بنابراین، در هر دو سرزمین مهمان‌های ناخوانده محسوب می‌گردند.

۴. مروری بر ملاحظات نظری

نظریه‌پردازی درخصوص ادغام مهاجران به دهه ۱۹۲۰ میلادی برمی‌گردد (کیویستو، ۲۰۰۵[1]). فرایند گفت‌وگو و ارتباط دیالکتیک بین گروه‌ها و افراد (ناگل[2]، ۲۰۰۹) در بسترهای مختلف مفاهیم گوناگونی را بازتولید می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، در آمریکای شمالی بیشتر از واژهٔ همانندگردی استفاده می‌شود و در تحلیل وضعیت مهاجران در اروپا، واژهٔ ادغام مورد استفاده قرار می‌گیرد (مودود، ۲۰۰۵[3])، که با تعریف این کنش اجتماعی در بافت ایران همخوانی بیشتری دارد. در ادبیات مهاجرت واژهٔ ادغام به‌عنوان توصیف هنجاری تعاملات بشری گاهی با مفاهیم دیگری همچون دربرگیری[4]، پیوستگی[5] و یا همبستگی اجتماعی[6] مترادف تلقی می‌شود. برای ارائهٔ تحلیلی جامع نسبت به وضعیت مهاجران در کشور میزبان باید ادغام را در دو سطح خرد و کلان مورد مداقه قرار داد. پورتز و فرناندز-کلی و هالر (۲۰۰۹) دولت، مهاجران و جامعهٔ میزبان را سه ضلع بنیادین در مثلث قطاعی سازگاری برشمرده‌اند و بر نقش سیاستگذاری دولت تأکید دارند.

اگرچه ادغام مهاجران به‌عنوان یک فرایند اجتماعی است اما در ادبیات مهاجرت ادغام به‌عنوان یک هدف سیاسی مطرح است که در سطح کلان سیاستگذارانه و از سمت دولت میزبان باید عملیاتی شود (لاکرویکس[7]، ۲۰۱۳) و به‌معنای سیاستگذاری دولت میزبان در جهت فشار بر مهاجران در جهت ادغام در فرهنگ و جامعه است. ادغام یک رابطهٔ خطی و یک‌طرفه نیست که تماماً بر عهده تلاش جوامع مهاجر باشد بلکه باز بودن جامعهٔ میزبان

1. Kivisto
2. Nagel
3. Modood
4. inclusion
5. incorporation
6. social cohesion
7. Lacroix

نسبت به حضور اتباع خارجی مهمترین پیش‌نیاز آن است. درخصوص گروه مـورد مطالعـه به نظر می‌رسد فرایند ادغام در سطح خرد در میان مهاجران افغانستانی شـروع شـده اسـت. این درحالی‌است که بعد از چهار دهه حضور میلیـونی ایـن جامعـه، هنـوز سیاسـتگذاری منسجمی در راستای ادغام مهاجرین در سطح کلان صورت نگرفته است. مدل‌های نظـری متعددی درخصوص ادغام مهاجران در تحقیقات بین‌المللی ارائه شده است اما با توجـه بـه مختصات جامعهٔ هدف (مهاجران افغانسـتانی سـاکن ایـران) مـدل اردال و اپـن[1] (۲۰۱۳) به‌صورتی جامع امکان تحلیل می‌دهد.

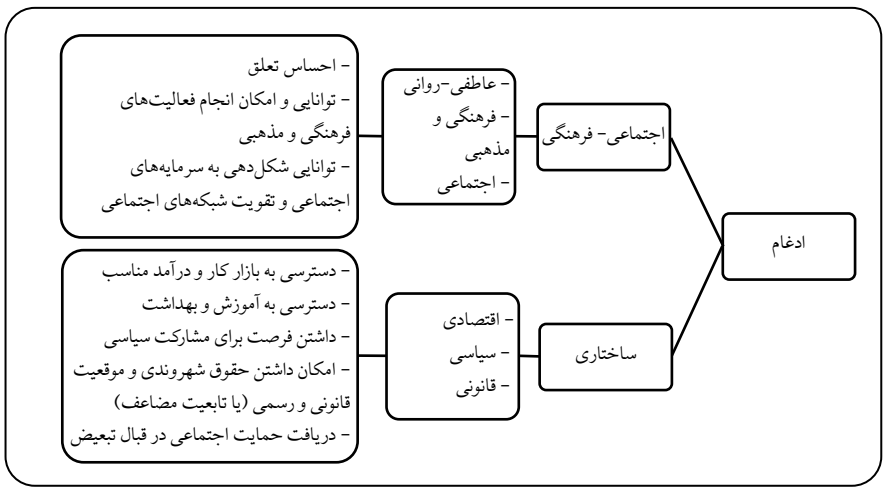

شکل شماره (۱). تقسیم بندی مراحل ادغام مهاجران مدل اردال و اپن

مهمترین تفاوت ادغام ساختاری و ادغام اجتماعی‌ـفرهنگی این است که ادغام سـاختاری کاربردی[2] و قابل‌اندازه‌گیری است و شامل دسترسی به بهداشت و سلامت، دسترسی بـه بـازار کار و آموزش و دسترسی تحصیلی است؛ درحالی‌که ادغام فرهنگی اجتماعی پیچیده‌تر اسـت و عناصر آن به سختی قابل‌اندازه‌گیری است مانند شبکه‌های اجتمـاعی شـکل گرفتـه در میـان

1. Erdal, & Oeppen
2. functional

مهاجران، توانایی مدیریت زندگی روزمره[1] و یا احساس تعلق و عواطف مهاجران به مفهوم خانه. تحقیقات نشان می‌دهند (فرنهام و بچنر[2]، ۱۹۸۶؛ ی[3]، ۲۰۰۵) هر چه مهاجران بین فرهنگ بومی خود با فرهنگ جامعهٔ میزبان تفاوت احساس کنند فرایند انطباق اجتماعی و فرهنگی افراد با سختی بیشتری مواجه می‌شود. این مسئله در میان دانشجویان افغانستانی به‌طورخاص و مهاجران افغانستانی ساکن ایران به‌طورعام یک مثال نقض است؛ چراکه به‌رغم قرابت فرهنگ و مذهبی میان دو فرهنگ، مختصات ذهنی دو گروه فاصله زیادی از هم دارد و انطباق اجتماعی و فرهنگی افراد با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.

اگرچه بری و همکاران[4] (۲۰۰۶) دو ویژگی بنیادین مرحله ادغام را نگهداشت فرهنگ[5] (بومی) و مشارکت[6] در جامعهٔ میزبان می‌دانند و از سوی دیگر بری (۲۰۰۵) اشاره می‌کند که فرایند ادغام باید به‌صورت آزادانه صورت گیرد که صرفاً در حالتی ایجاد می شود که دولت و جامعهٔ میزبان نگاه مثبتی نسبت به تنوع فرهنگی[7] داشته باشند اما عباسی و صادقی (۲۰۱۵) در پژوهشی کمی در میان نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران از میان استراتژی ۴گانه فرهنگ‌پذیری ادغام، انزواطلبی، همانندگردی و جدایی، ادغام را مهمترین الگوی رفتاری مهاجران افغانستانی ساکن ایران دانسته‌اند.

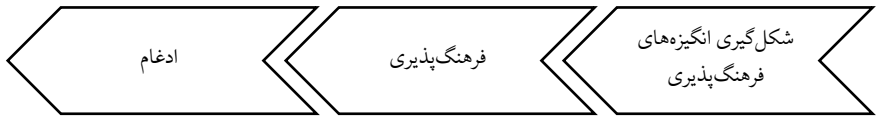

شکل شماره (۲). فرایند ادغام مهاجران در جامعهٔ میزبان

1. managing your everyday life
2. Furnham & Bochner
3. Ye
4. Berry, Phinney, Sam, & Vedder
5. cultural maintenance
6. involvement
7. cultural diversity

این درحالی‌است‌که سعیدی (۲۰۲۰) در پژوهش کیفی خود درخصوص چالش‌های فرهنگ‌پذیری دانشجویان افغانستانی در ایران که داده‌های آن به‌صورت میدانی و از طریق مصاحبه‌های عمیق به دست آمد نشان می‌دهد که دانشجویان افغانستانی به مرحله ادغام (به‌ویژه ادغام اجتماعی و فرهنگی) نرسیده‌اند و در مرحله انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری[1] قرار دارند؛ چراکه از یک‌سو بزرگترین پروبلماتیک آنان وضعیت اقامتی و حق شهروندی[2] در جامعهٔ میزبان است که به شکل‌گیری فاصله فرهنگی بین‌الاذهانی منجر شده و یکی از مهمترین موانع ادغام روانی و عاطفی مهاجران افغانستانی با جامعهٔ ایران است. این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در سطح ادغام ساختاری دسترسی مهاجران به بهداشت و آموزش در سال‌های اخیر تاحدی تسهیل شده است اما ادغام اجتماعی ـفرهنگی مهاجران به‌ویژه در ابعاد روانی‌ـعاطفی با چالش‌های متعددی همراه است.

دنتاکس، وینتر، چاووشی و رایت[3] (۲۰۱۶) مدل جایگزین «انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری» را ارائه کردند که به‌معنای تمایل و کشش درونی[4] افراد به درگیر شدن و ادغام در جامعهٔ میزبان، تمایل به آموختن درخصوص فرهنگ جامعهٔ میزبان، تمایل به شکل‌دهی دوستی با اعضای جامعهٔ میزبان و داشتن کشش نسبت به جست‌وجو و کنکاش درخصوص محیط فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ میزبان است. در واقع، اگر فرهنگ‌پذیری فرایند آموختن درخصوص فرهنگ جدید (جامعهٔ میزبان) باشد، انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری، به «تمایل و احساس نیاز» افراد به درگیر شدن در این فرایند[5] تعریف شده است. یکی از مهمترین شاخص‌های مدل انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری خصلت فردی آن است چرا که انگیزه‌های افراد برای ادغام فرهنگی با جامعهٔ میزبان از فردی به فرد دیگر متفاوت است (چیرکف، ونستینکایت، تائو و لینچ همکاران[6]، ۲۰۰۷).

1. acculturation motivation
2. questions of citizenship
3. Dentakos, Wintre, Chavoshi, & Wright 2016
4. willingness
5. the desire to engage in this process
6. Chirkov, Vansteenkiste, Tao, & Lynch, 2007

هم‌راستا با پژوهش سعیدی (۲۰۲۰) رویکرد نوشتار پیش‌رو این است که موفقیت مرحلهٔ در شکل‌گیری و تقویت «انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری» پیش‌شرط مرحلهٔ ادغام است و به نظر می‌رسد به‌دلیل تجربه سال‌ها محرومیت‌های ساختاری در جامعهٔ ایران، «تمایل و کشش» مهاجران افغانستانی به‌طور کل و دانشجویان افغانستانی به‌طورخاص به فرهنگ‌پذیری با روند کلی[1] جامعهٔ ایران کاهش یافته و یا کلاً از بین می‌رود. براساس یافته‌های میدانی این پژوهش به‌دلیل تمرکز سیاستگذاری‌های دولت ایران در طی چهار دههٔ گذشته با محوریت فشار حداکثری در جهت ترغیب/اجبار مهاجران به بازگشت عملاً افق روشنی برای خروجی‌های افغانستانی آموزش عالی ایران شکل نگرفته و در نتیجه تجربیات پیشادانشگاهی تمایل و انگیزه به فرایند فرهنگ‌پذیری در میان دانشجویان افغانستانی نسبت به سایر دانشجویان خارجی در سطحی پایین قرار دارد. این امر بیشترین تأثیر را بر ادغام اجتماعی-فرهنگی مهاجران به‌ویژه در ابعاد احساس تعلق و تعاملات عاطفی و روانی سازنده با جامعهٔ میزبان می‌گذارد.

۵. تأثیرات بحران کرونا بر زندگی دانشگاهی[2]

مهاجرت نه فقط تحرک جغرافیایی بلکه تجربه‌ای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است و چالش‌های سازگاری با محیط جدید برای بسیاری از افراد فرایندی استرس‌زا خواهد بود (مارتا[3]، ۲۰۰۱؛ بالبو و مارکنی[4]، ۲۰۰۶). صفدر، لی و استروترس[5] (۲۰۰۳) معتقدند زمانی مهاجرت افراد به‌صورتی سازنده به نتایج مقبول و مناسب می انجامد که مهاجر به‌طور همزمان بتواند در این سه عرصه موفق باشد: حفظ و پایبندی به فرهنگ بومی، مشارکت در جامعهٔ میزبان و دستیابی به سلامت جسمی و روانی است. سلامتی جسمی و روانی مهاجران نقش مهمی در احساس رضایتمندی و بهزیستی دارد و

1. mainstream
2. college life
3. Marta
4. Balbo, & Marconi
5. Safdar, Lay, & Struthers

همه‌گیری ویروس کرونا تأثیرات عمیقی بر تمامی عرصه‌های زیست مهاجران به‌ویژه در این حوزه گذاشته داشته است.

تجربه تحصیل در یک کشور دیگر از یک‌سو باعث رشد فردی و مهارت آموزی دانشجویان می‌شود و از سوی دیگر، آنها را با چالش‌های متعددی همچون فشارهای فرهنگ‌پذیری و چالش‌های انطباق با جامعهٔ میزبان مواجه می‌کند. تجربه زندگی دانشگاهی، یادگیری زبان جدید، تفاوت‌های فرهنگی و هنجاری، دورشدن از فرهنگ بومی، ابهام در وضعیت اقتصادی، آشفتگی‌های اجتماعی و مشکلات روانی به‌عنوان استروسورهای فرهنگ‌پذیری (شارکین[1]، ۲۰۰۶؛ لی، کوسکه و سیلز[2]، ۲۰۰۴) با چالش‌های خاص خود همراه است.

حضور در دانشگاه به‌عنوان نقطه عطفی در زندگی یک جوان است که به‌تدریج فرد را از دایرهٔ کوچک‌دامنه خانواده به جهانی وسیع‌تر تحت عنوان دانشگاه وارد می‌کند که این گذار الزامات خود را دارد. این فرایند برای دانشجویان خارجی با چالش‌های مضاعف همراه است. در دانشگاه‌هایی که سهم بالایی از دانشجویان خارجی دارند دوره‌های آموزشی و کلاس‌های مختلفی (به‌صورت انفرادی و یا گروهی) برای دانشجویان برگزار می‌شود که در جهت افزایش مهارت‌های تاب‌آوری، تسهیل انطباق با فرهنگ کشور میزبان، فهم و استروسرهای فرهنگی ـ اجتماعی و نحوهٔ مواجهه با آن است. نحوهٔ مواجهه دانشگاه‌ها بعد از شیوع ویروس ضابطه‌مند نبوده است و اگرچه دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه گیلان، شهید بهشتی، آزاد واحد علوم تحقیقات و بین‌المللی قزوین با ارائه خدمات مشاوره آنلاین، تولید محتوای رسانه‌ای در راستای آگاهی‌بخشی و همدلی ارتباط با دانشجویان، توجه به بهداشت روانی بازیگران دانشگاه (به‌عنوان نمونه برگزاری مراسم ختم آنلاین و دورهمی مجازی ویا دعوت از اساتید به‌منظور ارائهٔ فایل صوتی کوتاه درخصوص کرونا) را ادامه داده‌اند؛ اما اکثر دانشگاه‌های کشور صرفاً ارائهٔ کلاس‌های مجازی را در اولویت قرار داده‌اند. همچنین، در ایام تعطیلی دانشگاه به‌نظر می‌رسد انجمن‌های صنفی دانشجویان

1. Sharkin
2. Lee, Koeske, & Sales

افغانستانی نقش مهمی در اطلاع‌رسانی در حوزه‌های مختلف دانشجویی داشته و با برگزاری جلسات گفت‌وگوی زنده اینستاگرامی (لایو) دغدغه‌های اقامتی و اداری دانشجویان را انعکاس داده‌اند.

تأکید مستمر بر فاصله‌گذاری فیزیکی، قرنطینه و الزام به ماندن‌درخانه، تحدید ارتباطات اجتماعی و مراودات خویشاوندی و دوستانه و از بین رفتن فرصت حضور اجتماعی در مراکز آموزشی (مدرسه و دانشگاه)، مراکز تفریحی (پارک‌های عمومی و مراکز فرهنگی همچون سینما و کافه) و مراکز مذهبی (مساجد و اماکن مقدس) اگرچه در راستای تأمین سلامت جسمی جامعه بوده اما به نظر می‌رسد تأثیرات منفی بر سلامت روان گروه‌های مختلف به‌ویژه دانشجویان خارجی گذاشته است. انطباق روانی و عاطفی دانشجویان خارجی در کیفیت آموزشی افراد تأثیر به‌سزایی دارد و بحران کرونا با تشدید فاصله‌های روانی و اجتماعی فرایند انطباق آکادمیک را به‌ویژه برای دانشجویان غیرایرانی مختل نموده است. پلوشه[1] که برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی‌ارشد از دایکندی به تهران آمده کرونا را یک بدشناسی تمام‌عیار می‌داند که سختی‌های زندگی دانشجویی در یک کشور جدید را دو چندان کرده است:

> از آنجا که دریافت ویزای من با تأخیر انجام شد دیرتر از همکلاس‌هایم ترم را شروع کردم و با قضیه کرونا بین زمین‌وهوا معلق ماند. تمامی ارتباطاتی را که در این چند ماه به‌تدریج شکل دادم گسست و مرزها هم بسته شد. من به سختی خانواده‌ام را راضی کردم که ادامه تحصیل بدهم. برادرم در ورامین در یک کارگاه چرم‌دوزی کار می‌کند و حامی من بوده و هر دو می‌دانیم که اگر به افغانستان برگردم راه بازگشت به دانشگاه قطع خواهد شد. در ایران هم دانشگاه عملاً در زمان تعطیلی کلیه ارتباطش را با دانشجو به چند کلاس آنلاین تقلیل داده و حمایت روانی و عاطفی خاصی انجام نمی‌دهد.

موقعیت بحرانی کرونا با تعطیل‌کردن دانشگاه و فضای عمومی دانشجویان را در خلأ قرار داد و دانشجویان تازه‌وارد یکی از بزرگترین متضررین این پدیده بوده‌اند؛ چراکه سال اول ورود به دانشگاه با چالش‌های زیادی برای دانشجو و خانواده‌اش همراه است. مشکلات زبانی، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه جدید، معاشران جدید و متفاوت،

۱. به‌معنای روشنایی، شعاع آفتاب

نگرانی‌های خانوادگی و مسائل مالی تجربه‌ای آشنا برای بسیاری از دانشجویان خارجی است که در صورت عدم رسیدگی مناسب و به موقع بر کیفیت آموزشی و در نهایت سلامت روان فرد تأثیرات عمیقی می‌گذارد حال آنکه شیوع کرونا با به تعطیلی کشاندن دانشگاه و خوابگاه، حذف شبکه‌های حمایتگر همالان و انجمن‌های صنفی دانشجویی و برنامه‌های فرهنگی در کاهش تعلق آکادمیک تأثیرگذار بوده است.

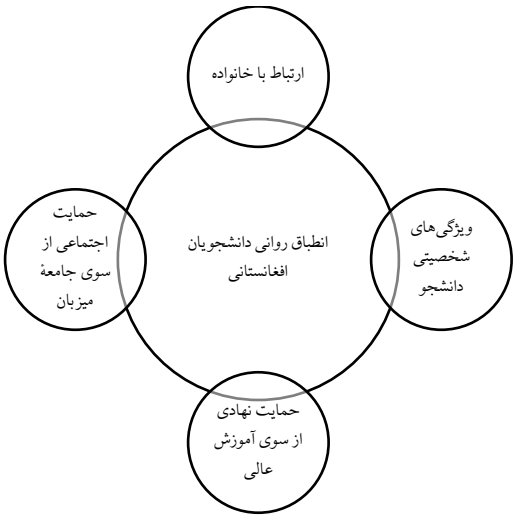

شکل شماره (۳). ابعاد انطباق روانی دانشجویان افغانستانی

براساس مصاحبه‌های صورت‌گرفته ۴ عامل ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی دانشجویان (جنس، سن، سطح سواد والدین، پایگاه اجتماعی خانواده و انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری)، حمایت نهادی که از سوی بازیگران آموزش عالی در کلیه سطوح (اساتید، دانشجویان بومی و کارمندان) منتقل می‌شود (تأثیر تصویر حمایتگرانه و ساختارمند از دانشگاه در انطباق سریع‌تر دانشجویان)، ارتباط با خانواده و شبکه حمایتگر عاطفی به‌ویژه در مورد دانشجویان دوره کارشناسی (ارتباط سازنده والدین با دانشجو، حمایت مالی-عاطفی خانواده از دانشجو، استفاده از شبکه‌های مجازی در ارتباطات روزمره) و همچنین حمایت اجتماعی که از سوی جامعهٔ ایران (مواجهه با رسانه‌های جمعی، گروه

همالان، سایر بدنه اداری کشور و چشم‌انداز بعد از فراغت از تحصیل) بـه دانشـجو منتقـل می‌شود، بر روی فرایند انطباق روانی افراد در دوران دانشجویی تأثیرگذارند. استوری[1] متولد میبد از والدینی اهل گیزاب در ولایت ارزگان افغانستان دانشجوی کارشناسی‌ارشد مکانیک از تجربیات زندگی دانشگاهی در ایام شیوع ویروس کرونا می‌گوید:

> بعـد از ابـلاغ دانشـگاه در اوایـل اسـفند ملـزم بـه تخلیـه خوابگـاه شـدیم. یکسـری از دانشجویان شهریه‌پرداز که از افغانستان به‌صورت آزاد در ایران مشغول به تحصیل هستند و امکان بازگشت نداشتند چند روزی بلاتکلیف بودند که با پیگیری انجمن‌هـای صـنفی دانشجویان مهاجر و همکاری دانشگاه یک خوابگاه را به‌صورت موقت باز کردنـد. البتـه صرفاً یک سرپناه است و تمام هزینه‌های خورد و خوراک با خـود دانشـجویان اسـت. از طرف دیگر، از آنجا که دانشجویان افغانستانی شهریه‌پـرداز هسـتند تعطیلـی دانشـگاه و آنلاین‌شدن کلاس‌ها به ضرر این افراد است چراکه بازدهی خاصی ندارد. برخی رشته‌هـا بیشتر متضرر شدند مثل رشته‌های علوم انسـانی کـه نیازمنـد بحـث دوطرفـه هسـتند یـا رشته‌هایی که آزمایشگاه لازم دارد. به‌عنوان نمونه پایان‌نامه من در مورد انرژی خورشیدی است و تنها چند هفته در سال می‌توانم داده جمع‌آوری کـنم و اگـر مـاه اردیبهشـت را از دست دهم یک سال باید صبر کنم تا شرایط آب‌وهوایی برای آزمایش ایجاد شود و عمـلاً باید دو ترم دیگر شهریه پرداخت کنم. همچنین یکـی از دوسـتانم بـورس(ب) از وزارت علوم گرفته بود که در نامه قرار داد ۴ نیم سال را تحت پوشـش قـرار مـی‌داد و عمـلاً تـرم بهمن ۱۳۹۸ این بورس سوخت و امکان انتقال به ترم بعد میسر نیست.

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش «نگرانی بابت از بین رفـتن بورسـیه تحصـیلی»، «دغدغـه پرداخـت شـهریه»، «نبـود تسـهیلات خوابگـاهی مناسـب و تـداوم پرداخت هزینـه خوابگـاه»، «مواجهـه متفـاوت رشـته‌هـای تحصـیلی نسـبت بـه آمـوزش آنلاین»، «بسته‌شـدن مرزهـای شـرقی»، «نگرانـی از انقضـای ویـزای تحصـیلی»، «نبـود زیرساخت مناسب بهره‌مندی از آموزش آنلاین»، «هزینه‌های تهیـه بسـته‌هـای اینترنتـی» و «تعطیلی مشاغل روزمرد و مشکلات امرار معاش» از جمله مهمترین تبعـات منفـی کرونـا بوده که سلامت روان دانشجویان غیرایرانـی را تحت‌الشـعاع قـرار داده اسـت. دانشـجویان

۱. به‌معنای ستاره

افغانستانی غیر بورسیه (الف[1] و ب[2]) ملزم به پرداخت شهریه می‌باشند. در صورت ثبت‌نام آزاد در دانشگاه شهریه می‌بایست به دلار (نرخ آزاد یا نیمایی) پرداخت شود و در صورت ورود از طریق آزمون کنکور سراسری ۸۰ درصد شهریه دانشجوی شبانه می‌بایست پرداخت شود. این مهم با توجه به عدم امکان دسترسی مناسب به بازار کار رسمی و فرودستی جامعهٔ مهاجر فشار بسیاری بر خانواده افغانستانی ساکن ایران می‌آورد و عدم بهره‌مندی مناسب از آموزش هدررفت هزینه پرداختی قلمداد می‌شود.

۶. بحران کرونا عرصه تشدید نابرابری‌های جنسیتی

دختران افغانستانی در نتیجه فرایند قدرت‌یابی جدید به مرور احساس داشتن نقش و جایگاه[3] در جامعهٔ میزبان نموده و حس ارزشمندی و توانمندی (گرینبرگ و گرینبرگ[4]، ۱۹۸۹) در میان آنها افزایش می‌یابد. این مسئله منجر به تغییر و تحول در هرم قدرت و ساختار سنتی اقتدارگرای افغانستانی می‌گردد. دختران مهاجر افغانستانی با استفاده از فرصت‌های ایجاد شده در محیط شهری جدید، به بازتعریف هویت خود به‌عنوان صرفاً حاملان نقش‌های وابسته و منفعل پرداخته و فرصت‌های جدید باعث قدرت‌یابی زنان به‌عنوان افراد فعال و صاحب‌نقش در جامعه می‌گردد.

افزایش تقاضای اجتماعی، اهمیت‌یافتن آموزش و تسهیل دسترسی به آموزش همگانی، توده‌ای‌شدن آموزش عالی و تغییر میان‌ذهنیت خانواده افغانستانی در افزایش سهم دختران در تحصیلات عالیه مؤثر بوده است. دختران افغانستانی سهم نسبتاً قابل‌قبولی در دانشگاه‌های ایران دارند هرچند که در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از الزام قانونی بر تغییر وضعیت اقامتی دانشجویان (از کارت آمایش به پاسپورت) حضور زنان با ریزش قابل‌توجهی مواجه شده است. براساس جدیدترین آمار در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ از هر

۱. دریافت‌کنندگان بورس (الف) علاوه بر تحصیل رایگان (معاف از پرداخت شهریه تحصیلی)، از تسهیلاتی مانند کمک‌هزینه تحصیلی، بیمه خدمات درمانی، خوابگاه مجردی و کمک‌هزینه مسکن و کمک‌هزینه پایان‌نامه برخوردار هستند.
۲. دریافت‌کنندگان بورس (ب) از تحصیل رایگان (معاف از پرداخت شهریه) و تسهیلاتی مانند بیمه خدمات درمانی و خوابگاه مجردی برخوردار هستند.
3. place
4. Grinberg, & Grinberg

۳ دانشجوی غیرایرانی یک دانشجوی دختر افغانستانی است. این گروه با تعداد ۷۰۳۲ نفر از پسران دانشجوی افغانستانی با رقم ۶۷۶۶ پیشی گرفته‌اند[۱].

اگرچه براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی نرخ مرگ و میر زنان در اثر ویروس کرونا پایین تر از مردان است (مردان ۲/۷درصد در مقابل ۱/۷درصد زنان) اما به نظر می‌رسد تأثیر این موضوع در زیست روزمره افراد توازن جنسیتی مناسبی ندارد. به‌هم‌خوردن تعادل نقش‌های جنسیتی در نهاد خانواده، تعطیلی مدارس و مراکز نگهداری از کودکان و خدمات حمایتی از فرزندان، حضور درازمدت و دائمی اعضای خانواده در فضای خانه، تعطیلی مشاغل روزمزد خدماتی، تشدید فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر زوجین و از بین رفتن شبکه‌های حمایتگر و افزایش مراقبت‌های بهداشتی نهاد خانواده را متأثر ساخته است. این موضوع، از یک‌سو خشونت خانگی را افزایش داده و از سوی دیگر، مواجهه متفاوتی را در میان زنان و مردان دامن زده است. فزونی‌یافتن مسئولیت‌های خانگی در کنار انتقال مسئولیت نگهداری و آموزش فرزندان به درون نهاد خانواده فشار مضاعفی را بر زنان وارد کرده است؛ به‌ویژه در بافت فرهنگ سنتی مهاجران افغانستانی که عمدتاً مدیریت خانه امری زنانه قلمداد می‌شود. موقعیت کرونا به تقویت شکاف جنسیتی در دنیا دامن زده و زنان افغانستانی به‌طور عام و دختران دانشجو به‌طورخاص با تبعیض مضاعف در این مسئله مواجه هستند. در بستر آموزش مجازی و پایین‌تر بودن دسترسی زنان به فناوری‌های نوین ارتباطی این شکاف بعد دیگری نیز به خود می‌گیرد که از آن به شکاف جنسیتی دیجیتال[۲] می‌توان یاد کرد که می‌تواند فقدان دسترسی ذهنی و انگیزشی، فقدان دسترسی مادی و سخت‌افزاری و فقدان دسترسی مهارتی افراد به عرصه فناوری را شامل شود. گلاله[۳] دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل متولد بادغیس به همراه والدینش بعد از حمله شوروی در ۱۹۷۹ به وسیلهٔ قاچاق‌بر از مرزهای شرقی به مشهد آمد (نسل ۱/۵ مهاجر[٤])

---

۱. مراجعه حضوری به بخش آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور (مرداد ۱۳۹۹)

2. gender digital divide

۳. به‌معنای کاکل و موی مجعد و پیچیده

٤. در مطالعات مهاجرت نسل ۱/۵ (1.5 generation immigrant) به کسانی اطلاق می‌شود که در کشور مبدأ به دنیا آمده‌اند اما در سال‌های ابتدایی کودکی مهاجرت کرده‌اند و در هر دو فضا جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند. این گروه با نسل اول و دوم مهاجران تفاوت‌های رفتاری دارند؛ چراکه گرچه همچنان خاطرات کشور مبدأ را با خود حمل می‌کنند اما فرایند جامعه‌پذیری را با ساختار کشور میزبان ادامه می‌دهند. این گروه از مهاجران سریع‌تر و راحت‌تر از نسل اول با جامعه جدید انطباق می‌یابند اما همچنان باید با استانداردهای دوگانه و کلیشه مهاجر اطلاق شدن توسط جامعهٔ میزبان دست‌وپنجه نرم کنند.

و با شوهر ایرانی خود و دو پسرش در خوابگاه متأهلین ساکن است. تبعات تعطیلی دانشگاه و مدرسه در ماه‌های اخیر را نسبت به زنان دانشجو بسیار عمیق دانسته و از به‌حاشیه‌رفتن زندگی حرفه‌ای در مقابل زندگی خانوادگی به‌عنوان مهمترین اثر شیوع ویروس کرونا یاد می‌کند:

> وقتی دانشگاه و مدرسه تعطیل می‌شود اولین کسی که باید مسئولیت‌های بیرون خانه را کنار بگذارد مادر است. این اتفاق در هر بار تعطیلی مدارس تکرار شده و مسئلهٔ جدیدی نیست اما کرونا باعث یک تعطیلی طولانی‌مدت و بی‌افق شده که معلوم نیست چه‌زمانی قرار است پایان پذیرد. بارها پیش آمده که به این نتیجه رسیدم قوانین دانشگاه مردانه نوشته شده‌اند و الان در مورد آموزش آنلاین هم یک نگاه کلی وجود دارد ولی به‌عنوان مادر دو فرزند خردسال در خانه‌ای با متراژ پایین در خوابگاه و عدم امکان فرستادن بچه‌ها به محوطهٔ پارک روبروی خانه به‌دلیل شیوع ویروس شرایط پرچالشی را برای من ایجاد کرده که کلاس‌های مجازی به تجربه‌ای تلخ مبدل شده. ساعت کلاس‌ها بی‌نظم است و انگار صرفاً به زمان‌بندی شخص استاد مربوط است و تو باید شرایط خانه را هر لحظه‌ای که استاد تمایل داشت تنظیم کنی که با بچه کوچک عملاً مقدور نیست. در یکی از کلاس‌های آنلاین من ۱۰دقیقه با تأخیر متصل شدم و استاد با حالتی بسیار توهین‌آمیز من را از گروه حذف و پیام داد که درس را حذف کنم. انگار بعد از کرونا آدم‌ها شبیه به ربات‌های بی‌روح شدند و همدلی و درک شرایط مخاطب کم شده. انگار این فاصله‌گذاری فیزیکی باعث فاصله‌گذاری قلب‌ها و دل‌ها هم شده است. دسترسی به کتابخانه و منابع دانشگاه هم تعطیل شده و از خانه خواندن و نوشتن هم بسیار سخت. به نظرم زنان دانشجو بیشترین ضربه را از این تعطیلی طولانی مدت می‌خورند چون در خانه همواره تو یک مادر هستی و مهم نیست که بیرون از خانه به چه مسئولیت‌هایی متعهدی.

مفهوم «روز دوگانه» (برتل[1]، ۲۰۱۶) به این امر اشاره دارد که زنان در طی روز و بعد از اتمام کار موظف در خارج از خانه می‌بایست به انجام کار خانگی مبادرت ورزند که در واقع حجم انرژی و زمان بیشتری را در قیاس با مردان به خود اختصای می‌دهد که در فرایند کاریابی و رشد حرفه‌ای لزوماً لحاظ نمی‌گردد. دانشگاه‌ها می‌توانند ابزار تقویت‌کننده نابرابری جنسیتی و تشدید فاصلهٔ جنسیتی باشند. نابرابری جنسیتی نشان‌دهندهٔ یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکانات جامعه است که ریشه در ساختار

1. Brettel

زندگی اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دارد. به نظر می‌رسد موقعیت پاندمیک کرونا به تقویت نابرابری‌های جنسیتی به‌ویژه در فرایند آموزش مجازی منجر شده است.

۷. بحران کرونا عرصه آزمون عدالت آموزشی

بعد از دستور ستاد ملّی مقابله با کرونا از اسفند ماه مدارس و دانشگاه‌ها در کلیه استان‌های کشور تعطیل و به‌تدریج آموزش مجازی به‌عنوان بستر جایگزین برای ارائه مواد آموزشی در سطح جامعه مطرح گردید. موقعیت کرونا بستر مهمی بود که با توجه به دسترسی‌های نابرابر به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بحث شکاف دیجیتال[1] را در سطح ملّی بازنمایی نمود. به نظر می‌رسد آموزش مجازی به‌دلیل پیش‌نیازهایی که دارد کالایی لوکس بوده که طبقه فرودست دسترسی مناسبی به آن ندارد. آموزش مجازی به‌عنوان برساختی اجتماعی در معنای بوردیویی میدانی است که نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی را بازنمایی می‌کند.

تحمیل آموزش مجازی و الکترونیک به همه ذینفعان به برجسته‌تر شدن نابرابری‌های طبقاتی در جامعه انجامید؛ چراکه لزوماً دسترسی در عرصه دیجیتال در سطح ملّی برابر نیست و می‌توان از آن به خشونت نمادین[2] در عرصه آموزش یاد کرد. به تعبیر بوردیو خشونت نمادین زمانی تقویت می‌شود که گروه‌های فرادست و مسلط شرایط خود را به‌عنوان شکل ایدئال عمل، پذیرفته و با مکانسیم‌های مختلف به مشروعیت‌بخشی و تقویت تفاوت‌های اجتماعی و نابرابری‌های موجود در جامعه می‌پردازند. مفهوم خشونت نمادین به‌خوبی بهره‌مندی طبقه فرادست را از سازوکارهای فرهنگی و تبلیغاتی در بازتولید سلطه نشان می‌دهد. مدرسه و دانشگاه میدانی است که سرمایهٔ فرهنگی افراد را بازنمایی می‌کند و در موارد زیادی نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی را تقویت می‌کند.

پیش‌فرض نهاد آموزش مجازی بر خانواده طبقه متوسطی استوار است که احیاناً والدین باسوادی برای نظارت و حداقلی از رفاه برای تأمین زیرساخت فنّاورانه مهمترین شاخص آن است و هرکس در این قالب نگنجد صدمه خواهد دید. دانش‌آموزان شاغل در مدارس خودگردان، مدارس دولتی در مناطق حاشیه‌ای، مدارس تحت پوشش سازمان‌های

1. digital divide
2. symbolic violence

غیردولتی و خیریه‌ها و همچنین دانشجویان کم‌توان مالی از مهمترین گروه‌های آسیب‌دیده و مغفول در عرصه آموزش مجازی در دوران بحران کرونا هستند که ارتباط نظام آموزش با آنها به‌نوعی قطع شده است. شاه‌جهان از مادری ایرانی و پدری اهل پلخمری در ولایت بغلان افغانستان در هرمزگان متولد شده و دانشجوی دکتری در یکی از دانشگاه‌های تهران است. دو پسر شاه‌جهان در یکی از روستاهای خراسان جنوبی زندگی کرده و محصل هستند. او با بیان اینکه «تعطیل‌شدن آموزش معنایی متفاوت برای یک شهرنشین و روستانشین دارد» آموزش مجازی را «سرگرمی بچه پولدارها» می‌خواند:

> وقتی دانشگاه تعطیل شد من به شهرستان برگشتم. پسر کلاس‌پنجمی من در یک مدرسه دولتی مشغول به تحصیل است. عملاً بعد از تعطیلی ناشی از کرونا گویی فارغ‌التحصیل شده و هیچ‌گونه نظارت و پیگیری از مدرسه وجود ندارد. درحالی‌که دانشگاه به ما فشار می‌آورد که کلاس‌های مجازی را حتماً به‌صورت جدی شرکت کنیم. این دو ماه من شاهد تفاوت بسیار فاحشی بین زندگی شهری و روستایی شده‌ام. انگار اساتید از پشت کامپیوتر در یک دنیای دیگری زندگی می‌کنند. دنیایی که حداقلی از رفاه را باید داشته باشی تا شهروندش شوی. باز من شانس آورده‌ام که تلفن هوشمند و یک اینترنت نیم‌بند دارم پسرعمویم در روستایی زندگی می‌کند که حتی خط تلفن هم ندارد ولی زیر فشار دانشگاه و اساتید برای شرکت در کلاس‌های آنلاین است. به‌صورت غیرمستقیم حسی از تحقیر در آدم ایجاد می‌شود، وقتی گوشی هوشمندی نداشته باشی یا توان خرید بسته‌های اینترنتی را در مقابل اساتید و سایر دانشجویان معذبی.

بحران کرونا در بستر آموزش‌وپرورش و آموزش عالی به شکلی عریان خشونت نمادین را بازنمایی می‌کند. دسترسی نابرابر دانش‌آموزان و دانشجویان به زیرساخت‌های ارتباطی از جمله تلفن هوشمند، مسئلهٔ سواد دیجیتال خانواده، پهنای باند اینترنت و رفاه اقتصادی نسبی در جهت خرید متناوب بسته‌های حجمی اینترنت در وضعیت نامتوازنی در سطح ملّی است. تبلیغات گسترده در سطح عمومی به‌ویژه از کانال رسانه‌های جمعی درخصوص الزام و فواید آموزش مجازی در قالب کنترل فرهنگ در جهت عادی سازی نظام طبقاتی عمل می‌کند و در این عرصه مهاجران افغانستانی به‌عنوان یکی ازگروه‌های فرودست و در حاشیه مانده صدایی نخواهند داشت. از سوی دیگر، براساس مصاحبه‌های صورت‌گرفته

دسترسی دانشجویان افغانستانی که به کشور مبدأ بازگشته‌اند نیز با توجه به اختلال گسترده در شبکه برق و اینترنت (قطعی و کندی اتصال) در ولایات مختلف این کشور به کلاس‌های مجازی با مشکلات زیادی مواجه بوده است.

مشکلات دانشجویان در انطباق آموزشی بر روند فرهنگ‌پذیری افراد تأثیر مستقیم می‌گذارد (جو و فوکادا[1]، ۱۹۹۶). اگر دانشجویان نتوانند بر مشکلات آموزشی خود فائق آیند به‌تدریج به کاهش سطح اعتمادبه‌نفس آنها در مواجهه با محیط جدید می‌انجامد و بر فرایند ادغام آنها تأثیر منفی می‌گذارد. وسیمه[2] متولد شبرغان در ولایت جوزجان افغانستان، دانشجوی دوره کارشناسی رشته کامپیوتر در تهران از تجربه تحصیلی خود در ایران می‌گوید:

> سر کلاس آنلاین اساتید به سرعت درس می‌دهند و خیلی به این توجه نمی‌کنند که آیا مخاطب متوجه مفاهیم شده است یا خیر. یک اشتباهی هم وجود دارد درخصوص دانشجویان افغانستانی که بعضاً تصور می‌کنند که زبانشان درست شبیه ایرانی‌هاست و در نتیجه نیازی به حمایت مضاعف ندارد. کاری که برای سایر دانشجویان خارجی انجام می‌شود. من بارها پیش آمده که در کلاس موضوعی را متوجه نشدم ولی به خاطر لهجه و ترس از مورد تمسخر واقع‌شدن نپرسیدم و همین‌طور این عدم درک دقیق مطالب روی هم انباشته شد و من یک ترم مشروط شدم. این ترس از قضاوت‌شدن در دوران آموزش مجازی تشدید شده است چون در فضای آنلاین فرصت محدودی برای تعامل با استاد وجود دارد و ترجیح می‌دهم وارد این جریان نشوم. این دو ماه تعطیلی دانشگاه به نظر می‌رسد نظارتی روی کار اساتید نیست، کیفیت کلاس‌های آنلاین بیشتر به تعهد و اخلاق‌مداری استاد بستگی دارد، یک استاد کلاس‌ها را منظم و دقیق با اسلاید و صدا و تصویر و زمان رفع اشکال ارائه می‌کند یک استاد هم داریم که دو هفته یک بار جمعه غروب هفت تا هشت تا فایل صوتی در واتس‌اپ می‌گذارد و دروس رشته مهندسی برق را به‌صورت شفاهی تدریس می‌کند. دغدغه مسئولین دانشگاه هم صرفاً برگزاری کلاس‌های مجازی است و نظارتی بر کیفیت کلاس‌ها ندارند.

تجربه حضور در محیط جدید با زبانی متفاوت به‌عنوان یکی از مهمترین محرک‌های تنش‌زا در دانشجویان بین‌المللی مطرح می‌باشد.

---

1. Jou, & Fukada

۲. به‌معنای زن زیبای نیک‌روی

چن[1] (۱۹۹۹) اضطراب زبان دانشگاهی و زبان روزمره و ضعف فرد در تلفیق با سایر عوامل تنش‌زا می‌تواند به کاهش بازدهی فرد و حاشیه‌نشینی او بیانجامد. اگرچه دانشجویان افغانستانی بیشترین قرابت زبانی را با جامعهٔ میزبان دارند اما به‌دلیل انگاره‌های ذهنی[2] متصلب موجود در میان‌ذهنیت ایرانی نسبت به «افغانی بودگی» (صادقی فسائی و نظری، ۲۰۱۷) مقوله «لهجه و ویژگی‌های بصری به‌عنوان عامل دیگری‌ساز و مولّد احساس تبعیض» نقش مهمی در کاهش راندمان آموزشی دانشجویان افغانستانی دارد. تأکید بر فاصله‌گذاری فیزیکی و قطع ارتباط مستقیم و دوسویه با اساتید، دانشجویان (همزبان و غیرهمزبان) در دوران تعطیلی دانشگاه در دوران اخیر از مهمترین عوامل کاهش بازدهی آموزشی و سلامت روانی دانشجویان خارجی است. همچنین «نبود نظارت بر کیفیت آموزش مجازی» در بسیاری از مصاحبه‌ها مطرح شد. به نظر می‌رسد با توجه به جدید بودن تجربه آموزش مجازی برای نهاد آموزش در ایران نظام مدرسه و دانشگاه ایران هنوز آمادگی لازم را برای این مواجهه نداشته و در هفته‌های اولیه این رویارویی تمرکز بر کمیت ارائه مطالب (در قالب فشار به اساتید و معلمان برای برگزار کردن کلاس‌های مجازی) بوده و کنترلی بر کیفیت مطالب ارائه شده و نحوهٔ تعامل دانش‌آموزان/دانشجویان با مدرسین وجود ندارد که به‌منظور افزایش بهره‌وری در حوزهٔ آموزش آنلاین به‌عنوان محصولی اجتماعی توجه به این مهم ضروریست.

۸. حضور ناتمام مهاجران: بحران کرونا بستر مرئی‌شدن هویت‌های سایه‌ای

هویت و تعریف از خود بر ارزش‌ها، باورها، ترجیحات فردی، قومی و ملّی افراد تأثیرات مستقیمی می‌گذارد. ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و محیط پیرامونی در بازتعریف عناصر سازنده هویت افراد نقش کلیدی دارد. پروبلماتیک هویت در میان مهاجران توسط بسیاری از محققین کاویده شده است و هویت‌های جدید از بستر همین تفاوت‌ها شکل می‌گیرد (هال[3]، ۲۰۱۷؛ هرست[4]، ۲۰۱۸). دانشجویان خارجی هویت بومی خود را در وضعیتی

1. Chen
2. schema
3. Hall
4. Horst

بین بخشی[1] با ارزش‌ها و هنجارهای جامعهٔ میزبان در ارتباطی دائمی احساس می‌کنند که به بازتعریف هویت فرد خواهد انجامید. در نتیجه، نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران در ملغمه‌ای از ابهام، هم خود را با والدین (نسل اول مهاجران) متفاوت می‌دانند، هم در جامعهٔ افغانستان احساس متفاوت و غریبگی دارند و هم در مواجهه با همالان ایرانی مرزبندی‌های غیررسمی را احساس می‌کنند در نتیجه، هویتی جدید با مختصات نوآوارنه‌ای را در پرتو الگوهای جهانی شکل می‌دهند. «تعلق موقعیتی[2]» (بروکت[3]، ۲۰۱۸) بدین‌معناست که نسل جدید مهاجران در میان دیگری انگاشته‌شدن‌های متعدد هویتی با مختصات بدیع بر اساس موقعیت‌های متنوع شکل می‌دهند. پشتون گل از مادر ایرانی و پدر اهل انار دره در ولایت فراه افغانستان، در گرمسار متولد و در سال ۱۳۹۶ از دانشگاه تربیت‌مدرس در یکی از رشته‌های فنی‌مهندسی در مقطع دکتری فارغ‌التحصیل شده است. از نظر او مهاجر بودن در ایران یعنی «نامرئی‌بودن و جدی گرفته‌نشدن در معادلات روزمره»:

> برای دستیابی به برخی اهداف برای مهاجران، یک مرز نامرئی توسط جامعه از قبل کشیده شده و تو تقریباً مطمئنی هرچقدر هم تلاش کنی به اون آرزو یا خیال نخواهی رسید. حتی نمی‌توانم به‌صورت حق‌التدریس هم در جایی مشغول شوم. چند سال پیش یکی از اساتیدم که می‌دانست چقدر عاشق تدریس هستم در دانشگاه علمی-کاربردی با مدیر گروه یکی از واحدها صحبت کرد که ۲ واحد درس را در یک ترم تدریس کنم ولی وقتی که خواستم برای درس ثبت‌نام کنم برای ورود به سامانه کد ملّی لازم بود و کارشناس وقتی فهمید افغانستانی هستم با یک لحن بسیار تحقیرآمیزی ممانعت کرد. من با یک زن ۴۰ ساله ایرانی فرقی ندارم. هر دو در این خاک به دنیا آمدیم و در یک سیستم مدرسه رفتیم و از یک رسانه ارتزاق کردیم. ولی از منظر سیاستمداران من همچنان یک خارجی هستم حتی بعد از ۴ دهه زیستن در این کشور بدون کوچک‌ترین خاطره و احساسی آشنا به دیار افغانستان. باید این قضیه ابتدا حل شود. مسئلهٔ خارجی‌بودگی مهمترین درد است بیش از چهل سال خارجی محسوب شوی.

1. intersectional
2. positioned belonging
3. Brocket

واژه ادغام ارتباط تنگاتنگ و وثیقی دارد با وضعیت اقامتی[1] مهاجران (اردال و اپن، ۲۰۱۳) و ادغام اجتماعی-فرهنگی نیازمند آمادگی میان‌ذهنیت مهاجران و اعضای جامعهٔ میزبان است. بابا[2] (۲۰۰۴) حس بی‌خانمانی و معلق‌بودن مهاجران را در قالب مفهوم «حضور ناتمام» تعریف می‌کند. نسل دوم و سوم مهاجران ملغمه‌ای از تجربیات متفاوت و چالش‌های چندگانه‌ای از سردرگمی بین فراملی‌گرایی، همانندسازی، دیاسپورا و تجربه تحقیرهای نژادی در زندگی‌شان است. همانطور که نیبز و برتل[3] (۲۰۱۶) ازآن به زیستن در دنیاهای چندگانه[4] یاد می‌کنند. سیه‌مو دانشجوی کارشناسی فلسفه متولد کاشان از والدین متولد مشهدی است که بعد از ۲۷ سال زیست غیررسمی به تازگی پاسپورت افغانستانی دریافت کرده‌اند. تجربه کرونا را عامل مهمی در عریان‌کردن غریبه پنداشته‌شدن مهاجران می‌داند:

> بعد از تعطیلی دانشگاه و شیوع کرونا مجدداً وارد واقعیت مهاجربودگی می‌شوی. هرجا بروی باید شماره ملّی داشته باشی. مثلاً وزارت بهداشت برای غربالگری کرونا اپلیکیشن گذاشته ولی برای ورود اول باید کد ملّی را وارد کنی. برای آب خوردن در این کشور کد ملّی می‌خواهند که جمعیت بسیار بزرگی از مهاجران کد هویتی دقیقی ندارند. حتی وقتی به بیمارستان می‌رویم هم در سامانه سیب[5] به‌عنوان مهمان وارد می‌شویم چون کد ملّی نداریم. دائم می‌گویند در خانه بمانید ولی وقتی می‌خواهی بلیط آنلاین بخری باید کد ملّی داشته باشی. وام مساعده ۱ میلیونی می‌دهند ولی ما مهاجران به‌عنوان اقشار ضعیف جامعه از آن بهره‌ای نداریم. مشکل مهمی که به‌ویژه در هفته‌های اول شیوع کرونا ایجاد شد قبول نکردن پول نقد توسط بانک و مغازه‌ها بود و این مسئله سختی‌های بسیاری برای مهاجران ایجاد کرد چراکه اکثرا کارت بانکی ندارند و برای خرید مایحتاج زندگی مشکل پیدا کردند. بعد از فعال‌شدن رمز پویا باز هم مشکلات ما بیشتر شد چون در خیلی از موارد ایرانی‌ها کارت بانکی خودشان را به ما اجاره می‌دادند و در ازای آن ماهانه پول می‌گرفتند ولی رمز پویا به شماره موبایل صاحب‌حساب پیامک می‌شود و آمار سرقت بالا رفته است. البته در چند هفته اخیر خیرین مهاجر به‌صورت خودجوش

1. legal status
2. Bhabha
3. Nibbs, & Brettell
4. multiple worlds

۵. سیستم یکپارچه بهداشت

کمپین‌های متعدد به‌منظور توزیع سبد کالا در میان مهاجران افغانستانی به‌ویژه در اصفهان، تهران و کرمان یا کمپین سفیدپوشان بدون‌مرز[1] انجام داده‌اند. ولی بعد از گذشت شش هفته به‌وضوح تغییرات خوبی در راستای رسیدگی به وضعیت مهاجران صورت گرفت. مثلاً ویزای دانشجویی تا ۳۱ خرداد به‌صورت خودکار تمدید شد و مسئلهٔ رفت‌وآمد مرزی اتباع تسهیل شد. انگار بالاخره دولتمردان ایران ما را دیدند، تسهیلات خوبی در جهت دسترسی به مدرسه شاد لحاظ شد، خبر دستور رییس‌جمهور برای درمان رایگان مهاجران از فروردین یک احساس بسیار مثبتی در دل مهاجران ایجاد کرد و امینت روانی ایجاد نمود هرچند که در برخی بیمارستان‌ها مثلاً در قرچک ورامین کادر درمانی سلیقه‌ای برخورد می‌کرد و اتباع افغانستانی را راه نمی‌دادند یا پول می‌گرفتند. بالاخره اگر من افغانستانی کرونا بگیرم به‌همان اندازه ناقل ویروس هستم که همسایه ایرانی‌ام. پس شیوع این بیماری ملیت و رنگ و نژاد نمی‌شناسد. انگار حضور میلیونی ما مهاجران شبیه سیلی است که بالاخره دارد خودش را نشان می‌دهد و جامعه و دولت را متوجه خود می‌کند.

مقابله با ویروس کرونا به‌عنوان دشمن مشترک به تقویت احساسات ملی‌گرایانه دامن زد و رسانه‌های جمعی بسیج افکار عمومی را در جهت مقابله با عامل بیگانه‌ای که زیست روزمره ملت را مختل کرده نقش پررنگی در تقویت همبستگی اجتماعی در سطح جامعه داشتند. شیوع ویروس کرونا دولت را به سمت ارائه بسته‌های حمایتی کرد (همچون وام نقدی ۱ میلیون تومانی به اتباع ایرانی)؛ اما همچنان جامعه مهاجران در زمرهٔ بی‌بهره‌گان قرار دارند و حتی حمایت سازمان‌های مردم نهاد نیز با دشواری‌های فراوان مواجه شده است[2]. به نظر می‌رسد موقعیت بحرانی کرونا در تقاطع با ملیت به تقویت انگاره ذهنی مهاجرستیزی و تشدید محرومیت‌های ساختاری مهاجران افغانستانی ساکن ایران منجر شده است.

علاوه بر سیاست‌های انقباضی دولت در قبال مهاجران به‌ویژه بعد از دهه ۷۰ شمسی و تمرکز بر سیاست بازگشت و ساماندهی اتباع خارجی باید به نقش تحریم‌های بین‌المللی و

۱.اشاره به خدمت داوطلبانه دانشجویان علوم پزشکی افغانستانی در بیمارستان‌های ایران در بخش بیماری کرونا

۲. به موجب بند (ح) تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۲۹ قانون برنامهٔ ششم توسعه از جمله نهادهای عمومی غیردولتی و بنیادها که به هر شکل از اقشار آسیب‌پذیر حمایت می‌کنند مکلف هستند تمامی حمایت‌ها و کمک‌های خود را به تفکیک کد ملّی فرد دریافت‌کننده حمایت در سامانه وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی ثبت نمایند.

فشارهای اقتصادی بر دولت، که بر کوچک‌تر شدن سبد معیشتی جامعه تأثیر مستقیم داشته است، تأکید نمود. به نظر می‌رسد مهاجران افغانستانی ساکن ایران که طی سال‌های اخیر متعلق به دهک پایین جامعه بوده و عموماً معاش خود را به‌صورت روزمرد می‌گذرانند با تبعیض مضاعفی مواجه شدند که به تقویت فرودستی و نابربرای اجتماعی آنان انجامیده است. عدم بهره‌مندی از بیمه بیکاری و بازنشستگی و یارانه، محرومیت از تحصیل رایگان و نداشتن حق مالکیت و محدودیت استفاده از کارت بانکی و خدمات الکترونیک بانکی[1] منجر به شکل‌گیری جمعیتی فرودست شده که در وضعیت اضطراری ناشی از این بحران متحمل فشارهای بیشتری می‌شوند.

به‌رغم چالش‌های درازمدت زیست مهاجرانه در ایران، که به مواردی از آن اشاره شد، نتیجه بررسی میدانی پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد که شیوع ویروس کرونا موقعیت متفاوتی را برای این جامعهٔ درحاشیه‌مانده به‌وجود آورده است؛ شیوع ویروسی همه‌گیر به‌عنوان شکلی از وضعیت اضطراری، با پررنگ کردن مفهوم «هم‌سرنوشتی»، دستگاه سیاستگذار را متوجه این موضوع کرده که همه اعضای جامعه در یک قایق سوار هستند و مغفول گذاشتن بخشی از جمعیت کشور با هویت خاموش[2] به‌معنای گسترش مخاطرات ملّی و پتانسیل تهدید خواهد بود و در نتیجه، با مرئی‌کردن حضور میلیونی مهاجران به‌صورت محدود و قطاعی فرایند ادغام ساختاری مهاجران را تسریع نموده است. فشار افکار عمومی بر وزارت آموزش‌وپرورش و تغییر در سامانه اپلیکیشن شاد و قرار گرفتن گزینه جدیدی برای وارد کردن کد سناد[3]، ارائه خدمات رایگان بهداشتی و پزشکی به اتباع خارجی[4]، تسهیل مقررات اقامتی دانشجویان و اصلاح آئین‌نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع خارجه (خرداد ۱۳۹۹)، تمدید خودکار کارت هویتی مهاجران، تمدید پروانه

۱. به‌ویژه بعد از خروج ایران از کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) بانک‌های مختلف کارت بانکی اتباع را تمدید نکرده و در دسترسی‌های بانکی مهاجران اختلال زیادی ایجاد شده است و با الزام بانک‌ها به فعال‌کردن رمز پویا مشکلات اتباع افغانستانی دو چندان شده است.

2. silenced identity

۳. شناسه دانش‌آموزان اتباع خارجی

٤. همراستا با ارائه خدمات رایگان جامع درخصوص بیماری‌های همه‌گیر همچون سل، مالاریا و ایدز بدون توجه به وضعیت اقامتی مراجعه‌کننده (مصاحبه متخصصان، وزارت بهداشت، مرداد ۱۳۹۹).

کار مهاجران توسط اداره اشتغال اتباع خارجی وزارت کار، همکاری دانشگاه‌ها در برگزاری جلسات تجدیدنظر درخصوص اعمال تغییرات در شهریه‌های دریافتی از دانشجویان و تصویب آئین‌نامه اجرایی مربوط به پوشش بیمه سلامت[1] برای اتباع غیرایرانی با وضعیت اقامت قانونی در کشور (تیر ۱۳۹۹) از جمله مهمترین تغییرات سیاستی دولت ایران در زمان شیوع ویروس کرونا در قبال جامعه مهاجران بوده است. این تغییرات جزئی، ارزش نمادین دارد که مرئی‌شدن حضور جامعه مهاجران و قرار گرفتن روی میز سیاستگذار از مهمترین پیامدهای این موضوع است.

۹. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد این چالش نوظهور با محوریت سلامت عمومی حمکرانی جهانی را با عدم آمادگی و نوعی درماندگی کارکردی مواجه ساخته است و با برجسته کردن رئالیسم سیاسی با تمرکز قدرت سیاسی به‌منظور بسیج منابع ملّی در جهت کنترل بحران کرونا به فربه‌شدن ملّی‌گرایی و خوداتکایی ملّی در مقابل جهانی‌شدن، کاهش دموکراسی و آزادی در شهر، تحدید فعالیت‌های فراملّی‌گرایانه، کاهش قدرت دیاسپورا، پررنگ‌شدن مرزهای جغرافیایی، زیر سؤال رفتن وابستگی متقابل بین‌المللی و اقتصاد بازار آزاد و بیش‌پزشکی‌شدن جامعه شده است. بدون شک تدوین بسته سیاستی مناسب در این حوزه نیازمند اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای و رایزنی با اصحاب دانش در حوزه‌های مختلف دانش است و عالمان رشته انسان‌شناسی با توجه به شناخت عمیق و دست اول از بافت مهاجران نقش مهمی در تدوین سیاستگذاری‌های جامع دارند. رویکرد انسان‌شناختی به موقعیت کرونا به‌دنبال نشان دادن سازوکارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در فهم چگونگی انتقال بیماری‌هاست. باید گفت صرف شیوع یک ویروس نیست که بر زیست میلیون‌ها انسان اثر گذاشته است، بلکه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در سایهٔ این ویروس تغییر کرده‌اند تأثیرات گسترده‌تری بر سلامت فردی و گروهی جوامع دارند.

۱. در مورد مهاجران آسیب‌پذیر، دولت ۵۰درصد حق بیمه را پرداخت می‌نماید و مابقی با توسط خود افراد و یا توسط سازمان‌های بین‌المللی پرداخت می‌شود.

به‌واقع ویروس کرونا را می‌توان متعلق به طبقه فرادست و متوسط دانست که در جدالی شبانه‌روزی در خانه مانده و رعایت بهداشت و ضدعفونی کردن دائمی را سرلوحه خود قرار داده و به‌دنبال به‌تعویق انداختن بیماری و مرگ است و طبقه فرودست همچنان در حاشیه ماندگان و فاقدین صدا هستند. این نوشتار به‌دنبال صدابخشی به مهاجران به‌عنوان گروهی از اعضای جامعه بود که با قرابت زبانی، فرهنگی و مذهبی در زیستی شهری و درازمدت بیش از چهار دهه‌ای خود سرمایهٔ انسانی بالایی یافته‌اند. سرازیرشدن جمعیت مهاجران به بافت شهری در طی ۴ دهه گذشته ریشهٔ بسیاری از چالش‌های دولت ایران در امر سیاستگذاری مهاجرتی است چراکه امکان رصد، پایش و تدوین سیاست‌های مناسب را از مجریان سلب کرده و امکان کنترل اجتماعی و امنیتی را با چالش مواجه کرده است. جمعیت میلیونی مهاجران افغانستانی که تجربه زیست شهری داشته (۹۷ درصد ساکن در شهر و تنها ۳ درصد در ۲۱ اردوگاه تحت نظارت وزارت کشور)، دارای ساختاری جوان (۶۷ درصد زیر ۳۰ سال) و تحصیل‌کرده (۶۲ درصد باسواد) بوده و در سن باروری، ازدواج و کار می‌باشند. نسل دوم و سوم این جمعیت در بافتی کاملاً ایرانی فرایند جامعه‌پذیری را تجربه نموده است. این دو نسل دارای تجربه‌های مشترک بسیاری با گروه همالان ایرانی هستند که در صورت مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری هوشمندانه پتانسیل فراوانی در نقش‌آفرینی سازنده در جهت تقویت همبستگی اجتماعی در کشور خواهند داشت. بحران کرونا با مرئی‌کردن حضور سایه‌ای مهاجران و با عریان‌کردن چالش‌های آنان دستگاه‌های اجرایی را تا حدی مجبور به بازبینی سیاستگذاری‌ها نموده است. هرچند که باید اشاره کرد که این مرئی‌شدن فشار از پایین در جهت مشروعیت‌خواهی بوده که خود نیازمند ملاحظات اجتماعی و سیاسی بسیاری است.

جامعه برای توسعه ملّی نیازمند تقویت همبستگی اجتماعی در میان کلیه گروه‌های موجود در کشور است و مهاجران افغانستانی به‌عنوان مهمترین گروه تشکیل دهنده اتباع غیرایرانی وزن مهمی در تقویت یا تخریب همبستگی اجتماعی خواهد داشت. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر با تقویت «سیاست ساماندهی اتباع خارجی» و تسهیل دسترسی مهاجرین به آموزش (تجربه مدرسه و دانشگاه) و بهداشت (بیمه سلامت) با آهنگی هرچند

کند، فرسایشی و تدریجی ادغام ساختاری مهاجران افغانستانی به جریان افتاده و تغییرات اجرایی درخصوص وضعیت مهاجرین در زمان همه‌گیری ویروس کرونا این فرایند را تقویت نموده است اما از سوی دیگر باید گفت که به‌دلیل تجربه سال‌ها محرومیت‌های ساختاری در جامعهٔ ایران، «تمایل و کشش» مهاجران افغانستانی به‌طورکل و دانشجویان افغانستانی به‌طورخاص به فرهنگ‌پذیری با روند کلی[1] جامعهٔ ایران کاهش یافته و یا به‌طورکل از بین می‌رود و هنوز در مرحله «انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری» قرار دارند که پیش نیاز ادغام اجتماعی-فرهنگی است. این نکته بر اهمیت نقش برنامه‌ریزی‌های منسجم و درازمدت دولت میزبان درخصوص پرورش سرمایهٔ انسانی افراد در جهت تقویت انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری نسل جدید مهاجران تأکید دارد.

امروزه مدل‌های سنتی همبستگی اجتماعی، که بر شباهت‌های ملَیتی و نژادی تأکید بیش‌ازحدی داشتند، به تقویت شکاف‌های اجتماعی خواهند انجامید و در تعریفی جدید، همبستگی اجتماعی پویا نیازمند مشارکت حداکثری و شنیدن صدای کلیه گروه‌های موجود در جامعه است. احساس پیوند اجتماعی با جامعهٔ میزبان به تقویت احساس ارزشمندی در فرد می‌شود. احساس تعلق داشتن عنصر مهم هویت‌سازی است که به افزایش منزلت افراد می‌شود. در مقابل تبعیض ساختاری اعمال‌شده بر مهاجران همچون نداشتن اجازه کار، اقامت، بیمه و مالکیت (به‌عنوان مثال سیم کارت موبایل یا کارت بانکی و یا ملک) طرد اجتماعی تحصیل‌کردگان افغانستانی می‌انجامد که به‌تدریج به افزایش احساس منفی به جامعهٔ میزبان، کاهش رضایت اجتماعی، گرایش‌های فردگرایانه و تقویت گرایشات تندورانه عصبیت‌های قومیتی را در پی خواهد داشت و ادغام فرهنگی و اجتماعی و همچنین ادغام ساختاری مهاجرین را به تعویق می‌اندازد.

در زمان خطر و بحران، مهاجران افغانستانی می‌توانند خود را در قالب دیگری مهم[2] نشان دهند؛ مخاطبی که باید دیده، شنیده، کنترل یا طرف مذاکره قرار بگیرد. حالتی که دیگر امکان چشم‌پوشی از حضور طرف مقابل نیست و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

1. mainstream
2. significant other

بـه‌نظر مـی‌رسـد بحـران کرونـا بـا بازنمـایی پتانسـیل‌هـای جمعیـت مهـاجرین و تأکیـد بر«هم‌سرنوشتی» بار دیگر نشان داد که منافع ملّی جز با سیاستگذاری هوشـمندانه در قبـال مهاجرین صورت نمی‌گیرد و بهتر است دستگاه‌های تصمیم‌گیـر، بـا کـاهش امکـان تـداوم زیست غیررسمی جامعهٔ هدف، در جهت هرچه مرئی‌ترشدن این جمعیـت قـدم بردارنـد و قبل از اینکه مسئله‌های اجتماعی به آسیب‌های امنیتی تبدیل شوند در راستای بهره‌منـدی از سـرمایه انسـانی مهـاجرین در جهـت منـافع ملّـی کشـور و براسـاس مـوازین انسـانی و بشردوستانه مدیریت صحیح صورت پذیرد.

منابع

صادقي فسايي، سهيلا؛ و نظری، حامد (۱۳۹۵). بچه افغاني: شکل‌گیری تصـور از خـود و دیگـری در تجربـه روزمره نوجوانان افغان، فصلنامه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی در ایران، ۵(۳)، ۴۵۶-۴۳۷.

سعیدی، سعیده (۱۳۹۸). جنسیت و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی: تحلیل جنسیتی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی در ایران (طرح پژوهشی). تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Abbasi-Shavazi, M.J., & Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran. *International Migration.* 53(6). 89-110. doi: 10.1111/imig.12148

Balbo, M., & Marconi, G. (2006). International migration, diversity and urban governance in cities of south. *Journal of Habitat International.* 30(3). 706-715. doi: 10.1016/j.habitatint.2005.04.004

Berry, J.W. (2005). Acculturation: living successfully in two cultures. *Journal of Intercultural Relations.* 29(6). 697-712. doi: 10.1016/j.ijintrel.2005.07.013

Berry, J.W., & Phinney, J.S., & Sam, D.L., & Vedder, P. (Ed.) (2006). *Immigrant youth in cultural transition: acculturation, identity, and adaptation across national contexts.* Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

Bhabha, H.K. (2004). *The location of culture.* London: Routledge Classics.

Brettell, C.B. (2016). *Gender and migration.* Polity.

Brocket, T. (2018). From "in-betweenness" to "positioned belongings": second-generation Palestinian-Americans negotiate the tensions of assimilation and transnationalism. *Ethnic and Racial Studies.* 43(16).135-154. doi: 10.1080/01419870.2018.1544651

Chen, C.P. (1999). Common stressors among international college students: Research and counseling implications. *Journal of College Counseling.* 2 (1). 49–65. doi: 10.1002/j.2161-1882.1999.tb00142.x

Chirkov, V., Vansteenkiste, M., Tao, R., & Lynch, M. (2007). The role of self-determined motivation and goals for study abroad in the adaptation of international students. *International Journal of Intercultural Relations.* 31(2). 199-222. doi: 10.1016/j.ijintrel.2006.03.002.

Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches.* Sage Publications, Inc.

De Wit, H., & Hunter, F. (2015). The future of internationalization of higher education in Europe. *International Higher Education.* 83. 2-3. doi: 10.6017/ihe.2015.83.9073

Dentakos, S., & Wintre, M., & Chavoshi, S., & Wright, L. (2016). Acculturation motivation in international student adjustment and permanent residency intentions: a mixed-methods approach. *Emerging Adulthood.* 5(1). doi: 10.1177/2167696816643628

Erdal, M.B., & Oeppen, C. (2013). Migrant balancing acts: understanding the interactions between integration and transnationalism. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 39(6). 867-884. doi: 10.1080/1369183X.2013.765647

Floersch, J., Longhofer, J.L., Kranke, D., & Townsend, L. (2010). Integrating thematic, grounded theory and narrative analysis: a case study of adolescent psychotropic treatment, *Qualitative Social Work.* 9(3).407-425. doi: 10.1177/1473325010362330

Furnham, A., & Bochner, S. (1986). *Culture shock: psychological reactions to unfamiliar environments.* New York, NY: Methuen & Co.

Grinberg, L., & Grinberg, R. (1989). *Psychoanalytic perspectives on migration and exile.* Yale University Press, New Haven and London.

Hall, S. (2017*). Familiar stranger: a life between two islands.* Duke University Press Books.

Hine, Ch. (2000). *Virtual ethnography.* London: SAGE.

Horst, C. (2018). Making a difference in Mogadishu? experiences of multi-sited embeddedness among diaspora youth. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 44(8). 1341–1356. doi: 10.1080/1369183X.2017.1354161

ICRC., (2009). Our world: views from the field, Afghanistan opinion survey and in-depth research. Available from: from: https://www.icrc.org/eng/assets/files/2011/afghanistan-opinion-survey-2009.pdf

Jou, Y.H., & Fukada, H. (1996). The causes and influence of transitional stress among Chinese students in Japan. *The Journal of Social Psychology.* 136(4). 501-509.doi: 10.1080/00224545.1996.9714032

Kivisto, P. (2005). Social spaces, transnational immigrant communities and politics of incorporation, In Kivisto, P., (ed.) *Incorporation diversity: rethinking assimilation in a multicultural age.* Boulder, CO: Paradigm.

Kozinets, R.V. (2015). *Netnography: redefined.* Sage Publications. Thousand Oaks, CA.

Lacroix, T. (2013). Collective remittances and integrations: North African and North Indian comparative perspectives. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 39(6).doi: 10.1080/1369183X.2013.765667

Lee, J.S., Koeske, G.F., & Sales, E. (2004). Social support buffering of acculturative stress: a study of mental health symptoms among Korean international students. *International Journal of Intercultural Relations.* 28(5). 399–414.doi: 10.1016/j.ijintrel.2004.08.005

Marta, Y.Y. (2001). Moderators of stress in Salvadoran refugees: the role of social and personal resources. *International Migration Review.* 35(3). 840-869. doi: 10.1111/j.1747-7379.2001.tb00043.x

Modood, T. (2005). Remaking multiculturalism after 7/7. Available at http://www.opendemocracy.net

Nagel, C. (2009). Rethinking geographies of assimilation. *The Professional Geographer*. 61(3). 400-407. doi: 10.1080/00330120902941753

Nibbs, F., & Brettell, C. (2016). *Identity and the second generation how children of immigrants find their space*. Nashville: Vanderbilt University Press.

Portes, A., Fernandez-Kelly, P., & Haller, W. (2009). The adaptation of the immigrant second generation in America: a theoretical overview and recent evidence. *Journal of Ethnic and Migration Studies*. 75(3). doi: 10.1080/13691830903006127

Safdar, S., Lay, C., & Struthers, W., (2003). The process of acculturation and basic goals: testing a multidimensional individual difference acculturation model with Iranian immigrants in Canada. *Applied psychology: an international review*. 52(4).doi: 10.1111/1464-0597.00151

Schreier, M. (2012). Qualitative content analysis, in F Uwe (ed), *The sage handbook of analyzing qualitative data*. SAGE, London.

Sharkin, B.S. (2006). *College students in distress: a resource guide for faculty, staff, and campus Community*. New York: Haworth Press.

Ye, J. (2005). Acculturative stress and use of the Internet among East Asian international students in the United States. *Cyber Psychology & Behavior,* 8(2). 154-161. doi: 10.1089/cpb.2005.8.154.

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۲۱۱-۱۸۱، پیاپی ۴۶، بهار ۱۳۹۹

ذاکرصالحی، غلامرضا (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی تأثیرات بحران کووید-۱۹ بر آموزش عالی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۲۱۱-۱۸۱. doi: 10.22035/isih.2020.3962.4063

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ URL: http://www.isih.ir/article_342.html Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3962.4063

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

آینده‌پژوهی تأثیرات بحران کووید-۱۹ بر آموزش عالی

غلامرضا ذاکرصالحی[۱]

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

چکیده

در این مقاله به آینده‌های محتملی خواهیم پرداخت که بر اثربحران کرونا پیش‌روی آموزش عالی قرار خواهد گرفت. این مقاله از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-اکتشافی و از نظر روش، زمینه‌یاب مقطعی است. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزهٔ میان‌رشته‌ای جهت‌گیری این مقاله را تشکیل می‌دهد نحوهٔ جمع‌آوری داده‌ها میدانی است. داده‌ها از طریق ابزار پرسش‌نامهٔ بسته محقق‌ساخته گردآوری شد. در تهیه پرسش‌نامه از مقیاس گاتمن استفاده شد. پاسخگویان جمعی از خبرگان و متخصصان آموزش عالی هستند که به‌صورت راهبردی و هدفمند انتخاب شدند. نتایج در قالب سناریوهای آینده ارائه شده‌اند. سناریوهای محتمل برای کشف و اعتباربخشی سناریو مرجح در اختیار عده‌ای از خبرگان آموزش عالی قرار گرفت. در پیمایش مربوط به اعتباربخشی، ۸۴ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران آموزش عالی مشارکت داشتند. سناریوهای محتمل در هفت مؤلفه سازماندهی شدند: ۱) هویت و جایگاه دانشگاه؛ ۲) توجه به پایداری ۳) ورود به دانشگاه؛ ۴) تغییر سبک زندگی دانشگاهی؛ ۵) بین‌المللی‌شدن؛ ۶) یادگیری الکترونیکی؛ و ۷) حکمرانی و مدیریت. یافته‌ها نشان داد خبرگان آموزش عالی اصل وجود تأثیرات و پیامدهای بحران کووید-۱۹ برآموزش عالی را پذیرفته‌اند. همچنین، از دیدگاه آنان این تأثیرات بسیط و ساده نبوده و دارای ابعاد وسیع و متنوّعی است. همان‌گونه‌که ملاحظه شد، در هر یک از ابعاد هفت‌گانهٔ معطوف به آینده حداقل یک سناریو مرجّح با میانگین بالای ۵۰درصد موافق وجود دارد. سه روند کلان که بیشترین احتمال وقوع را از نظر پاسخگویان دارند به ترتیب عبارت‌انداز: ۱) تقویت یادگیری الکترونیکی(اما نه به‌صورت تحوّل بنیادین و مجازی‌شدن کامل)؛ ۲) تغییر در سبک زندگی دانشگاهی؛ و ۳) توجه بیشتر به مقولهٔ پایداری. این سه روند بیشترین سناریوهای مرجّح را در درون خود جای داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آموزش‌عالی، بحران کرونا، سناریوسازی، آینده‌پژوهی آموزش‌عالی، میان‌رشته‌ای

---

۱. دانشیار آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران
zakersalehi@irphe.ir ✉

۱. مقدمه

رهبران اروپا همه‌گیری بیماری کرونا را بزرگترین چالش پس از جنگ جهانی دوم نامیدند. تا زمان نگارش این مقاله، ۴۸میلیون نفر به بیماری مبتلا شده و بیش از یک میلیون ودویست هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند.اکنون سخن از پیامدها و چالش‌های این واقعه در آینده است. آینده‌پژوهی زمینهٔ مطالعاتی با ماهیت میان‌رشته‌ای است که به ما در تشخیص پیامدهای این بحران مدد می‌رساند. آینده‌پژوهی و دیده‌بانی در معنای عام عبارت‌است‌از زیر نظر داشتن یک زمینهٔ خاص به کمک همه دانش‌های موجود با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های آتی در آن زمینه. به‌دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای این حوزه است که برخی از آینده‌پژوهان مانند برتراند دوژوئنل[1] آن را نوعی هنر می‌دانند. آیندهٔ جامعه تنها محصول وقایع ورویدادهای عینی نیست، بلکه برآیند رویدادها و روندها و همچنین تصورات و تصویرهای ما از آینده نیز هست. هر سه مورد در کنار هم آیندهٔ پساکرونایی ما را شکل می‌دهند. سهم ما در ساختن آیندهٔ پساکرونایی از اصل حادثه کمتر نیست.

در بخش آموزش عالی نیز آینده‌پژوهی بحرآنهای طبیعی و اجتماعی به رصد کردن مستمر تحوّلات کمک می‌کند. پس از آن می‌توان به تدوین طرح‌های بلندمدت برای پیشگیری، طرح‌های اضطراری برای مقابله، آموزش، تربیت و آماده‌سازی فکری، روحی و روانی، دانشی و مهارتی استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌ها پرداخت. درچنین شرایط سختی آینده‌پژوهی به پایدارسازی کلیه فعالیت‌های دانشگاه‌ها منجر می‌شود. پایش و رصد بحران، همچنین به ما در اقدامات همگرایانه با سایربخش‌های درگیر مساعدت می‌کند.

در مقالهٔ حاضر هدف ما بررسی آینده‌های محتملی است که بر اثر بحران کرونا پیش‌روی آموزش عالی قرارخواهد گرفت.کشف دیدگاه متخصصان و خبرگان آموزش عالی درخصوص نااطمینانی‌های فزاینده موجود برای نگارنده مهم بوده است. غلبه بر ابهام در فضای خاکستری موجود به رهبران دانشگاهی کمک می‌کند تا با حکمرانی هوشمند مبتنی بر تصویرسازی از آینده در خلق راهبردهایی آگاهانه و مدون گام بردارند. تعطیلی دانشگاه‌ها در۱۹۲ کشور جهان، شکاف دیجیتالی و نابرابری در دسترسی به امکانات یادگیری آنلاین،

1. Bertrand de Jouvenel

عدم آمادگی برای ارائهٔ برنامه‌های برخط، بازگشت دانشجویان بین‌المللی به وطن خود، تعطیلی رویدادهای فرهنگی و کنفرانس‌های علمی، بحران مالی در مؤسسات آموزش عالی، که به شهریه متکی هستند، عدم رضایت دانشجویان از محتوا و کیفیت دوره‌های آنلاین، درگیرشدن تعدادی از استادان و دانشجویان با بیماری و بسیاری مشکلات و چالش‌های دیگر در این ایام رخ نموده است. امّا مطالعات صورت‌گرفته همهٔ ابعاد و پیامدهای بحران ویروس کرونا را پوشش نداده است. شکاف بین رخداد و واقعیت با تدبیر رهبران دانشگاهی مسئلهٔ محقق است. شکافی که اگر با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق پر نشود، باعث سرریزشدن بحران به بخش آموزش عالی می‌شود. در چنین وضعیت بغرنجی، به تعبیر آینده‌پژوهان،آینده به ما شبیخون می‌زند. متأسفانه بدنهٔ اصلی مطالعات در پنج‌ماه گذشته بر آموزش الکترونیکی و چالش‌های آن متمرکز بوده است. سایر پیامدهای جدی بحران ویروس کرونا مانند هویت اجتماعی دانشگاه، ورود و ثبت‌نام، مقولهٔ پایداری، و... کمتر مورد توجه بوده است.

بنابراین، مسئلهٔ دوم محقق این نکته است که این ابعاد و زوایا را کشف کند و در هر بعد نیز چند سناریو مطرح کند. سپس این سناریوها را به محک ارزیابی خبرگان بسپارد. اهمیت این نوشتار در رویکرد چندجانبه‌گرای آن به مسئلهٔ بحران ویروس کرونا و تأثیرآن بر آینده آموزش عالی است. همچنین، رویکرد آینده‌پژوهانه نیز از وجوه ممتاز این مطالعه نسبت به مطالعات مشابه در ماه‌های اخیر است.

نتایج مطالعه در قالب سناریوهایی دارای اعتبار و مرجّح استخراج شده است. سناریوها قصه‌ها و ابزارهایی برای تنظیم تصوّرات ما دربارهٔ زیست‌بوم‌های متفاوت آینده‌ای است که تصمیمات ما درآن ممکن است به اجرا درآید. سناریوهای محتمل برای کشف و تعیین و اعتباربخشی سناریوی مرجّح در اختیارعده‌ای از خبرگان آموزش عالی قرار گرفت.

۲. پیشینه

تا قبل از بحران همه‌گیری ویروس کرونا، برخی مراکز معتبر علمی پیش‌بینی‌هایی در مورد آیندهٔ علم وآموزش عالی داشته‌اند. برای نمونه، در بیانیه‌های اجلاس علم‌وفنّاوری کیوتو

(۲۰۱۱) بر روندهایی تأکید شد که احتمالاً آیندهٔ علم‌وفنّاوری و آموزش عالی را شکل خواهند داد. از جمله: افزایش نقش رسانه‌ها، همکاری دانشگاه با صنعت و دولت، اصلاح رفتار انسان برای یک جهان پایدار، گسترش دیپلماسی علم‌وفنّاوری و همکاری بین‌المللی و ظهور الگوهای جدید برای دانشگاه‌های قرن ۲۱. ویژگی این دانشگاه‌ها از نظر شرکت‌کنندگان اجلاس عبارت‌است از: جهانی‌بودن، پیشبرد نوآوری، ایفای نقش در توسعهٔ اقتصادی، اهمیت روزافزون دانش و اطلاعات، توجه همزمان به آموزش و پژوهش، کاهش بودجه و.... در این اجلاس تأثیر بحرآنهای اقتصادی بر بودجه و کیفیت دانشگاه‌ها مورد توجه قرارگرفت اما در مورد بلای طبیعی و تأثیر آن برروندهای یادشده مبحثی مطرح نشده است.

در ایام بحران ویروس کرونا به گزارش یونسکو، ۱۹۲ کشور در جهان در سطح ملّی مؤسسان آموزشی خود را تعطیل کرده‌اند. تعداد یادگیرندگان در این کشورها ۱۵۷۰۰۰۰۰۰۰ نفراست وحدود ۹۲درصد از این تعداد از آموزش چهره‌به‌چهره محروم شده‌اند.

مطابق نظرسنجی مؤسسه کیو.اس. صرفاً ۵۸درصد از دانشجویان شرکت‌کننده در کلاس‌های آنلاین علاقه‌مند به ادامهٔ برنامه‌های آموزشی آنلاین بوده و ۴۲درصد تمایلی به این نوع آموزش نداشته‌اند. منتظر و همکاران (۱۳۹۹) ضمن اشاره به موضوع شکاف دیجیتالی بین جوامع و محرومیت نیمی از یادگیرندگان در دسترسی به آموزش آنلاین، اشاره می‌کنند که پیامد دیگر شیوع این بیماری تأثیرجدی آن برمنابع مالی آموزش‌عالی بوده است؛ امری که چالش در تضمین کیفیت را نیز به‌دنبال خواهد داشت.

انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها[1] یک سازمان جهانی مستقل است که از سال ۱۹۵۰ تأسیس شده و به‌طور رسمی با یونسکو در ارتباط است. این انجمن در گزارش خود می‌نویسد که بیش از ۱/۵ میلیارد دانش‌آموز و دانشجو در سراسر کرهٔ زمین به دلیل شیوع ویروس کرونا تحت‌تأثیر تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها قرار دارند. این انجمن نخست برخی از توصیه‌های مؤسسات آموزش عالی را برای ادامه فعالیت‌های تدریس و یادگیری در طول این بحران اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی و همچنین در مورد چگونگی پرداختن به آینده منتشر کرده است. به‌علاوه، یک نظرسنجی بین‌المللی را سامان داده است تا بتواند

1. International association of universities(IAU)

چالش‌های اصلی دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت و درازمدت تدوین و به اشتراک بگذارد و راه‌حل‌ها را توسعه دهد (انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها، ۲۰۲۰).

جورجیو مارینونی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله خود نسبت به خطر بروز نابرابری شدید بین دانشگاه‌ها (براساس نتایج تحقیقات جهانی انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها) هشدار داده‌اند. این مقاله استدلال می‌کند که شکل‌گیری یک جهان بهتر پس از ویروس کرونا به دانشگاه‌های مدنی و دمکراتیکی نیازمند است که در تولید دانش و آموزش دانشجویان اخلاقی و همدل برای جوامع دمکراتیک، عادلانه و پایدار نقش ایفا کنند (همان).

درمقاله فرانکی بوینس و همکاران (۲۰۲۰) سه سناریو زیر برای آموزش عالی طرح شده است:

۱. کنترل سریع و مؤثر. در صورت ادامه وجود ویروس در این سناریو، آموزش آنلاین طی بهار و تابستان ۲۰۲۰ شیوهٔ آموزشی غالب بوده و آموزش‌های حضوری در پاییز سال ۲۰۲۰ از سر گرفته می‌شوند. برنامه‌ها در طول تابستان مختل می‌شوند و جریانهای درآمدی عمده و کمکی آسیب می‌بینند. سال تحصیلی تقریباً به‌طورعادی پیش می‌رود اما کنترل‌های بهداشتی جدیدی اعمال می‌شوند و ثبت‌نام دانشجویان بین‌المللی نیز با اختلال مواجه می‌شود.

۲. پاسخ مؤثر اما شیوع دوباره و منطقه‌ای ویروس. با بازگشت ویروس، آموزش آنلاین طی پاییز نیز اجرا می‌شود و آموزش حضوری در ژانویه از سر گرفته می‌شود. برنامه‌های سال تحصیلی به‌صورت آنلاین اجرا می‌شوند که همین امر منجر به کاهش عمدهٔ درآمدهای کمکی می‌شود. در حقیقت، برنامه‌هایی که برندهای قدرتمند و ظرفیت‌های آنلاین دارند، تلاش می‌کنند در میان همهٔ فرسایش‌ها و تغییرات ایجاد شده از دانشجویان نام‌نویسی کنند.

۳. ناکامی گسترده مداخلات بهداشت عمومی. با تشدید بیماری همه‌گیر، آموزش آنلاین در کل سال تحصیلی ۲۰۲۰ ادامه یافته و آموزش حضوری در اواخر پاییز (اوائل سال ۲۰۲۱) محقق می‌شود. برنامه‌ها حداقل برای نیمسال اول سال تحصیلی به‌صورت آنلاین برگزار می‌شوند. افراد به‌طور روزافزون به مدارسی که قابلیت‌های آنلاین قوی دارند روی می‌آورند و نام‌نویسی از دانشجویان بین‌المللی به‌شدت مختل می‌شود.

گزارش دانشگاه بین‌المللی جیندال[1] هند در ژوئن ۲۰۲۰ تحت عنوان «تأثیر کووید-۱۹ بر آموزش عالی: چالش‌ها و فرصت‌ها» منتشر شد. این گزارش بااین مقدمه آغاز می‌شود که همه‌گیری ویروس کرونا جهان را شوکه کرده است. فشاربر دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی زیاد است. مدارس و دانشگاه‌ها بسته شده‌اند و امتحانات به تعویق افتاده است. کلاس‌های درس به‌صورت مجازی برگزار می‌شوند و پذیرش‌ها برای سال تحصیلی آینده مملوّ از سردرگمی است. طبق اعلام یونسکو، بیش از ۳۲۰ میلیون دانش‌آموز و دانشجو در مدارس و کالج‌های هند درحال‌حاضر تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

این بیماری همه‌گیر دنیا را وادار کرده است تا روش‌های مقابله با «پدیده جدید» را به‌طرز چشمگیری ابداع کنند. پس از مرحلهٔ اولیه تمهیدات اساسی، درک تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت و اقدامات آینده بسیار مهم است. آیا هند می‌تواند با چشم‌انداز تازه‌ای از این بحران بیرون بیاید و به آموزش عالی خود استمرار و ترقی بخشد؟

این گزارش در ادامه سه کلان‌روند را پیش‌بینی می‌کند: الف) اثرات اقتصاد در حال کاهش جهانی بر درآمد دانشگاه‌ها؛ ب) روندهای جدید در تدریس و یادگیری پدیدار می‌شود مانند آموزش‌های پودمانی یا ترکیبی یا چندرشته‌ای؛ و ج) فراخوانی برای همکاری بیشتر جهانی بین دانشجویان، دانشگاه‌ها و صنعت. مقاله کومار(۲۰۲۰) نیز دربافتارآموزش عالی هند تحوّلات را مرور می‌کند. وی می‌نویسد:

> بحران ملّی سلامتی، موجب رکود تعلیم‌وتربیت دانشجویان نیز شد. دانشگاه‌ها تعطیل و برنامه‌های دانشگاهی نیز متوقف شد، تا اینکه صنعت تصمیم گرفت انقلابی را آغاز کند. دانشگاه‌ها با بازتعریف روش‌های خود و تصمیم آگاهانه برای رشد، حتی در زمان بحران، تصمیم به دیجیتالی‌کردن گرفتند. به‌نظر می‌رسد که اصلاحات آموزشی در هند در دوره بحران ویروس کرونا نمونه‌ای از چگونگی نیاز ما در تدوین این سناریو است. همه‌گیری این اجازه را به مؤسسات آموزشی می‌دهد تا یادگیری آنلاین را به‌کار گیرند و فرهنگ مطالعه مجازی را تزریق کنند. این بیماری همه‌گیر با نوآوری و پیشرفت‌های فنّاوری، بخش آموزش عالی را به جلو سوق می‌دهد (کومار، ۲۰۲۰).

1. Jindal Global University

کومارجنبه‌های مثبت بحران را برجسته کرده و می‌نویسد:

کیمیاگری آموزش با فنّاوری و ایجاد یک استراتژی مشترک برای پیشروی در ضمن ارائهٔ سخنرانی آنلاین، دانشجویان را نیز قادر به یادگیری خلاقانه خواهد کرد. با تقویت برنامهٔ درسی با استفاده از فنّاوری‌های نوآورانه، دانشگاه‌ها دانشجویان را به سمت یادگیری به‌صورت دلخواه و نه فقط با حضور فیزیکی آنها، در یک کلاس درگیر می‌کنند. علاوه بر این، با ارائهٔ یادگیری از طریق هوش مصنوعی توسط دانشگاه‌ها آنها دوره‌های متنوّعی را در رابطه با سایر همکاری‌ها ارائه می‌دهند. کشور هند بر اساس اصلاحات آموزشی، فردای جدیدی را پیش‌بینی می‌کند. به‌عنوان‌مثال، دانشجویان پزشکی می‌توانند جلسات تعاملی را برای بحث‌وبررسی در موارد خاص انتخاب کنند. مشتاقان مهندسی می‌توانند در اعماق مهندسی محیط زیست و برنامه‌ریزی شهری به‌همراه مربیان مشغول پخش فیلم و اجرای جلسات آنلاین برای علاقه‌مندان باشند. در حقیقت، برخی از دانشگاه‌ها دوره‌های مربوط به انقلاب صنعتی چهارم را نیز ارائه می‌دهند که این امر ذهن دانشجویان را برانگیخته و به آنها الهام می‌بخشد تا تغییری در رشته‌های مربوطه خود ایجاد کنند. با به دست آوردن محبوبیت در سراسر جهان، آموزش آنلاین به‌جای تسلیم در شرایط بحران، دانشجویان زیادی را ترغیب می‌کند.

بانک جهانی (۲۰۲۰) در گزارشی با عنوان «پاسخ بحران کووید-۱۹: پشتیبانی از آموزش عالی برای استمرار، سازگاری و نوآوری» چالش‌های آینده ویروس کرونا در حوزه آموزش عالی را به دو دستهٔ کلی تقسیم و سپس مصادیق آنها را احصاء کرده است: ۱) چالش‌های فوری برای مقابله؛ و ۲) چالش‌های طولانی‌مدت. فهرست چالش‌ها را درجدول زیر سازماندهی کرده‌ایم:

جدول شماره(۱). چالش‌های آینده‌ویروس کرونا از دیدگاه بانک جهانی

چالش‌های فوری برای مقابله	چالش‌های طولانی‌مدت
■ ایجاد اختلال در پهنای باند دانشگاه‌ها ■ بیماری کارمندان و دانشجویان و ارائه پشتیبانی مناسب ■ جابجایی گسترده دانشجویان ■ ازبین‌رفتن خدمات حیاتی دانشگاه و پشتیبانی از آن؛	■ افزایش نابرابری: نابرابری در دسترسی و ماندگاری در دانشگاه برای دانشجویان در معرض خطر به‌دلیل افزایش محدودیت‌های مالی و موقعیتی (تعهدات خانوادگی، تغییر در شرایط شخصی)؛

چالش‌های فوری برای مقابله	چالش‌های طولانی‌مدت
■ توقف سیستم عامل‌های قدیمی فنّاوری و بدهی ناشی ازآن ■ حفظ عملیات آموزشی از جمله دوره‌های درسی، امتحانات و اعطای مدرک‌ها: اصلاح روش‌های ارزیابی؛ ■ حفظ یا تعطیل‌شدن عملیات تحقیقاتی، از جمله در آزمایشگاه‌ها و امکانات دانشگاه، کار میدانی، کنفرانس‌ها و همکاری‌های تحقیقاتی خارجی؛ ■ کاهش تحرّک بین‌المللی، از جمله پیامدهای لجستیکی برای بازگشت و یا رفتن به محل‌کار دانشجویان و کارمندان بین‌المللی در محل‌های مسکونی؛ ■ مشکلات کارفرمایان و کارمندان دانشکده‌ها؛ ■ نگهداری وام دانشجویی (از جمله تعویق یا انجماد بازپرداخت)؛ ■ پیامدهای حقوقی صاحبان سهام؛ ■ دانشجویان کم‌درآمد و در معرض خطر (به‌طور بالقوه کسانی که دارای آسیب‌پذیری‌های سلامتی هستند).	■ از دست دادن دائمی مهارت‌ها و سرمایه‌های انسانی در مناصب دانشگاهی و اداری؛ ■ حرکت برنامه‌ها به‌سوی سیستم عامل‌های آنلاین و از راه دور: نیاز به پشتیبانی برای انجام این کار؛ ■ کاهش تحرّک داخلی، منجر به افزایش تقاضای محلی برای آموزش عالی درعین‌حال افزایش پیچیدگی و کیفیت مسائل؛ ■ کاهش تحرّک جهانی (مرتبط با کاهش درآمد)؛ ■ تأثیرعوامل اجتماعی، عاطفی دانشجویان (و کارکنان دانشگاهی) بر تدریس و یادگیری از راه دور؛ ■ توجه به رفاه دانشجویی و توسعهٔ مهارت‌های بین فردی در زمینه‌هایی که فاقد تجربیات بین‌فردی هستند؛ ■ از دست‌دادن سهم آموزش عالی در جوامع و فرهنگ مدنی محلی و ملّی؛ ■ ارائهٔ آموزش مداوم، مسائل فضای اجتماعات، مراکز عملکرد و هنرهای تجسمی و غیره

محققان بانک جهانی رکود طولانی سیستم‌های بلندمدت دولت را نیز پیش‌بینی کرده و می‌نویسند:

> تعطیلی یا ادغام مؤسسات آموزش عالی، به‌ویژه در بین مؤسسات کوچک و خصوصی وابسته به شهریه حاد است. احتمالاً میزان بیکاری فارغ‌التحصیلان افزایش می‌یابد، هم به‌دلیل انقباض اقتصادی و هم به‌دلیل عدم اعتماد بازار کار نسبت به کیفیت آموزش‌های از راه دور.

محققان بانک جهانی در ادامه گزارش مهم خود موضوع «حفظ ارزش‌های ما در حین بحران» را مطرح می‌کنند و می‌نویسند:

> جوامع آموزش عالی ثروتمند بسیار مهم هستند. آنها موتورهایی برای تولید دانش، اکتشاف، کشف، نوآوری، پیشرفت مهارت، حفظ فرهنگ و پیشرفت ملّی هستند. اما برای سالم‌بودن، جوامع آموزش عالی باید براساس ارزش‌های اصلی بنا شوند: دسترسی

عادلانه، پاسخگویی، آزادی دانشگاهی، استقلال نهادی و مسئولیت اجتماعی. درجایی‌که این ارزش‌ها مورد احترام و شکوفایی قرار می‌گیرند، جوامع آموزش عالی نه‌تنها مهارت‌ها و خدمات لازم را به جامعه ارائه می‌دهند بلکه ظرفیت افراد را برای فکرکردن در مورد خود و ایجاد آگاهی، کمک‌های خلاقانه در زندگی خود و همچنین زندگی دیگران به حداکثر می‌رسانند.

این محققان سپس متذکر می‌شوند که در پاسخ به تغییرات فوری بحران ویروس کرونا، با از بین بردن مسیرهای گسترش بیماری، بستن مؤسسات، تأثیر بر تلاش‌های اصلی در تدریس، یادگیری و تحقیقات می‌توان تأثیرات مخرب را کاهش داد. چگونه به آنهایی که به‌دنبال یادگیری هستند آموزش می‌دهیم؟ چگونه می‌توانیم از تداوم تحقیق در صورت امکان پشتیبانی کنیم؟ این در مرحله اول تغییرات منطقی و مهم است. با این وجود، ضروری است که افراد در موقعیتی که بتوانند فراتر از بقای فوری فکر کنند، ارزش‌های اصلی را در هر بخش آموزش عالی مورد توجه قرار دهند؛ به‌گونه‌ای‌که وقتی بحران فرو می‌نشیند، ارزش‌ها در رسالت همهٔ سیستم‌های آموزش عالی باقی می‌مانند (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

در مقاله‌ای که با عنوان «بررسی نقش رهبری دانشگاه در مواجه با ویروس کرونا» در امریکا انجام شد محققان به سه مورد از بهترین شیوه‌های رهبری برای رویارویی با چالش‌های غیرقابل پیش‌بینی، مانند مواردی که توسط کرونا ویروس ایجاد شده است، اشاره می‌کنند. نخست، با استفاده از نوعی رهبری خدمتگزار که بر توانمندسازی، مشارکت و همکاری تأکید دارد، رهبران دانشگاهی با هوش هیجانی و ثبات عاطفی باید منافع دیگران را بالاتر از منافع خود قرار دهند؛ دوم، رهبران دانشگاهی باید مسئولیت‌های رهبری را در شبکه‌ای از تیم‌ها در سراسر سازمان توزیع کنند تا کیفیت تصمیمات اتخاذشده در حل بحران را بهبود بخشند؛ و سوم، رهبران باید از طریق کانال‌های مختلف ارتباطی به‌طور واضح و مکرر با همه ذی‌نفعان ارتباط برقرار کنند. با نگاه آینده‌نگرانه، ظهور «رهبری سازگارشونده» یا انعطاف‌پذیر ممکن است رهبری ایدئال برای مؤسسات دانشگاهی ما باشد که بتوانند از بحرآنهای آینده عبور کنند (فرناندز و شاو[1]، ۲۰۲۰).

1. Antonio Arturo Fernandez, & Graham Paul Shaw

در مقاله بولتون وهابل[1] که با عنوان «بررسی پیامدهای شیوع ویروس کرونا بر بخش‌های مختلف آموزش عالی» در انگلستان انجام شد اشاره شده است که بسته‌شدن مؤسسات آموزشی پس از ۱۸ سال، چالش‌های مهمی را برای دانشجویان ایجاد کرده است. نگرانی‌های اصلی ارائه‌دهندگان، میزان افت درآمد سال تحصیلی آینده به‌دلیل افت در هزینه‌های بین‌المللی دانشجویان و بی‌ثباتی آینده در جذب دانشجو است. بخش آموزش عالی نگران تأثیر ضرر کاهش بودجه پس از مدت زمان طولانی است (هابل و بولتون، ۲۰۲۰).

جوشا کیم[2] (۲۰۲۰) درمقاله خود معتقداست بیشتر دانشگاه‌ها و کالج‌هایی که از آسیب پلندمی ویروس کرونا نجات پیدا می‌کنند، احتمالاً با کاهش درآمد مالی و افزایش هزینه مواجه می‌شوند. وی سپس سه سناریو احتمالی را چنین ذکر می‌کند: ۱) افزایش یادگیری ترکیبی؛ ۲) آموزش برخط به‌عنوان یک اولویت راهبردی؛ ۳) تجدیدنظر در برون‌سپاری توانمندی‌های اصلی آموزشی به شرکت‌های مدیریت برنامه‌های برخط (جوشا کیم، ۲۰۲۰).

سنتیل ناتان[3] (۱۱ مه ۲۰۲۰) در مقالهٔ خود آموزش عالی از اینجا به کجا می‌رود؟ مصاحبه‌های باز و کیفی با ده‌ها تن از رهبران آموزش عالی در خاورمیانه عربی، هند و قزاقستان انجام داده است. او می‌نویسد:

> رهبران آموزش عالی در خاورمیانه و مناطق همسایه عموماً از نتایج آزمایش در یادگیری آنلاین ابراز خرسندی می‌کنند که بیماری همه‌گیر کرونا آنها را بدان وادار کرده است؛ اما بسیاری می‌گویند که این تجربه همچنین تعدادی از مشکلات را در بر می‌گیرد که باید حل شوند.

اظهارات آنها به تعدادی از زمینه‌های آموزش عالی منحصربه‌فرد در اثر تعطیلی‌های گسترده برای متوقف‌کردن گسترش ویروس کرونا اشاره می‌کند. این موارد شامل یادگیری الکترونیکی، تغییرات ثبت‌نام، مشاغل برای فارغ‌التحصیلان جدید، برنامه‌ها و رشته‌های جدید، دانشجویان بین‌المللی و تحرّک کارکنان بود. خلاصه‌ای از دیدگاه‌های آنها در زیر آمده است:

1. Paul Bolton, Susun Hubble
2. Joshua Kim
3. Senthil Nathan

الف) در مورد اثربخشی مقررات یادگیری آنلاین در هنگام بحران. خالد عساله رئیس دانشگاه عجمان در امارات متحده عربی گفت: «این یک تعجب مثبت و شگفت‌آور بود که همه‌چیز بهتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد صورت گرفت. بیشتر دانشگاه‌ها از نظر ارائهٔ دوره، پاسخگویی دانشجویان و سازگاری هیئت علمی با این روش پیشرفته است... حتی حضور دانشجویان بهتر از کلاس‌های چهره‌به‌چهره بوده است».

توماس جی. هوچستلر[1]، کمیسر کمیسیون اعتباربخشی دانشگاهی[2] وزارت آموزش‌وپرورش امارات، اظهار داشت که «نخست، مؤسسات آموزش عالی فوراً چالش‌های تبدیل به آموزش الکترونیکی را درک کردند. اساتید و مدیران به‌طور یکسان، قلب و روح خود را به وظیفه‌ای بسیار دشوار انداختند؛ دوم، بسیاری از مؤسسات در این فرایند به سازمآنهای یادگیری تبدیل شده‌اند».

حدود نیمی از پاسخ دهندگان یادگیری مؤثر را در این قالب مشاهده کردند. عمار کاکا[3]، مأمور و معاون مدیر دانشگاه هریوت وات، دبی، خاطرنشان کرد: «من فکر می‌کنم ما می‌توانیم به‌طور آنلاین کارهای زیادی انجام دهیم و چهار هفتهٔ گذشته این امر را نشان داد. هم کارکنان و هم دانشجویان ما بسیار خوب مشغول کار بودند».

تی.جی.سیتارام[4] مدیر مؤسسه فنّاوری هند در گواتی[5] آینده‌ای روشن را برای یادگیری الکترونیکی در کشور خود پیش‌بینی می‌کند. «هند قبلاً دارای چنین مجموعه عظیمی از ماژول‌ها و دوره‌های آنلاین است و هند به‌طور قطع می‌تواند در ارائهٔ راه‌حل‌هایی برای آموزش و یادگیری آنلاین در سرتاسر جهان نقش ایفا کند».

با این حال، به برخی از موضوعات اصلی نیز اشاره شده است. ویدیا یراودکار[6]، رئیس دانشگاه بین‌المللی سیمبیوسیس، در پونای هند، اظهار داشت که «اعضای هیئت‌علمی باید ناگهان با یادگیری آنلاین سازگار شوند. ... این یک رویکرد واکنشی بود».

1. Thomas J. Hochstettler
2. CAA
3. Ammar Kaka
4. T.G. Sitharam
5. Guwahati
6. Vidya Yeravdekar

یسـرا موزوقی[1]، معاون دانشـگاه مسـقط، در عمان، با احتیاط گفت: «آنچه در بسـیاری موارد دیده‌ایم لزوماً یادگیری الکترونیکی نبوده بلکه تحویل همان محتواها و مطالب سـنتی بر روی بستر مجازی است. یادگیری الکترونیکی یک پایهٔ آموزشی متفاوت دارد».

گیلبرت لین[2]، معاون رئیس در امور آکادمیک دانشـگاه کیمپ[3]، در آلماتی قزاقسـتان خاطرنشـان کرد: «پهنای باند موجود ثابت شـده اسـت که چالش برانگیز اسـت؛ زیرا دانشکده‌ها مجبور بودند برای دانشجویان با یادگیری ناهمزمان سازگار شوند».

ماهنده ردی[4]، معاون صـدراعظم بنیاد آموزش عالی[5] در حیدرآباد هند خاطرنشـان کرد که چند مزیت دیگر آموزش الکترونیکی می‌تولند ارائه دهد. آنها شـامل «یادگیری از افراد برجسته، مزیت مقیاس، و فرایندهای یادگیری تعاملی» هستند.

به نظر می‌رسـد تقریباً همه پاسـخ‌دهندگان این دیدگاه قوی را دارند که یادگیری الکترونیکی برای ماندن در اینجاست و می‌تواند در سال‌های آینده سهم بسیار قوی‌تری در آموزش عالی داشته باشد

ب) تأثیر در ثبت‌نام دانشـجویان. ناتان می‌نویسـد: «من از رهبران در مورد افت احتمالی ثبت‌نام دانشـجویان جدید و چگونگی برنامه‌ریزی دانشـگاه‌ها برای مقابله با این تأثیر پرسـیدم. بسـیاری با مشـاهدات توماس هوچسـتلر موافقت کردند که «عدم اطمینان مالی بزرگترین چالشی است که امروز کالج‌ها و دانشگاه‌ها با آن روبرو هستند».

موسی محسـن، رئیس کالج بین‌المللی امریکا در کویت، دو اثر متعارض در ثبت‌نام در دانشگاه‌های خلیج فارس را تشریح کرد: «از یک طرف، مهاجران در منطقه خلیج‌فارس، که از کار خود رها شـده‌اند، قادر نخواهند بود از آموزش فرزندانشـان در دانشـگاه‌های محلی حمایت مالی کنند. از طرف دیگر، بسیاری از دانشجویانی که هم‌اکنون در خارج از کشور تحصـیل می‌کنند برای گذراندن مدارک خود در دانشـگاه‌های محلی به کشـورهای خود باز

1. Yusra Mouzughi
2. Gilbert Linne
3. KIMEP University, Almaty, Kazakhstan
4. Mahender Reddy
5. ICFAI Foundation for Higher Education

می‌گردند. به‌عنوان‌مثال، ۳۵۰۰۰ دانشجوی کویتی که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند، طی چند هفتهٔ آینده به کویت بازمی‌گردند» (سنتیل ناتان، ۲۰۲۰). از نظر روند پذیرش برای دانشجویان جدید، با وجود برخی از آزمون‌های استاندارد و حتی نمرات نهایی، دانشگاه به فکر فرایندی انعطاف‌پذیر است که شامل پذیرش مشروط، مقررات اصلاح و تعدیل در ترم پاییز است. چندین رهبر دانشگاه درحال افزایش حمایت شهریه‌محور هستند.

این اتفاق نظر وجود دارد که ثبت‌نام دانشجویان بین‌المللی در مقصد برتر تأثیر منفی بگذارد. عبدالرحیم سبونی، از دانشکده فنّاوری امارات، اظهار داشت که این کشورها ممکن است «جذابیت» خود را از دست دهند (سنتیل ناتان، ۲۰۲۰).

ج) اشتغال فارغ‌التحصیلان و برنامه‌های جدید. چندین رهبر دانشگاهی گفتند که فارغ‌التحصیلان تازه و بی‌تجربهٔ سال ۲۰۲۰ مطمئناً «با یک چشم‌انداز واقعاً ترسناک» روبرو هستند. از تجربه گذشته رکودهای ملّی یا منطقه‌ای، چنین گروه‌های بدشانسی به احتمال زیاد طی یک دههٔ آینده با چالش‌های مداوم در حرفهٔ خود روبرو خواهند شد. سبونی معتقد است «فارغ‌التحصیلان جدید برای یافتن شغل با چالش‌های جدیدی روبرو خواهند شد و ممکن است سعی کنند در دوره‌های تحصیلات تکمیلی یا آموزش آنلاین بیشتر شرکت کنند، تا زمانی که دوباره مشاغل باز شوند».

من همچنین از رهبران خواستم دیدگاه‌های خود را در مورد چگونگی تأثیر برنامه‌های فعلی و جدید از تأثیر همزمان رکود جهانی و «انقلاب چهارم صنعتی» بیان کنند. انقلابی که انتظار می‌رود تغییراتی اساسی در نحوهٔ زندگی و کار مردم ایجاد کند. موسی محسن، رئیس کالج بین‌المللی امریکا در کویت پاسخ داد که «کشورها مستقیماً به فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با بهداشت نیاز دارند. برنامه‌های کاربردی روبوتیک در بهداشت و پزشکی شاهد تقاضای بیشتری خواهند بود. به‌علاوه، تقاضا برای رشته‌هایی مانند تجارت الکترونیکی، اقتصاد سلامت و مدیریت زنجیره تأمین جهانی وجود خواهد داشت». برخی موارد مهم از این قرارند:

■ آموزش الکترونیکی آینده قدرتمندی دارد. بسیاری از دروس و تجارب آموخته‌شده در این دوره از رهگذر اجبار دانشگاه‌ها برای تقویت و گسترش مقررات یادگیری آنلاین مورد استفاده قرار می‌گیرد؛

■ زمینه‌های خاص در آموزش الکترونیکی، که نیاز به توجه دارند، شامل ارزیابی معتبر و دسترسی عادلانه دانشجویان به اینترنت است؛

■ دانشگاه‌ها از اختلالات احتمالی در ثبت‌نام دانشجویان آگاه هستند. به نظر می‌رسد رهبران منطقه نسبت به همتایان خود در دانشگاه‌های غرب نسبت به حفظ سطح ثبت‌نام بسیار خوش بین هستند.

■ درک واضح و سختی از مشکلات اقتصادی دانشجویان وجود دارد و به نظر می‌رسد دانشگاه‌های منطقه درحال‌افزایش کمک‌های مالی، بورسیه‌ها و پرداخت‌های انعطاف‌پذیر هستند؛

■ رهبران آموزش و پرورش منطقه به‌شدت بر این باورند که تعداد دانشجویان این منطقه که برای تحصیل به سمت مقصدهای بین‌المللی سفر می‌کنند، کاهش قابل‌توجهی خواهد داشت؛

■ درحالی‌که اکثراً موافق هستند که یک دورهٔ چالش‌برانگیز برای گروه فارغ‌التحصیلان سال ۲۰۲۰ پیش‌رو است، دانشگاه‌ها هنوز برای مواجهه با این چالش‌ها استراتژی‌های خاصی را تدوین نکرده‌اند؛

■ در مورد برنامه‌های جدید آگاهی وجود دارد که می‌تواند در شرایط بحران ویروس کرونا همراه با ضرورت‌های «انقلاب صنعتی چهارم» تکامل یابند؛

■ دانشگاه‌هایی که به دانشجویان بین‌المللی اعتماد می‌کنند ممکن است بخواهند بورس‌های تحصیلی مبتنی بر نیاز و شایستگی را در نظر بگیرند و همچنین یادگیری را با همکاری دانشگاه‌های منطقه در نظر بگیرند (سنتیل ناتان، ۲۰۲۰).

درمجموع با مرور نوشته‌ها و آثار صاحب‌نظران هفت کلان‌روند اصلی شناسایی می‌شود که در شکل شمارهٔ (۱) ملاحظه می‌شود.

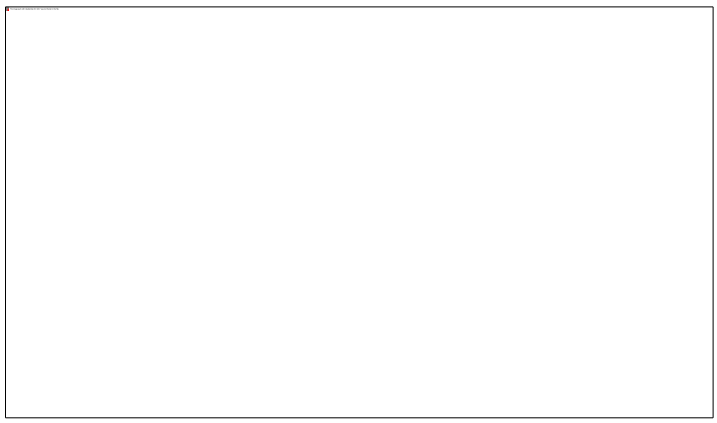

شکل شماره(۱). کلان روندهای مستخرج از پیشینه وادبیات

۳. روش تحقیق

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-اکتشافی و از نظر روش تحقیق زمینه‌یاب[1] مقطعی است. رویکرد نویسنده میان‌رشته‌ای است. ازاین‌رو، آینده‌پژوهی به‌عنوان یکی از حوزه‌های میان‌رشته‌ای جهت‌گیری این مقاله را تشکیل می‌دهد. نحوهٔ جمع‌آوری داده‌ها میدانی است.

ریچارد اسلاتر و همکاران[2] (۱۹۹۵) در کتاب نو اندیشی برای هزارهٔ نوین، آینده‌پژوهی را مشتمل بر سه بخش عمده می‌دانند: ۱) رویدادها؛ ۲) روندها و مسیل ظهور؛ و ۳) اقدام‌ها و تصاویر. به‌نظر آنان روندها علائم حیاتی را به‌دست می‌دهند تا از آینده‌های ممکن به آینده‌های محتمل (نسبتاً مطلوب) برسیم. آینده‌های ممکن و متصوّر برای آموزش عالی بسیارند. از بین آنها مواردی که درآثار مکتوب خبرگان برجسته شده است در قالب هفت کلان‌روند (مؤلفه) و در درون هریک چند سناریو طراحی شد. اینها آیندهٔ محتمل هستند. سپس در فرایند ارزیابی، سناریوها از طریق پیمایش سناریوهای مرجّح استخراج گردید. در این فرایند تعداد سناریوها کاهش می‌یابد اما اعتبار علمی و امکان تحقق آنها افزایش می‌یابد.

1. survey
2. Slaughter

۱-۳. رویکرد منتخب

از دیدگاه میشل گوده و روبلا[1] (۱۹۹۹) سناریوها توصیف وضعیت‌های آینده و رویدادهای محتمل در آن وضـعیت‌ها هسـتند؛ به‌گونه‌ای که شـخص بتواند از موقعیت کنونی خود به سوی آینده‌های بدیل حرکت کند (گوده و روبلا، ۱۹۹۹).

به اعتقاد علیزاده و همکاران (۱۳۸۷) رویکردهای سـناریونگاری باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که اهداف مورد انتظار را برآورده سازند، سپس انواع رویکردها را برمی‌شمارند. در جدول شمارهٔ (۲) ضمن ارائهٔ مختصر آنها، رویکرد انتخابی ما در این مطالعه مشخص شده است.

جدول شماره (۲). رویکردهای سناریونگاری

ردیف	رویکردهای سناریو نگاری	رویکرد انتخابی
۱	هنجاری در برابر اکتشافی (بایدهاو نبایدها در برابر هست و نیست‌ها)	اکتشافی
۲	کمّی در برابر کیفی	کیفی
۳	تصویری در برابر تاریخی	تصویری
۴	مبتنی بر نظر متخصصان در برابرمبتنی برفرض (داده)	مبتنی برنظر متخصصان
۵	رویه‌عقب یا رویه‌جلو	رویه‌جلو

۲-۳. مراحل کار

با الهام از ریچارد اسـلاتر و همکاران (۱۹۹۵) چند گام اصـلی در این مطالعه طی شـده است: ۱) سازماندهی فکری دانش موجود (پیشینه و ادبیات)؛ ۲) رسیدن به ایده‌های تازه؛ ۳) ترسـیم دگرگونی‌های اجتماعی (در اینجا بخش آموزش عالی)؛ ۴) سـناریوپردازی و تدوین کلان‌روندها و سناریوها (براساس یافته‌های سایرپژوهشگران و تجارب محقق)؛ ۵) ارزیابی سـناریوها بر پایهٔ احتمال وقوع و مطلوبیت هریک از آنها از طریق پیمایش و نگرش‌سنجی از خبرگان.

در نهایت، از روش پیمایش برای اعتباربخشـی به سـناریوها اسـتفاده شـد. وندل بل[2] (۲۰۰۳، ۴۶۲) در کتاب مبانی آینده‌پژوهی روش پیمایش را به‌عنوان یکی از روش‌های

1. Godet
2. Wendel

آینده‌پژوهی معرفی کرده است. به نظر این آینده‌پژوه برجسته، پژوهش پیمایشی در تمامی سطوح، روش‌های متنوعی را برای بررسی مقاصد و نیّات، برنامه‌ها، انتظارات، بیم‌ها، امیدها و تصاویر آینده‌های بدیل در اختیار آینده‌پژوهان قرار می‌دهد.

در بخش پیمایش، داده‌ها از طریق ابزار پرسش‌نامه بستهٔ محقق‌ساخته گردآوری شد. در تهیه پرسش‌نامه از مقیاس گاتمن استفاده شد.این مقیاس، مقیاس ترتیبی است و کاربرد برای عبارات دوتایی بلی، خیر و یا موافق، مخالف کاربرد دارد پاسخگویان مشتمل بر جمعی از خبرگان ومتخصصین آموزش عالی هستند که به‌صورت راهبردی و هدفمند انتخاب شدند. نتایج در قالب سناریوهای آینده ارائه شده‌اند. سناریوها قصه‌ها و ابزارهایی برای تنظیم تصورات ما دربارهٔ زیست‌بوم‌های متفاوت آینده‌ای است که تصمیمات ما در آن ممکن است به اجرا درآید. ابتدا با بهره‌مندی از مباحث پیشینه و تجارب محقق فرایند سناریو پردازی صورت گرفت. سپس سناریوهای محتمل برای کشف و تعیین و اعتباربخشی سناریو مرجح در اختیار عده‌ای ازخبرگان آموزش عالی قرار گرفت.مخاطبان پرسش‌نامه استادان و متخصصان مطالعات آموزش عالی و دانشجویان دکتری رشته آموزش عالی بودند.از میان ۱۵۰ نفر متخصص شناسایی‌شده که پرسش‌نامه برای آنها ارسال شده بود، تعداد۸۴ نفر در تکمیل پرسش‌نامه همیاری کردند. از آنجا که ماهیت مطالعه توصیفی‌ـاکتشافی است نیازی به ارائه و آزمون فرضیه نبود.احتمال وقوع سناریوها از طریق مقایسه میانگین موافقان و مخالفان مورد ارزیابی قرار گرفت.پرسش اصلی این بود که در ابعاد هفت‌گانه تأثیرات و پیامد بحران ویروس کرونا بر آموزش عالی، خبرگان با امکان وقوع کدام سناریو (گویه) موافق‌اند؟

۴. سناریوپردازی (سناریوهای محتمل)

گام بعدی پس از نیل به مجموعه‌ای از ایده‌های منسجم، که از درون نظرات صاحب‌نظران و روندهای در شرف وقوع حاصل می‌شود، سناریوپردازی است. اسلاتر در جمله‌ای مشهور می‌گوید: «انسان موجودی بالفطره سناریوپرداز است».اشاره ایشان به این نکته است که در تدوین سناریو مانند سایر تحقیقات کیفی، تجارب محقق و آینده‌پژوه و

تصـورات و تخیّلات او نیز با آموزه‌ها تلفیق می‌شـود. در این بخش تلاش می‌کنیم از فضـای خاکستری تیره به فضای خاکستری روشن عبور کنیم.

در سـطور بعد دقت کنید که چگونه دو اندیشـمند برجسـته از یک رویداد مشـترک دو تصویر متفاوت ساخته‌اند. یکی سناریویی بدبینانه و دیگری سناریویی نسبتاً خوش‌بینانه.

هنری کیسـینجر در مقالهٔ خود در وال اسـتریت ژورنال آورده اسـت: جوّ عجیب‌وغریب شـیوع ویروس کرونا احسـاسـی را که من در زمان جوانی در یگان پیاده‌نظام لشـکر هشـتادوچهار در خلال نبرد «آردنن» داشـتم یادآوری می‌کند. مانند اواخر سـال ۱۹۴۴ احسـاس خطر تمام‌نشـدنی به‌وجود آمده اسـت که هدف آن شـخص خاصـی نیسـت بلکه ویرانی سـراسـری اسـت. اما تفاوت مهمی بین آن زمان و دورهٔ ما وجود دارد. در آن دوره، اسـتقامت امریکا با پیش‌گرفتن یک هدف ملّی تقویت شـد. اما اکنون در یک کشـور تقسـیم‌شـده [ایالت‌بندی شـده] برای مواجهه با چنین بحرانی به یک دولت کارآمد و دوراندیش نیاز اسـت که بر موانع کم‌سـابقه غلبه کند. در این مسـیر، حفظ اعتماد عمومی برای همبستگی اجتماعی، ارتباط جوامع با یکدیگر و صلح و ثبات بین‌المللی بسیار مهم است. واقعیت این است که جهان بعد از ویروس کرونا هرگز مانند قبل نخواهد بود.

سران امریکا به‌طور عمده با بحران مقابله می‌کنند، اما این ویروس مرزی نمی‌شناسد. درحالی‌که آنها امیدوارند حملهٔ ویروس به سلامت جمعی موقّت باشد، تحوّلات سیاسی و اقتصادی آغاز شده است که می‌تواند تا نسل‌ها بعد بر این کشورها حکمفرما باشد.

اما چامسکی معتقد است این زخم ترمیم خواهد شد. او گفته است: «دونالد ترامپ و نوکرهایش ما را به سمت چاله‌ای عمیق هدایت می‌کنند. ما با دو تهدید کلان مواجه هستیم: تهدید روبه‌رشد جنگ هسته‌ای و تهدید گرمایش جهانی. کرونا با پیامدهای وحشتناک خود «ترمیم خواهد شد» اما این دو تهدید بهبود نخواهند یافت.

ملاحظه شد که برای یک واقعه یکسان دو برداشت متفاوت و دو سناریو متمایز شکل می‌گیرد. بنابراین، از سـویی پویایی‌های خود پدیده و واقعیت عینی و از سـویی دیگر، تصوّرات و مداخلات معنایی ما و نحوهٔ مواجهه با بحران توسط ماست که وضعیت آینده را رقم می‌زنند.

معمولاً عادت آینده‌پژوهان این اســت که بین ســناریو بدبینانه و خوش‌بینانه ســناریو میانه‌ای نیز پیش‌بینی می‌کنند. ازاین‌رو ما نیز برای سرنوشت آموزش عالی سه سناریو زیر را طرح می‌کنیم:

سناریو اول. بیماری مهار و اثرات مخرب همه‌گیری بیماری در کوتاه‌مدت (کمتر از یک ســال) ترمیم می‌شــود. در این شــرایط، آموزش عالی با چاشــنی از آموزش‌هایی نیم‌بند الکترونیکی استمرار می‌یابد.

ســناریوی دوم. بیماری مهار می‌شــود و اثرات مخرب آن تا میان‌مدت باقی می‌ماند. آموزش عالی دستخوش تغییراتی می‌شود که عمدهٔ آنها می‌تواند کمبود شدید منابع مالی، رکود فعالیت‌های بین‌المللی و پژوهشی، قوت‌گرفتن آموزش‌های الکترونیکی و... باشد.

ســناریوی ســوم. بیماری گســترش و اثرات مخرب آن مانند مرگ‌ومیر و تعطیلی بنگاه‌ها استمرار می‌یابد. در چنین شرایطی آموزش عالی درگیر سردرگمی و رکود جدّی شده و دولت از توان این بخش برای مهار بیماری و ســاخت تجهیزات و دارو واقدامات اضــطراری و جبرانی کمک می‌گیرد. به تعبیری آموزش عالی کاملاً کرونایی می‌شود.

در شرایطی که نظام تدبیر حاکمیت‌ها ضعف‌های جدی‌ای از خود نشان داده است و نهاد سیاست به‌جای مدیریت بحران به مدیریت عوارض بحران روی آورده است سرمایهٔ اجتماعی رو به فروپاشی می‌نهد. اعتماد به نهادهای حاکمیتی کاهش می‌یابد و در عمل دو سناریو متفاوت رخ می‌نمایاند:

سناریوی اول. چنانچه جامعه از نهادهای مدنی فعال و سرزنده برخوردار باشد، مردم به مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مردم‌نهاد (سمن‌ها) روی می‌آورند تا ضعف و خلاء اقتدار و مشروعیت دولت را جبران کنند و از آسیب بکاهند.

سناریوی دوم. فردگرایی و شخصی‌شدن تصمیمات اوج می‌گیرد و هرکس تلاش می‌کند گلیم خود را از آب بیرون بکشد.

دانشگاه به مثابه یک نهاد مدنی بالنده و فعال می‌تواند به تحقق سناریو اول کمک شایانی کند.

این که بحران همه‌گیری کرونا به تغییرات رادیکال فرهنگی و جابه‌جایی نظام ارزش‌ها منجر شود، محل تردید است؛ اما درهرحال تغییراتی رخ می‌دهد. تعمیق هویت اجتماعی دانشگاه منوط به ورود دانشگاهیان و کمک آنها به بازسازی سبک زندگی انسان‌گرایانه با اولویت مصالح جمعی است. در غیراین‌صورت پس‌افتادگی و انزوای نهاد دانشگاه گریزناپذیر است. دانشگاهیان نباید فراموش کنند که گروه مرجع‌اند. هرچند منابع اقتصادی و سیاسی چندانی در دست ندارند اما به‌عنوان منبع فرهنگی می‌توانند مشارکت و نفوذ منحصربه‌فردی داشته باشند. اکنون دانشگاه‌های علوم پزشکی با مقدورات اقتصادی بسیار اندک رهبری علمی مقابله با کرونا را در دست دارند.

در روزهای اخیر ضرورت افزایش در تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر بخش سلامت احساس می‌شود. اگر پذیرش و تربیت دانشجو در بخش سلامت با هدف رفع نیاز در شرایط بحران باشد در شرایط عادی با تراکم نیروی انسانی در بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی مواجه خواهیم بود. مانند پادگان‌هایی که در شرایط صلح مملوّ از افسران و سربازانی است که به‌جز آمادگی رزمی، کار و فعالیت چندانی ندارند و فقط در شرایط جنگی وارد عمل می‌شوند. در چنین شرایطی فرمول محاسبه نیاز واقعی به نیروی انسانی متخصص در بخش سلامت عبارت خواهد بود از میانگین تعداد مورد نیاز در شرایط عادی و شرایط بحران. این امر مستلزم جهش در ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته‌های مرتبط است.

همچنان که در بخش‌های اقتصادی از شتاب جهانی‌شدن کاسته شده است در بخش آموزش اتفاق کم‌نظیری افتاده است و آن تعطیلی و رکود کامل در تحرّک بین‌المللی دانشجویان است. در ایران سه‌چهارم دانشجویان خارجی به موطن خود برگشته‌اند (گزارش قائم‌مقام وزیر عتف). تنها در دانشگاه علوم پزشکی تهران ۸۰۰ دانشجوی خارجی کشور را ترک کردند. بنا به گزارش سایت پرشین میرور درحال‌حاضر بیش از ۵۰۰ هزار دانشجوی خارجی در کانادا هستند که نیمی از آنها از دو کشور چین و هند هستند. بسیاری از این دانشجویان به‌دلیل مشکلات پروازهای خارجی نمی‌توانند به خانه خود برگردند و برای رفع نیازهای ضروری خود با مشکل روبه‌رو هستند. آنها شغل‌های موقت و کارآموزی خود را از دست داده‌اند و برای پرداخت اجاره‌خانه و خرید مواد غذایی دچار مشکل شده‌اند. در این

شـرایط حتی ارسـال پول از طرف خانواده دانشـجویان نیز به‌سـختی صـورت می‌گیرد. در سـراسـر اروپا استفاده از کلاس‌ها و تورهای تابستانی کنسـل شـده است و دانشـجویان برای تحقیق و دسترسی به منابع کتابخانه‌ای با سردرگمی مواجه‌اند. با توجه به رکود ۹۰درصدی تحرّک بین‌المللی دانشـجویان سـرنوشـت این بخش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. آیا این شرایط منجر به بومی‌گرایی آموزش و پژوهش‌های دانشگاهی خواهد شد؟

اکنون محیط یادگیری در آموزش ناقص اسـت. آموزش‌های الکترونیکی در فضـای قرنطینهٔ خانگی غنی و راضی‌کننده نیست. فضاهای الکترونیکی مهیا شده توسط دانشگاه‌ها حتی در ۱۳ دانشگاه برتر کشور به‌دلیل مشکلات زیرساختی با نواقص جدی مواجه است. نگارنده حداقل از کار افتادن سیستم مجازی سه دانشگاه معتبر در نخستین روزهای شروع تعطیلات را نظاره‌گر بوده اسـت. اکثر این سـیسـتم‌ها فاقد امکانات مولتی‌مدیا و تصـویری هستند. تلاش‌هایی در جریان است تا این زیرساخت‌ها نوسازی شود. سه سناریو در این رابطه متصور است:

سناریوی اول. فعالیت حاشیه‌ای آموزش الکترونیکی به‌عنوان یک اضطرار در شرایط موقت.

سناریوی دوم. شکل‌گیری یادگیری ترکیبی[1] که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی سناریویی مناسب باشد.

سناریوی سوم. پیشرفت و توسعه به‌سوی دستیابی به آموزش مجازی کامل، که سناریو ایدئال است. مجازی‌شدن شکل تمام و کمال الکترونیکی‌شدن است.

سـناری چهارم. این سـناریو در صـورتی تحقق می‌یابد که بسـتری به نام حکمرانی الکترونیک شکل بگیرد. حکمرانی الکترونیک تأکید بر تعاملات دولت، بخش خصوصی و شهروندان با استفاده از پیشران فاوا دارد.

باتوجه به مخاطرات جانی که اشـتغال در محیط‌های بیمارسـتانی دارد از این پس بخش عمده‌ای از مشـاغل پزشـکی مشـاغل پر ریسـک و زیان‌آور تلقی خواهند شـد. در کنار آن مشاغل خصوصی کوچک نیز به‌شدت آسیب‌پذیر شدند. در چنین شرایطی امنیت شغلی، تأمین اجتماعی و برخورداری از بیمهٔ درمان و بیمهٔ بیکاری در انتخاب شـغل آینده جولنان

1. Blended learning

به‌عنوان یک پارامتر مهم تلقی خواهد شد. تغییر در ساختار مشاغل موجب تغییر در ساختار داوطلبان و پذیرش در رشته‌های دانشگاهی خواهد شد.

بخش مهمی از کنش‌های اجتماعی و انسان‌شناختی آدمی، که پیش از آن در مقوله‌هایی خارج از علوم پزشکی مطرح بود، اکنون تحت اقتدار پزشکی درآمده‌اند و از طریق تعاریف، ابزارها و مداخله‌های پزشکی کنترل و مدیریت می‌شوند. در حقیقت، در زمان کوتاهی پدیدهٔ پزشکی‌شدن[1] جامعه رخ داده‌است. پرسش این است که آیا این پدیده به پزشکی‌شدن آموزش عالی به‌عنوان یک زیرسیستم اجتماعی‌ـــ‌فرهنگی نیز منجر می‌شود؟ در سطح عمومی پاسخ مثبت است. اما آیا ترکیب و ساختار رشته‌ها و آموزش‌ها نیز پزشکی می‌شود؟ پاسخ لزوماً بله نخواهد بود. زیرا ریسک فعالیت در رشته‌های مربوط به سلامت بالا رفته است. تصمیم خانواده‌ها تابعی از پارامترهای متعدد و پیچیده است. این انتخاب لزوماً منطبق با نیاز واقعی کشور به نیروی انسانی متخصص نیست. دو مؤلفه‌ای که نقش اساسی دارند عبارت‌اند از: درآمد بالا و ریسک کم (در شکل زیر قطاعی از مربع که علامت + دارد). در اینجا آموزش عالی و دولت باید تلاش کنند در این فرمول مداخله و با نظام‌های انگیزشی و تشویقی و اطلاع‌رسانی هدفگذاری کمی و کیفی به‌سوی رفع نیاز واقعی را تحقق بخشند. به این معنا که ضلع سوم این تصویر را رسم کنند.

تردیدی نیست هزینه‌های سرسام‌آور مقابله با بیماری کرونا برای همهٔ کشورها مشکل کمبود منابع مالی بخش آموزش عالی و تحقیقات را به‌دنبال دارد (به استثنای فعالیت‌های پژوهشی و فنّاورانه مرتبط با مقابله بیماری کرونا مانند ساخت واکسن یا دارو و تجهیزات پزشکی مورد نیاز).

1. medicalization

کمبود منابع دانشـگاه‌ها را آبدیده می‌کند. به‌صـورت طبیعی آنها به‌سـوی افزایش بهره‌وری و استفاده درست از منابع روی خواهند آورد و سیاست‌های مالی انقباضی را در پیش خواهند گرفت. تحقق این سناریو قطعی است. در این میان، میدان دادن به جسارت‌ها و نوآوری‌های دانشمندان و دانشگاهیان برای کارآفرینی و خلق ایده و ثروت یک دستاورد مثبت خواهد بود.

جریان دیگری که ممکن است دانشگاه‌ها به آن روی آورند پارادایم پایداری است. امری فراتر ازحفظ محیط زیست طبیعی و انسانی. دانشگاه باید انسان‌هایی تربیت کند که قدرت تلفیق و هماهنگ‌سازی کلیه ملاحظات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی و سلامت را داشته باشند. تلاش‌های علمی حاشیه‌ای، دیگر کارساز نخواهد بود. دانشگاه باید خود به کانون پایداری تبدیل شود. اگرچنین شود از این پس به جای university باید بگوییم sustain-city . امید که چنین تحوّلی شکل بگیرد.

۵. یافته‌های کمی: اعتباربخشی به سناریوها

در جدول شمارهٔ (۳) اطلاعات پاسخگویان از نظروضعیت جنسیت، سن، تحصیلات وسمت منعکس شده است.

جدول شماره (۳). توزیع فراوانی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای

متغیر زمینه ای	گزینه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۲۵	۲۹/۷۶
	مرد	۵۹	۷۰/۲۴
سن	۲۶-۳۰	۷	۸/۳۳
	۳۱-۳۵	۱۶	۱۹/۰۵
	۳۶-۴۰	۲۰	۲۳/۸۱
	۴۱-۴۵	۱۰	۱۱/۹۰
	۴۶-۵۰	۱۳	۱۵/۴۸
	۵۱-۵۵	۸	۹/۵۲
	بالای ۵۵	۸	۹/۵۲
	بی باسخ	۲	۲/۳۸
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۱۱	۱۳/۱۰

متغیر زمینه ای	گزینه	فراوانی	درصد
	دانشجوی دکترا	۲۹	۳۴/۵۲
	دکترا	۴۴	۵۲/۳۸
سمت	هیئت علمی	۲۸	۳۳/۳۳
	متخصص آموزش عالی	۳۳	۳۹/۲۸
	دانشجوی تحصیلات تکمیلی	۲۳	۲۷/۳۸
مجموع پاسخگویان		۸۴	

با توجه به جدول توزیع فراوانی متغیرهای زمینه ای، از ۸۴ نفر پاسخگو، ۳۰ درصد زن و ۷۰ درصد مرد هستند. سن بیشترین نسبت پاسخگویان یعنی ۲۳/۸ درصد آنها بین ۳۶ تا ۴۰ سال سن دارند و ۱۹ درصد افراد ۳۱ تا ۳۵ ساله هستند. تحصیلات بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی ۵۲/۳ درصد آنها دکترا و ۳۴/۵ درصد آنها دانشجوی دکترا هستند. ۳۹/۲ پاسخگویان متخصص آموزش عالی، ۳۳/۳ درصد عضو هیئت علمی و ۲۷/۳ درصد دیگر دانشجوی تحصیلات تکمیلی هستند.

جدول شماره (۴). توزیع فراوانی بر حسب موافقت و مخالفت با گویه‌های مؤلفه‌ها

مؤلفه/ روند	گویه	موافق		مخالف	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
هویت و جایگاه دانشگاه	ارزش‌های آکادمیک دستخوش تحوّل اساسی می‌شوند.	۴۹	۵۸/۳۳	۳۵	۴۱/۶۷
	تحوّل اساسی در ارزش‌های آکادمیک رخ نمی‌دهد.	۳۸	۴۵/۲۴	۴۶	۵۴/۷۶
	به‌دلیل کالایی‌شدن آموزش، مقوله‌هایی چون اخلاق علمی و هویت فرهنگی در حاشیه قرار می‌گیرند.	۴۰	۴۷/۶۲	۴۴	۵۲/۳۸
	آموزش توسط کارتل‌های محیط مجازی مانند گوگل و زوم و ... مصادره می‌شود.	۴۲	۵۰/۰۰	۴۲	۵۰
	دانشگاه‌ها وارد عرصهٔ عمومی و ایفای مسئولیت اجتماعی و کمک به جامعه می‌شوند.	۵۸	۶۹/۰۵	۲۶	۳۰/۹۵
	نهاد دانشگاه منزوی می‌شود.	۲۳	۲۷/۳۸	۶۱	۷۲/۶۲
	نهاد دانشگاه فرایند تعمیق هویت اجتماعی را طی می‌کند.	۵۶	۶۶/۶۷	۲۸	۳۳/۳۳
	ورود دانشگاه به پرسش‌های بنیادین بشر قطعی است.	۵۹	۷۰/۲۴	۲۵	۲۹/۷۶
پایداری	نقش دانشگاه‌ها در ترویج و پیاده‌سازی پایداری برجسته می‌شود.	۵۷	۶۷/۸۶	۲۷	۳۲/۱۴
	دانشگاه‌ها به اهمیت پایداری و حفظ محیط زیست پی می‌برند.	۷۰	۸۳/۳۳	۱۴	۱۶/۶۷
	دانشگاه‌ها به کانون ممتاز مباحث پایداری تبدیل می‌شوند.	۵۴	۶۴/۲۹	۳۰	۳۵/۷۱

مؤلفه / روند	گویه	موافق		مخالف	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ورود به دانشگاه	دانشگاه‌ها مجدداً نخبه‌گرا می‌شوند.	۳۰	۳۵/۷۱	۵۴	۶۴/۲۹
	به‌دلیل کمبود استقبال جوانان دانشگاه‌ها توده‌ای نخواهند بود.	۳۹	۴۶/۴۳	۴۵	۵۳/۵۷
	اشتغال از تحصیل مهم‌تر می‌شود.	۶۴	۷۶/۱۹	۲۰	۲۳/۸۱
	به‌دلیل مخاطرات مشاغل مرتبط با بیمارستان‌ها استقبال جوانان از رشته‌های پزشکی کاهش می‌یابد.	۱۸	۲۱/۴۳	۶۶	۷۸/۵۷
	به‌دلیل اهمیت موضوع سلامت، تعداد دانشجویان پزشکی افزایش می‌یابد.	۴۷	۵۵/۹۵	۳۷	۴۴/۰۵
زندگی دانشگاهی	فضای یادگیری غنای سابق را ندارد.	۵۹	۷۰/۲۴	۲۵	۲۹/۷۶
	جامعه‌پذیری علمی دانشجویان دچار ضعف می‌شود.	۶۱	۷۲/۶۲	۲۳	۲۷/۳۸
	زندگی در پردیس متحوّل می‌شود.	۵۹	۷۰/۲۴	۲۵	۲۹/۷۶
	آموزش‌های یکپارچه مجازی تعلق به زیست‌بوم محلی را در دانشجویان کاهش می‌دهد.	۵۹	۷۰/۲۴	۲۵	۲۹/۷۶
	اشکال نوینی از رابطه استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو ظهور می‌یابد.	۷۴	۸۸/۱۰	۱۰	۱۱/۹
بین‌المللی شدن	اشکال جدیدی از همکاری‌های علمی-بین‌المللی شکل می‌گیرد.	۸۲	۹۷/۶۲	۲	۲/۳۸
	آموزش عالی به سمت بومی‌شدن و محلی‌شدن پیش می‌رود.	۳۷	۴۴/۰۵	۴۷	۵۵/۹۵
	تعداد دانشجویان خارجی به‌شدت کاهش خواهد یافت.	۵۴	۶۴/۲۹	۳۰	۳۵/۷۱
یادگیری الکترونیکی	یادگیری الکترونیکی به‌صورت فعلی و به‌عنوان مکمل در شرایط اضطراری ادامه می‌یابد.	۸۳	۹۸/۸۱	۱	۱/۱۹
	یادگیری الکترونیکی متحوّل و زیرساخت‌های آن تا سر حد مجازی‌شدن کامل مهیا می‌شود.	۶۵	۷۷/۳۸	۱۹	۲۲/۶۲
	یادگیری ترکیبی (حضوری + مجازی) توسعه می‌یابد.	۸۱	۹۶/۴۳	۳	۳/۵۷
	پدیدهٔ پژوهش مجازی شکل خواهد گرفت.	۷۷	۹۱/۶۷	۷	۸/۳۳
حکمرانی مدیریت و بودجه	حکمرانی و مدیریت دانشگاهی متمرکزتر و سلسله‌مراتبی می‌شود (از بالا به پایین).	۳۲	۳۸/۱۰	۵۲	۶۱/۹
	حکمرانی و مدیریت دانشگاهی دمکراتیک‌تر و مشارکتی‌تر می‌شود.	۵۴	۶۴/۲۹	30	۳۵/۷۱
	دانشگاه‌ها به‌دلیل کمبود بودجه به بهره‌وری و انضباط مالی روی می‌آورند.	۷۴	۸۸/۱۰	10	۱۱/۹
	برخی فعالیت‌های آکادمیک تعطیل می‌شود.	۶۹	۸۲/۱۴	15	۱۷/۸۶
	دانشگاه‌ها با ابتکارات خود (ارتباط با صنعت و ...) کمبود بودجه را جبران می‌کنند.	۵۷	۶۷/۸۶	27	۳۲/۱۴
	به‌دلیل بحران اقتصادی، مصرف‌کنندگان خدمات آموزش عالی کاهش پیدا می‌کنند.	۵۵	۶۵/۴۸	29	۳۴/۵۲
مجموع پاسخگویان		۸۴			

طبق جدول شـمارهٔ (۴) توزیع فراوانی بر حسـب موافقت و مخالفت با گویه‌های کلان روندها، از ۸۴ نفر پاسخگو نسبت موافقت‌ها به شرح زیر است:

در کلان‌روند «هویت و جایگاه دانشـگاه» بیشـترین موافقت، یعنی ۷۰درصـد، با گویه «ورود دانشگاه به پرسش‌های بنیادین بشر قطعی است» و کمترین موافقت یعنی ۲۷درصد با گویه «نهاد دانشگاه منزوی می‌شود» است.

در کلان روند «پایداری» بیشـترین موافقت یعنی ۸۳درصـد با گویهٔ «دانشـگاه‌ها به اهمیت پایداری و حفظ محیط زیسـت پی می‌برند» و کمترین موافقت یعنی ۶۴درصـد با گویه «دانشگاه‌ها به کانون ممتاز مباحث پایداری تبدیل می‌شوند» است.

در کلان روند «ورود به دانشگاه» بیشترین موافقت یعنی ۷۶درصد با گویهٔ «اشتغال از تحصیل مهم‌تر می‌شود» و کمترین موافقت یعنی ۲۱/۵درصد با گویه «به‌دلیل مخاطرات مشاغل مرتبط با بیمارستان‌ها استقبال جوانان از رشته‌های پزشکی کاهش می‌یابد» است.

در کلان روند «زندگی دانشگاهی» بیشترین موافقت یعنی ۸۸درصد با گویهٔ «اشکال نوینی از رابطه استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو ظهور می‌یابد» و با مابقی گویه‌ها هم تقریباً ۷۰درصد است.

در کلان روند «بین‌المللی‌شدن» بیشترین موافقت یعنی ۹۷/۶درصد با گویهٔ «اشکال جدیدی از همکاری‌های علمی-بین‌المللی شکل می‌گیرد» و کمترین موافقت یعنی ۴۴درصد با گویهٔ «آموزش عالی به سمت بومی‌شدن و محلی‌شدن پیش می‌رود» است.

در کلان‌روند «یادگیری الکترونیکی» بیشـترین موافقت یعنی ۹۸/۸درصـد با گویهٔ «یادگیری الکترونیکی به‌صورت فعلی و به‌عنوان مکمل در شرایط اضطراری ادامه می‌یابد» و کمترین موافقت یعنی ۷۷/۳درصد با گویهٔ «یادگیری الکترونیکی متحوّل و زیرساخت‌های آن تا سر حد مجازی‌شدن کامل مهیا می‌شود» است.

در کلان‌روند «حکمرانی مدیریت و بودجه» بیشـترین موافقت یعنی ۸۸درصـد با گویهٔ «دانشـگاه‌ها به‌دلیل کمبود بودجه به بهره‌وری و انضـباط مالی روی می‌آورند» و کمترین موافقت یعنی ۳۸درصد با گویهٔ «حکمرانی و مدیریت دانشگاهی متمرکزتر و سلسله‌مراتبی می‌شود (از بالا به پایین)» است.

جدول شماره(۵). توزیع سناریوهای مرجح[1]

مؤلفه/روند	سناریو	درصد موافقت
هویت و جایگاه دانشگاه	آموزش توسط کارتل‌های محیط مجازی مانند گوگل و زوم و ... مصادره می‌شود.	۵۰/۰۰
	ارزش‌های آکادمیک دستخوش تحوّل اساسی می‌شوند.	۵۸/۳۳
	نهاد دانشگاه فرایند تعمیق هویت اجتماعی را طی می‌کند.	۶۶/۶۷
	دانشگاه‌ها وارد عرصه عمومی و ایفای مسئولیت اجتماعی و کمک به جامعه می‌شوند.	۶۹/۰۵
	ورود دانشگاه به پرسش‌های بنیادین بشر قطعی است.	۷۰/۲۴
پایداری	دانشگاه‌ها به کانون ممتاز مباحث پایداری تبدیل می‌شوند.	۶۴/۲۹
	نقش دانشگاه‌ها در ترویج و پیاده‌سازی پایداری برجسته می‌شود.	۶۷/۸۶
	دانشگاه‌ها به اهمیت پایداری و حفظ محیط زیست پی می‌برند.	۸۳/۳۳
ورود به دانشگاه	به‌دلیل اهمیت موضوع سلامت، تعداد دانشجویان پزشکی افزایش می‌یابد.	۵۵/۹۵
	اشتغال از تحصیل مهم‌تر می‌شود.	۷۶/۱۹
زندگی دانشگاهی	فضای یادگیری غنای سابق را ندارد.	۷۰/۲۴
	زندگی در پردیس متحوّل می‌شود.	۷۰/۲۴
	آموزش‌های یکپارچه مجازی تعلق به زیست‌بوم محلی را در دانشجویان کاهش می‌دهد.	۷۰/۲۴
	جامعه‌پذیری علمی دانشجویان دچار ضعف می‌شود.	۷۲/۶۲
	اشکال نوینی از رابطه استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو ظهور می‌یابد.	۸۸/۱۰
بین‌المللی‌شدن	تعداد دانشجویان خارجی به‌شدت کاهش خواهد یافت.	۶۴/۲۹
	اشکال جدیدی از همکاری‌های علمی-بین‌المللی شکل می‌گیرد.	۹۷/۶۲
یادگیری الکترونیکی	یادگیری الکترونیکی متحوّل و زیرساخت‌های آن تا سرحدّ مجازی‌شدن کامل مهیا می‌شود.	۷۷/۳۸
	پدیدهٔ پژوهش مجازی شکل خواهد گرفت.	۹۱/۶۷
	یادگیری ترکیبی (حضوری + مجازی) توسعه می‌یابد.	۹۶/۴۳
	یادگیری الکترونیکی به‌صورت فعلی و به‌عنوان مکمل در شرایط اضطراری ادامه می‌یابد.	۹۸/۸۱
حکمرانی مدیریت و بودجه	حکمرانی و مدیریت دانشگاهی دمکراتیک‌تر و مشارکتی‌تر می‌شود.	۶۴/۲۹
	دانشگاه‌ها با ابتکارات خود (ارتباط با صنعت و ...) کمبود بودجه را جبران می‌کنند.	۶۷/۸۶
	برخی فعالیت‌های آکادمیک تعطیل می‌شود.	۸۲/۱۴
	دانشگاه‌ها به‌دلیل کمبود بودجه به بهره‌وری و انضباط مالی روی می‌آورند.	۸۸/۱۰
مجموع پاسخگویان		۸۴

جدول شمارهٔ (۵) سناریوهای مرجح در هر یک از مؤلفه‌های هفت‌گانه را نشان می‌دهد. در کل از ۳۴ سناریو محتمل، ۲۵ سناریو مورد تأیید و ترجیح پاسخگویان است.

۱. سناریوهایی که درصد موافقت بیشتر از ۵۰درصد است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در جست‌وجوی عوامل ثبات یا تغییر برای تجسم آینده بالقوه است. در این مقاله رویکرد دیده‌بانی آینده با مدد پیمایش پیگیری شد. در این نوع مطالعات قضاوت خبرگان در مورد روندها و رویدادها بسیار مهم تلقی می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان داد خبرگان و متخصصان آموزش عالی اصل وجود تأثیرات و پیامدهای بحران ویروس کرونا برآموزش عالی را پذیرفته‌اند. همچنین از دیدگاه آنان، این تأثیرات بسیط و ساده نبوده و دارای ابعاد وسیع و متنوعی است. همان‌گونه که ملاحظه شد در هر یک از ابعاد هفت‌گانه معطوف به آینده حداقل دو سناریو مرجّح با میانگین بالای ۵۰درصدموافق وجود دارد. سه روند کلان که بیشترین احتمال وقوع را از نظر پاسخگویان دارند به‌ترتیب عبارت‌لنداز: تقویت یادگیری الکترونیکی (اما نه به‌صورت تحوّل بنیادین و مجازی‌شدن کامل)، تغییر در سبک زندگی دانشگاهی و توجه بیشتر به مقولهٔ پایداری. این سه روند بیشترین سناریوهای مرجّح را در درون خود جای می‌دهند.

با حذف سناریوهایی که میانگین موافقان آن زیر ۵۰درصد است، سناریوهای مرجّح نمایان می‌شوند. در مؤلفه یا روند «ویت و جایگاه دانشگاه»، به‌نظر می‌رسد اکثر پاسخگویان نهاد دانشگاه فرایند تعمیق هویت اجتماعی را طی می‌کنند و ورود دانشگاه به پرسش‌های بنیادین بشر قطعی است. ۶۱درصد پاسخگویان با این سناریو که نهاد دانشگاه منزوی می‌شود مخالف هستند. این یافته برخلاف برخی گزارش‌هایی است که در ابتدای شروع بحران، عجولانه خبر از زوال هویت دانشگاه و جابجایی ارزش‌های آکادمیک می‌دادند. این خوش‌بینی و امیدواری نسبت به حفظ ارزش‌ها و رسالت‌های دانشگاه در گزارش بانک جهانی نیز مشهود است.

در مؤلفه/روند «پایداری» نقش دانشگاه‌ها در ترویج و پیاده‌سازی پایداری برجسته می‌شود. دانشگاه‌ها به اهمیت پایداری و حفظ محیط زیست پی می‌برند. همچنان‌که جورجیو مارینونی و همکاران[1] (۲۰۲۰)دربخشی ازگزارش بانک جهانی براهمیت یافتن پایداری در این دوران تأکید کردند.

1. Giorgio Marinoni

در مؤلفهٔ سوم یعنی «روند تأثیر بحران بر ورود دانشجویان به دانشگاه(ثبت‌نام)» به‌لحاظ کاهش توان مالی خانواده‌ها و عوامل دیگر، اشتغال از تحصیل مهم‌تر می‌شود. امری که سنتیل ناتان (۲۰۲۰) از آن به‌عنوان چشم‌انداز ترسناک نام برد.

درمؤلفهٔ چهارم یعنی «زندگی دانشگاهی» پاسخگویان معتقدند اشکال نوینی از رابطه استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو ظهور می‌یابد.

در مؤلفهٔ «بین‌المللی‌شدن» نیز روندها نشان می‌دهد اشکال جدیدی از همکاری‌های علمی-بین‌المللی شکل می‌گیرد و تعداد دانشجویان خارجی به‌شدت کاهش خواهد یافت. این سناریو با یافته‌های محققان بانک جهانی همچنین گزارش سنتیل ناتان (۲۰۲۰) همسو است. در مورد روند «الکترونیکی‌شدن»، مرجح‌ترین سناریو عبارت است از تداوم یادگیری الکترونیکی به‌صورت فعلی و به‌عنوان مکمل در شرایط اضطراری به‌گونه‌ای که یادگیری ترکیبی (حضوری + مجازی) توسعه وپژوهش مجازی رواج می‌یابد. این تحوّل با نظرات جوشا کیم (۲۰۲۰) همچنین پیش‌بینی بانک جهانی و آنچه در امارات متحدهٔ عربی و هندوستان و بسیاری دیگر از کشورها گزارش‌شده یا درحال‌وقوع است سازگاری دارد.

در مؤلفهٔ «حکمرانی ومدیریت» عمده‌ترین تحوّل پیش‌رو این است که دانشگاه‌ها به‌دلیل کمبود بودجه به بهره‌وری و انضباط مالی روی می‌آورند. درعین‌حال، برخی فعالیت‌های آکادمیک تعطیل می‌شود. این بحران مالی توسط هلبل و بولتون (۲۰۲۰) و جوشا کیم (۲۰۲۰) و همچنین منتظر و همکاران (۱۳۹۹) مطرح شده بود. برای فائق‌آمدن بر چالش‌های مدیریت و حکمرانی از این دست پیشنهاد فرناندز و شاو (۲۰۲۰) مبنی بر رهبری انعطاف‌پذیر و خدمتگزار، که همه ذی‌نفعان را در شبکه‌ای گردهم آورد، راهگشا و الهام بخش است. این به معنی استقرار نوعی حکمرانی هوشمند دانشگاهی است. رویکرد مهمی که دانشگاه ایرانی نیز باید به‌سوی آن گام بردارد.

منابع

اسلاتر، ریچارد؛ و همکاران (۱۳۸۶). نواندیشی برای هزاره نوین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی (مترجمان: عقیل ملکی‌فر، احمد ابراهیمی، وحید وحیدی‌مطلق). تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری.

پرژن میرور (۱ آوریل، ۲۰۲۰). نگرانی دانشجویان خارجی در کانادا. برگرفته از https://www.persianmirror.ca

علیزاده، عزیز؛ وحیدی مطلق، وحید؛ و ناظمی، امیر (۱۳۸۷). سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایهٔ سناریوها. تهران: مؤسسه مطالعات بین‌الملل انرژی.

فرانکی بوینس و همکاران (۱۳۹۹). ویروس کرونا: برنامه‌ریزی مؤسسات آموزش عالی ایالت متحده برای آینده‌ای نامشخص (مترجم: پژوهشکده مطالعات ترجمه). دانشگاه علامه طباطبایی. (تاریخ اصل اثر ۳ آوریل ۲۰۲۰)

منتظر، غلامعلی و همکاران (۱۳۹۹). چالش‌های آموزش در عصر همه‌گیری کووید-۱۹ (گزارش). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

وندل، بل (۱۳۹۱). مبانی آینده‌پژوهی: تاریخچه، اهداف ودانش (جلد اول؛ مترجمان: مصطفی تقوی و محسن محقق). تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم وفنّاوری دفاعی.

Bolton, P., & Hubble, S. (Apr. 17, 2020). Coronavirus: Update implications for the further and higher education sectors. *House of Commons Library*, Reterived from https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-8893/

Fernandez, A. A., & Shaw, G. P. (2020). Academic leadership in a time of crisis: The coronavirus and COVID-19. *Journal of Leadership Studies*, 14(1), 39–45. doi:10.1002/jls.21684

Godet, M. (1999*). Scenarios and strategies: A toolbox for scenario planning.* Paris: LIPS.

IAP (2011). The Science and technology in society (STS) forum. *InterAcademy Partnershi*, Reterived from https://www.interacademies.org/event/science-and-technology-society-sts-forum

International Association of Universities (2020). COVID-19: Higher education challenges and responses Reterived from https://www.iau-aiu.net/Covid-19-Higher-Education-challenges-and-responses

Jindal Global University (Jun. 29, 2020). Impact of COVID-19 on higer education-Challenges and opportunities. Reterived from http://jgu.edu.in/blog/2020/06/29/impact-of-covid-19-on-higher-education-challenges-opportunities/

Joshua, K. (Apr. 1, 2020). Teaching and learning after COVID-19. *Inside Higher Ed*, Reterived from https://www.insidehighered.com/digital-learning/blogs/learning-innovation/teaching-and-learning-after-covid-19

Kumar, D. (Apr. 29, 2020). Impact of COVI-19 on higher education. *Higher Education Digest*, Reterived from https://www.highereducationdigest.com/impact-of-covid-19-on-higher-education

Nathan, S. (May 11, 2020). *Where does higher education go from Here?* Reterived from https://www.al-fanarmedia.org/2020/05/future-higher-education-go-from-here/

World Bank (2020). Tertiary education and Covod-19 crisis. Reterived from http://pubdocs.worldbank.org/en/621991586463915490/WB-Tertiary-Ed-and-Covid-19-Crisis-for-public-use-April-9.pdf

World Bank Group (2020). The COVID-19 crisis response: Supporting tertiary education for continuity, adaptation, and innovation. Reterived from https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/34571?show=full

Slaughter, R. (2007). New thinking for a new millennium (A. Malekifar; A. Ebrahimi, & V. Vahidi Motlaq. Trans.). Institute for Education and Research in Defensive Industry. (Original work published 1995)

Wendel, B. (2012*). Foundations of futures studies: human science for a new era* (M. Taghavi, & M. Mohagheqh, Trans.). Institute for Education and Research in Defensive Industry. (Original work published 2003)

World Bank (2020). Tertiary education and Covod-19 crisis. Reterived from http://pubdocs.worldbank.org/en/621991586463915490/WB-Tertiary-Ed-and-Covid-19-Crisis-for-public-use-April-9.pdf

World Bank Group (2020). The COVID-19 crisis response: Supporting tertiary education for continuity, adaptation, and innovation. Reterived from https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/34571?show=full

BIBLIOGRAPHY

Alizadeh, A., Vahidi Motlagh, V., & Nazemi. A. (2008). *Scenario planning.* Tehran, Iran: Institute for International Energy Studies.

Bevins, F., Bryant, J., Krishnan, C., & Law, J. (2020). Coronavirus: How should US higher education plan for an uncertain future? (Institues for Translation Studies, Trans.). Allame Tabataba'i University, (Original work published Apr. 3, 2020). Reterived from https://www.msrt.ir/file/download/news/1587914225-corona-virus-all.pdf

Bolton, P., & Hubble, S. (Apr. 17, 2020). Coronavirus: Update implications for the further and higher education sectors. *House of Commons Library*, Reterived from https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-8893/

Fernandez, A. A., & Shaw, G. P. (2020). Academic leadership in a time of crisis: The coronavirus and COVID-19. *Journal of Leadership Studies*, 14(1), 39–45. doi:10.1002/jls.21684

Godet, M. (1999*). Scenarios and strategies: A tool-box for scenario planning.* Paris: LIPS.

IAP (2011). The Science and technology in society (STS) forum. *InterAcademy Partnershi*, Reterived from https://www.interacademies.org/event/science-and-technology-society-sts-forum

International Association of Universities (2020). COVID-19: Higher education challenges and responses Reterived from https://www.iau-aiu.net/Covid-19-Higher-Education-challenges-and-responses

Jindal Global University (Jun. 29, 2020). Impact of COVID-19 on higer education-Challenges and opportunities. Reterived from http://jgu.edu.in/blog/2020/06/29/impact-of-covid-19-on-higher-education-challenges-opportunities/

Joshua, K. (Apr. 1, 2020). Teaching and learning after COVID-19. *Inside Higher Ed*, Reterived from https://www.insidehighered.com/digital-learning/blogs/learning-innovation/teaching-and-learning-after-covid-19

Kumar, D. (Apr. 29, 2020). Impact of COVI-19 on higher education. *Higher Education Digest*, Reterived from https://www.highereducationdigest.com/impact-of-covid-19-on-higher-education/

Montazer, Gh (2020). Education challenges in Coronavirus age [monograph report]. Tehran, Iran: Tarbiat Modarres university. Reterived from https://www.modares.ac.ir/news/news-list/news-content?newsview=13406

Nathan, S. (May 11, 2020). *Where does higher education go from Here?* Reterived from https://www.al-fanarmedia.org/2020/05/future-higher-education-go-from-here/

Persian Mirror (Apr. 1, 2020). *Foreign students concerns in Canada*. Reterived from https://www.persianmirror.ca

reported in the UAE, India, and many other countries. Regarding the management, the major change will be better financial management and discipline due to the lack of funding. At the same time, some academic activities will be halted. This financial crisis was pointed out by Hubble& Bolton (2020), Josha Kim (2020) and by Montazer et al. (2016). To overcome such management and governance challenges, Fernand Washaw's (2020) suggestion regarding a flexible and service-oriented leadership which brings all stakeholders together in a network is inspiring and helpful. This means establishing a kind of intelligent university governance. It is an important approach that the Iranian university should also try to adopt it.

CONCLUSION

The findings showed that higher education experts have already accepted the fact that the COVID-19 crisis has had impacts on higher education. Moreover, in their view, these effects are not simple and have wide and diverse dimensions. On average there was a fifty percent agreement on at least one of seven preferred scenarios mentioned above. Three major trends that are most likely to occur from the respondents' point of view are: strengthening e-learning (but not as a fundamental transformation and a complete online delivery of the content), a change in the academic lifestyle and paying more attention to sustainability. These three trends contain the most preferred scenarios.

NOVELTY

The importance and the innovation of this study lies in its multilateral approach to the Covid-19 crisis and its impact on the future of higher education. Furthermore, futuristic approach (with evidence extracted from the survey) is one of the advantages of this study compared to similar studies in recent months.

The results of the study have been extracted in the form of valid and referenced scenarios. Scenarios are stories and tools for regulating our perceptions of different future ecosystems in which our decisions may be implemented. Possible scenarios were presented to some higher education experts in order to determine and validate the preferred scenarios.

RESULTS

84 experts participated in the scenario validation survey. Possible scenarios were organized into seven categories: university identity and status, attention to sustainability, university admission, changing university lifestyle, internationalization, e-learning, management. Each category consists of different subcategories.

DISCUSSION

By eliminating the scenarios whose proponents were less than 50%, the preferred scenarios appeared. According to most respondents, regarding university identity and status subcategory, the university will deepen social identity and it will respond to humanity's basic questions. Sixty-one percent of respondents oppose the scenario that the university will be isolated. This finding is contrary to some reports which hastily claimed at the beginning of the crisis that the university identity is in decline and a shift in academic values. This optimism and hope for the preservation of university values and mission is also evident in the World Bank report.

Regarding sustainability subcategory, the role of universities in promoting and implementing sustainability will be highlighted. Universities will recognize the importance of sustainability and environmental protection. As Giorgio Marinoni et al. (2020) emphasize that sustainability will gain importance during this period. Regarding the impact of Covid-19 crisis on student enrollment it is predicted that finding a job will become more important than education due to financial issues and other factors. Nathan (2020) calls this a horrifying prospect. Regarding the university life, respondents believe that new forms of the teacher-student and student-student relationships will emerge. In terms of internationalization, trends show that new forms of scientific collaborations will appear and the number of foreign students will be reduced drastically. This scenario is consistent with the findings of World Bank researchers as well as the Nathan (2020) report.

Regarding the e-learning, the most preferred scenario is the continuation of e-learning in its current form and as a complement in emergencies, so that blended learning will expand and virtual research will be prevalent. This development confirms Josha Kim (2020) views, World Bank predictions. and what has been

INTRODUCTION

The aim of the present article is to examine the possible futures that will be faced by higher education due to the Covid-19 crisis. It has been important for the author to discover the views of higher education professionals and experts regarding the growing uncertainties. Overcoming the ambiguity in the existing gray space helps academic leaders move forward with an intelligent management based on visualizing the future to create wise and regulated leaderships. The closure of universities in 192 countries, digital divide and inequality in access to online learning facilities, lack of preparedness to offer online educational services, the return of international students to their homeland, the cancelation of cultural events and scientific conferences, financial crisis in tuition-based higher education institutions, lack of student satisfaction with the content and the quality of online courses, The coronavirus contraction of a number of professors and students and many other problems and challenges have occurred following the advent of coronavirus. However, conducted studies on coronavirus impacts have not covered all aspects and consequences of the crisis. The researcher is concerned with the gap between the realities on the ground and the way university authorities have managed the crisis. If it is not filled with careful studies and planning, the gap will lead to a crisis in higher education. According to futurists, in such a complicated situation, , the future will ambush us. Unfortunately, Unfortunately, the studies conducted in the past 5 months have mainly focused on e-learning and its challenges and other serious consequences of the Covid-19 crisis, such as the university's social identity, the effects of the crisis on student entry and enrollment, its effects on sustainability, and so on, have received less attention. The researcher's second concern is to discover the above neglected consequences and present some scenarios for each consequence and ask higher education experts to assess each scenario.

PURPOSE

The purpose of this article is to investigate and explain the effects of the Covid-19 crisis on higher education.

METHODOLOGY

This article is applied in terms of purpose, descriptive-exploratory in terms of nature and a cross-sectional survey, in terms of research method. Futurology as an interdisciplinary field guides the orientation of this article. Data have been collected through a closed questionnaire developed by the researcher. The Guttmann scale was used to prepare the questionnaire. Respondents are a group of higher education experts and specialists who were selected strategically and purposefully. The results are presented in the form of future scenarios.

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 51-56, Spring 2020

Zakersalehi, G. (2020). Futurology on the effects of the COVID-19 crisis on higher education. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 51-56. doi: 10.22035/isih.2020.3962.4063

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3962.4063 URL: http://www.isih.ir/article_342.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Futurology on the Effects of the COVID-19 Crisis on Higher Education

Gholamreza Zakersalehi[1]

Received: Apr. 29, 2020; Accepted: May 19, 2020

Abstract

The purpose of this article is to investigate and explain the effects of the Covid-19 crisis on higher education. Futurology as an interdisciplinary field guides the orientation of this article. The results are presented in the form of future scenarios. The findings showed that higher education experts have already accepted the fact that the COVID-19 crisis has had impacts on higher education. Moreover, in their view, these effects are not simple and have wide and diverse dimensions. On average there was a fifty percent agreement on at least one of seven preferred scenarios mentioned above. Three major trends that are most likely to occur from the respondents' point of view are: strengthening e-learning (but not as a fundamental transformation and a complete online delivery of the content), a change in the academic lifestyle and paying more attention to sustainability. These three trends contain the most preferred scenarios.

Keywords: COVID-19 crisis, higher education, future study

1. Associate Professor of Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran

✉ zakersalehi@irphe.ir

Sadeghi Fasaei, S., & Nazari, H., (2017). Formation of self and other in everyday life experiences Afghan teens. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(3). 437-456. doi: 10.22059/jisr.2016.60087

Safdar, S., Lay, C., & Struthers, W., (2003). The process of acculturation and basic goals: testing a multidimensional individual difference acculturation model with Iranian immigrants in Canada. *Applied psychology: an international review.* 52(4).doi: 10.1111/1464-0597.00151

Saidi, S. (2020). *Gender and internationalization of higher education: gender analysis of Afghan students' lived experience in Iran* [Research proposal]. Tehran, Iran: Institute for Social and Cultural Studies.

Schreier, M. (2012). Qualitative content analysis, in F Uwe (ed), *The sage handbook of analyzing qualitative data.* SAGE, London.

Sharkin, B.S. (2006). *College students in distress: a resource guide for faculty, staff, and campus Community.* New York: Haworth Press.

Ye, J. (2005). Acculturative stress and use of the Internet among East Asian international students in the United States. *Cyber Psychology & Behavior,* 8(2). 154-161. doi: 10.1089/cpb.2005.8.154.

Furnham, A., & Bochner, S. (1986). *Culture shock: psychological reactions to unfamiliar environments*. New York, NY: Methuen & Co.

Grinberg, L., & Grinberg, R. (1989). *Psychoanalytic perspectives on migration and exile*. Yale University Press, New Haven and London.

Hall, S. (2017*). Familiar stranger: a life between two islands.* Duke University Press Books.

Hine, Ch. (2000). *Virtual ethnography.* London: SAGE.

Horst, C. (2018). Making a difference in Mogadishu? experiences of multi-sited embeddedness among diaspora youth. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 44(8). 1341–1356. doi: 10.1080/1369183X.2017.1354161

ICRC., (2009). Our world: views from the field, Afghanistan opinion survey and in-depth research. Available from: from: https://www.icrc.org/eng/assets/files/2011/afghanistan-opinion-survey-2009.pdf

Jou, Y.H., & Fukada, H. (1996). The causes and influence of transitional stress among Chinese students in Japan. *The Journal of Social Psychology*. 136(4). 501-509.doi: 10.1080/00224545.1996.9714032

Kivisto, P. (2005). Social spaces, transnational immigrant communities and politics of incorporation, In Kivisto, P., (ed.) *Incorporation diversity: rethinking assimilation in a multicultural age*. Boulder, CO: Paradigm.

Kozinets, R.V. (2015). *Netnography: redefined.* Sage Publications. Thousand Oaks, CA.

Lacroix, T. (2013). Collective remittances and integrations: North African and North Indian comparative perspectives. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 39(6).doi: 10.1080/1369183X.2013.765667

Lee, J.S., Koeske, G.F., & Sales, E. (2004). Social support buffering of acculturative stress: a study of mental health symptoms among Korean international students. *International Journal of Intercultural Relations.* 28(5). 399–414.doi: 10.1016/j.ijintrel.2004.08.005

Marta, Y.Y. (2001). Moderators of stress in Salvadoran refugees: the role of social and personal resources*. International Migration Review.* 35(3). 840-869. doi: 10.1111/j.1747-7379.2001.tb00043.x

Modood, T. (2005). Remaking multiculturalism after 7/7. Available at http://www.opendemocracy.net

Nagel, C. (2009). Rethinking geographies of assimilation. *The Professional Geographer*. 61(3). 400-407. doi: 10.1080/00330120902941753

Nibbs, F., & Brettell, C. (2016). *Identity and the second generation how children of immigrants find their space.* Nashville: Vanderbilt University Press.

Portes, A., Fernandez-Kelly, P., & Haller, W. (2009). The adaptation of the immigrant second generation in America: a theoretical overview and recent evidence. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 75(3). doi: 10.1080/13691830903006127

BIBLIOGRAPHY

Abbasi-Shavazi, M.J., & Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran. *International Migration.* 53(6). 89-110. doi: 10.1111/imig.12148

Balbo, M., & Marconi, G. (2006). International migration, diversity and urban governance in cities of south. *Journal of Habitat International.* 30(3). 706-715. doi: 10.1016/j.habitatint.2005.04.004

Berry, J.W. (2005). Acculturation: living successfully in two cultures. *Journal of Intercultural Relations.* 29(6). 697-712. doi: 10.1016/j.ijintrel.2005.07.013

Berry, J.W., & Phinney, J.S., & Sam, D.L., & Vedder, P. (Ed.) (2006). *Immigrant youth in cultural transition: acculturation, identity, and adaptation across national contexts.* Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

Bhabha, H.K. (2004). *The location of culture.* London: Routledge Classics.

Brettell, C.B. (2016). *Gender and migration.* Polity.

Brocket, T. (2018). From "in-betweenness" to "positioned belongings": second-generation Palestinian-Americans negotiate the tensions of assimilation and transnationalism. *Ethnic and Racial Studies.* 43(16).135-154. doi: 10.1080/01419870.2018.1544651

Chen, C.P. (1999). Common stressors among international college students: Research and counseling implications. *Journal of College Counseling.* 2 (1). 49–65. doi: 10.1002/j.2161-1882.1999.tb00142.x

Chirkov, V., Vansteenkiste, M., Tao, R., & Lynch, M. (2007). The role of self-determined motivation and goals for study abroad in the adaptation of international students. *International Journal of Intercultural Relations.* 31(2). 199-222. doi: 10.1016/j.ijintrel.2006.03.002.

Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches.* Sage Publications, Inc.

De Wit, H., & Hunter, F. (2015). The future of internationalization of higher education in Europe. *International Higher Education.* 83. 2-3. doi: 10.6017/ihe.2015.83.9073

Dentakos, S., & Wintre, M., & Chavoshi, S., & Wright, L. (2016). Acculturation motivation in international student adjustment and permanent residency intentions: a mixed-methods approach. *Emerging Adulthood.* 5(1). doi: 10.1177/2167696816643628

Erdal, M.B., & Oeppen, C. (2013). Migrant balancing acts: understanding the interactions between integration and transnationalism. *Journal of Ethnic and Migration Studies.* 39(6). 867-884. doi: 10.1080/1369183X.2013.765647

Floersch, J., Longhofer, J.L., Kranke, D., & Townsend, L. (2010). Integrating thematic, grounded theory and narrative analysis: a case study of adolescent psychotropic treatment, *Qualitative Social Work.* 9(3).407-425. doi: 10.1177/1473325010362330

CONCLUSION

Equal access to educational services provided by the school, facilitation of student accommodation regulations and amendment of the executive regulations of the Law on Entry and Residence of Foreign Nationals, automatic renewal of immigrants' identity cards, renewal of immigrants' work permits, cooperation of universities in holding review sessions on applications changes in tuition fees received from students and the approval of executive regulations related to health insurance coverage have been among the most important changes in the Iranian government's policy towards the immigrant community during the Corona crisis.

integration (especially social and cultural integration) and are in the stage of acculturation motivation because on the one hand their biggest problem is residence status and questions of citizenship in the host society which has led to the formation of cultural distance between minds and one of the most important obstacles is the psychological and emotional integration of Afghan immigrants with Iranian society.

One of the most important effects of the Corona crisis has been on college life. Corona's critical situation has left students and the public space in a vacuum, and new students have been one of the biggest losers, as the first year of college has many challenges for the student and his family. Continued emphasis on physical distance, quarantine and the obligation to stay at home, restrict social ties and kinship and friendship loss of social presence in educational centers (schools and universities), recreation centers (public parks and cultural centers such as cinemas and cafes) and religious centers (mosques and holy places), although in order to ensure the physical health of society, but it seems it has had negative effects on the mental health of various groups, especially international students.

DISCUSSION

Afghan girls redefine their identities as merely dependent and passive role models as a result of the new empowerment process of Afghan migrant girls, taking advantage of the opportunities created in the new urban environment. And new opportunities empower women as active and role-playing people in society. Increasing social demand, increasing the importance of education and facilitating access to public education, the massification of higher education and the change in the Afghan families' mindset have been effective in increasing the share of girls in higher education. One in three non-Iranian students is an Afghan girl. The Corona crisis has fueled the gender gap in the world, and Afghan women in general and female students in particular face double discrimination on this issue. In the context of virtual education and lower access of women to new communication technologies, this gap takes on another dimension, from which can be called gender digital divide.

Despite the long-term challenges of living in shadow by Afghan immigrants in Iran, based on this ethnographic study the Corona crisis has created a different situation for this marginalized community which accelerate visibility of them. As a result, by exposing the presence of millions of immigrants in a limited and segmented manner, it has accelerated the process of structural integration of immigrants.

INTRODUCTION

Considering Afghan migrants' presence in Iran as a temporary situation for over the past four decades, turned into a social problem which impact upon both migrants lived experiences and the host society. This paper with an anthropological perspective considered both Corona pandemic crisis and Afghan migratory life as a total social fact which encompass various dimensions, so to study the implications of the widespread prevalence of this virus in the daily life of the largest group of immigrants living in Iran, it is necessary to adopt an interdisciplinary approach.

PURPOSE

This article seeks to understand the implications of the Corona pandemic situation on the lived experience of Afghan students in the context of a more general understanding of the situation of Afghan immigrants living in Iran. The central hypothesis of this paper is that the outbreak of the Corona virus has had far-reaching effects on the educational, economic and social dimensions of migrants in general and Afghan students in particular. The most important negative effect of this social anxiety at the intersection with nationality, gender and class is enlargement of educational and gender inequalities in the daily lives of immigrants. On the other hand, the most important positive change resulting from this pandemic situation is the visibility of the presence of immigrants in the public opinion and policy arena in Iran, which to some extent has facilitated the structural integration of immigrants.

METHODOLOGY

In order to obtain the data of this semantic and qualitative research, the virtual ethnography technique (with emphasis on online observation) has been used. Data were obtained through semi-structured interviews with 31 Afghans with experience of higher education in Iran, three-quarters of whom were born / raised in Iran and the rest were educational sojourners. Polymorphous engagement method was used to collect data. Informants were selected using purposive and snowball sampling. In order to observe maximum variation of sampling, both sexes (male/female) and members of the 5 major ethnic groups in Afghanistan (Tajik, Pashtun, Hazara, Uzbek and Turkmen) were used in the interviews.

RESULT

Although at the level of structural integration, immigrants' access to health and education has been facilitated to some extent in recent years, the socio-cultural integration of immigrants, especially in the psychological-emotional dimensions encountered with several challenges. Afghan students have not reached the stage of

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 145-179, Spring 2020

Saidi, S. (2020). Intimate strangers: Afghan students lived experience in the COVID-19 crisis. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 145-179. doi: 10.22035/isih.2020.3861.3993

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3861.3993 URL: http://www.isih.ir/article_341.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Intimate Strangers: Afghan Students Lived Experience in the COVID-19 Crisis

Saideh Saidi[1]

Received: Apr. 29, 2020; Accepted: May 19, 2020

Abstract

Considering Afghan migrants' presence in Iran as a temporary situation for over the past four decades, turned into a social problem which impact upon both migrants lived experiences and the host society. This article seeks to understand the implications of the Corona pandemic situation on the lived experience of Afghan students. The central hypothesis of this paper is that the outbreak of the Corona virus has had far-reaching effects on the educational, economic and social dimensions of migrants in general and Afghan students in particular. The most important negative effect of this social anxiety at the intersection with nationality, gender and class is enlargement of educational and gender inequalities in the daily lives of immigrants. On the other hand, the most important positive change resulting from this pandemic situation is the visibility of the presence of immigrants in the public opinion and policy arena in Iran, which to some extent has facilitated the structural integration of immigrants. Data were obtained through semi-structured interviews with 31 Afghans with experience of higher education in Iran. Equal access to educational services provided by the school, facilitation of student accommodation regulations and amendment of the executive regulations of the Law on Entry and Residence of Foreign Nationals, automatic renewal of immigrants' identity cards, renewal of immigrants' work permits and the approval of executive regulations related to health insurance coverage have been among the most important changes in the Iranian government's policy towards the immigrant community during the Corona crisis.

Keywords: COVID-19 crisis, Integration, Afghan migrants, shadow identity, international students

1. Assistant Professor of Anthropology, Dep. Of Women Studies, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran

✉ Saidi@iscs.ac.ir

Khodabakhshi-Koolaei A. (2020). Living in home quarantine: Analyzing psychological experiences of college students during Covid-19 pandemic. *Journal of Military Medicine*, 22(2), 130-138.

Mirzaee, H., & Rahmani, J. (2020). Negāhi be haštak-e dar khāne mimānim; shekāfi miyān-e dark-e mardom va setād-e bohrān dar yek sho'ār [A view on the #Stay at Home; A gap between people perception and crisis committee]. In *Investigations on Socio-Cultural Dimensions of Coronavirus Crisis in Iran* (pp. 68-51), Teharan, Iran: Institute for Social and Cultural Studies.

Propper, C., Stoye, G., & Zaranko, B. (2020). The wider impacts of the coronavirus pandemic on the NHS. *Fiscal Studies*, 41(2), 345-356. doi: 10.1111/1475-5890.12227

Ritzer, G. (1995). Contemporary sociological theory (M. Solasi, Trans.). Tehran, Iran: Našr-e Elmi.

Seidman, S. (2007). *Contested knowledge* (H. Jalili, Trans.). Tehran, Iran: Ney.

Soleimani-Migooni, S. (2013). Hospital outbreak of Middle East respiratory syndrome Corona-viruses. *Journal of Nurse and Physician With in War*, 21, 49-52.

Tavakoli, A., Karbalaeinia, M. H., Keshavarz, M., Safarnejad, T. F., & Monavari, S. H. (2017). Corona-virus syndrome in middle east (Mers-Cov). *Iranian Journal of Medical Microbiology,* 11(1), 1-8.

Turner, B. S. (1994). *Orientalism, Postmodernism and Globalism.* New York: Routledge.

Turner, B. S. (2006). *The Cambridge Dictionary of Sociology*, New York: Cambridge University Press.

Vahdat, K., Amini, A., Najafi, A., & Haerinejad, M. J. (2013). Moruri bar Coronavirus-e jadid, Āmel-e sandrom-e hād-e tanafosi-ye Xāvaremiyāne [A review of novel Coronavirus, cause of Middle East respiratory syndrome]. *Iranian South Medical Journal*, 16(6), 486-492.

BIBLIOGRAPHY

Adda, J., Banks, J., & Von Gaudecker, H.-M. (2007). The impact of income shocks on health: evidence from cohort data. *Working Paper Series*. doi: 10.1920/wp.ifs.2007.0705

Alahtavakoli, M. (2020). Moqābele bā esters-e nāšhi az hamegiri-e virus-e Covid-19 [Coping by Covid-19 stresses]. *Journal of Jiroft University of Medical Sciences*, 7(1), 253-254.

Alasuutari, P. (2004). *Social theory and human reality*. London: Sage Publications.

Alizadeh Fard, S., & Saffarinia, M. (2020). The prediction of menthal health based on anxiety and the social cohesion that caused by Coronavirus. *Journal of Social Psychology Research*, 36, 129-141.

Beck, O. (2009). *Jāme'e dar moxātere-ye jahāni* [Global risk society] (M.R. Mahdizadeh,Trans.). Tehran, Iran: Kavir.

Dias, M. C., Joyce, R., Postel-Vinay, F., & Xu, X. (2020). The challenges for labor market policy during the Covid-19 pandemic. *Fiscal Studies*, 41(2), 371-382.

Farnoosh, G., Alishiri, G., Hosseini-Zijoud, S. R., Dorostkar, R., & Jalali-Farahani, A. (2009). Understanding the severe acute respiratory syndrome Coronavirus 2 (SARS-CoV-2) and Coronavirus disease (COVID-19) based on available evidence - A narrative review]. *Journal of Military Medicine*, 22(1), 1-11.

Ghasemi, M. (2009). Jāme'e-ye risk va ahamiyat-e ān barāye motāle'at-e strategic [Risk society and its implications to strategic studies]. *Journal of Strategic Studies*, 12(3), 27-46.

Giddens, A. (2010). *Sociology* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran, Iran: Ney.

Heinz, W. R. (2002). Self-socialization and post-traditional society. *Advances in Life Course Research*, 7, 41-64. doi: 10.1016/S1040-2608(02)80029-6

Janke, K., Lee, K., Propper, C., Shields, K., & Shields, M. (2020). Macroeconomic conditions and health in Britain: aggregation, dynamics and local area heterogeneity. IZA Discussion paper, No. 13091, Institute of labor Economics, Bonn. doi: 10.1920/wp.ifs.2020.1220

Jenkins, P. (2020). Bazookas cannot stop coronavirus becoming a financial crisis, *Financial Times*. Retrieved from https://www.ft.com/content/be0892cc-6583-11ea-b3f3-fe4680ea68b5

Joyce, R., & Xu, X. (2020). Sector shutdowns during the coronavirus crisis: which workers are most exposed? *IFS Briefing Note*, Retrieved from https://www.ifs.org.uk/publications/14791

Karbaschi, K., & Aliari, S. (2015). Coronavirus (Sanderom-e tanaffosi-ye Xāvarrmiyāne) [Coronavirus (Middle East syndrome)]. *Journal of The School of Army Nursing*, 15(1), 55-62.

Keshavarz, K. (2020). Virus-e Corona, Mā nezāre konnadegān-e negarān va towse'e-ye ravābete ensāni [Coronavirus, we as worried observers and human relations development]. In *Investigations on Socio-Cultural Dimensions of Coronavirus Crisis in Iran* (pp. 13-28), Teharan, Iran: Institute for Social and Cultural studies.

Self-review and retrieval: coronavirus vacations, provided a time for thinking about our-selves mind and activities. This opportunity, led to more reflexivity on our self. Under corona pandemic conditions, relations and skills was evaluated and revised in some cases. Youth participants, perceived this conditions as a time for being by their self and tried to some changes in attitudes to self and the world.

CONCLUSION

As our participants perceived, the coronavirus pandemic suspended some aspects of social life, embedded fades in minds and motivated self-review and reflexivity in activities of the social actors. Specially, self and social interactions became as object of reflexivity. New risk and ambiguity suspended many of individual's belief. Its lead to a dual feeling of hope and worry. By these conditions, social actors, limited social interactions, isolation and simultaneously provided free times for more reading and information, self-review and thinking about self, activities, family and friends. Coronavirus emerged like a crisis, and same as any other crisis in human life led to fundamental changes in subjectivity. Our view of the globe and globality was changed and we found that all human kind around the word is face with same risks and threats. This can improve our global awareness.

NOVELTY

We considered coronavirus pandemic in a new insight including interdisciplinary as a multidimensional phenomenon. Research captured social actor's meanings and experiences about pandemic. In the process of data analysis, we constructed 7 categories that can be use and operationalize in future researches. Our inquiry, can open a view about everyday life under crisis and social limitations. It says that, human agents are engaged in their specific routs by the crisis and risks.

researcher undertook the interviews personally. Interviews were repeated two times for each participant to reach data saturation, the point at which further data collection and analysis yielded no new concept and insights. Interviews were audio recorded and transcribed. In order to protect the participants' privacy, each transcription was labeled with a numeral code instead of the participant's name.

RESULT

Data analysis was conducted using theoretical coding in three stages of open, axial, and selective coding (Corbin & Strauss, 2008). During coding process, 7 main categories constructed including, phyco-Behavior pressure, self-care improvement, limitation of interactions, limitation of life facilities, spiritual reflexivity, media bitterness and self-review and retrieval. Finally, the suspension in fear and reflexivity emerged as core category that covered all other concepts and categories.

Psych-behavioral pressure: under conditions of corona pandemic and quarantine, our participants experienced a sense of fear, worry and ambiguity in their everyday life. Staying at home, led to more worries, aggression and interpersonal conflicts between family members.

Self-care improvement: it means, paying more attention to individual nutrition, health behaviors and use of cleaners in living route. More washing hands, wearing face mask and more washing of house and more daily exercise was increased. They had more health cares for their self, parents and family members.

Interaction strain: in order to save their health, participants was limited their relationships with friends, colleagues and relatives. These strategies had negative consequences for their mental life and decreased quality of life.

Limitation of life facilities: economic pressure and luck of income, was a main and share experience by all participants. Some of theme was worry about losing their job. Their income decreased by closing the markets and limitation of economic activities.

Spiritual reflexivity: by having more free time, people, including our youth participants, thinks more about their-self situation in the world and they reflected on relationship with God. They perceived and suspected many of life material aspects and aware about these. They felt more power of nature.

Media bitterness: during pandemic days, we gained more news and information from media about diseased and dead people around the world. This news increased our worriers and did sad us. Although, health and protecting information provided by media.

INTRODUCTION

COVID-19 pandemic showed that regardless of considerable progresses of medical and technology during recent centuries, viruses and diseases still remained as a crucial source of risk for human societies. Since 2019 December, an unfamiliar virus was report by scientists around the world. The virus distributed in different countries just after several weeks and affected millions of people's life. Coronavirus has led to death of thousands of young, adult, rich and poor people. At first glance, Coronavirus seems a medical and health related issue. But left multiple consequences in short time for economic, social, political and mental life. Accordingly, life style, consumption patterns, norms and values, mental health, political and international relationships, employment rates and patterns was changed (Mirzaei & Rahmani, 2020). By considering these aspects, an interdisciplinary approach is necessary for knowing and understanding the coronavirus pandemic.

PURPOSE

Our goal in this qualitative study, was to understanding individual's experiences and meanings about coronavirus pandemic, and how they coping with this situation. Questions such as how they understand the living under pandemic pressure, what action strategies they occupy for their everyday life, and which consequences had for their living. In other words, what changes they made in their life in response to pandemic and how they adapted to the condition resulted by coronavirus pandemic. For this purpose, we used an interpretative and interdisciplinary approach in order to explore emotional, interactional, economic and social layers.

METHODOLOGY

In This inquiry, we applied interpretative-qualitative research method to collect and analyzing data. Grounded theory strategy was employed to conduct research. Grounded theory facilitates learning how to understand a process or a situation from participants (Morse & Richards, 2002, 55). The participants included 19-49 years old youth users of social media that selected by purposeful sampling method. Semi structured interview conducted for data gathering. The process of gathering and analyzing data was implemented simultaneously and continuously as required in qualitative research. The data analyzed with theoretical coding technique (open, axial and selective coding). Youth who matched the study criteria and agreed to participate were interviewed. Every interview lasted between 50 to 90 minutes. The questions were open-ended and broad to encourage discussion on a wide variety of topics about coronavirus. Using a semi-structured conversational style, one

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 123-143, Spring 2020

Afrasiabi, H., & Baharlouei, M. (2020). Suspension, fear and reflexivity; Youth construction of social living by COVID-19. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 123-143. doi: 10.22035/isih.2020.3840.3975

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3840.3975 URL: http://www.isih.ir/article_340.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Suspension, Fear and Reflexivity; Youth construction of Social Living by COVID-19

Hossein Afrasiabi[1], Maryam Baharlouei[2]

Received: Sep. 26, 2020; Accepted: May 14, 2020

Abstract

COVID-19 pandemic affected the world and different dimensions of individual and social life. We used an interpretative and interdisciplinary approach in order to explore emotional, interactional, economic and social layers. The participants included 43 youth users of social media that selected by purposeful sampling method. Semi structured interview conducted in order to data gathering. The interviews texts were analyzed with theoretical coding technique (open, axial and selective coding). By coding process, 7 main categories constructed including, phsycho-behavioral pressure, self-care improvement, limitation of interactions, life facilities limitation, spiritual reflexivity, media bitterness and self-review and retrieval. Finally, the suspension in fear and reflexivity emerged as core category that covered all concepts and categories. Under corona pandemic conditions, relations and skills was evaluated and revised in some cases. Youth participants, perceived this conditions as a time for being by their self and tried to change attitudes to self and the world. Coronavirus emerged like a crisis, and same as any other crisis in human life led to fundamental changes in subjectivity. Our view of the globe and globality was changed and we found that all human kind around the word is face with same risks and threats. This can improve our global awareness.

Keywords: COVID-19, reflexivity, fear, disease

1. Associate professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author)

✉ hafrasiabi@yazd.ac.ir

2. PhD. Student of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

✉ info@rped-almizan.com

Schubert, K. (2020, 1 April). Crying for Repression: Populist and Democratic Biopolitics in Times of COVID-19. *Critical legal thinking*. Retrieved from https://criticallegalthinking.com/2020/04/01/crying-for-repression-populist-and-democratic-biopolitics-in-times-of-covid-19/

Shani, G. (2020, 3 Apr). Securitizing 'bare life'? Human security and Coronavirus. *E-International Relations*. Retrieved from https://www.e-ir.info/2020/04/03/securitizing-bare-life-human-security-and-coronavirus

Sur, P. & Mitra, E. (Mar. 31, 2020). Social distancing is a privilege of the middle class. For India's slum dwellers, it will be impossible. *CNN*. Retrieved from https://edition.cnn.com/2020/03/30/india/india-coronavirus-social-distancing-intl-hnk/index.html

Teti1, M., Schatz, E., & Liebenberg, L. (2020). Methods in the Time of COVID-19: The Vital Role of Qualitative Inquiries. *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1–5. doi: 10.1177/1609406920920962

Thacker, E. (2009). The Shadows of a theology epidemics, power and life after Foucault. *Theory, Culture & Society*, 26(6), 134–152. doi: 10.1177/0263276409347698

Ustun, G. (2020). Determining depression and related factors in a society affected by COVID-19 pandemic. *International Journal of Social Psychiatry*. doi: 10.1177/0020764020938807

Valizadeh, P. (2020). Quarantine: Contradictory spatial practice between abstract. *Space and Culture*, 23(3), 329– 332. doi: 10.1177/1206331220938637

Willox, A. C., Harper, S. L., Edge, V. L. 'My Word': Storytelling and Digital Media Lab and Rigolet Inuit Community Government. (2020). Storytelling in a digital age: digital storytelling as an emerging narrative method for preserving and promoting indigenous oral wisdom. *Qualitative Research*, 13(2), 127–147. doi: 10.1177/1468794112446105

Wright, T. (2011). Press photography and visual Rhetoric. In Eric Margolis & Luc Pauwels (Eds.), In *The SAGE handbook of visual research methods* (pp 317-327). London: SAGE Publications Ltd.

Iranmanesh, R., & Alpar Atun, R. (2020). Restricted spatiality and the inflation of digital space, an urban perspective. *Space and Culture*, 23(3), 320–328. doi:10.1177/1206331220938634

ISNA (Apr. 26, 2020). The most important problem of the Iranian family in the case of continuing of the epidemic of Covid-19. *ISNA*. Retrieved from https://www.isna.ir/news/99020705122

ISPA (Mar. 19, 2020). Az har 10 Irāni, hodud-e 7 nafar az šabakehā-ye ejtemā'i estefāde mikonand [From every 10 Iranian people almost 7 people use virtual social networks]. *ISPA*. Retrieved from http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2168

Jing, W. (2006). Nostalgia as content creativity: Cultural industries and popular sentiment. *International Journal of Cultural Studies*, 9(3), 359–368. doi: 10.1177/1367877906066881

Kia, H. (2020). *Motāleāte farhangi, meidān-e quāntum, va ravesh-e pasā kefi.* [Cultural studies, quantum field, and post qualitative method]. Tehran: Logos.

Kitson, J, & McHugh, K. (2015). Historic enchantments – materializing nostalgia. *Cultural geographies*, 22(3), 487– 508. doi: 10.1177/1474474014549946

Löw, M., & Knoblauch, H. (2020). Dancing in quarantine: The spatial refrigeration of society and the interaction orders. *Space and Culture*, 23(3), 221–225. doi: 10.1177/1206331220938627

Manovich, L. (2011). What is visualisation?. *Visual Studies*, 26(1), 36-49. doi:10.1080/1472586X.2011.548488

Mubi Brighenti, A. (2019). Face and the City. *Body & Society*. 25(4), 1–27. doi: 10.1177/1357034X19865941

Pickering, M. & Keightley, E. (2006). The Modalities of Nostalgia. *Current Sociology,* 54(6), 919–941. doi: 10.1177/0011392106068458

Pink, S. (2011 A). A multisensory approach to visual methods. *In Handbook of visual research methods*. London: Sage Publivations.

Pink. S. (2011 B). Images, Senses and Applications: Engaging Visual Anthropology. *Visual Anthropology*, 24(5), 437-454. doi: 10.1080/08949468.2011.604611

Pulido, C. M., Villarejo-Carballido, B., Redondo-Sama, G., & Gómez, A. (2020). COVID-19 infodemic: More retweets for science-based information on coronavirus than for false information. *International Sociology*, 00(0), 1–16. doi: 10.1177/0268580920914755

Reis Filho, L. (2020). No safe space: Zombie Film tropes during the COVID-19 pandemic. *Space and Culture*, 23(3), 253–258. doi:10.1177/1206331220938642

Research Center for Culture, Art And Communications (2020). The report of citizens' opinion survey on Corona: national study; first wave]. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication.

Russell, K. (2020). Turning Quarantine Inside Out. *Space and Culture*, 23(3), 274–278. doi: 10.1177/1206331220938631

BIBLIOGRAPHY

Adam, B., & Groves, C. (2007). *Future Matters Action, Knowledge, Ethics*. Leiden: Brill.

Aquila, I., Sacco, M. A., Ricci, C., Gratteri, S., & Ricci, P. (2020). Quarantine of the Covid-19 pandemic in suicide: A psychological autopsy. *Medico-Legal Journal*, 1–3. doi: 10.1177/0025817220923691

Badiou, A. (2005). *Being and Event* (O. Feltham, Trans.). London: Continuum Press.

Berge, L. V. D. (2020). Biopolitics and the Coronavirus: Foucault, Agamben, Žižek. *Netherands Journal of Legal Philosophy*, 49(1), 3-6. doi: 10.5553/NJLP/.000097. 3

Bianchetti, C, Boano, C, Di Campli, A. (2020). Thinking with Quarantine Urbanism?. *Space and Culture,* 23(3), 301-306. doi: 10.1177/1206331220938625

Bianchetti, C., Boano, C., Di Campli, A. (2020). Thinking with quarantine urbanism?. *Space and Culture*, 23(3), 301–306. doi: 10.1177/1206331220938625

Biron, D. (2014). Benjamin, Adorno and modern-day flaˆnerie. *Thesis Eleven*, 121(1), 23–37. doi: 10.1177/0725513614528782

Bouillon-Minois, J., Clinchamps, M., & Dutheil, F. (2020). Coronavirus and quarantine: Catalysts of domestic violence. *Violence against women*. doi: 10.1177/1077801220935194

Burri, R. V. (2012). Visual rationalities: Towards asociology of images. *Current Sociology*, 60(1), 45–60. doi: 10.1177/0011392111426647

Butler, J. (2015). *Notes toward a performative theory of assembly*. Massachusetts: Harvard University Press.

Cheney-Lippold, J. (2011). A New algorithmic identity soft biopolitics and the modulation of control. *Theory, Culture & Society*, 28(6), 164-181. doi: 10.1177/0263276411424420

Cheshmehzangi, A. (2020). *The city in need urban: resilience and city management in disruptive disease outbreak events*. New York: Springer.

Decuypere, M. (2019). Visual Network Analysis: a qualitative method for researching sociomaterial practice. *Qualitative Research*, 20(1), 73-90. doi: 10.1177/1468794118816613

Djurdjić, M. (2020). This Must Be the Place: Distraction, Connection, and "Space-Building" in the Time of Quarantine. *Leisure Sciences*. doi:10.1080/01490400.2020.1774450

Foucault, M. (1995). *Discipline and punish: The Birth of the Prison* (Alan Sheridan Trans.). New York: Vintage Books.

Foucault. M. (1991). Governmentality. In *The Foucault Effect: Studies in Governmentality* (pp 87-104). Chicago: The University of Chicago Press.

Furedi, F. (2020). Social distancing, safe spaces and the demand for quarantine. *Nature Public Health Emergency Collection*. Retrieved from https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7369440

some concepts to comprehend the Iranian field of the Corona virus epidemic event. Moreover, this study shows how Iranian culture encounters a crisis in a state of the national obsession with the nostalgia of the past and dreaming of a secure future while there is a historical lack of official expert strategies for dealing with social events.

as a home and home as a strange place in the long time. Moreover, the imagination of the returning to the city as a lost home when everyone is safe and feeling the secure space-time in the city were the other types of shared photographs and images. These images were from the pre-epidemic city as an ideal image for the post-epidemic Iranian city (figure 1).

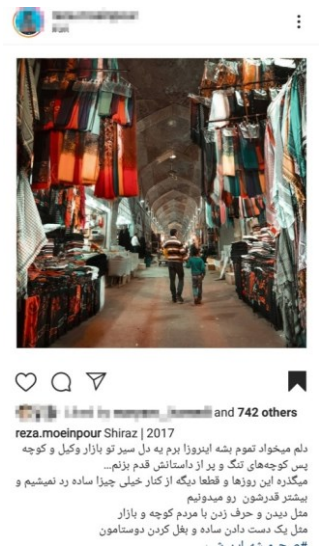

Figure 1. A photo of the city of Shiraz, in 2017, as an ideal space-time for walking again in the post-epidemic days

Figure 2. A nostalgic photo of gathering of Iranian people for the Iranian New Year (*Norouz*) in the streets when there were safe

CONCLUSION

A society under constant economic and political pressure is nostalgic about the past since the future is not secure anymore. The permanent-liminal-mind is the result of a nostalgic culture that the secure future is just an unrealized promise. For Iranian people, the rupture of the ordinary life, by the epidemic, intensified the Iranian permanent-liminal-mind to express and share the nostalgia of the pre-epidemic days and dreaming about the post-epidemic future. As these expressions were performed in digital geography, we call it the digitalized permanent-liminal-mind.

NOVELTY

The limitation of this article is about surfing the social networks while most of the pages are private. However, the theoretical implication of the article is the creation

Interdisciplinary Studies in the Humanities
36
Volume 12
Issue 2
Spring 2020

codes perform their potential to generate concepts and transforms the narratives to the performativity of the other code. This is a rhizomatic analysis.

RESULTS

Field of the event is a process of rupturing the ordinary linear causality of space-time and chronological movement of everyday life affairs. Getting people thrown in a field of chaos makes them struck by the ideas of a vague situation that is coming. Future of the crisis of the epidemic of the COVID-19 is not transparent and exact; hence the dreaming is the possible way of thinking of the vague future. Iranian people under the pressure of the international sanctions have not had a reliable view about the future and the chaos of the epidemic has fueled the disaster of an insufficient secure future.

Also, remembering and referring to the ordinary lifestyle of the pre-epidemic days have made the nostalgia and emotions of good lost days. Most of the Iranian people shared photos or videos of their traveling, hanging out with friends, even personal calm moments and write some nostalgic captions about them. The melancholia state of calling the past for Iranian people is a singular moment while the future is full of ambiguity in the ability of the government to manage the epidemic integrated by the crisis of the international sanctions and threats.

DISCUSSION

Event as a field is a moment for the rupture of the borders of the order and releasing of the forces form the chain of ordinary life so as to turn it into a state of exception. Features of events are crisis and the void of orders (Badiou, 2005, 289) which results in a liminal space-time between the before and after the event. The liminal space-time is the darkness of becoming in which there is not any secure sense of life as it used to and any pure sense of what life is going around. The field of the event is a revolutionary transition from the past to the future out of the ordinary phase.

Epidemic of COVID-19 was an event that ruptured Iranian ordinary life. It puts Iranian people under the pressure of a singular situation, in which the pressure was absolute, plus the international sanctions and threats, catastrophic economy, and the weakened government for managing the crisis the epidemic. Then Iranian people expressed their emotions of insecurity and uncertainty in the digital geography of Instagram and Facebook.

Sharing ideas and emotions of nostalgia of being in safe streets and city and continuing an ordinary life transformed the Iranian city as a lost home. Having missed the safe city as a lost home, the home for people in quarantine became a strange space for a long continuing stay. The epidemic disclosed the face of the city

INTRODUCTION

In Iran, on February 19th, the breaking news of the epidemic of COVID-19 came as a bombshell. As Iranian people are under the strictest international sanctions, the epidemic of COVID-19 shattered the economy. Besides, the time of the epidemic coincidence with the cultural time of being prepared for Iranian New Year called *Norouze*. Then economic and cultural dimensions of the epidemic were too devastating. For controlling the red situation, the government suggested the necessity of quarantine, although government did not announce the quarantine as an emergency law. Economic stress and trapped in voluntarily quarantine and worrying about catching the virus ended in emotional expressions and sharing them in social networks like Instagram and Facebook.

PURPOSE

The object of this article is to study the states of expression of emotions about the nostalgia for the pre-epidemic days and dream of the post-epidemic era.

METHODOLOGY

It is a digital cultural study about the structure of feelings in a field of an unexpected event such as the epidemic of COVID-19. Teti el al. (2020, 2) Explain how the qualitative method in social events like the epidemic of COVID-19 is a proper way to comprehend a variety of different categories and variables constitute the event. Event is a field with lines of flight and collapses of the structure of ordinary space-time. While the event ruptures the ordinary lifestyle, the states of expression of emotions expand. In digital culture, social networks are a common space to express and share ideas and emotions. Photos, texts, or video clips are types of digital narratives.

For this article, Instagram and Facebook are two fields of study. Facebook, in Iran is filtered and recently Facebook's popularity has been declined. On the contrary, Instagram is not filtered and it is very popular among Iranian people. Through these social networks, we selected the posts which conveyed the feel of nostalgia and the signs of dreaming about the features of post-Corona virus era. We found 40 posts, which most of them are from Instagram, and we applied the visual thematic analysis to analyze the types of expressions of nostalgia and dreaming.

Based on the types of expressions of the nostalgia of the pre-Corona virus time and the dreaming of the post-Corona virus era, we created different opening codes but without reducing them to the axial codes. The fields of opening codes and reading them again make a strategy to write the analyzing narratives trough which

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 91-122, Spring 2020

Taheri Kia, H. (2020). Digital culture and visual studies: Nostalgia and dreaming after COVID-19 event in Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 91-122. doi: 10.22035/isih.2020.3847.3978

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/isih.2020.3847.3978 URL: http://www.isih.ir/article_339.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Digital Culture and Visual Studies: Nostalgia and Dreaming After COVID-19 Event in Iran

Hamed Taheri Kia[1]

Received: Sep. 23, 2020; Accepted: May 14, 2020

Abstract

The event of the epidemic of Covid-19 had a massive shock to the borders of the order of Iranian everyday life. The emergence of death and disease from the Covid-19 put Iran in an exception state. Universities and schools were shut down and people went to lockdown. Also, the event of the epidemic of Covid-19 led to other events such as quarantine and it caused economic, mental, and family crises. The crucial event of the epidemic of Covid-19 was coincident with the traditional ceremony of Iranian New Year accompanied by shopping, traveling, and visiting families. But all of them were destroyed. By shutting down the city and the necessity of not coming together, digital geography was the most important space for retrieval of relationships and people could share their emotions of fear and anxiety and they make an emotional connection. Thus, one of the most important emotions which were shared in virtual social networks included nostalgia about the time before the epidemic of Covid-19 in Iran and dreaming the coming future. Then by applying a multidisciplinary approach through digital cultural studies and visual studies, the main object of the article is to analyze how emotions of nostalgia and dreaming of Iranian people were expressed on Instagram and Facebook. Consequently, remembering the city as a lost secure home and thinking of a vague future as dreaming indicates of getting stuck in the present time of the field of the event.

Keywords: COVID-19, event, digital geography, nostalgia, quarantine, Instagram

1. PhD of Sociology, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran
✉ Kia.erhut@gmail.com

Simon, M. (2020). *Children's coronavirus cases are not as severe, but that doesn't make them less serious. CNN Agency.* Retrieved from https://edition.cnn.com/2020/03/11/health/coronavirus-children-sick/index.html

Steigleder, L. (2020). *Citizen science resources related to the COVID19 pandemic.* Retrieved from https://www.citizenscience.org/covid-19

Sykes, P. (2020). *Iran to Start Human Trials of Homegrown Covid-19 Vaccine.* Retrieved from https://www.bloomberg.com/news/articles/2020-06-30/iran-says-to-start-human-trials-of-covid-19-vaccine-soon

Tehran Times. (2020). *5,000 drivers fined in Iran for breach of social distancing rules amid coronavirus outbreak.* Retrieved from https://www.tehrantimes.com/news/446383/5-000-drivers-fined-in-Iran-for-breach-of-social-distancing-rules

Wardrop, M. (2009). *Swine flu: schools should close to halt spread of virus, ministers told The Telegraph.* Retrieved from https://www.telegraph.co.uk/news/health/swine-flu/5874683/Swine-flu-schools-should-close-to-halt-spread-of-virus-ministers-told.html

WHO (2020). *Russian Federation's International Legal Forum The Rule of Corona.* Retrieved from https://www.who.int/dg/speeches/detail/russian-federation-s-international-legal-forum-the-rule-of-corona

Wikborg, M. (2020). *Covid19 – Norway: Measures to mitigate effects of the corona pandemic on the economy.* Retrieved from https://blogg.magnuslegal.no/en/corona-norway-proposals-to-mitigate-effects-of-the-corona-pandemic-on-the-economy

Luhmann, N. (1993). *Communication and social order risk: a sociological* theory, New Brunswick, Publishers. Retrieved from https://books.google.com /books/about/Communication_and_Social_Order.html?id=PzPtFxgv8FwC

Luhmann, N. (1994). The modernity of science. Translated by Kerstin Behnke. *New German Critique*, 61(4), 9-23. doi: 10.2307/488618

Mahar, E. (2020). *Impact of Covid-19 on Global Economy Structure. Modern Diplomacy.* Retrieved from https://moderndiplomacy.eu/2020/04/22/impact-of-covid-19-on-global-economy-structure

Mayrhofer, W. (2004). Social Systems Theory as Theoretical Framework for Human Resource Management – Benediction or Curse?. *Management Revue.* 15(2), 178–191. doi: 10.5771/0935-9915-2004-2-178

Mokhtar, F. Gross, S. (2020). *Should Schools Close to Fight Virus? These Places Say No.* Retrieved from https://www.bloomberg.com/news/articles/2020-03-27/should-schools-close-to-fight-virus-these-countries-say-no

Newport, F. (2020). *Religion and the COVID-19 Virus in the U.S.* Retrieved from https://news.gallup.com/opinion/polling-matters/307619/religion-covid-virus.aspx

Norris, J. (2020). *New COVID-19 'Citizen Science' Initiative Lets Any Adult with a Smartphone Help to Fight Coronavirus. The Regents of the University of California.* Retrieved from https://www.ucsf.edu/news/2020/03/417026/new-covid-19-citizen-science-initiative-lets-any-adult-smartphone-help-fight

Pew Social Trends (2020). *Most Americans Say Coronavirus Outbreak Has Impacted Their Lives.* Retrieved from https://www.pewsocialtrends.org/2020/03/30/most-americans-say-coronavirus-outbreak-has-impacted-their-lives

Reddy, V., Soudien, C., & Winnaar, L. D. (2020), *Impact of school closures on education outcomes in South Africa the conversation.* Retrieved from https://theconversation.com/impact-of-school-closures-on-education-outcomes-in-south-africa-136889

Robinson, K. (2020). *How Are Major Religions Responding to the Coronavirus?.* Retrieved from https://www.cfr.org/in-brief/how-are-major-religions-responding-coronavirus

Rüttimann, L. (2020). *crisis, we believe in science.* Retrieved from https://www.naratek.com/en/artificial-intelligence/2020/in-the-corona-crisis-we-believe-in-science.php

Schminke, T. G. (2020). *EU Parliament Projection: Corona Rallies Europeans Around the Flag.* Retrieved from https://europeelects.eu/2020/04/02/rally-around-the-flag-corona-and-voting-behaviour-in-europe

Seidl, D., Becker, K. H. (2013). *Niklas Luhmann and Organizational Studies.* Denmark: CBS press.

Sevastopulo, D. (2020). *Trump threatens to cut off relations with China.* Retrieved from https://www.ft.com/content/cfbba6bf-3de5-458d-92d1-a62fb958a354

Committee for the Coordination of Statistical Activities (CCSA). (2020). *How Covid 19 is Changing the world.* Retrieved from http://hdr.undp.org/en/content/how-covid-19-changing-world-statistical-perspective

Davis, B.M., Markel, H., Navarro, A., Wells, E., Monto, A.S., Aiello, A.E. (2015), The effect of reactive school closure on community Influenza-like illness counts in the State of Michigan during the 2009 H1N1 pandemic, Clinical Infectious Diseases, 60(12), 90–e97. doi: 10.1093/cid/civ182

Dias, E. (2020). A Sunday Without Church: In Crisis, a Nation Asks, 'What Is Community?. *The New York Times*, Retrieved from https://www.nytimes.com/2020/03/15/us/churches-coronavirus-services.html

Feldstein, S. (2020). *Beware the Implications of Coronavirus Surveillance. Carnegie Endowment for International Peace.* Retrieved from https://carnegieendowment.org/2020/03/31/beware-implications-of-coronavirus-surveillance-pub-81411

Fred Hutch News Service. (2020). *Science papers you should be reading about the coronavirus.* Retrieved from https://www.fredhutch.org/en/news/center-news/2020/03/coronavirus-latest-scientific-research.html

Georgieva, K. (2020). *IMF Makes Available $50 Billion to Help Address Coronavirus International Monetary Fund.* Retrieved from https://www.imf.org/en/News/Articles/2020/03/04/sp030420-imf-makes-available-50-billion-to-help-address-coronavirus

Ging, J. P. (2020). *Contrasting approach to lockdown in France and UK despite joint statement on COVID co-operation.* Retrieved from https://www.euronews.com/2020/05/11/contrasting-approach-to-lockdown-in-france-and-uk-despite-joint-statement-on-covid-co-oper

Gulbrandsen, M., Tellmann, S. M., & Karaulova, M. (2020). *Coronavirus and the impact of science.* Retrieved from https://www.sv.uio.no/tik/english/research/centre/osiris/osirisblog/coronavirus-and-the-impact-of-science.html

Hänel, L. (2020). *Coronavirus: A stress test for democracy.* Retrieved from https://www.dw.com/en/coronavirus-a-stress-test-for-democracy/a-53064455

Jones, L., Palumbo, D. & Brown, D. (2020). Coronavirus: A visual guide to the economic impact. Retrieved from https://www.bbc.com/news/business-51706225

Karine, El., & Hektoen, L. (2020). *Changes to the layoff rules in Norway due to Corona outbreak - updated.* Retrieved from https://blogg.magnuslegal.no/en/changes-to-the-layoff-rules-in-norway-due-to-corona-outbreak

Khamenei, Seyed Ali. (2020). *Imam Khamenei's advice to the people on Coronavirus.* Retrieved from https://english.khamenei.ir/news/7404/Imam-Khamenei-s-advice-to-the-people-on-Coronavirus

Luhmann, N. (1990. *Essays on self-reference.* Chicago: Columbia University Press. Retrieved from https://www.amazon.com/Essays-Self-Reference-Niklas-Luhmann/dp/0231063687

BIBLIOGRAPHY

Azevêdo, R. (2020). *Trade set to plunge as COVID-19 pandemic upends global economy, World Trade Organization.* Retrieved from https://www.wto.org/english/news_e/pres20_e/pr855_e.htm

Bacık, G. (Mar. 19, 2020). *The coronavirus and its impact on religion and the international system.* Retrieved from https://ahvalnews.com/turkey-coronavirus/coronavirus-and-its-impact-religion-and-international-system

Barnum, M. (2020). *Should schools close due to coronavirus? Here's what research says Chalkbeat.* Retrieved from https://www.chalkbeat.org/2020/3/9/21178727/to-close-or-not-to-close-as-schools-weigh-tradeoffs-in-light-of-coronavirus-here-s-what-research-say

Baumgardner, G. (2020). *New COVID-19 symptom tracker app helps researchers better understand coronavirus.* Retrieved from https://www.clickorlando.com/health/2020/04/01/new-covid-19-symptom-tracker-app-helps-researchers-better-understand-coronavirus

Berlin (2020). *Corona Rules: Catalogue of fines in effect. April 2020.* Retrieved from https://www.berlin.de/en/news/coronavirus/6130437-6098215-corona-rules-catalogue-of-fines-in-effec.en.html

Bezich, L (2020). *COVID-19 crisis creates ironic path for men to bolster social relationships.* Retrieved from https://translate.google.com

Boyd, A (2020). China, Australia edge towards Covid-19 trade war. *Asia Times.* Retrieved from https://asiatimes.com/2020/05/china-australia-edge-towards-covid-19-trade-war/

Broom, D. (2020). *Coronavirus has exposed the digital divide like never before.* Retrieved from https://www.weforum.org/agenda/2020/04/coronavirus-covid-19-pandemic-digital-divide-internet-data-broadband-mobbile

Brow, F. Z. (2020). *How Will the Coronavirus Reshape Democracy and Governance Globally?.* Retrieved from https://carnegieendowment.org/2020/04/06/how-will-coronavirus-reshape-democracy-and-governance-globally-pub-81470

Browne, R. (2020). *Europe races to rescue its tech industry as start-ups fight for survival.* Retrieved from https://www.cnbc.com/2020/04/02/coronavirus-europe-races-to-rescue-tech-startups.html

Carothers, T. (2020). *How Will the Coronavirus Reshape Democracy and Governance Globally?.* Retrieved from https://carnegieendowment.org/2020/04/06/how-will-coronavirus- reshape-democracy-and-governance-globally-pub-81470

Casciani, D. (2020). *Coronavirus: What powers do the police have?.* Retrieved from https://www.bbc.com/news/explainers-52106843

Chambers, C., & Harris, D. (2020). *Why it's not OK to take small social risks during the COVID-19 pandemic.* Retrieved from https://theconversation.com/why-its-not-ok-to-take-small-social-risks-during-the-covid-19-pandemic-135542

So, sooner or later 1) the legal system of different societies; 2) Credibility of various scientific, research, linguistic institutions; 3) The claims of religions and educational institutions will be challenged. They must defend their actions, evidence and record against this widespread and horrific crisis. Otherwise, they must adapt to the changes that have taken place, to the new conditions that have occurred in the post-Corona era.

DISCUSTION

The main discussion here is what aspects of human life have been affected by the COVID-19 Crisis and what are the facts?Based on Luhmann's conceptual model, and to describe the existing changes, we must first analyse the developments that have taken place by placing him within his well-known classification of social systems away from the common exaggerations of the corona effect.And let's look at how the conceptual model of this theory helps us to depict events.

CONCLUSION

Research findings show that COVID-19 has had its own effects in all aspects of human life. The virus has led to more attention being paid to the empirical sciences, challenging national and international economics and the religious sciences, creating new laws, turning governments to authoritarianism, and creating a new speech system.

NOVELTY

Life is full of natural and unnatural crises. Understanding these crises and the impacts they have on human life is an important issue. The present study examines for the first time the social consequences of the COVID-19 crisis. A crisis that, according to Niklas Luhmann's theory, can be examined at three levels: interactive, organizational, and comprehensive, and can be understood in subsystems such as law, science, religion, politics, economics, and education.

INTRODUCTION

2020 began with a news shock for citizens around the world. News of the spread of a new virus in China that has even shut down the country's New Year celebrations. The whole world was soon exposed to the virus. The COVID-19 pandemic created new problems with astonishing speed. Closed borders, travel bans, disruption of the supply chains and export restrictions have affected all aspects of human life. States around the world have taken steps in various areas such as political, social, economic, scientific, educational and legal to combat the virus that has infected millions of people, perhaps to disrupt its spread or be able to reduce its consequences. Therefore, the question that arises here is "What aspects of human life have been affected by the COVID-19 crisis and what are the facts"?

PURPOSE

The purpose of this article is Understanding the Social Realities and Consequences of the COVID-19 Crisis Based on Niklas Luhmann's Theory of Social Systems.

METHODOLOGY

Nicholas Luhmann's theory of social systems has been used to understand the facts and effects of the coronavirus in society. The systems approach aims to build global knowledge in order to overcome the complexity of their problems by connecting different disciplines to provide interdisciplinary understanding. The reason for adopting such an approach is the increasing complexity of societies in the current critical situation .Complexities that can be analyzed by analyzing three categories of interactive systems, organizational and social, far from exaggeration and in a more realistic framework. In this regard, we used the library study and descriptive-analytical method. we, also, applied Luhmann's theoretical framework to explain the change of approach in the social interaction system, organizational system and social system in the societies.

RESULT

It seems that the social consequences of coronavirus will remain for a long time in societies. For example, it can cause the evolution of social interactions around the axis of health protocols, organizational changes and the complexity of their quality, challenging the spiritual understanding of individuals and reducing the need for physical presence in some rituals, encourage governments to make authoritarian laws, draw more attention to natural and intellectual sciences. It, also, encourage states to accelerate their actions towards online education, supporting the continuation of the supportive economy and take the path of self-reliance. Therefore, it would not be an exaggeration to say that all six sub-systems (political, legal, economic, religious, scientific and educational) will undergo serious changes.

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 55-90, Spring 2020

Shafiee Seifabadi, M., & Bagheri Dolatabadi, A. (2020). Understanding the social realities and consequences of the Covid-19 crisis based on Nikols Luhmann's theory of Social Systems. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 55-90. doi: 10.22035/isih.2020.3925.4035

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.3854.3982 URL: http://www.isih.ir/article_329.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Understanding the Social Realities and Consequences of the COVID-19 Crisis Based on Niklas Luhmann's theory of Social Systems

Mohsen Shafiee Seifabadi[1], Ali Bagheri Dolatabadi[2]

Received: Apr. 20, 2020; Accepted: May 04, 2020

Abstract

In the pandemic of Covid-19, we are facing a social crisis that affects all aspects of human life. Understanding the dimensions of this transformation requires the use of a conceptual framework or an Interdisciplinary approach. Therefore, the main purpose of this paper is to understand the effects and realities of the COVID-19 crisis based on Niklas Luhmann's theory of social systems with using library study and descriptive-analytical method. The question is, "What aspects of human life were affected by the COVID-19 crisis and what realities does it involve? "The hypothesis tested is that "the Coronavirus crisis can be examined at three levels: interactive, organizational, and comprehensive, and can be understood in subsystems such as law, science, religion, politics, economics, and education". The results of the research show that changing the approach in the context of the social interaction system caused a fundamental change in people's daily interactions. In the organizational system, some organizations benefited and some suffered, and the organizational action of some institutions was dragged into the houses. The comprehensive system, which includes six sections, also experienced significant changes in the economic field, the emergence of new laws in many aspects of citizens' lives, a profound change in religious beliefs, a change in teaching methods, special attention to the experimental sciences and centralism in the political subsystem.

Keywords: COVID-19, Niklas Luhmann, organization, interaction, society

1. Assistant Professor of Political Sciences, Ardakan University, Yazd, Iran (Corresponding Author)
✉ shafiee@ardakan.ac.ir

2. Associate Professor of International Relations, Yasouj University, Kohgiloyeh & Boyerahmad, Iran
✉ abagheri@yu.ac.ir

Sorokin, P. A. (2017). *Man and society in calamity* (A. Soltani Nezhad, Trans.). Tehran, Iran: Jāme'ešenāsān.

Tajik, M.R. (2020). Post Corona world. *Mašq-e Now*, Rederived from http://mashghenow.com

Žižek, S. (2013). *Welcome the desert of the real* (F. Mohammadi, Trans.). Zanjan, Iran: Hezāre-ye Sevom. (original work published 2002)

BIBLIOGRAPHY

Azad Armaki, T. (2020). Goftārhā-yi dar mowred-e Koronā-ye Irani [Essays on Iranian Coronavirus]. Shafaqna, Retrieved from https://fa.shafaqna.com

Bauman, Z. (Nov. 25, 2019). Prediction of Unpredictables (E. Sabeti, Trans.). *Āsoo*, Retrieved from https://www.aasoo.org/fa/articles/2459

Beeman, W. (2002). Language, status and power in Iran (R. Zolfaghar Moghadam, Trans.). Tehran, Iran: Ney.

Fakoohi, *N. (Apr. 14, 2020). Post-Corona world: Scenarios ahead. Anthropology and Culture*, Rederived from https://anthropologyandculture.com

Haper, K. (2020). The Coronavirus is accelerating history (M. Tahaminezhad, Trans.). *Anthropology and Culture*, Retrieved from https://anthropologyandculture.com

Harari, Y.N. (Apr. 13, 2020). The World after coronavirus (E. Sabeti, Trans.). Asoo, Reterived from https://www.aasoo.org/fa/articles/2747

Hebermas, J. (Apr. 13, 2020). Frankfurter Rundschau Interview with Jürgen Habermas (Eqtesan News, Trans.). Retried from https://www.eghtesadnews.com

Inglis, D. (2012). Culture and everyday life (A. Moradi, Trans.). Tehran, Iran: Tisa. (Original work published 2005)

Institute for Social and Cultural Studies (2020). *Cultural and social dimensions of Coronavirus disease in Iran.* Tehran, Iran: Author.

Kim, U., Navjot, B., & Jackson, D. (2020). Life in the pandemic: Social isolation and mental health. Journal of Clinical Nursing, 29(15-16), 2756-2757. doi:10.1111/jocn.15290

Koutlaki, S. A. (2018). The Persian system of politeness and the Persian folk concept of face, with some reference to EFL teaching to Iranian native speakers (Z. Farokhnezhad, & A. Jalilian, Trans.). Tehran, Iran: Elmi va Farhangi. (Original work published 1997)

Kroeber, A. (1944). Configurations of the culture growth. *The American Historical Review*, 51(1), 92-95. doi: 10.1086/ahr/51.1.92

Mackey, S. (2001). *The Iranians: Persia, Islam, and The soul of a nation* (Sh. Ruygaran, Trans.). Tehran, Iran: Qoqnoos.

Mansoorian, Y. (Apr. 20, 2020). *Jaryān-e portalātom-e etelā'āt dar kārzār-e koronā. LIZNA, Retrieved from* https://www.lisna.ir/white-leaf/item

Mohamadi, R. (Apr. 6, 2020). Is post-covid-19 possible? Ensāf News, Retrieved from http://www.ensafnews.com

Nasravi, M. (2020). Identity representation in quarantine space. *Mehr News Agency*, Retrieved from https://www.mehrnews.com

Sheikh Rezaei, H. (Apr. 7, 2020). Return to the early period? [Interview]. E'temad Newspaper, Retrieved from https://www.magiran.com/article/4028347

I will maintain that these social, academic and political discussions have given rise to three discourses engaging in analysing cultural transformations resultant from coronavirus crisis. The first discourse is the continuity discourse referring to the approaches of scholars who believe that no profound change will happen in cultural patterns and everyday life of Iranians in the long term, influenced by the Coronavirus crisis. These scholars suppose that affected by their deep-rooted habits and collective mentality, Iranians will return to their previously established life patterns. Standing in sharp contrast is the discontinuity discourse that considers COVID-19 pandemic an event and posits that this pandemic situation will make fundamental transformations in mentality, structure, and systems of the society. Besides, there is a third approach that I have called it "critical rethinking discourse". My own approach toward cultural consequences of Coronavirus pandemic is comparable to the rethinking discourse. Therefore, I will allocate the majority part of this article to presenting this viewpoint.

DISCUSSION

I will argue in detail that although the COVID-19 pandemic might be not an event or a historical discontinuity in our culture, we cannot suppose that it will not have any effect on people's mentality. Of the great importance, I assume, is the emergence of substantial questions about our beliefs and customary practices and taking into account new alternatives. To further the argument, I will demonstrate that factors like information explosion, defamiliarization of the lifeworld by social sciences, changes in preferences, development of digitalisation, improvement in comparative faculty of people, and the rise of individual agency contribute to the emergence and distribution of the reconsideration discourse.

CONCLUSION

I will finally conclude that at the moment, our mental and intellectual processes have become Coronaized, i. e. Iranian society has obtained a new social insight toward various concepts including modern life, science and technologies, natural environment, traditional beliefs and superstitions, ethical issues, family and home, political and economic systems, individual agency, the relationship between different domains of knowledge, virtual communication, physical and spiritual problems, everyday life, health and care, international relationships and like that.

NOVELTY

I reiterate that the COVID-19 crisis cannot make considerable changes in our culture and life in a short period of time like five years. Nevertheless, this short era is a threshold time bringing with it changes in our mentality and emotional structures. After around five years, I propose, a post-corona Iran will emerge having faced socio-economic, political, national and international tensions. These multiple pressures will bring about an emerging culture.

INTRODUCTION

Since the beginning of the COVID-19 epidemic, this question has been raised that what implications this situation has for the lifestyle and culture in Iran. The government and political system on the one hand, and Iranian citizens including researchers and scholars in different areas of knowledge, on the other hand, have explicitly and implicitly brought up the issue that how this pandemic situation will affect Iranians' way of life, beliefs, emotional structures, identity, and socio-cultural values, and that whether this crisis is a remarkable historical discontinuity or just a short term suspension?

PURPOSE

Here, I argue that although at the present time, due to significant scientific, medical, technological, and political developments, pandemics do not exert the same influences on societies as they did in the past, one cannot imagine that the coronavirus pandemic will not have specific effects on nations. Regarding the recent plethora literature on possible socio-cultural impacts of the COVID-19 crisis on Iranian society, I assert that this pandemic situation has advanced the problematisation of the culture. I suppose that before this pandemic situation, Iranian society had already addressed critical questions about cultural patterns and way of life challenging religious and cultural rituals and beliefs. The advent of COVID-19 pandemic has moved this social questioning forward emphasising the *question of culture*. Several factors contribute to the importance of this question for Iranian society. First of all, due to the integration of culture and political discourses, any alteration at the cultural level is expected to change up political order. Secondly, the emotional structure and everyday life of Iranian society, historically overwhelmed with rituals, are affected by the rituals' suspension. In addition, the institution of home and family has been revisited influenced by the lockdown. Academia and higher education have also driven attentions toward culture and questioning that.

METHODOLOGY

Methodologically, this article has drawn on the discourse analysis approach. A wide range of scholars from different fields such as social science, political sciences, philosophy, anthropology and cultural studies have exerted effort toward analyzing cultural aspects of the coronavirus crisis. Incorporating these accounts into my intuitions and observations, I will attempt to outline these approaches in a new way and provide the readers with evaluating the cultural consequences of the Coronavirus crisis in an interdisciplinary framework. By offering a new articulation of available discourses and formulating innovative concepts, this paper builds on and extends theoretical understating of the present COVID-19 situation.

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 31-57, Spring 2020

Fazeli, N. (2020). The Corona Virus crisis and cultural reflexivity in Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 31-57. doI: 10.22035/ISIH.2020.3854.3982

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.3854.3982 URL: http://www.isih.ir/article_338.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

COVID-19 Crisis and Cultural Reflexivity in Iran

Nematollah Fazeli[1]

Received: Apr. 20, 2020; Accepted: Apr. 26, 2020

Abstract

In this paper, I aim to shed light on the cultural consequences and effects of the COVID-19 pandemic on Iranian society. After a short introduction about the purpose and leading questions of the article, I will seek to delineate "the problematization of culture in Iran", and deal with this problem that how Iranians' collective mind, influenced by the COVID-19 pandemic, has become more conscious and sensitive inspiring them to question taken-for-granted cultural matters. Then I will commit myself to characterize three discourses that have addressed the probable cultural impacts of this pandemic situation on Iranian society, including the discourses of "continuity", "discontinuity", and "critical rethinking". My approach to the current pandemic situation is in the same vein with the critical rethinking discourse. I will put forward this viewpoint that the Coronavirus crisis has given us a great opportunity to critically revisit and reconsider our ways of life and this reconsideration will be continued regardless of its objective effects on the society's structures. My methodology approach in this article is mainly based on discourse analysis. Theoretical and conceptual analysis is a strategy to understand available discourses about the cultural effects of the Corona Virus. I will also include my personal intuitions drawn from my lived experiences

Keywords: Coronavirus crisis, COVID-19 pandemic, cultural consequences and effects, the continuity and discontinuity discourses, rethinking discourse, emergent culture

1. Professor of Anthropology, Department of Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

✉ N.fazeli@ihcs.ac.ir

Rowland, H., & Wheeler, P. (2013). Introduction: Eco-dystopias: Nature and the dystopian imagination. *Critical Survey*, 25(2), 1.

Schwering, M. (Sep. 15, 2020). Jürgen Habermas über Corona: So viel Wissen über unser Nichtwissen gab es noch nie“. *Frankforter Rundschau*. Reterived from https://www.fr.de/kultur/gesellschaft/juergen-habermas-coronavirus-krise-covid19-interview-13642491.html

Stock, A. (2018). Modern dystopian fiction and political thought: Narratives of world politics (1st edition). London: Routledge.

UNESCO (May, 29, 2020). Futurists on the Covid-19 pandemic shock: “Designing a Covid-19 resilience strategy [Webinar]. Rederived from https://en.unesco.org/events/transforming-future-seminar-8-futurists-covid-19-pandemic-shock-designing-covid-19-resilience

Van Mazijk, C. (2019). Heidegger and Husserl on the technological-scientific worldview. *Human Studies*, 42, 519–541.

Westing, A. H. (2009). Environmental and ecological consequences of War. 2, 363-373.

BIBLIOGRAPHY

Clark, D. P., & Pazdernik, N. J. (2016). Biological warfare: Infectious disease and boterrorism. *Biotechnology*, 687–719. doi: 10.1016/B978-0-12-385015-7.00022-3

Daszak, P. (July, 2020). We are entering an era of pandemics – it will end only when we protect the rainforest. *The Guardian*, Rederived from https://www.theguardian.com/commentisfree/2020/jul/28/pandemic-era-rainforest-deforestation-exploitation-wildlife-disease

Durkheim, E. (1984). *The division of labour in society*. Introduction by Lewis Coser (W. D. Halls. Trans.). Macmillan Press.

Dallmayr, F. (2011). *Return to nature? An ecological counterhistory*. The University Press of Kentucky. Lexington.

Feenberg, A. (2005). *Heidegger and Marcuse: The Catastrophe and Redemption of History*. Routledge. doi: 0.4324/9780203489000

Fitzpatrick, C. (2019). *The Machine Stops by EM Forster*. https://www.fantasybookreview.co.uk/EM-Forster/The-Machine-Stops.html

Gander, H. H. (2017). *Self-understanding and lifeworld*. Indiana University Press.

Heidegger, M. (1927). *Sein und Zeit*. Max Niemeyer. Tübingen.

Heidegger, M. (1953). Question concerning technology. In *Basic Writings* (pp. 308-341). Harper San Francisco.

Heidegger, M. (1966). Discourse on thinking: A translation of *Gelassenheit. New York:* Harper Torchbooks.

Husserl, E. (1970). The crisis of European sciences and transcendental phenomenology: An introduction to phenomenological philosophy (D. Carr, Trans.). Northwestern University Press.

Inayatullah, S., & Ed Roper. (2020). lets get flexible: Brisbane Grammar School Navigates the Covid-19 Crises. *Journal of Future Studies*, Rederived from https://jfsdigital.org/2020/07/21/brisbane-grammar-school

Kádára, Z., & Tóthb, J.I. (2013). The critique of technology in 20th century philosophy and dystopias. *Social and Behavioral Sciences*, 71, 53–60.

Krell, D.F. (1970). Inroduction. In M. Heidegger, *Basic Writings*. Harper Sanfrancis Co.

Lallanilla, M. (Feb. 11, 2019). The effects of war on the environment. *Thought Co*, Rederived from https://www.thoughtco.com/the-effects-of-war-on-environment-1708787

Marcuse, H. (1968). Negations; Essays critical theory. London: Allen Lane, Penguin Press.

Patterson, M. M. (2005). The coming Influenza pandemic: Lessons from the past for the future. *The Journal of the American Osteopathic Association*, 105, 498-500.

modern science, does not seem to be able to win the war initially waged by it. In short, pandemics are as much in the horizon of contemporary lifeworld/Worldliness as the subjective urge to master that very horizon is. But ironically this way of being and seeing, constantly has been reproducing a danger to its very being every time deeper as it "progresses" in its path to utopia at the end of History.

Interdisciplinary
Studies in the Humanities

16

Volume 12
Issue 2
Spring 2020

other words, the human lifeworld is not just the final destination of Corona, but also already its starting point as well.

In other words, Corona itself is the revealing of the truth that global disruption of "civil" life is already a disruption hidden in a way of life impossible to be or to remain "civil". The danger of Corona is the danger of technicized – systematic manipulation of human and natural resources used as instrument by the dominant instrumental reasoning nurtured for the economic benefit and overall utility in the service of the dominant powers on the damaged earth. Destruction of the environment is doing violence to the nature. Violence to the nature is humanity's self-destruction via a polluted nature's breeding of what will challenge the very human life. It seems that questions about ways and approaches to prevent or to resolve the riddle of pandemics requires something more than what paradigmatically dispersed and discursively confined "knowledge" of late modernity can provide. As such then, saving from the danger of pandemics is where the danger itself is namely the way of being which has led to pandemics-ridden world."[1] Therefore, in order to prevent or avoid pandemics and to defend the civility of human life would mean that we need to "Be" and "Ek-sist" in Worldliness different from the one in which "thoughtless" thinking reigns in the Gestalt of Enframing.

If one is truly able to find the primordial source of pandemic viruses, a possible answer to the question regarding the …. can be given too. What has been claimed here is that Coronavirus is not an effect of any certain cause or causes, but instead it is a sign of remarkable but often ignored defect in the virus' "world". In other words, it is the birthplace of the virus, namely the devastated "nature" in technicized worldliness of modern times in which technological warefare has been the *techne* of subjective metaphysic along with the will to power which is the source of pandemics and viruses. By the same token, the disruption of civil life is not "done" by the virus but is due to the essence of technical world. In other words, in technicized world both the nature and the human lifeworld are systematically distorted and disrupted while the pandemics are the sign of one, "disturbing nature" and the bearer of the other "distorting communication".

Even though it is a fact that pandemics do involve people in geographically extensive area, but this time a virus has shown to have high potential to disrupt the normal modern- highly- equipped and well medically prepared system and making human interaction from minute to global scale close to impossible. As such, scientific knowledge, as a dimension of the Worldliness which is saturated with a will to power, proclaimed by modern subject in philosophy of Descartes and early as well as late

1. This is a rephrasing of what Heidegger has said regarding the Danger in *Gestell*.

CONCLUSION

In *The Division of Labour in Society,* Emil Durkheim characterized modern world with "moral density". This meant that modern civil life is co - constituted via human interactions:

> Thus the division of labor progresses the more individuals there are who are sufficiently in contact with one another to be able mutually to act and react upon one another. If we agree to call dynamic or moral density this drawing together and the active exchanges that result from it, we can say that the progress of the division of labour is in direct proportion to the moral or dynamic density of society (Durkheim, 1984, 20-205).

Albeit, this world was simultaneously the world of calculative thinking, and further in time, that of Enframing and destructive technological warfare. Now that coronavirus which has resulted from technological warfare is intensively disrupting such density and making it close to impossible, the innate contradiction imbedded in modern world has become manifest. Coronavirus, which is the result of a manifest biological environmental war of calculative thinking and technical instrument, is now waging a phenomenal invisible war against modern civil life. This mutual Contradiction and antagonism seems to be the character or *Ethos* of contemporary humanity and with a dystopic bearing for future. In another words corona- crisis is a phenomenal sign of a fundamental ontological - world crisis of self- negating and self –destroying tendency of modern life. Now it seems that questions about possible ways and approaches to prevent or to resolve the riddle of pandemics requires something more than what paradigmatically dispersed and discursively confined "knowledge" of present Age can provide.

Hence, "Coronavirus" as a phenomenon, is that which shows itself as the revealing of a "world in crises". Corona is the sign of a crisis - ridden Worldliness. But, simultaneously, as the reason for existential fears and anxieties, corona is reared in the technicized way of being which it now challenges in a deadly mode. If so, then we cannot look for the "cause and effect" framework to explain and respond to the "Why" of Corona virus. Because, Corona is the unfolding - uncovering result which has been imbedded in the cause itself. Deathliness of corona has already been the character of deadly warfare. Corona is the essence, or manifestation of the truth of technological warfare which is employed for calculated purposes. Therefore, unlike the immediate observations that show corona's coming into human world, the Phenomenological approach revealed the fact that the initial home of corona has in fact been the very horizon–structure of that very world, namely its cultural, economic, and political necessities represented by manufacturing and the implementation of ruinous atomic and chemical warfare. In

> also used 'in reference to that totality of being of which we in some sense conceive ourselves of forming a part … both that which we are not and that which we are within'. More confusingly still, it can also refer to 'the structures, processes and causal powers that are constantly operative within the physical world … the nature to whose laws we are always subject, even as we harness them to human purposes, and whose processes we can neither escape nor destroy'. And there is still another sense, according to which 'nature' is 'a domain of observable phenomena and directly tangible forms … an empirical domain or "surface" environment (nature as landscape, wilderness, plant and animal life) (Hughes and Wheeler, 2013, 1-6).

6) The Probable Future. In an Article in the Journal of "Futures Studies" Sohail Inayatollah, and Ed Roper have projected four possible future after Corona virus. Two of these scenarios, "Zombie Apocalypse or Migrating Geese?" and "The Great Despair to the Storm Warning", draw a Dystopic picture for future:

> [A] world where danger is everywhere. Systems fall apart and trust sinks to new lows. No one quite knows who is dangerous. Discrimination is the normal." … [T]he pandemic leads to the Great Despair. Vaccines fail and cures do not arrive. The world is divided into castles and walls. Participants in this future did not focus on how to prevent this future, but how to create structural systems to anticipate and create best practices in this tough environment (Inayatullah and Roper, 2020, 1).

In another Scenario, named "Slow Down to Speed Up"" it is suggested by the authors that the slowdown leads to the speed up.

> We slow down this year from business-as-usual activities – meditation, sleep, family time, connections, wellbeing – but next year return back to the old normal. Nothing really changes, after the vaccine is found. …….. . Flexibility would be foundational. This was the most important learning during the lockdown period (ibid).

And finally, in "The Needed Pause to Wellbeing" a *phronetic* picture is prescribed:

> It is predicted that the slowdown leads to an awakening. Much of what changed is kept – slower time, greater connection, virtual conferences, and a cleaner Earth. Participants suggested that in the pause that transforms, it was wellbeing that would be first (ibid, 2).

As such then, Futurists, their insight notwithstanding, in a sense remain in *the present* by assuming the preservation or perpetuation of the existing way of being and living with existing economic and political characteristic.

the negative social results of using technological achievements. (Kádára,, 2013, 53-60) As such, the overrunning theme of this literary genre has been the danger of destructiveness of modern technology, that which has been the main concern of Heidegger's philosophical critique. Dystopian literary works represent the fears and anxieties about the future and as such, as Adam Stock has claimed, "suggest an unusually strong and productive relationship between a cultural genre and political life." (Stock, 2018). This relationship is illustrated differently in various Dystopic works. In the *Machine Stops*, a science fiction short story by E. M. Forster (1909), a distant future is envisioned when "the Machine runs everything, and everybody's lives are lived out in their one room, where they can speak to thousands of others, but never meet them face to face."

In similar undertaking, the Russian novelist Yevgeny Ivanovich Zamyatin, in his novel "We" (1921) pictures the guards maintain constant control, and whatever cannot be seen by the human eye will be heard through microphones planted everywhere. Ten years later, Aldous Huxley's Brave New World (1932), depicts how conditioning and the suitably developed human breeding guarantees discipline. Also, in *Ape and Essence* (1948) another novel by Huxley, the rise of large-scale warfare and warmongering in the 20th century are satirically depicted and a pessimistic view of the politics of "mutually assured destruction" is presents. Then in *Ninteen Eighty* – Four (1949) George Orwell narrates how the possessors of power are exactly the kind of intellectuals who had been shaped and brought together by the barren world of monopoly industry and centralized government. In this novel, Orwell "reached the outmost point in representing the scientific technological degradation of the human being'. Also, in Ray Bradbury's Farenheit 451 (1953) "The triad of science, technology and moral deficit create a devastating inflammatory material." (Kádára,, 2013, 53-60)

> [T]he critiques of technology becomes the critique of human beings or communities using technological devices on a larger scale, forgetting their former lifestyles and traditions, leading them to disadvantage, or as some say even straight to self-destruction. (Fitzpatrick, 2019,1)

5) Eco-dystopia. As regards the pandemic threat of Coronavirus, besides the notions of *Gestell*, *Machinism* , and *Dystopia*, there is a significant sub-genre of "eco-dystopia" which narrates how in dominant discourses in contemporary perspective, the term nature has been misemployed, debauched, and have given service to devastating and distortive economic and political forces in our world:

> [T]he terms 'nature' refers to everything which is not human and distinguished from the work of humanity; it is the idea through which we conceptualize what is "other" to ourselves. At the same time, however, it is

3) Technology, War, and Domination. Vietnam War began in November of 1955, the same year of Nobel Prize winners' proclamation of their scientific utopia, and lasted for 20 years. Of course, this utopian vision had already been declared by Francis bacon in the 17th century. But, in the postwar milieu of Vietnam war, Herbert Marcuse, another former student of Heidegger, promulgated a new version of critique of the world envisioned by Bacon and the Noble prize winners. Marcuse, though a Marxist, pursued his critique with a more Weberian outlook about modern instrumental rationality. According to Marcuse:

> The very concept of technical reason is perhaps ideological. Not only the application of technology but technology itself is domination (of nature and men) – methodical, scientific, calculated, calculating control. Specific purposes and interests of domination are not foisted upon technology 'subsequently' and from the outside; they enter the very construction of the technical apparatus. Technology is always a historical-social project: in it is projected what a society and its ruling interests intend to do with men and things. Such a 'purpose' of domination is 'substantive' and to this extent belongs to the very form of technical reason. (Marcuse, 1968, 167)

It was with such an outlook that Marcuse, by referring to the way that the principles of modern science have come to serve as conceptual instrument for productive control, resembled Heidegger's *Gestell*:

> The scientific method which led to the ever-more effective domination of nature thus came to provide the pure concepts as well as the instrumentalities for the ever-more-effective domination of man by man through the domination of nature. Theoretical reason, remaining pure and neutral, entered into the service of practical reason. The merger proved beneficial to both. Today, domination perpetuates and extends itself not only through technology, but as technology, and the latter provides the great legitimation of the expanding political power, which absorbs all spheres of culture…… In this universe, technology also provides the great rationalization of the un-freedom of man and demonstrates the "technical" impossibility of being autonomous, of determining one's own life. For this un-freedom appears neither as irrational nor as political, but rather as submission to the technical apparatus which enlarges the comforts of life and increases the productivity of labor. Technological rationality thus protects rather than cancels the legitimacy of domination, and the instrumentalist horizon of reason opens on a rationally totalitarian society (Ibid).

4) Gestell in Dystopia: "A New Brave World". Dystopic vision of future had actually emerged, by the end of the 19th century, when the enthusiasm about technological progress has lost its breath, and beginning with the first years of the 20th century the independent literary genre of dystopias appeared and illustrated

article in the *Encyclopedia of Life Support Systems* (EOLSS), explains how intentionally deleterious the environmental consequences of chemical have been:

> Intentional disruption of the environment can be carried out especially in order to deny an enemy force cover and concealment or local sources of sustenance. The release of dangerous forces resulting from attacks on dams, chemical factories, or nuclear facilities (often referred to as 'environmental warfare') can lead to severe environmental disruption of a widespread and long-term nature (Westing, 2009, 363-373).

In the same vein, other studies show that pandemics are rooted in Biotechnology. According to David P. Clark and Nanette J. Pazdernik, the use of toxins by organisms, is to engage in a form of biological warfare:

> The term biological warfare typically conjures images of medieval warriors tossing dead cattle over city walls or clandestine government agents secretly releasing mysterious microbes into enemy territory (Clark, 2016, 687–719) Washington University School of Medicine St. Louis, Missouri, USA).

Therefore, based upon the evidences provided by the above studies it could be said that in fact nature has not just been polluted but in reality, using Jurgen Habermas' insight in the notion of *systematisch verzerrte Kommunikation*[1]*, actually* it has been "systematically devastated" for strategic goals of the waring armies who have practically nurtured viruses with pandemic - infectious consequence. In fact, the similarity between these two forms of destruction, one of human lifeworld and the other are starking as they show the role of "strategic" preoccupations in the destruction of life on earth.

As such, Modern technology implies not merely an increase in efficiency, but actually breeding a form of violence to nature and man, never experienced in history in extent and depth:

> Sometimes it seems as if modern humanity is rushing headlong toward this goal: where it would technologically fabricate or produce itself (der Mensch sich selbst technisch herstelle). If this succeeds, humanity will have exploded itself, that is, its essence as subjectivity—exploded itself into thin air, into a region where absolute meaninglessness counts as the only "meaning" and where preserving this meaning takes the form of human "domination" (Herrschaft) over the globe. . .. With this we arrive at the extreme counterpoint in regard to physis or Being (Heidegger, in Dallmayr, 2011, 131).

1. Systematically Distorted Communication

by *Gestell*, Heidegger invokes the Greek understanding of the notion of *techne* and its relation with *Physic* (Nature). He diagnostically distinguished modern technology from the "*techne*" and infamously labels it by the German term *Gestell* (enframing). In Heidegger's interpretation, whereas *techne* for the Greek was a mode of knowing or "know-how," *Gestell* pertains to an instrumental relation or the activity of manipulation. The "*telos*" (end) of *techne* is in the sense of "essential fulfillment" and not like *Gestell* of fabrication, even of human being. As such, *techne* was "more akin to a kind of creatively allowing something to reveal itself, a 'bringing-forth' (*Her-vor-bringen*)." Enframing, though "is itself nothing technological", but it signifies a challenging, an exploitation of things to a certain end. In explaining the concept of Enframing, Andrew Feenberg, suggests that "we no longer wonder at the meaningfulness of things when the system appears autonomous and unstoppable." (Feenberg, 2005, 3). As such then:

> [T]he gathering together of the setting-upon that sets upon man, i.e., challenges him forth, to reveal the actual, in the mode of ordering, as standing-reserve. Enflaming means the way of revealing that holds sway in the essence of modern technology and that is itself nothing technological. On the other hand, all those things that is so familiar to us and is standard parts of assembly, such as rods, pistons, and chassis, belong to the technological (Heidegger, 1970, 325).

As such, the essence of technology is not a technological or purely technical modes of thought, but, in the final analysis, is a way of revealing the totality of beings. This "revealing", as David Farrell Krell explicates it, is reducing "man and beings to a sort of "standing reserve" or stockpile in service to, and on call for, technological purposes." *(*Krell, 1993, 308-310) These phenomenological observations have been verified by Scientists who have proclaimed that most emerging infectious diseases are driven by human activities. (Lambertini and Mrema , 2020) Furthermore, in an article on the impact of war on the natural environment, Marc Lallanilla has referred to the history of the devastation of nature by war. According to him:

> The natural environment has been a strategic element of war since the first rock was thrown by the first cave dweller. The armies of ancient Rome and Assyria, to ensure the total capitulation of their enemies, reportedly sowed salt into the cropland of their foes, making the soil useless for farming—an early use of military herbicide, and one of the most devastating environmental effects of war (Lallanilla , 2020).

Perhaps, Lallanilla adds, "the spray of herbicides like Agent Orange on the forests during the Vietnam War by U.S. forces is the most noticeable devastation of nature". Regarding the use of toxins against Nature, Arthur H. Westing too, in an

of meanings in which human beings live and it is always given in advance. It is in the heart of such a world that everyone has an understanding of everything, that is, every face he encounters as something (*als etwas*) has a preconceived meaning for it, and on that basis communicates with everyone and everything. It can thus, be said that in the face of phenomena such as "crisis-stricken nature", the fundamental reality of "worldliness" must be taken into consideration. Thus, the "nature in crisis," the devastating technological warfare that has caused this crisis, and the pandemics that threaten natural-civil life, all reveal a certain Worldliness in the history of mankind; a Worldliness that Heidegger calls "Enframing" (*Gestell*).

1) Technicity as Dehumanized Worldliness. In an interview with Frankfurter Rundschau in July 2020, Jurgen Habermas affirms that contemporary "complex societies are constantly faced with great uncertainties'. With the diffusion of Coronavirus however, he emphasizes, "existential uncertainty is now spreading globally." This uncertainty, Habermas believes, does not merely relate to the danger of Corona pandemic, but in fact it is the unforeseeable economic and social consequences which have become so dreadful for many:

> In this regard - so much one can know - there is something different from the virus, for the time being no expert who could safely assess these consequences. Economic and social science experts should refrain from making careless forecasts. One thing can be said: there has never been so much knowledge about our ignorance and the compulsion to act and live under uncertainty (Schwering, 2020).

A concern similar to Habermas' concern regarding knowledge and ignorance was expressed by Martin Heidegger when ten years after the Hiroshima - Nagazaki catastrophe the Nobel Prize winners stated that: "Science [and that is modern natural science] is a road to a happier human life". Heidegger, in a Memorial Address in October 1955, four months after the scientists' proclamation, asked vehemently whether such statement "springs from reflection"; or, for that matter, has pondered "on the meaning of the Atomic Age?". According to Heidegger, the overruling character of modern science is Calculative thinking. This is the thinking which "computes ever new, ever more promising and at the same times more economical possibilities. Calculative thinking is the cornerstone of the contemporary Worldliness in which Technology plays a significant role (Heidegger, 1966, 46).

2) Gestell v.s Nature. Heidegger problematized the Worldliness of calculative thinking along with technological mastery and the subjective "will to power". Accordingly, he "formed an insight into the peculiar form of understanding which he called the 'essence' of technology (*Wesen der Technik*). To explain what he means

scientifically- based technological warfare, and as the result it has practically nurtured viruses with pandemic - infectious consequence. Now, however, there remains serious questions to be answered as regards the relationship between the destructive- strategic preoccupation which has resulted in pandemics such as Covid-19, on the one hand, and the Scientific knowledge, on the other hand. So far, Natural Sciences and positivistic Social Sciences have not been able to deal adequately with such questions. Modern scientific knowledge has capacities to provide some answers and certain solutions regarding the repercussions of Covid-19. Yet, it is not able to deal with the paradox of trying to resolve a problem which in the final analysis is created by itself.

It was exactly with similar preoccupation that in the second decade of the 20th century, when the whole world had fallen into the devastating impacts of W.W.I, Edmund Husserl and Martin Heidegger, who lived through this highly turbulent time in western history, understood their own thinking in relation to an imminent crisis of the west. They both saw humanity "in need of a new spiritual orientation which the scientific developments of modernity had somehow been obstructing." (Van Mazijk, 2019, 519–541)

In his effort to transgress the Kantian banishment of "things themselves" (*noemena*) from human consciousness, Husserl tried to reestablish a linkage between human experience and the "outer" world. This assertion was finally substantiated with the notion of lifeworld (*Lebenswelt*), which signified the primacy of the pregiven of the world which situates any encounter with things. For Husserl, the givenness of the lifeworld situates the scientific attitude within the dimension of the worldly orientation of human self-relations. (Gander, 2017)

Heidegger, though with the same spirit as that of Husserl, but with a more radical approach regarded the inadequacy and obstructing role of natural sciences to be due to their neglect regarding the primacy of the Worldliness (*Weltlichkeit*):

> "Worldliness" is an ontological term and means the structure of a constitutive moment of being-in-the-world. But we know this as the existential determination of existence. Accordingly, worldliness is itself an existential. … The worldliness itself is modifiable to the respective structural whole of particular "worlds", but in itself it determines the a priori of worldliness in general. (Heidegger, 1927, 87)

As such, "worldliness" is the previously saturated world with networks of "Meanings", "Signs", "Symbols", and "Significances". Thus, instead of Marx's ideology or class consciousness, Nietzsche's personal perspective, Dilthey's worldview, and Husserl's "Lifeworld", Heidegger sees "Worldliness" as the network

Interdisciplinary
Studies in the Humanities
6
Volume 12
Issue 2
Spring 2020

INTRODUCTION

Questions regarding Coronavirus are of four types: the first type regards the "the nature" of this virus, namely its "whatness"; the second type is that of its "whereof". While the third type regards the repercussions of this pandemic, the forth type is the old recurrent type of question, namely the question of "what is to be done." To the first and second question scientists and researchers in medical, chemical, biological, and environmental sciences have provided some answers. As regards the repercussions, social, economic, psychological, and political sciences are increasingly involved in analyzing and forecasting. Apparently, Future Studies which so far has not taken pandemics into consideration in its scenarios or projections for future now has started to take them into consideration.

In an article for the Guardian in June 2020, Peter Daszak , the president of Eco-Health Alliance, has argued that "determining the origins and emergence of a pandemic is messy and complex." Accordingly, he has claimed that Suggestions that Covid-19 is a man -made virus "are the latest chapter in a tale of blame, misinformation and finger-pointing." *(*Daszak, 2020) Before Daszak, in November 2005, in the *International Journal of Infectious Diseases*, Michael M. Patterson, had propound the idea that the lessons learned as the "result of the 1917-1918 pandemic could prove useful once again if (or when) a new influenza pandemic occurs." (Patterson, the Coming Influenza Pandemic, 2005, 498-500) Ten years after Patterson, Allen G.P. Ross and his colleague alarmed in the same scientific journal that the spread of the Ebola virus warns against the occurring pandemic shortly in near future:

> As the Ebola virus pandemic declines, we must reflect on how we have mismanaged this recent international crisis and how we can better prepare for the next global pandemic. Of great concern is the increasing frequency of pandemics occurring over the last few decades. (Ross, 215, 89-94)

In the same Journal, it is elucidated that the pandemic emerging or re-emerging infectious diseases have appeared every decade. But now the frequency between pandemics seems to be disturbingly shorter as is evident with diseases like Severe Acute Respiratory Syndrome (SARS) in 2003, Influenza A H1N5 (bird flu) in 2007, H1N1 (swine flu) in 2009, Middle East Respiratory Syndrome (MERS) in 2012, and Ebola in 2014. (ibid)

A PHENOMENOLOGICAL ENCOUNTER

With the inception of the Covid-19 pandemic it already was scientifically proven that pandemics originate in the "Nature" (wildlife, environment, climate change). It has also been revealed scientifically that this "Nature" is systematically devastated by

Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 5-18, Spring 2020

Manoochehri, A. (2020). Corona pandemic as an invisible-manifest civil war [English version]. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 5-18. doi: 10.22035/ISIH.2020.4070.4147

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.4070.4147 URL: http://www.isih.ir/article_337.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Corona Pandemic as an Invisible–Manifest Civil War

Abbas Manoochehri[1]

Received: Feb. 20, 2020; Accepted: Mar. 04, 2020

Abstract

With the unprecedented speed of diffusion, and with the unimagined persistence in disturbingly challenging human interaction from minute to mega level, the Covid -19 has now become a major preoccupation for experts as well as the lay people everywhere. Coronavirus has not only jeopardized human health, but has even more effectively disrupted human lifeworld in a limitless fashion. Simultaneously, it is also a fact that the time interval between pandemics is shortening and the density and destructive power of each new one is increasing. This means that humanity is not threatened by only a particular virus, but it is experiencing the situation of a devastating trend of intensifying pandemics. Obviously, there have been increasing attempts, scientifically and otherwise, to find answers regarding pandemics in general and for Coronavirus in particular. There is also a consensus that Coronavirus comes from wildlife and its threat for humanity is persistent. It seems, however that questions about possible ways and approaches to prevent or to resolve the riddle of pandemics requires something more than what paradigmatically dispersed and discursively confined "knowledge" of present Age can provide. This article is an attempt to encounter this phenomenon from an interdisciplinary standpoint. It is claimed here that all questions, fears, and anxieties regarding Coronavirus can be answered if it is recognized that the contemporary Lifeworld has already been a world - in - crisis due to the requirements of technicization the results of which are now fully manifested in apparently intrusive, but world- imbedded - deadly virus.

Keywords: Coronavirus, pandemic, Phenomenology, calculative thinking, worldliness (weltlichkeit), technology, gestell (Enframing), dystopia, Martin Heidegger, Herbert Marcuse

1. Professor of Political Science, Dept. of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
✉ manoocha@modares.ac.ir

Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 3, Spring 2020

Fazeli, M. (2020). Guest Editor's preface [English Version]. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 3. doi: 10.22035/ISIH.2020.334

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.343 URL: http://www.isih.ir/article_343.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

GUEST EDITOR PREFACE:

COVID-19 Crisis: An Interdisciplinary Problem

The COVID-19 crisis in Iran has drawn the attention of academic scholars in all fields of knowledge. The researchers of humanities and social sciences as the same as the scholars of medical sciences and epidemiologists have been trying to participate in the whole process of crisis management. There have been published an enormous number of books and articles in the scopes of sociology, history, philosophy, linguistics, psychology, anthropology, economics, management, literature, geography, politics, theology etc. in Farsi, English, and other languages by Iranian and non-Iranian authors and researchers. This plethora of literature indicates that the Corona crisis is an interdisciplinary and transdisciplinary phenomenon so that we cannot face that with disciplinary viewpoints. Besides, during the last few months, humanities and social sciences have proved their abilities and values to serve the society in critical situations. The scholars of these areas of knowledge have been involved in academic studies and activities, which their results have been digitally published for the public. These scholars, as social actors, have also been participating in volunteering and civic activities to provide help for the people. Articles published in this issue of the journal of interdisciplinary studies in humanities are parts of that huge job.

the benefits of gaining power. In international relations domain, too, the situation caused by the coronavirus outbreak raises various hypotheses, including it's paving the way for positive, empathetic and justice oriented initiatives, on the one hand, and events of domination and threatening peaceful intentions, on the other, and they all deserve the attention of researchers in this field.

In any case, as the chief editor I must admit that the coronavirus pandemic has provided an opportunity for The Interdisciplinary Studies Quarterly to invite researchers and thinkers in various academic fields to reflect their views in this noble and, of course, interdisciplinary issue. As it was mentioned, by dedicating two special issues to this crisis, we have turned the quarterly into one of the platforms that tried its best to stimulate meaningful efforts to meet one of the urgent needs of our society. Fortunately, this decision has met with widespread approval by the scientific community, and thus, has made remarkable resources available to the quarterly's educated audience. This achievement was primarily due to a wise policy adopted by the quarterly's editorial board to publish two special issues related to this crisis. But I must also thank Professor Nematullah Fazeli who accepted the editorial board's invitation to shoulder the responsibility of acting as guest editor for these issues and bring the work to its conclusion with competence in an efficient manner.

I am hopeful that this collection, for its part, strengthen the link between the country's policy-making bodies and centers of knowledge at various levels and help increase the intellectual quality and effectiveness of decisions made.

Interdisciplinary Studies in the Humanities, 12(2), 1-2, Spring 2020

Mehrmohammadi, M. (2020). Editor's note [English Version]. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 1-2. doi: 10.22035/ISIH.2020.344

Doi: http://dx.doi.org/10.22035/ISIH.2020.344 URL: http://www.isih.ir/article_344.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

EDITOR'S NOTE

Perhaps, the world, in recent decades, has not experienced a more bitter, frightening, and deadly event than the outbreak of the Coronavirus or Covid-19. This pandemic, on the other hand, has also left positive traces on human life and, therefore, should not be considered as a threat, loss and a catastrophe altogether. As soon as these two aspects of this phenomenon are acknowledged, it opens the way to scholarly researches of all sorts in this area. The macro question that needs to be addressed is what kind of destructive and constructive impacts Covid-19 has had on human beings or how it will affect life in both directions in the future?

On the other hand, the scope of influence of this phenomenon is so wide that it has captured the attention of thinkers and researchers from a wide realm of academic fields and will continue to do so. In other words the aforementioned macro question must be translated into various micro questions specific to different fields of scholarly endeavor in order to direct the actions taken within that field. When it comes to diverse fields of knowledge influenced by coronavirus pandemic, disciplines such as education (both public and higher), economics, psychology, and mental health might come to the mind first. But it certainly has a much broader and more serious scope of reach, including theology, philosophy, sociology, law, and even politics and international relations. Interestingly, the spring of 2020 issue of The Interdisciplinary Studies Quarterly,

The first issue of two thematic issues devoted to corona virus, is being published at a time when the world is witnessing a political turmoil in the United States in the run up to the presidential election there. If we want to give an example about the coronavirus pandemic and its impact on the political arena, the best, the newest and perhaps the most important will be the outcome of the 2020 US presidential election. Trump's defeat and his ouster from office, for many observers and analysts, have been influenced by the way he dealt with Covid-19. In other words, a successful management and less mortality rate due to this phenomenon could have significantly increased his chances of re-election. His political rival beat the drum louder and louder, perhaps overstating his weakness in handling the situation and reaped

Contents

Editor's Note / 1

Guest Editor Preface: COVID-19 Crisis, An Interdisciplinary Problem / 3

Corona Pandemic as an Invisible–Manifest Civil War
Abbas Manoochehri / 5

COVID-19 Crisis and Cultural Reflexivity in Iran
Nematollah Fazeli / 19

Understanding the Social Realities and Consequences of the COVID-19 Crisis Based on Niklas Luhmann's theory of Social Systems
Mohsen Shafiee Seifabadi, Ali Bagheri Dolatabadi / 25

Digital Culture and Visual Studies: Nostalgia and Dreaming After COVID-19 Event in Iran
Hamed Taheri Kia / 33

Suspension, Fear and Reflexivity; Youth construction of Social Living by COVID-19
Hossein Afrasiabi, Maryam Baharlouei / 41

Intimate Strangers: Afghan Students Lived Experience in the COVID-19 Crisis
Saideh Saidi / 47

Futurology on the Effects of the COVID-19 Crisis on Higher Education
Gholamreza Zakersalehi / 55

Quarterly Journal of
Interdisciplinary Studies in the Humanities
Volume 12, Issue 2, Spring 2020

Director-in-Charge: Hossein Mirzaei, PhD
Editor-in-Chief: Mahmood Mehrmohammadi, PhD
Guest Editor: Nematollah Fazeli, PhD
Publisher: Institute for Social and Cultural Studies (ISCS)

Editorial Board

Gholam-Ali Afrooz, Professor of Tehran University; **Morteza Bahrani,** Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; **Micheal Cook,** Professor of Princeton University; **Hossin Ebrahimabadi,** Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; **Eckart Ehlers,** Professor of Bonn University; **Hassan Hanafi,** Professor of Cairo University; **Hadi Khaniki,** Professor of Allame Tabatabaei University; **Maghsoud Farasatkhah,** Professor of Institute for Research and Planning in Higher Education; **Reza Mahoozi,** Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; **Abbas Manoochehri,** Professor of Political Science, Tarbiat Modares University; **Mohammad Ali Mazaheri,** Professor of Shahid Beheshti University; **Hossein Mirzaei,** Associate Professor of Tehran University; **Mostafa Mohaghegh Damad,** Professor of Shahid Beheshti University; **Fathollah Mojtabaie,** Professor of Tehran University; **Faramarz Rafi'poor,** Professor of Shahid Beheshti University; **Dariush Rahmanian,** Associate Professor of Tehran University; **Mohammad Taqi Rahnamaie,** Associate Professor of Tehran University; **Mohammad Hadi Zahedi Vafa,** Associate Professor of Imam Sadiq University.

Referees of this Issue

Sayed Mohsen Alavipour, Assistant Professor of Political Sciences, Tarbiat Modares University; **Hasan Bashir,** Professor of International Communications Sociology, Imam Sadiq University; **Hosein Ebrahimabadi,** Associate Professor of Educational Sciences, Institute for Social and Cultural Studies; **Maghsoud Farasatkhah,** Professor of Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education; **Namatollah Fazeli,** Professor of Anthropology, Institute for Humanities and Cultural Studies; **Ali Khorsandi Taskooh,** Assistant Professor of Curriculum Planning, Allame Tabatabai University; **Mostafa Mehrayin,** Assistant Professor of Sociology, National Research Institute for Science Policy; **Hossein Mirzaei,** Associate Professor of Tehran University; **Reza Samim,** Assistant Professor of Sociology, Institute for Social and Cultural Studies.

Indexing Databases

- For further information, please visit: www.isih.ir
- All rights reserved for publisher

Address:
No. 124, Momen Nejad St. (1st Golestan), Pasdaran Ave., Tehran, Iran
P.O Box: 1666914711
Tel: +98 21 22570719 **Fax:** +98 21 22570722
Email: info@isih.ir **Website:** http://www.isih.ir

ISSN: 2008-4641

46 Interdisciplinary Studies in the Humanities
Volume 12, Issue 1, Spring 2020

Corona Pandemic as an Invisible–Manifest Civil War
Abbas Manoochehri

COVID19- Crisis and Cultural Reflexivity in Iran
Nematollah Fazeli

Understanding the Social Realities and Consequences of the COVID19- Crisis Based on Niklas Luhmann's theory of Social Systems
Mohsen Shafiee Seifabadi, Ali Bagheri Dolatabadi

Digital Culture and Visual Studies: Nostalgia and Dreaming After COVID19- Event in Iran
Hamed Taheri Kia

Suspension, Fear and Reflexivity; Youth construction of Social Living by COVID19-
Hossein Afrasiabi, Maryam Baharlouei

Intimate Strangers: Afghan Students Lived Experience in the COVID19- Crisis
Saideh Saidi

Futurology on the Effects of the COVID19- Crisis on Higher Education
Gholamreza Zakersalehi

Institute for Social and Cultural Studies
Ministry of Science, Research and Technology